

ورزش

سال پنجم • مهر ۷۵ • ۷۶ صفحه • ۲۰۰ تومان

۳۰

ورزش زنان، بندبازی تا کی!

۱۹۹۶ ۱۹۹۶



• تراژدی تب تکد عشق

نقد بهاء الدین خرمشاهی

بر «بامداد خماری»

• آموزش حقوق زن

(خواستگاری و نامزدی)

از: بهرانگیز کار

• خواهران عشق

و انتظار

نقدی بر آخرین

فیلمهای حاتمی کیا



• لیدا فریمان:

مدال آوری من همان

اندازه می توانست

ارزشمند باشد که

برجمداری من

• بارک جیتگر

و باقی قضایا...

• مدیرکل ورزش باثوان:

این طور که شما

سؤال می کنید،

جنجال برانگیز است!

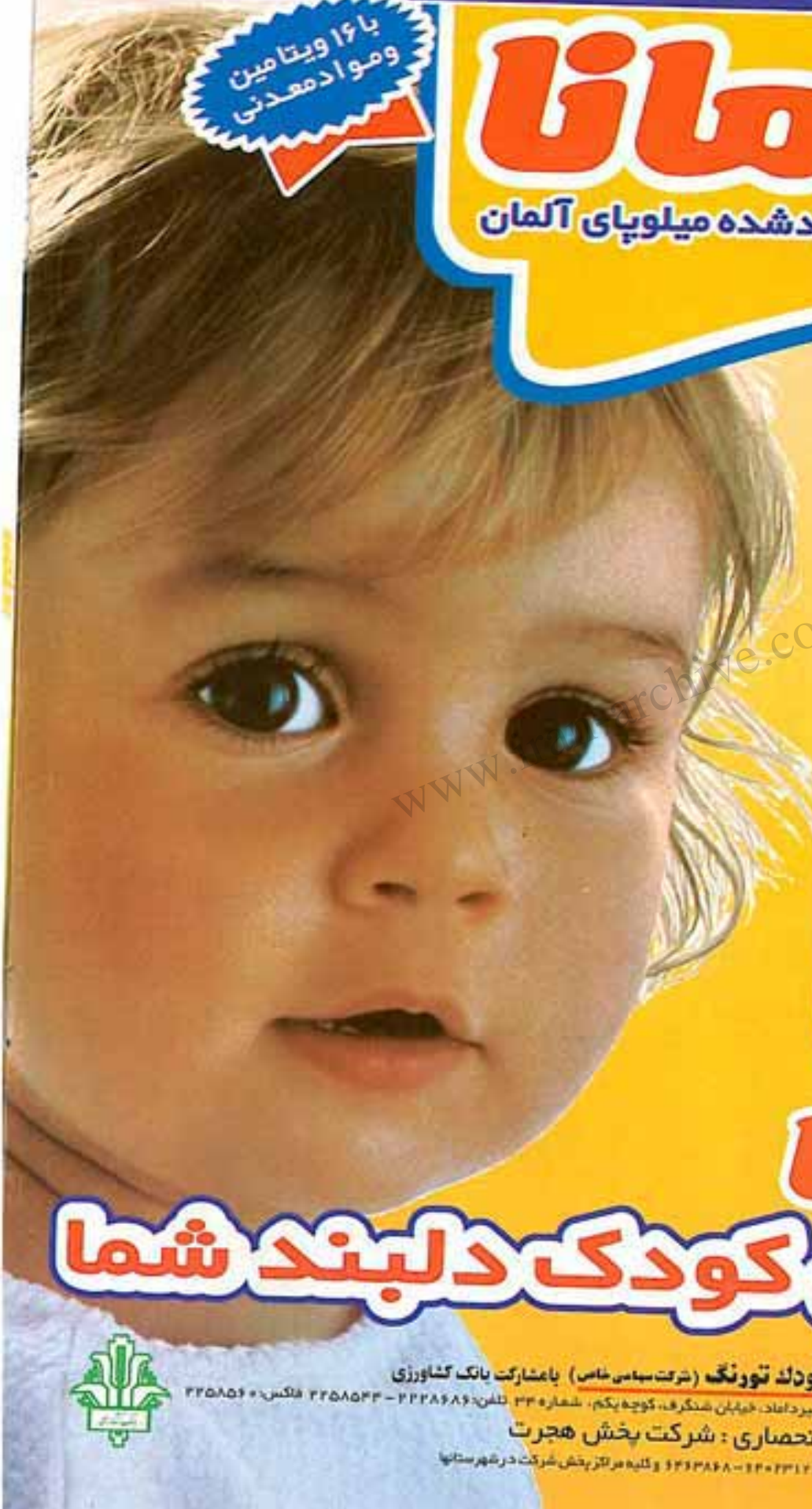


غذای غله‌ای برای شیرخواران و کودکان

با ۱۶ ویتامین
و مواد معدنی

مامانا

با فرمولهای تأیید شده میلوپای آلمان



غذای کودک دل‌بند شما



صنایع غذایی کودک تورنگ (شرکت سهامی خاص) با مشارکت بانک کشاورزی
تهران ۱۵۳۹۶ - بلوار میرداماد، فریبان سنکرف، کوچه یکم، شماره ۳۳، تلفن: ۲۲۲۸۶۸۹ - فکس: ۲۲۵۸۵۴۴ - ۲۲۵۸۵۶
توزیع کننده انحصاری: شرکت بخش هجرت
تلفن واحد فروش تهران: ۲۲۲۱۲۰ - ۳۴۳۳۸۶۸ و کلیه مراکز بخش شرکت در شهرستانها



www.archive.com

زنان

سال پنجم شماره ۳۰ مهر ۷۵
زنان نشرهای است اجتماعی که یکبار در ماه منتشر می‌شود.

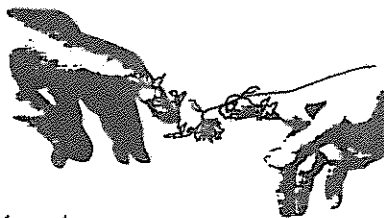
سرخوان

- ۲ ورزش زنان، بندبازی تا کی؟: مدیر مسئول
- ۳ گزارش و خبر
نظیر زنان تهرانی در مورد ورزش بانوان: فاطمه نیکدژاد
- ۴ کوپرتن هم مخالف حضور زنان در المپیک بود: عطاء بهمنش
- ۶ این طور که شما سؤال می‌کنید چنجال بر انگیز است: شهلا رسول‌زاده
- ۱۰ حتی اگر همه زن باشند، محیط باید ایزوله و خوب باشد / با مسئولان و دبیران هیئت‌های ورزشی استان تهران: نازنین شاه‌رکنی
- ۲۶ این روزها همه چیز را به ورزش بانوان نسبت می‌دهند: پروین لطفی
- ۲۸ بارک جیتگر و باقی قضایا...: پروین اردلان
- ۳۱ زنان سوارکار میدان می‌خواهند: آفرین شهریاری
- ۳۵ گفت‌وگو با مسئولان سیمای جمهوری اسلامی ایران: رابعه رحیمی
- ۳۸ زنان مسلمان از انزوای درآمدند:
- ۴۰ مدال آوری من همان اندازه می‌توانست ارزشمند باشد که پرچمداری من / تأثیری دبیر یا بر آینده ورزشی زنان ایران: سیما سماواتی
- ۴۶ زنان هم دارند قهرمان ملی می‌شوند / سریع‌ترین زن عالم / می‌گویند این زنان قهرمان دوپینگ می‌کنند / غاده شعاع سوری، خطری جدی برای جکی جویشر امریکایی: ترجمه رزا افتخاری
- ۵۲ زن حیرت‌انگیز: ترجمه مرجان صاحبی
- ۵۳ نلی، نخستین زن داور کنار: ترجمه شادی ابطحی
- ۵۴ زنان نام‌آور کوه‌ها: ع. جعفری
- ۷۰ خیر:



حقوق

- ۵۶ آموزش حقوق زن به زبان ساده (خواستگاری و نامزدی): مهرانگیز کار
- اندیشه



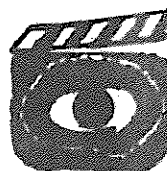
۶۳ هرچه از دوست رسد...

ادبیات

۶۰ تراژدی تب تختد عشق: بهاء‌الدین خرمشاهی

هنر

۶۶ خواهران عشق و انتظار: نغمه ثمنی



علم

۶۸ کتابخانه زنان: کلی امامی

حروفچینی کامپیوتر: معصومه رحیمی
چاپ رنگی: هادی، تلفن: ۳۹۳۱۳۹
چاپ متن: چاپ گستر، تلفن: ۶۰۲۶۸۷۱

طراح گرافیک: کوروش شبگرد
عکس‌های روی جلد: محمد فرهود

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: شهلا شرکت
مدیر داخلی: رزا افتخاری
ویراستار فنی: لیلا صمدی

License Holder & Editorial Director:

Shahla Sherkat

Zanan is a Persian - language Journal
published monthly

Each issue contains articles and reports
related to the women's problems.

مستلوق پستی: ۵۵۴۳ - ۱۵۸۷۵

تلفن: ۸۳۴۲۹۸

فکس: ۸۸۳۹۶۷۴

شماره سریال بین‌المللی: ۲۰۵۲ - ۱۰۲۱

زنان در زمینه فعالیت‌های هنری، آموزشی و خدماتی آگهی می‌پذیرد.
زنان در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است.
مطالب ارسالی بازگردانده نمی‌شود.
حقوق چاپ و انتشار، نقل مطالب، طرح‌ها و عکس‌ها برای مجله زنان محفوظ است.

ورزش زنان،

بندبازی تا کی؟!!

پیش‌نیاز این حرکت ملی همگانی کردن ورزش زنان به دور از جنجال‌های سیاسی و در ادامه سرمایه‌گذاری برای حرفه‌ای شدن آن است.

✱

گزارش اصلی این شماره را به موضوع ورزش زنان اختصاص داده‌ایم. تهیه این گزارش - همچون بسیاری از مسائلی که مجله به آنها می‌پردازد - سخت و ناهموار بود. پرهیز و بعضاً عافیت‌طلبی بعضی از مسئولان، فقر اطلاعات و ضعف دستگاه‌های اطلاع‌رسانی داخلی، مسئولیت‌ناپذیری مسئولان بعضی رسانه‌ها و عدم احساس وظیفه برای توضیح امور حوزه خود به زنان کشور، هفت‌خوان‌های نفس‌گیر بر سر راه ارتباط با دست‌اندرکاران و مانع‌تراشی مراکز ذی‌ربط در راه دسترسی به منابع تصویری، مثنی از خروار مشکلات ما برای گردآوری این مجموعه بود که کار انتشار مجله را نیز تا مدت‌ها به تأخیر انداخت. جای خالی بعضی مسئولان نیز در این مجموعه یکی از تبعات این مشکلات بود.

ساختار کلی گزارش به گونه‌ای طراحی شده که بتوانیم، در حد توان، در دو بخش داخلی و بین‌المللی به موضوع بپردازیم و در کنار آن با چهره‌هایی از زنان ورزشکار جهان - که امروزه فرمانان ملی کشورشان هستند - به‌ویژه در المپیک آتلانتا آشنا شویم.

یادآور می‌شویم که مطالب تدارک دیده شده برای این مجموعه حجمی در حدود دو برابر مطالب منتشر شده داشت که متأسفانه به دلیل مشکلات اقتصادی ما برای تهیه کاغذ و عدم انجام همیشگی تعهدات وزارت ارشاد برای واگذاری سهمیه کاغذ «زنان»، به‌ناچار نیمی از مطالب به قیچی حذف سپرده شد و از این بابت شرمندۀ همه عزیزانی شدیم که نتوانستیم زحماتشان را به ثمر بنشانیم.

از آنجا که تا حالا مرد - ببخشید - زن این میدان نبوده‌ایم و ادعای میدان‌داری نداریم، مجموعه‌ای فراهم آورده‌ایم که تحفه‌ای نیست و امکان عرضه آن تنها با خطاپوشی دوستان و نخبگان این عرصه میسر است. ■

مدیر مسئول

نمی‌شود بوقی بالندگی ورزش زنان ایران گوش دنیا را پر کند اما بودجه آنها یک‌دهم ورزش مردان باشد و در حسرت وسیله و مربی و داور و غیره سر کنند. نمی‌شود با روش کج‌دار و مریز مدیریت کرد و ورزش زنان را در عرصه‌های بین‌المللی و حتی در بازی‌های زنان کشورهای اسلامی، که خود میدخ آن بوده‌ایم، مطرح ساخت.

اگر در این مجموعه گفت‌وگوهای صریحی با مسئولان ورزش بانوان داریم معنایش این نیست که گریبان معلول‌ها را گرفته‌ایم و دنبال فرد مقصری می‌گردیم. بی‌شک علت اصلی را باید در سیاست‌های کمی و کیفی و نگرش سیاست‌گذاران جست اما به‌طور جدی معتقدیم که تقد عملکرد زنان در سطوح مدیریت ورزش بانوان به قوت کار می‌انجامد نه ضعفش. آنان دروازه‌بانانی هستند که می‌توانند با تدبیر، به کارگیری تکنیک و تخصص و به‌خرج دادن اندکی جسارت - ولو به قیمت زخم خوردن - ضربه توپ‌هایی را که به زمین ما شلیک می‌شود، بگیرند. چرا که جبران خسارت هر گُل حریف مستلزم صرف وقت و نیروی نفس‌گیری است. تجربه نشان داده است که اغلب اوقات حریف پس از کاشتن گُل‌های خود بقیه بازی را به وقت‌کشی می‌گذرانند، آن‌قدر که موضوع شامل مرور زمان شود و تبدیل به سوژه‌ای مرده و دیگر بدآوازه. راستی ما تا کی می‌خواهیم دقیقه‌نودی باشیم؟

حمل نمادین پرچم ایران در مراسم افتتاحیه المپیک آتلانتا به‌دست تنها زن عضو تیم ملی تیغ دودمی بود که یک لبه آن به مصاف تبلیغات رایج علیه ایران می‌رفت و به دنیا پیام می‌داد که زنان ایران در عرصه‌های ورزشی فعالند و جمهوری اسلامی از ورزش آنان در چارچوب ضوابط اسلامی حمایت می‌کند. لبه دیگر، اما، از غیبت و عدم حضور فعالی زنان ایران در نیای ورزش گزارش می‌داد. بیاد داشته باشیم پرچم‌داری زن ایرانی تنها یکبار می‌تواند چشمان جهان را خیره کند. پس از آن برای داشتن حرفی در نیای ورزش نیازمند زنانی قهرمان بر سکوه‌های بین‌المللی هستیم.

قضیه برمی‌گردد به بیش از شش‌ماه پیش. در گرماگرم انتخابات دوره پنجم بود که ترکیب تصفیه حساب‌های سیاسی به ورزش زنان اصابت کرد و قائله دوچرخه‌سواری به راه افتاد. طالبان فرصت از کمین‌گاه بیرون جستند و برای داغ کردن بازارشان از کاه کوه ساختند و مثل همیشه سیاست و سنت و ایمان و البته این‌بار ورزش را در هم آمیختند تا باز هم از این آب گل ماهی خودشان را بگیرند. ما هم غیرتمان گل کرد که برویم و ببینیم کی ستولی این امامزاده است و چرا او را خواب برده‌است و به میدان این هم‌اوردطلبان در نمی‌آید و نمی‌رسد که حرف حساب چیست و سخن نا‌حساب کدام؟

ما که نه سیاسی‌کار بودیم و نه ورزش‌کار، فقط می‌خواستیم بدانیم دوچرخه‌سواری را با سیاست چه‌کار؟ و چند کلمه درباره سیاسی شدن ورزش و مثل همیشه لوٹ شدن مسائل مربوط به زنان بنویسیم. از سوی دیگر، ناصحان مثنقی بندهمان داده بودند که این‌بار کمی فتیله را پایین بکشیم. که دست بر قضا دیدیم فتیله ورزش زنان بدجوری - ببخشید - خوب جوری پایین کشیده شده است. گفتیم عیبی ندارد. همیشه که نباید ما گُل آتش را در دست بگیریم. این‌بار کمی دست به عصا راه می‌رویم. با متولیان ورزش و ورزشکاران و رسانه‌ها صحبت می‌کنیم، بعد هم سری به المپیک می‌زنیم. اما پیش‌تر که رفتیم، دیدیم اصلاً حرف زدن درباره کل ورزش زنان بازی با آتش است.

از پیش هم حرف و حدیث‌ها را حدس زدیم: «عجب فتیله را پایین کشیده‌اید!» «با این‌کار به ورزش زنان خدمت نکردید!» «در چنین وضعیتی شما باید برای ورزش زنان تبلیغ می‌کردید!» «جنجال‌آفرینی کردید»... اما راستی بندبازی تا کی؟!!

نمی‌شود گفت ورزش بانوان فقط با حجاب ممکن است، اما اسباب و لوازمش را فراهم نکرد و آنجا هم که حجاب و ورزش با هم کنار می‌آیند، اشخاص و جریان‌ها وارد شوند، دشنام بدهند و راجع به مسائل زنان، ورزش زنان، حجاب زنان و... نظریه بپردازند و هر حرکتی را خاموش کنند.



نظر زنان تهران

فاطمه نیک‌نژاد

پژوهشگر امور سنجش برنامه‌ای

در مورد ورزش بانوان

آنچه می‌خوانید، خلاصه‌ای است از یک تحقیق آماری که در فهرست مطالب این شماره جای داشت اما متأسفانه هنگام بستن جدول مجله، به دلیل تنگنای جا و کاغذ، به ناچار اصل مطلب و جداول آماری آن - همچون بسیاری از مطالب دیگر - حذف شد و تنها نتیجه‌گیری آن به نظر شما عزیزان می‌رسد. شروع مقاله و کلیه آمارها و جداول این تحقیق برای مراجعه علاقه‌مندان در دفتر مجله موجود است.

ورزش می‌کنند، بیشترشان دختران دانش‌آموز هستند و احتمالاً ورزش آنها منحصر به زنگ ورزش است. زنان با تحصیلات بالاتر بیشتر به ورزش می‌پردازند.

● زنانی که ورزش نمی‌کنند، علت آنرا نداشتن وقت (۷۹ درصد) و ضروری ندانستن ورزش (۱۱ درصد) اعلام کرده‌اند.

● مجردها نسبت به متأهلها روزهای بیشتری در هفته و ساعات بیشتری در روز را به ورزش می‌پردازند. ۵۷ درصد از زنان در منزل، ۳۱ درصد در مدرسه و دانشگاه، ۱۰ درصد در باشگاه‌های خصوصی و ۴ درصد در ورزشگاه‌های تربیت‌بدنی ورزش می‌کنند.

● تقریباً همه زنانی که ورزش می‌کنند، ورزش را در سلامتی و شادابی جسم و روح و افزایش امید به زندگی مؤثر می‌دانند. تقریباً همه مردان خانواده با ورزش موافق هستند.

● ۵۶ درصد گروه نمونه با تبعیض بین پسران و دختران اصلاً موافق نیستند و ۲۱ درصد هم چندان موافق نیستند. ۶ درصد این نوع تبعیض را صحیح می‌دانند و ۱۷ درصد هم نسبتاً موافقت می‌کنند.

● ۶۲ درصد زنان کارهای خانه را نوعی ورزش به حساب می‌آورند. ۷۷ درصد زنان بی‌سواد در مقابل ۳۳ درصد زنان با تحصیلات عالی عقیده دارند که خانه‌داری نوعی ورزش است. به‌طورکلی، گروه نمونه وضع ورزش بانوان کشور را متوسط ارزیابی کرده و نظر افراد با سواد ابتدایی نسبت به ورزش زنان کشور مثبت‌تر بوده است.

● ۶۹ درصد گروه نمونه عقیده دارند که جداسازی ورزش زنان از مردان موجب گسترش ورزش زنان شده است. ۸ درصد معتقدند آن را تضعیف کرده و ۲۲ درصد هم گفته‌اند جداسازی

ورزش آنها می‌شود. همچنین دستیابی به نظر زنان در مورد ورزش و مسابقه‌های قهرمانی آنان. علاوه بر این، بررسی حاضر بیانگر نظر زنان در مورد برنامه‌های ورزشی صدا و سیما و پخش مسابقه‌های ورزشی زنان از تلویزیون و برداشت خانواده‌ها از ورزش است.

جامعه آماری این بررسی را زنان ۱۵ تا ۵۹ ساله ساکن شهر تهران تشکیل می‌دهند و فرد آماری یک نفر از جامعه آماری است.

حجم نمونه ۳۳۹ نفر است که با ضریب اطمینان ۹۵ درصد و براساس مقدار اشتباه در برآورد مناسب با بودجه بهینه (*optimum*) شده است.

روش نمونه‌گیری تلفیقی از سه روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی با انتساب نیم (*Allocation-Neyman*)، نمونه‌گیری با احتمال متغیر و نمونه‌گیری سیستماتیک دوره‌ای بوده است. وسیله گردآوری اطلاعات «پرسشنامه» بوده که توسط پرسشگران با تجربه، از طریق مصاحبه حضوری انجام شده است.

تحلیل اطلاعات نیز به‌طور توصیفی بر مبنای درصدگیری و آزمون χ^2 صورت گرفته است.

● براساس مجموع نتایجی که بدست آمده، ۶۲ درصد زنان ورزش نمی‌کنند. از ۳۸ درصدی که

در جوامع پیشرفته امروزی ورزش جزئی از برنامه روزانه مردم شده است. ورزش برای ایجاد نشاط و شادمانی، تأمین سلامت روحی و جسمی، افزایش قدرت بدنی و فکری و تقویت خصایل اخلاقی مفید است. همچنین ورزش بهترین وسیله آموزش فعالیت‌های اجتماعی به کودکان و نوجوانان است. علم پزشکی به ورزش، از جهت پیشگیری و درمان بیماری‌های جسمی و روحی، اهمیت خاصی می‌دهد و ورزش‌درمانی رشته‌ای از علوم پزشکی شده است.

ماشینی شدن جوامع و شهرنشینی در عصر حاضر موجب کاهش شدید فعالیت‌های جسمی شده. این عدم تحرک سبب بروز مشکلات روحی و اجتماعی نیز شده است. برای رفع این مشکلات، پیش از پیش، بر ضرورت ورزش تأکید می‌شود.

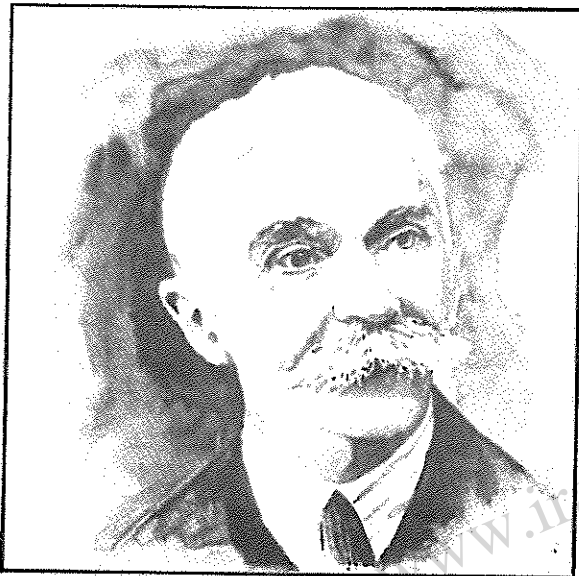
جامعه هنوز به اهمیت ورزش پی نبرده؛ عده زیادی از مردم هرگز ورزش نمی‌کنند و این مشکل در مورد بانوان نمود بیشتری دارد. آنها با این‌که به دلیل داشتن فیزیکی بدنی خاص و نوع فعالیت‌های روزانه نیاز بیشتری به ورزش دارند ولی به دلایل عذبه، مثل موانع فرهنگی، مشکلات اقتصادی، اجتماعی و عدم آگاهی، در این امر کوتاهی می‌کنند.

یکی از موانع عمده در راه گسترش ورزش بانوان در ایران مشکلات فرهنگی است که با تحقیقات همه‌جانبه می‌توان موانع و مشکلات را شناخت و درصدد چاره برآمد. تحقیق حاضر بیانگر گوشه‌ای از این مشکلات است.

هدف‌های عمده این بررسی عبارتند از: تعیین نسبت زنانی که ورزش می‌کنند و عللی که مانع



کو بر تن هم مخالف حضور زنان در المپیک بود



بارون پییر دو کوبرتن
اساساً با شرکت زنان در
ورزش‌های سنگین موافق نبود
و در سال ۱۹۳۶،
دلشکسته از افراط‌نازی‌ها
در بازی‌های برلین، به لوزان
سویس رفت و در آنجا
آرامش یافت.

سال ۱۹۹۲ در بارسلنای اسپانیا، شوروی (که هنوز از هم نباشیده بود و با ایالات متحده بر سر رقابت بود) مجموعاً ۱۱۱ مدال طلا، نقره و برنز را صاحب شد و آمریکایی‌ها به ۱۰۸ مدال دست یافتند.

روشن است که اگر هدف ورزشکاران صرفاً کسب مدال باشد، باید بازی‌ها را به این دو کشور واگذار کنند و دیگران بی‌کار خود برونه؛ بُردن ممکن است برای جوانان ورزشکار یک آرزوی جوانانه باشد ولی هرگز یک هدف نیست.

در بارسلنای اسپانیا ۹۳۶۴ ورزشکار (۶۶۵۷ مرد و ۲۷۰۷ زن) در پیکارها حضور یافتند و در پایان کار جمع مدال‌های توزیع شده ورزش‌های گروهی، افرادی و با در نظر گرفتن مدال‌های برنز ردیف‌های سوم (که گاهی به دو نفر تعلق می‌گیرد)، ۸۱۲ مدال طلا، نقره و برنز بوده است. با این احتساب، از آن جمع شرکت‌کننده تعداد ۸۵۵۲

امسال جوانان ورزشکار جهان یکصدمین سال نهضت المپیک را در «آتلانتا»، مرکز ایالت «جورجیا»، در ایالات متحده آمریکا جشن گرفتند. ایران نیز همانند ۱۹۷ کشوری که در خانواده «المپیک» عضویت دارند، در بیست‌وششمین دوره بازی‌های المپیک تابستانی شرکت کرد.

هنگامی که لیدا فریمان پرچم ایران را به دوش کشید و بچه‌های ایران سپیدپوش و خندان وارد ورزشگاه شدند، کوشش‌های چهارساله همه دست‌اندرکاران به‌بار نشست زیرا با تدارکی درخور توجه کوشیدیم که در ردیف جوانان جهان قرار گیریم.

برنده شدن در جشنواره بزرگ ورزشی جهان (بازی‌های المپیک) غرورانگیز است ولی به‌خاطر داشته‌باشیم که همه شرکت‌کنندگان در بازی‌ها با مدال‌های رنگین به خانه‌های خود باز نمی‌گردند. کافی است به‌یاد آوریم که در بازی‌های تابستانی



اثری ندارد.

۱۱ درصد زنان به تماشای مسابقات ورزشی مخصوص زنان می‌روند. بیشتر زنان به تماشای برنامه‌های ورزشی از تلویزیون علاقه چندانی ندارند؛ باوجود این، ۸۴ درصد آنها با پخش برنامه‌ها و مسابقات ورزشی زنان با رعایت مسائل شرعی موافقت و آن را موجب تشویق زنان به ورزش کردن می‌دانند.

۱۲ درصد از زنان اظهار کرده‌اند که صداوسیما در حد «خیلی زیاد» و «زیاد» به ورزش زنان می‌پردازد؛ درحالی‌که ۵۸ درصد گفته‌اند صداوسیما «کم» و «خیلی کم» به ورزش زنان می‌پردازد.

۴۶ درصد از گروه نمونه معتقدند که صداوسیما با تبلیغات می‌تواند به گسترش ورزش زنان کمک کند. ۱۹ درصد از برنامه‌های مخصوص زنان صحبت کرده‌اند. به‌طورکلی، ۸۴ درصد گروه نمونه عقیده دارند که صداوسیما به نحوی از انحا می‌تواند به گسترش ورزش زنان کمک کند.

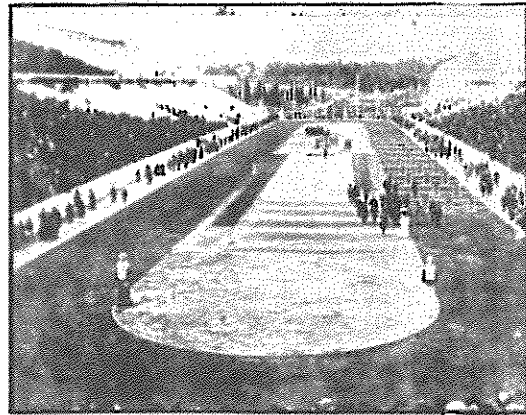
به‌طورکلی، حدود نیمی از زنان از برنامه‌های ورزشی مخصوص زنان در صداوسیما رضایت دارند. ۴۴ درصد گروه نمونه معتقدند که خانواده بیشترین تأثیر را در گرایش زنان به ورزش دارد. ۲۹ درصد وسایل ارتباط جمعی، ۲ درصد مدرسه و ۷ درصد هم دوستان و هم‌کلاسان را بهترین مشوق زنان در امر ورزش دانسته‌اند.

به‌طورکلی ۴۹ درصد زنان خواهان افزایش امکانات ورزشی، ۱۶ درصد خواهان تأسیس باشگاه‌های اختصاصی برای زنان و ۱۵ درصد هم خواهان تبلیغات بیشتر در زمینه ورزش زنان هستند. ۲۱ درصد نیز با پاسخ‌های «نمی‌دانم» و «نظری ندارم» از ابراز نظر خودداری کرده‌اند.



● پی‌یر دو کوبرتن فرانسوی مخالف‌ت خود را با حضور زنان، خاصه در ورزش‌های سنگین، ابراز می‌کرد و عقیده داشت این ورزش‌ها در طرز اندیشه و ساختمان بدنی زنان تغییراتی پدید می‌آورد.





ورزشکار بر کرسی قهرمانی قرار نگرفتند و مدالی به دست نیاوردند و با حساب نیکبری می توان گفت به طور تقریبی از هر ۱۲ نفر یک ورزشکار به مدال دست یافته است. پس جنگ بر سر مدال را رها کنیم و شکست خندانان ورزشی را به قهرمانان حرفه ای واگذار کنیم که حالا تعدادشان در بازی های المپیک و دیگر قهرمانی های جهان در رشته های ورزشی رو به افزایش نهاده و روح بازی ها که پس از جنگ جهانی دوم در هلندیک فلاند در سال ۱۹۵۲ اساس این نهضت بود، رو به نقصان نهاده است و میزبانان بازی ها به سود بازرگانی می انباشند و ورزشکاران حرفه ای نیز با فلان مارک البسه را تبلیغ کنند و یا فلان کولا را بنوشند... این مسائل به جهان ورزش به طور کلی بستگی دارد که جریان خود را طی می کند و سکون و آرامش نمی پذیرد و بازی های المپیک، به مرحله ای میدانی کاملاً مساعد است.

اراده زنان در ادوار گذشته

کهن ترین مدرکی که در یونان باستان از جشن های «المپیا» به دست آمده است، نشان می دهد که زنان یونانی حق حضور در میدان های ورزشی را نداشتند. تاریخ می گوید مادری از یک خانواده قهرمان در حالی که پسرش در پیکارهای بوکس شرکت کرده بود، با لباس مردانه به دشت «المپیا» می رود و به هنگام پیروز شدن فرزندش سرزبای نمی شناسد و او را در پیش چشم همگان در آغوش خود می فشارد. ظاهراً مردانی که خود ترتیب دهنده و اداره کننده جشن ها بوده اند، قرار گذاشته بودند که اگر زنی نافرمانی کند و به آنجا پا بگذارد، به مرگ محکوم شود و از تخته سنگ های بلند به پایین پرتاب شود! اما این زن چون پدرش، دیباگوراز، و برادرانش قهرمان المپیک بوده اند و مدت ها پسرش را تعلیم می داده است، مورد عفو قرار می گیرد. این حادثه در ۴۰۴ پیش از میلاد اتفاق افتاد.

زنان یونانی برای به دست آوردن آزادی کوشی مجذبه ای به خرج دادند و با همت و ابتکار بانویی کاردان، بنام هیپو دامیاری، جشن هایی خاص زنان ترتیب دادند و هر چهارسال یکبار بدون آنکه با

یکصدسال پیش از این، در روز آغاز بازی های ۱۸۹۶، در آتن، عکاسی ذوق به خرج داد و این عکس را چند ساعت پیش از پیکارها به یادگار برداشت.

جشن های مردان (المپیا) تقارنی داشته باشد، و دور از چشم مردان، به پیکار می پرداختند و به اساس تندرستی توجه خاص میذول می داشتند. این جشن های ورزشی زنانه که به نام همسر ژئوس ترتیب داده می شد و رونقی خاص داشت، پس از دستوی تشودوسیوس، امپراتور روم، در سال ۳۹۲ بعد از میلاد تعطیل شد.

کوبرتن هم مخالف حضور زنان بود

نخستین دوره بازی های نوبین صدسال پیش، در سال ۱۹۸۶ در آتن، سرزمین اصلی بازی ها، پا گرفت. این دوره از بازی ها، با حضور ۲۴۵ ورزشکار (که قسمت اعظم آنان از یونان بودند) از چهارده کشور جهان و بدون حضور زنان برگزار شد.

در دومین دوره بازی ها که در پاریس و در سال ۱۹۰۰ انجام شد، نوزده زن ورزشکار شرکت کردند و تا سال ۱۹۰۸ در مسابقات لندن تعداد ورزشکاران زن به ۳۶ تن رسید. در آن سالها فدراسیون های بین المللی ورزش های گوناگون پافشاری می کردند که زنان را در برخی از رشته های ورزشی المپیک شرکت دهند. پوشش زنان در آن سالها عبارت بود از پیراهن بلند با آستین بلند، جوراب و سرپند. در آن دوره از بازی های لندن، زنان در رشته های تیراندازی با کمان، اسکی، تنیس بر روی زمین چمن و خاک شرکت کردند.

در این میان، بارون پییر دوکوبرتن فرانسوی مخالفت خود را با حضور زنان، خاصه در ورزش های سنگین ابراز می داشت. او که موجبات حیات دوباره بازی های نوین بود، اصولاً عقیده داشت که رقابت زنان در ورزش های سنگین سبب خواهد شد که در طرز اندیشه و ساختمان بدنی آنان تغییری پدید آید. به خصوص در سال ۱۹۲۸، در نهمین دوره بازی ها در آمستردام هلند، که لینا رادکه از آلمان ۸۰۰ متر را در ۱۶/۸ - ۲ دقیقه دوید، حالی اکثریت دوندگان زن به هم خورد. بر پایه استدلال کوبرتن، این ماده از برنامه دوومیدانی زنان حذف شد و تا بازی های ۱۹۶۰ دگرباره به بخشی مسابقات افزوده نشد. اما اکنون توان زنان قهرمان جهان خیره کننده است و پدیده پرورش و توجه به تربیت بدنی سبب شده که زنان در مسابقات حدنصاب های باورنکردنی برجای بگذارند و نبوغ در این زمینه خاص مردان نباشد.

در اثبات این مدعا، نقی زنان کشورهای شرق اروپا، از جمله شوروی، آلمان شرقی (سابق)،

مجارستان، چکسلواکی، بلغارستان، چین و کوبا مثال زدنی و به یادماندنی است. از میان همه رکوردهای قابل بحث می توان به خصوص دویدن ماراٹن را پیش کشید که محک استقامت افراد است و در سال ۱۹۸۴ در بازی های لس آنجلس، در برنامه مسابقه زنان گنج جانده شد و سه دونه آمریکایی، نورزی و پرتغالی مدال ها را بین خود تقسیم کردند. ژوان بویت با زمان ۲:۲۴-۵۲ ساعت به خط پایان رسید و در مقام مقایسه اگر برآیم که در مسابقه های در جاده مرسوم نیست، با مردان پر قدرت جهان تفاوت زیادی ندارد. در لس آنجلس، کارلس لویز از پرتغال ماراٹن را، که ۴۲ کیلومتر و ۱۹۵ متر است، با زمان ۲:۰۹-۲۱ ساعت دوید و به قهرمانی رسید.

انقلاب اسلامی ایران و ورزش زنان

پس از انقلاب اسلامی که بر پوشش اسلامی زنان تأکید شد، زنان کشور در بازی های المپیک و به خصوص رشته دوومیدانی، شنا، شیرجه، جودو، فوتبال، والیبال، بسکتبال، وزنه برداری، هاکی روی چمن و... شرکت نکردند.

در مهرماه سال ۱۳۷۰، نخستین کنگره همبستگی ورزش بانوان کشورهای اسلامی در تهران تشکیل شد و سرانجام برگزاری نخستین دوره بازی های بانوان کشورهای اسلامی در بهمن ماه همان سال تحقق یافت. طبق آمارهای انتشار یافته، ۴۰۷ ورزشکار از ۱۱ کشور مسلمان در هشت رشته ورزشی با ضابطه های ویژه و در میدانی خاص پیکار کردند.

کمیته بین المللی المپیک نیز ناظری را به ایران اعزام کرد و مسابقه از لحاظ فنی تأیید شد. در این دوره از بازی های بانوان کشورهای اسلامی زنان قهرمان قریزستان به مقام نخست رسیدند و ایران و آذربایجان به ترتیب دوم و سوم شدند.

برگزاری این بازی ها موفقیت بزرگی بود که بسیار جلب توجه کرد و این نوید را داد که در آینده ای نه چندان دور سطح آن ترقی خواهد کرد. شیخ احمدفهد آل صباح، رئیس شورای المپیک

آسیا، در این باره گفت: «تاریخ اسلام به ما آموخته است که زنان ستون های مهم اجتماع هستند و می توانند در تمام زمینه های اجتماعی تحت لوای مذهب به فعالیت بپردازند که یکی از این زمینه ها ورزش کردن است، و این مسابقه ها یک قدم بسیار جدی است.» و حالا قرار است دومین دوره این بازی ها در ماه اکتبر سال ۱۹۹۷، در پاکستان برگزار شود و زنان کشورهای مسلمان در ۱۲ رشته به پیکار بپردازند.

گرد آمدن، مسابقه دادن و طرح مودت و همفکری ریختن راه روشنی است و روشن تر این که کارآمد شویم و با چشم باز و اندیشه ای رسا گام برنیم...



گفت‌وگو با مریم موسوی، مدیرکل اداره ورزش بانوان کشور

این طور که شما سؤال می‌کنید، جنجال

برای آنکه بدانیم در اداره کل ورزش بانوان کشور چه می‌گذرد، مشکلاتش چیست و چه می‌خواهد، از طاهره طاهریان، معاونت ورزش بانوان سازمان تربیت‌بدنی، درخواست گفت‌وگویی کردیم اما وی یک‌کلام اعلام کرد که معمولاً مصاحبه نمی‌کند و مدیرکل اداره ورزش بانوان کشور، مریم موسوی، را به نیابت از خود برای مصاحبه معرفی کرد. نکته جالب در این گفت‌و شنود، صراحت و صداقت و عدم پیگیری و پافشاری او برای کنترل متن صحبت خود و احتمالاً قیچی کردن آن بود. با قدردانی از این خلق‌وخوی نادر - که خلاف عادت بعضی از مسئولان است - این گفت‌وگو را می‌خوانیم: ■

● بودجه به نسبت کمی و چه چیزی افزایش پیدا کرده؟
○ ورزش بانوان در شهرستان‌ها مرتباً در حال گسترش است و به همین دلیل هیئت‌ها افزایش پیدا می‌کنند. در نتیجه نیاز آموزشی بالا می‌رود و تجهیزات بیشتری می‌خواهند. قیمت‌ها هم بالا می‌رود. مثلاً قیمت توپی که ما سال گذشته می‌خریدیم، امسال گران‌تر است، طبیعتاً سال آینده گران‌تر خواهد بود.
● جواب سؤال را نگرش، نگفتید نسبت به کمی و کجا افزایش پیدا کرد.
○ مثلاً بودجه در سال ۷۳، ۵۲ میلیون بوده، در سال ۷۴، ۷۲ میلیون بوده و امسال ۹۰ میلیون است. افزایشش به این شکل است.
● شما تا به حال با آقای هاشمی‌طبا راجع به این قضیه صحبت کرده‌اید که بودجه زنان را افزایش بدهند؟
○ بله، ایشان از محل بودجه‌های پیش‌بینی نشده، از بودجه‌های متمم، کمک می‌کنند. ایشان مسئول سازمانند و در جریان کامل امر هستند. این موضوع فقط مربوط به خانم‌ها نیست، مربوط به آقایان هم هست.
● بودجه خانم‌ها نسبت به آقایان چه نسبتی دارد؟
○ بودجه ورزشی خانم‌ها یک دهم بودجه آقایان است.
● خیلی وحشتناک است. شما هیچ‌وقت صحبتی درباره این مسئله نمی‌کنید؟

می‌دهد: مسابقه‌های قهرمان‌کشوری هست، سفرهای برون‌مرزی، کلاس‌های ارتقا، کلاس‌های مربی‌های بین‌المللی و تهیه وسایل. اینها را خود انجمن هزینه می‌کند.
● ۱۷۰ میلیون چه طور؟
○ ۱۷۰ میلیون تومان مال استان‌هاست، یعنی مال ۲۵ استان که تهران هم جزو آنهاست.
● این بودجه کافی است؟
○ نخیر، متأسفانه بودجه پاسخگوی نیاز ورزش بانوان نیست و به‌طور کلی بودجه ورزشی کم است.
● به‌طور متوسط معمولاً چه قدر کسر بودجه دارید؟

○ سعی می‌شود که فعالیت‌ها با توجه به بودجه برنامهریزی شود که صرفه‌جویی‌های لازم انجام می‌شود و بعضی از انجمن‌ها منابعی را برای مسابقات قهرمانی کشورشان پیدا می‌کنند و به کمک می‌گیرند. ما با کسر بودجه‌ای به آن مفهوم رویه‌رو نیستیم ولی دلمان می‌خواهد که بودجه کافی داشته باشیم و بتوانیم وسایل ورزشی مرغوبی تهیه کنیم.
● خوب این خودش کسر بودجه است.
○ کسر بودجه به بدهی اطلاق می‌شود که مثلاً یک کاری را انجام بدهیم و بعد بدهکار بمانیم.
● نه، منظورم کمبودهایتان است.
○ بله، برای تهیه وسایل ورزشی دچار مشکل هستیم.
● احداث ورزشگاه‌ها هم از همین...
○ نخیر، آنها از طرح‌های ملی یا بودجه‌های استانی و طرح‌های عمرانی تأمین می‌شود و ارتباطی به بودجه جاری ندارد. بودجه جاری برای برگزاری مسابقات، کلاس‌های آموزشی و تا حدی تأمین وسایل است. مشکل وسایلمان هم بیشتر در خصوص وسایلی است که همه‌گیر است. مثلاً در رشته ژیمناستیک کمبود وسایل داریم چون وسایلی گران‌قیمت است و باید از خارج خریداری شود. در مورد تشک‌های رزمی، وسایل شمشیربازی و از این قبیل هم همین‌طور.
● موقع تصویب بودجه چه‌کسی باید در مجلس برای ورزش بانوان چانه بزند؟

● قبل از هر چیز بشویم چرا اداره کل ورزش بانوان این قدر سخت مصاحبه می‌کند؟!
○ سخت مصاحبه نمی‌کند خانم، به نظر شما سخت می‌آید.
● چرا دیگر، ما خیلی دنبال شما دویدیم تا بالاخره به ما وقت دادید.
○ شما درست در زمان سمنار که ما مشغول کارهای اجرایی بودیم، وقت می‌خواستید. فکر می‌کنم عجله‌ای که شما داشتید، باعث این مسئله شد.
● خانم موسوی، نظر به این‌که ورزش بانوان کل کشور زیر نظر شماست، بیشتر سعی می‌کنیم سؤال‌های بی‌جواب مانده را از شما پرسیم. اول بفرمایید بودجه ورزش بانوان در کل کشور چه قدر است؟
○ بسم‌الله الرحمن الرحیم. بودجه ورزش بانوان در در بخش اعلام می‌شود؛ یکی بودجه انجمن‌های ورزشی است، برای ۲۳ انجمن ورزشی و یک انجمن پزشکی و یک انجمن تحقیقات ورزش بانوان که جمعاً ۹۰ میلیون تومان است. بودجه ۲۵ استان هم در حدود ۱۷۰ میلیون تومان است که هر استان خودش به بخش‌ها و شهرستان‌هایش تخصیص می‌دهد.
● ۹۰ میلیون تومان فقط برای تهران است؟
○ خیر، مال انجمن‌های ورزشی است که هیئت‌های ورزشی استان‌ها را تحت پوشش قرار

بودجه ورزش خانم‌ها یک دهم بودجه آقایان است

○ تلاش کردیم که این نسبت را بالا ببریم. فعالیت‌ها را هم باید در نظر بگیریم، آنها خیلی فعالیت‌های برون‌مرزی دارند. ما چون خودمان در سازمان تربیت‌بدنی هستیم، می‌دانیم که فدراسیون‌ها (آقایان) به دلیل سفرهای برون‌مرزی‌شان بودجه بیشتری نیاز دارند.

● شما یک تقسیم‌بندی می‌کنید بین آن بودجه‌ای که برای سفرهای خارج هست و بودجه‌ای که برای کل کشور در نظر گرفته می‌شود، در آن بخش نسبت‌ها چه‌طوری است؟

○ آمار تفکیک شده ندارم.

● یعنی نمی‌دانید غیر از بودجه انجمن‌ها، بودجه

شهلا رسول‌زاده

بر انگیز است

کل کشور زنان نسبت به مردان چه قدر است؟

○ بودجه کل ورزش ۹۰۰ میلیون است.

● در مقابل ۱۷۰ میلیون خانم‌ها، بودجه آقایان چه قدر است؟

○ اطلاعی ندارم.

● چه طور اطلاع ندارید؟!

○ هیئت‌های آقایان جدا از بودجه‌شان نیست، می‌شود در بیاورم. الان حضور ذهن ندارم.

● این خیلی حیاتی است. شما باید بتوانید با آقایان بر یک اساس مشخصی صحبت کنید.

○ بودجه آقایان را می‌توانم از روی آمار بگویم. بعداً می‌گویم.

● لطف می‌کنید. آقای هاشمی‌طبا در یکی از مصاحبه‌هایشان گفتند که ما تا سال ۱۳۷۷ می‌خواهیم ۱۳۷۷ ورزشگاه بسازیم. این صحت دارد؟

○ بله.

● می‌خواهند بسازند یا می‌خواهند این تعدادی را که وجود دارد، به ۱۳۷۷ تا برسانند؟

○ نخیر الان صفر است. ۱۳۷۷ تا می‌سازند.

● چند تا از اینها برای زنان است؟

○ در تمامی شهرستان‌ها یک سالن و در بعضی از شهرستان‌ها یک استخر مخصوص بانوان است.

● چند تا از این ۱۳۷۷ تا در اختیار خانم‌هاست؟

○ این را دیگر باید در پایان دید ولی پیش‌بینی نشده.

● ولی خودشان این عدد را اعلام کردند. شما مصاحبه‌شان را نخواندید؟ گفتند ۲۰ تایش مال خانم‌هاست.

○ نخیر بیشتر است. شما خوانده‌اید؟

● بله.

○ کجا؟

● در مجله زن روز.

○ تعدادش بیشتر است، به دلیل آماری که من در

دست دارم.

● اگر آن را می‌خواندید، چه کار می‌کردید خانم موسوی؟

○ من آمارهایی را که در دست دارم، خدمتتان می‌گویم.

● من دارم خدمتتان منبج می‌دهم که ۲۰ تا مال خانم‌هاست. حالا اگر شما این مصاحبه را می‌خواندید، چه واکنشی نشان می‌دادید؟

○ ...

● سر تکان ندهید، یک چیزی بگویید که ضبط شود.

○ من آماری در دست دارم که چیزی بیشتر از آن را نشان می‌دهد.

● پس ایشان اشتباه کرده‌اند؟

○ نه، من اصلاً چنین حرفی را نمی‌زنم. پس لازم است که آن مجله زردوز را بخوانم.

● لازم بود زودتر بخوانید. (در پوشه‌اش می‌گردد). پیدا نشد؟!

○ نه، توی کارهایمان است چون ما الان بنایی داریم! ...

● پس لطفاً بعد از بنایی به ما بدهید. خوب، خانم موسوی حالا واقعا اگر قرار باشد از آن ۱۳۷۷ تا ۲۰ تا مال خانم‌ها باشد، نظرتان چیست؟

○ حتماً با آقای هاشمی‌طبا صحبت می‌کنیم.

● بسیار خوب... تیم قایقرانی ما امسال به المپیک اعزام نشد. علت چه بود؟

○ علت خاصی نداشت!

● قایقرانی ما در بازی‌های آسیایی پنجم شد و قاعدتاً حدنصاب امتیاز را آورده بود یا می‌توانست بیاورد ولی به المپیک اعزام نشد.

○ قرار نبود اعزام بشود.

● قرارها بر چه مبنایی است. حدنصاب به رکورد بستگی دارد یا به تصمیمات و قرارها؟

○ نه. به همان رکوردی که آوردند، بستگی دارد.

● تیمی که در آسیا پنجم می‌شود، قاعدتاً...

○ این سؤالی است که باید از خانم طاهریان بکنید. حتماً فکر می‌کردیم که اگر آنجا بروند... اصلاً صحبتی نبود و قرار نبود که آنجا بروند... برای اعزام هر تیمی به مسابقات تمام جوانبش سنجیده می‌شود، همین‌طوری تیم اعزام نمی‌کنیم.

● چه جوانبی؟

○ همه چیز. بدانیم که آنجا بروند، صاحب مقام می‌شوند یا نه.

● تقریباً همه می‌دانستند لیدا غریمان مقام خوبی نخواهد آورد ولی اعزام شد.

○ قایقرانی ما با تیراندازی‌مان فرق می‌کند. قایقرانی نوباست.

● چون نوباست، از بدو کار باید مقام بالا بیاوریم؟

○ نه، نه. اصلاً این‌طور نیست. ما باید روی قایقرانی‌مان کار کنیم. شما می‌دانید که الان فقط تهران و بوشهر دارد کار می‌کند.

● چرا جاهای دیگر کار نمی‌کنند؟

○ امکانات. الان تازه سفارش قایق داده شده که در استخرها تمرینات قایقرانی را انجام بدهند.

● شهرهای دیگری مثل اصفهان نمی‌تواند قایقرانی کار بکند؟ آب می‌خواهد دیگر.

○ بله، آب می‌خواهد ولی اسکن ویژه هم می‌خواهد. مثلاً در دریاچه آزادی تهران راحت می‌توان این کار را انجام داد یا مثلاً در شمال، جاهایی که طرح دریاست، می‌توانیم قایقرانی داشته باشیم ولی همه‌جا نمی‌توانیم.

● چرا؟ قایقرانی که اشکالی برای حجاب ندارد.

○ ندارد ولی حضور مربی‌مان. ما الان داریم برای قایقرانی مربی تربیت می‌کنیم. مربی باید حتماً حضور داشته باشد.

● چرا مثلاً مربی نمی‌تواند در زاینده‌رود اصفهان حضور داشته باشد؟

○ ببیند اماکن ما باید شرایط لازم را داشته باشند. مثلاً ما در کرمانشاه می‌خواستیم این کار را انجام بدهیم؛ در سراب نیلوفر - منطقه‌ای در کرمانشاه - قرار بود قایقرانی را راه‌اندازی کنیم اما شرایط فراهم نبود.

● از چه نظر؟

○ جاهایی که بانوان ورزش می‌کنند، باید آن شرایط لازم را داشته باشد. مثلاً سراب نیلوفر کنار جاده بود، ایاب و ذهاب، رفت و آمد و ماشین‌ها و...

● مشکلتش چیست وقتی که با حجاب کامل می‌تواند آن ورزش را انجام بدهند؟

○ شرایطی که باید باشد، نبود. آن‌طوری بگویم خدمتتان.

● من نمی‌دانم آن شرایط چیست.

○ به هر صورت، در هر جایی که شرایط مثل تهران برای ما فراهم بشود، ما راه‌اندازی می‌کنیم. ضمناً، الان در استخرهایمان قایقرانی داریم.

● در شهر اصفهان استخری نیست یا در مشهد و...؟

○ چرا، چرا. دارند تمرین می‌کنند، راه‌اندازی شده.

● شما گفتید فقط در شهر تهران...

○ نه، بوشهر و تهران تیم دارند. قایقرانی در اکثر استان‌هایی که استخر دارند، انجام می‌شود ولی بوشهر و تهران تیم دارند.

● خانم موسوی مثلاً فرض کنید در زاینده‌رود اصفهان خانم‌ها با لباس قایقرانی که حجاب کامل دارد، قایقرانی کنند. مردم هم از دور قایقرانی اینها را ببینند، به نظر شما مشکلی دارد؟

○ سؤالاتشان یک کم به قول معروف ... ببینید توضیح زیاد دادن در این مورد برای شما... همین‌قدر برایتان بگویم که شرایط وقتی فراهم باشد، ما انجام می‌دهیم.

● ما می‌خواهیم ببینیم آن شرایط چیست؟

○ شرایط را گفتم برایتان.

● نه نگفتید.

○ چرا گفتم، اگر شرایطی مثل شرایط دریاچه آزادی در تهران داشته باشیم که محصور باشد، ما

آن را انجام می‌دهیم.
 ● من همین را می‌خواهم بگویم. مثلاً اگر تیم شنا بوده باید محصور می‌بود ولی قایقرانی که مشکل ندارد.
 ○ تیم فرق می‌کند با این که تمرین نکنند. ممکن است برگشت قایقی باشد. به‌رحال آنجا باید ناجی غریق باشد. اینها جزو شرایط می‌شود؟ شرایط و امکانات.
 ● مگر قایقران‌ها شنا نمی‌دانند؟! خوب حالا برگردیم سر المپیک. در بازی‌های آسیایی بچه‌های قایقرانی فقط سه ماه تمرین کرده بودند، قاعدتاً آن موقع خیلی نوپاتر از الان بودند.
 ○ نه، نه. ببینید، کلمه نوپا را برای اینجا به‌کار نمی‌بریم. ورزش بانوان با ورزش آقایان خیلی فرق می‌کند. ما برای اعزام تیم به خارج از کشور باید جمیع جهات را بسنجیم.
 ● آن خیلی فرق‌ها و این جمیع جهات چیست؟ یک فرق را ما می‌دانیم. بقیه فرق‌ها چیست؟
 ○ شما چه می‌دانید خانم؟
 ● خارجی‌ها شایع کرده بودند که به‌خاطر حجاب بوده.
 ○ برای قایقرانی که حجاب مشکل پیدا نمی‌کند.
 ● پس خیلی فرق‌های دیگر چیست؟
 ○ همین‌قدر بدانیم که وقتی آنجا می‌روند، صاحب یک مقامی می‌شوند.
 ● مگر، آقایان همیشه صاحب مقام می‌شوند؟
 ○ خوب، ما سعی می‌کنیم شرایطمان فراهم بشود.
 ● آن موقع که تیم را بدون تمرین فرستادید به بازارهای آسیایی، فکر نکردید تمریناتشان کافی نباشد و مقام نیاورند؟
 ○ اینجا به ما قول داده بودند مقام بیاورند.
 ● برای المپیک قول ندادند؟
 ○ نه برای المپیک قولی ندادند.
 ● واقعاً ندادند؟
 ○ این را شما در مجله‌تان ننویسید، خوب نیست.
 ● نمی‌شود خانم موسوی که هیچ چیز را ننویسیم.
 ○ نه، نه، این را ننویسید، در مورد قایقرانی ننویسید.
 ● این را بعداً تصمیم می‌گیریم. دیگر چه فرق‌هایی دارند؟
 ○ دیگر زیاد روی این سؤال‌ها نروید.
 ● می‌خواهم بدانم ورزش بانوان جز در موضوع حجاب که ما هم قبول داریم، دیگر چه فرقی با ورزش آقایان دارد؟ یکی هم به قول شما این است که زن‌ها باید حتماً قهرمان شوند و مقام بیاورند.
 ○ خیلی فرق دارند. نه، من اصلاً نمی‌گویم باید قهرمان باشند... بله، مقامشان برای ما مهم است.
 ● خوب، دیگر چه فرق‌هایی دارند؟ شما گفتید که آقایان مقام نمی‌آورند ولی اعزام می‌شوند.
 ○ راست گفتم، اشتباه می‌گویم؟ شما می‌خواهید الان یک مقایسه‌ای بین خانم و آقا بکنید اینجا!
 ● شما بگویید چه تفاوت‌هایی با هم دارند.
 ○ این را بعداً می‌گویم.

● من می‌خواهم بنویسیم که خواننده‌ها بدانند.
 ○ نه، یک چیزهایی سیاست‌های ورزش بانوان است.
 ● این سیاست‌ها سری است؟
 ○ نه، سری هم نیست. ولی گفتش در مجله درست نیست.
 ● مردم می‌خواهند بدانند.
 ○ مردم چه چیز را می‌خواهند بدانند؟
 ● می‌خواهند بدانند که تفاوت ورزش زنان با مردان چیست.
 ○ ورزش زنان در وهله اول ورزش همگانی است یعنی اولویت با ورزش است.
 ● همگانی را هم که اجازه نمی‌دهند بکنند.
 ○ چرا ورزش همگانی را اجازه می‌دهند. همگانی ورزشی است که اکثر زن‌ها به آن می‌پردازند. پیاده‌روی، کوه‌پیمایی، در محیط‌های امن دیدن، اینها همگانی است.
 ● شما فکر کنید اکثریت زنان جاهای امن و محصور دارند؟
 ○ باید سعی کنند در چنین اماکنی ورزش کنند.
 ● آنها باید سعی کنند یا شما باید سعی کنید برایشان فراهم کنید؟
 ○ ما هم سعی می‌کنیم. کما این که داریم فراهم می‌کنیم.
 ● خوب، این یکی از فرق‌ها بود؛ ورزش زنان باید همگانی باشد. راستی چرا ورزش زنان باید همگانی باشد؟
 ○ برای این که ورزش بانوان در درجه اول برای سلامت مادران جامعه است، سلامتی زنان جامعه به‌عنوان رکن اصلی خانواده.
 ● یعنی مرد رکن اصلی خانواده نیست؟
 ○ نه، وقتی مادر سالم باشد، بچه‌ها سالمند و خانواده استحکام بیشتری دارد.
 ● پدر چه طور؟ پدر اگر سالم باشد...
 ○ ورزش که برای همه است ولی برای مادر...
 ● چه فرقی می‌کند؟ آقایان هم باید...
 ○ نه، پس دید شما با ما فرق می‌کند. از سؤالاتی که شما می‌کنید، این‌طور نشان می‌دهد که دیدتان در مورد ورزش بانوان با ما فرق می‌کند.
 ● پس شما دیدتان را به ما بگویید. دیگر چه فرق‌هایی هست غیر از همگانی بودن؟
 ○ همان‌هایی بود که گفتم. تفاوت خاص دیگری ندارد. سؤالاتان قاطعی می‌شود.
 ● من ذهنم مرتب است. شما گفتید ورزش زنان فرق‌هایی با ورزش مردان دارد. این فرق‌ها چیست؟
 ○ شما در مورد ورزش مردان می‌گویید، می‌گویم فرق می‌کنند. آقایان همه‌جا، در خیابان، پارک، کوچه و محله می‌توانند ورزش کنند، اگر یک آقای با یک گروهی آقا در خیابان بدونند، این از نظر جامعه اشکالی ندارد ولی خانم‌ها نمی‌توانند چنین کاری بکنند.
 ● آقایان با چه می‌دوند؟ با گرمکن دیگر، به‌نظر من که یک زن هستم آن هم اشکال دارد.

○ گفتم، پس شما سؤالاتان را بپرسید.
 ● می‌خواهم ببینم یک مرد با لباس تنگ ورزشی بدود، به نظر شما اشکالی ندارد؟
 ○ همان‌قدر که حجاب برای خانم‌ها واجب است، برای آقایان هم هست.
 ● ولی آقایان همه‌جا می‌توانند با شلوار کوتاه، با لباس تنگ، با گرمکن و با لباس منزل بپایند و بدوند...
 ○ شما سؤال‌هایی از من بکنید که در حد اداره کل باشد. اداره کل یک وظیفه اجرایی دارد.
 ● من سؤال این است که اداره کل برای این همه تبعیض چه کار می‌کند؟
 ○ آن را از مسئولان بپرسید.
 ● مگر شما مسئول نیستید؟
 ○ من مسئول اداره کل هستم. کارهای اجرایی ورزش را در دست دارم.
 ● خانم طاهریان شما را به جای خودشان معرفی کردند.
 ○ از خانم طاهریان بخواهید که سیاست‌های ورزش را به‌تان بگویند.
 ● ایشان مصاحبه نمی‌کنند، گفتند به‌جای ایشان با شما مصاحبه کنیم.
 ○ در مورد سیاست‌های ورزش... این‌طور که شما سؤال می‌کنید، جنجال برانگیز است.
 ● چه جنجالی؟!
 ○ من از شما خواهش می‌کنم. برای این که ما باید بعداً پاسخگو باشیم.
 ● این که جنجال برانگیز نیست.
 ○ چرا دیگر. آقایان با لباس این‌طوری... آقایان آن‌طوری... لباس آقایان هم حد دارد.
 ● اینها سؤال‌های من است. برای شما که مسئله‌ای ایجاد نمی‌کنند.
 ○ من جواب نمی‌دهم.
 ● بسیار خوب ندهید، هر جا که فکر می‌کنید اذیتان می‌کنند، جواب ندهید ولی ما فکر می‌کنیم که اگر بخواهیم مسائل زنان را حل کنیم، اذیت می‌شویم... پس یکی از فرق‌ها مسئله همگانی بودن ورزش زنان، دومی مسئله مکان ورزش آقایان، بعدی...
 ○ بعدی ندارد.
 ● در مورد المپیک صحبت می‌کردیم. گفتید که ما برای اعزام تیم قایقرانی باید جمیع جهات را در نظر بگیریم.
 ○ شما می‌خواهید از زبان من بشنوید که چرا تیم قایقرانی اعزام نشد. من هم می‌گویم که جواب نمی‌دهم.
 ● ما می‌خواهیم ببینم مشکل لباس بوده یا مشکل ضعیف بودن تیم یا...؟
 ○ نه تیم ضعیف نبوده.
 ● پس چرا نرفته؟ شما گفتید حجاب قایقران‌ها کامل است. یعنی مردم نباید بدانند چرا تیم قایقرانی به المپیک نرفته است؟
 ○ نه، چیز مهمی نیست که مردم بدانند.



● چرا مهم نیست؟ مگر خانم فریمان که رفت مهم نبود؟

○ خانم فریمان فرق می‌کرد.

● چه فرقی می‌کرد؟ اگر شما چهار تیم دیگر در رشته‌های دیگر داشتید، بهتر نبود؟

○ خانم فریمان به‌عنوان پرچم‌دار کاروان ورزشی کشورمان، فرق می‌کرد.

● اما تیراندازی هم کرد.

○ بله.

● شما به‌عنوان مسئول کل ورزش بانوان کشور علاقه‌مند نبودید که تیم‌های بیشتری به المپیک بروید؟

○ وقتی که شرایط را داشته باشند، علاقه‌مندیم.

● خوب، ببینید، ما با اطلاع مختصری که از مسئله ورزش داریم، برای اعزام نشدن تیم قایقرانی دو

حدس می‌زنیم: یکی این‌که در صحنه بین‌المللی مشکل حضور داشته‌اند و دیگری مسئله به

حداصل نرسیدن امتیازهاست. می‌خواهیم ببینیم اگر این‌دو تا نبوده، چه دلیل دیگری برای نرفتن

این تیم وجود داشته؟ چون اگر می‌رفت، بالاخره ما یک تیم اضافه داشتیم، یک رشته ورزشی زنان

بیشتر شرکت می‌کرد و این برای جمهوری اسلامی تبلیغ مثبتی بود.

○ حالا شما سؤال‌های دیگران را بفرمایید.

● نمی‌خواهید دلپش را بگویید یا نمی‌دانید؟ اگر واقعاً اطلاع ندارید، می‌توانید بپرسید و بعداً به ما بگویید.

○ شما سؤال‌های دیگر را ادا به‌دهید. من آخر سر می‌گویم.

● ما در طول تهیه این گزارش به ورزش تهران زیاد پرداختیم. با توجه به این‌که حوزه کار شما

کل کشور است، قدری در مورد وضعیت شهرستان‌ها برای ما توضیح بدهید.

○ ورزش بانوان در سراسر کشور و در شهرستان‌ها و بخش‌ها فعال است؛ چنان‌که در

سمنار اخیر مسئولان ۳۲۸ شهرستان فعال کشورمان شرکت داشتند و همچنین بخش‌های

تابه‌شان. در حال حاضر ورزش بانوان با دو هزار هیئت ورزشی در این تعداد شهرستان مشغول

فعالیت است و این هیئت‌ها جمعاً با نه هزار مربی و چهارهزار داور کار می‌کنند. بخش آموزش آنها

بسیار فعال است و مرتب در سطح استان‌ها و شهرستان‌های بزرگ کلاس‌های آموزشی تربیت

مربی و تربیت داور برگزار می‌شود و در طول سال فعال هستند. با توجه به مسابقات قهرمانی کشور که

معمولاً در تابستان‌ها برگزار می‌شود، مسابقات استانی در سطح خود استان با حضور تیم‌های

شهرستانش به صورت فعال برگزار می‌شود و معمولاً ما در مسابقات قهرمانی کشور غایب

نداریم. در خصوص طرح‌های عمرانی، غیر از مجتمع‌های ورزشی مراکز استان‌ها که شامل

سالن‌های چندمنظوره، استخر سربوشده، خوابگاه و سلف‌سرویس است، در پنج استان طرح‌ها به اتمام

رسیده و در ۱۰ استان شروع شده که در سال ۷۶ به اتمام می‌رسد و همین‌طور بقیه استان‌ها در حال

انجام مقدمات کار هستند و یا احداثشان جدیداً شروع شده که تا پایان سال ۷۶ به بهره‌برداری

می‌رسد. در مابقی شهرستان‌ها اکثراً یک سالن ویژه بانوان در دست اقدام است که بعضی از اینها به

مرحله پایانی رسیده و بعضی‌هایشان با پیشرفت فیزیکی ۶۰ درصد، ۴۵ درصد و ۷۵ درصد در

جریان است و حدود ۸۰ پروژه در حال حاضر فقط در شهرستان‌هایمان در دست اقدام است.

● خانم موسوی ما در خدمتان هستیم که اگر مشکلاتی در کارتان دارید، بفرمایید.

○ ما امیدواریم که برای سال‌های آتی در درجه اول اماکن ویژه ورزش بانوان رشد چشمگیری پیدا

کند چون مشکل اصلی ما اماکن ورزشی است؛ هرچه اماکن ورزشی ما بیشتر بشود طبیعتاً ما در

توسعه ورزش همگانی، در رشد کیفی تیم‌ها و در برقراری اردوها دست بازتری خواهیم داشت و این

طرح‌های عمرانی هم که شروع شده، خیلی خوب دارد پیش می‌رود. امیدواریم که این اماکن سریع‌تر

در اختیار بانوان قرار بگیرد.

● مشکل دیگری ندارید؟

○ در هر صورت اماکن از اهم آنهاست.

● نیروی متخصص؟

○ در مورد نیروی متخصص به دلیل قانون تعدیل نیروی انسانی ما یک مقدار در مضیقه قرار گرفتیم، ولی با مجوزهایی که گرفتیم دارند لیسانس‌های تربیت‌بدنی را استخدام می‌کنند.

● مورد دیگری ندارید که بخواهید مطرح کنید؟

○ امیدواریم در مورد نسبت بودجه هم یک توجهی بشود.

● خانم موسوی تحصیلاتان و سوابق خودتان را در زمینه ورزش بفرمایید.

○ سوابقم برمی‌گردد به این‌که ۲۵ سال است در سازمان تربیت بدنی کار می‌کنم؛ در زمینه‌های مدیریت، در بخش‌های اداری و مالی، چند سال هم معاون ورزشی اداره کل بودم و ۱۱ سال است که در ورزش بانوان مشغول به‌کار هستم.

● در چه سال‌هایی؟

○ در همین سال‌های اخیر.

● تحصیلات؟

○ تحصیلاتم در زمینه مدیریت است.

● برایتان مشکل نبود که کار ورزش را شروع کنید؟

○ با کار ورزش غریبه نیستم؛ ۲۵ سال است که در سازمان تربیت بدنی، در قسمت‌های مختلف، کار می‌کنم. به هر بخش که مراجعه شود، به ورزش برمی‌گردم. ضمن این‌که کار مدیریتی با کار فنی فرق می‌کند؛ کار فنی دست معاون فنی و کارشناسان

فنی اداره هم هست.

● خودتان چه ورزشی می‌کنید.

○ علاقه زیادی به تیس روی میز دارم و آمادگی جسمانی.

● قهرمان هم هستید؟

○ نخیر.

● خودتان چیز خاصی نمی‌خواهید مطرح کنید؟

○ از این سگله‌ها می‌خواهیم که واقعاً در توسعه ورزش بانوان نقش مؤثرتری داشته باشند.

● وقتی شما آنها را تحویل نمی‌گیرید و جواب سؤالات را نمی‌دهید - مگر این‌که ضبط خاموش

بشود - چه‌طور در توسعه ورزش کوشش کنند؟

○ آخر بعضی سؤال‌ها به‌جای این‌که مثبت باشد، نقش منفی را ایفا می‌کنند.

● مثلاً؟

○ مثلاً همین سؤال‌هایی که می‌کنید، چراهایی که می‌گویید.

● خبرنگار کارش چرا گفتن است.

○ البته خیلی خوب است اگر در مورد ورزش سؤال کنید، در مورد نقش ورزش سؤال نکنید.

● اشکالش این است که همان‌طور که خودتان هم فرمودید، ورزش بانوان فقط جنبه ورزشی

ندارد.

○ در هر صورت توقع ما این است که واقعاً فعالیت‌های ورزشی بانوان منعکس شود. این تبلیغ

بسیار مؤثرتری است تا این چراهایی که شما می‌گویید.

● گفتید خوب است که ما چرا بگوییم!

○ بله ولی آن چراهایی که شما می‌گویید، نه.

● آن چراهایی که شما دوست دارید، بگوییم؟

○ نه. من چرا خاصی را دوست ندارم. شما فعالیت‌های ورزشی بانوان را منعکس کنید، مردم بدانند که...

● من ضبط صوت را در اختیار شما گذاشتم و می‌گویم آزادید هر چه می‌خواهید، از فعالیت‌هایتان بفرمایید.

○ فعالیت‌های ورزش بانوان، اسکن ورزشی، اطلاعاتی که مجله‌ها می‌توانند به زنان بدهند، اینها

در توسعه ورزش بانوان نقش خیلی خوبی خواهد داشت.

● یک چیزهایی را هم گفتید آخر می‌گویید.

○ چشم، یکی بودجه بود که باید الان بگیرم بدهم.

● نه. در مورد قایقرانی و...

○ چشم، آن را هم می‌گویم.

بعد از پایان مصاحبه خانم موسوی با بررسی آمار اطلاع دادند که بودجه هیئت‌های ورزشی آقایان

۷۰۰ میلیون تومان است.

و روز بعد از مصاحبه در یک تماس تلفنی اطلاع دادند که در رشته قایقرانی، در مسابقات قهرمانی

آسیا، ما در رشته تورینگ و کایاک شرکت کرده بودیم اما در مسابقات آتلانتا این رشته‌ها نبود و

برای همین ما تیم نفرستادیم

اگر فعالیت ورزشی بانوان منعکس شود، تبلیغ بسیار مؤثرتری است تا این چراهایی که شما می‌گویید.

به تفکیک درجه تا پایان سال ۱۳۷۲

رشته ورزشی	مربیان			
	درجه ۳	درجه ۲	درجه ۱	بین‌المللی
شنا	۹۷۹	۶۲	۱	۷۰
دوچرخه‌سواری	۱۶۷	۸	۲	۱۰
بدمینون	۲۸۸	۱۰	۵	۱۰
بسکتبال	۲۸۹	۵۵	۱۰	۸
والیبال	۱۰۲۰	۳۴	۳۰	۱۷
تنیس روی میز	۴۲۱	۳۱	۵	-
نجات غریق	-	۸۶۵	۷۵	-
آمادگی جسمانی	۱۵۴۹	۳۵	-	-
جودو	۴۲۴	۲۰	-	۲
کاراته	۱۷۷	-	-	۱۹
زیناسبک	۳۸۳	۲۱	۲	-
اسکی	۱۲۰	۹	-	-
شطرنج	۱۰۱	-	-	-
جراتوری	۱۲	-	-	۸
ورزش‌های معلولین	۱۵۲	-	-	-
تنیس	۲۰	-	-	-
شش‌پاره‌پاری	۲۱	-	-	۲۵
تایواندو	۶۲	-	-	۱
جودو	۱۷	۲	۱	-
گومبوری	۱۷	-	-	-
سوارکاری	-	-	-	-
فوتبال	۸	-	-	-
جمع هر دو	۶۸۱۶	۱۱۶۲	۱۳۲	۱۷۱

رشته ورزشی	داوران			
	درجه ۳	درجه ۲	درجه ۱	بین‌المللی
شنا	۹۱۷	۲۰	-	-
دوچرخه‌سواری	۲۲۵	۲۱	۲	۲۶
بدمینون	۴۱۵	۲	-	۳۰
بسکتبال	۴۱۷	۲۶	۹	۸
والیبال	۷۲۷	۲۴	-	۱۱
تنیس روی میز	۵۵۷	۲۷	۹	۲
نجات غریق	-	-	-	-
آمادگی جسمانی	۳۵	-	-	-
فوتبال	۱۵۰	۱۵	-	-
کاراته	۵۷	-	-	۱۴
زیناسبک	۸۰	۷	۱	-
اسکی	-	-	-	-
شطرنج	۳۵	-	-	-
جراتوری	۲۱	-	-	-
ورزش‌های معلولین	۲۶	-	-	-
تنیس	۹	-	-	-
شش‌پاره‌پاری	۱۷	-	-	-
تکواندو	۵۰	-	-	-
جودو	-	-	-	-
گومبوری	-	-	-	-
سوارکاری	۲۰	-	-	-
فوتبال	-	-	-	-
جمع هر دو	۳۶۸۹	۱۹۲	۲۱	۲۱

جمع جدول‌ها: مجموع مربیان ورزش بانوان در سال ۷۹/۷۹ از آنجا است معاونت ورزش بانوان کشور - سازمان تربیت بدنی

گفت‌وگو با پروانه نظرعلی، مسئول اداره ورزش بانوان استان تهران و هیئت‌های ورزشی

حتی اگر همه زن باشند، محیط باید ایزوله

قاعده برای سؤال‌هایم بگیرم ولی هر چه بیشتر تلاش می‌کنم، بیشتر «نمی‌دانم» و «اما» و «شاید» می‌شنوم. وقتی ضبط را خاموش می‌کنم، راحت‌تر حرف می‌زند، و البته من هم... به هر حال نباید منفی برخورد کرد. خانم نظرعلی می‌گوید: «ورزش بانوان ایران در سال‌های اخیر پیشرفت چشمگیری داشته است...»

سردبیر تصمیم می‌گیرد این مصاحبه هم مثل مصاحبه فائزه هاشمی خیلی صادقانه تنظیم شود؛ بدون تغییر و تبدیل و با تکیه کلام‌های خودش. ❏

● اداره ورزش بانوان زیرنظر چه مرکزی کار می‌کند؟

○ اداره ورزش بانوان استان تهران از نظر چارت تشکیلاتی اداری و مالی یکی از ادارات اداره کل تربیت بدنی استان تهران است ولی از نظر خط مشی اجرایی بعضی مسائل ورزشی به ورزش بانوان کشور وابسته است.

● ورزش بانوان چه تفاوتی با تربیت بدنی دارد؟ تشکیلات جدایی هستند؟

○ بله، سازمان تربیت بدنی پنج معاونت دارد که یکی از معاونت‌های آن ورزش بانوان کشور است و مسئولیت آن با خانم طاهره طاهریان است. این معاونت تعیین‌کننده خط‌مشی ورزش بانوان در کل کشور است. هر استان یک اداره کل تربیت بدنی دارد. ما از نظر چارت تشکیلاتی زیر مجموعه اداره کل تربیت بدنی استان تهران هستیم، در واقع زیر نظر آقای خطیب.

● ارتباط شما با کمیته ملی المپیک به چه صورت است؟

○ کمیته ملی المپیک نه فقط برای ما بلکه برای آقایان هم بیشتر نقش برون‌مرزی دارد؛ یعنی زمانی که کار به اعزام می‌رسد، دخالت می‌کند. کارهایی که مربوط به داخل کشور است، به این سیستم ارتباطی ندارد.

● رئیس کمیته ملی المپیک چه کسی است؟

○ آقای محلولی که وزیر صنایع و معادن هم هستند. نایب رئیس کمیته ملی المپیک خانم فائزه هاشمی و دبیرکل آن هم آقای سجادی هستند.

● وظایف هیئت ورزش بانوان چیست؟

❏ قرار بود ساعت ۱۲ برای مصاحبه با پروانه نظرعلی، مسئول اداره ورزش بانوان استان تهران، به دفتر او واقع در خیابان حجاب بیایم که البته، طبق معمول، با چند دقیقه تأخیر رسیده‌ام. مضطرب از اولین تجربه‌ای که در این زمینه پیش‌رو دارم، توصیه‌های سردبیر را در ذهن مرور می‌کنم. وارد که می‌شوم، می‌گویند: «پنج‌شنبه‌ها تعطیل است.» دفتر و دستک و ضبط صوت و نوارها را نشان می‌دهم که یعنی خبرنگارم! و می‌گویم که برای ساعت ۱۲ با خانم نظرعلی قرار دارم. باید منتظر بمانم، گویا جلسه‌ای دارند که هنوز تمام نشده است. می‌نشینم و با نگاهی کنجکاو به ثبت جزئیات می‌پردازم. سردبیر گفته است که برای نوشتن لیدر مصاحبه‌ام به این جزئیات نیاز خواهم داشت...

ساعت ۱/۱۰، تازه می‌فرستند که برای میهمانان حاضر در جلسه میوه و شیرینی بخرند! ساعت ۲ که می‌شود، دیگر حوصله‌ام از نگاه کردن به در و دیوار اتاق سرمی‌رود! اتاقی که در آن نشست‌ام، خیلی کوچک است و پراز آدم؛ آدم‌های مختلفی که می‌روند و می‌آیند و...

بالاخره، ساعت ۲/۱۵ جلسه تمام می‌شود و من درحالی که سعی می‌کنم این تأخیر ۲ ساعته را به روی خودم نیاورم، وارد دفتر خانم نظرعلی می‌شوم. میز کنفرانس بزرگی در گوشه اتاق است، دورتادور صندلی. خانم نظرعلی عذرخواهی می‌کند و درحالی که مرا به سمت یکی از صندلی‌ها هدایت می‌کند، می‌گوید: «چندین بار به آقایان گفتم که از مجله زنان برای مصاحبه آمده‌اند...» برخوردش صمیمی است. این خلاف آن چیزی است که از دومین المپیاد فرهنگی - ورزشی دانشجویان کشور به‌یاد دارم. با صحبت راجع به مصاحبه فائزه هاشمی (مجله زنان، شماره ۲۸) شروع می‌کند و می‌گوید: «مصاحبه خیلی خوبی بود. مهم‌تر از همه این‌که همه چیز خیلی صادقانه نوشته شده بود. بعضی مواقع آدم حرفی می‌زند ولی موقع تنظیم اصلاً تبدیل به حرف دیگری می‌شود ولی ما که خانم هاشمی را می‌شناسیم، دیدیم که همه حرف‌ها تکیه‌کلام‌های خودش بود...» از این‌که با مجله آشناست و دید خوبی دارد، احساس رضایت می‌کنم...

در طول مصاحبه سعی می‌کنم پاسخ صریح و



نازنین شاه‌رکنی

و خوب باشد

● من انتقادها را به پارک چیتگر قبول داشتم و به عنوان یک فرد ورزشکار که تحصیل کرده ورزش هستم، به آن نوع ورزش اصلاً اعتقادی نداشتم.

کردن را محدود نکرده است. ما حجابمان را در محیط‌هایی که خودمان هستیم، برمی‌داریم و ورزش می‌کنیم. ما برای این‌که به خانم‌ها امتیازی برای ورزش کردن و فعالیت‌های اجتماعی داده باشیم، شرایط کارمان را با شرایط دینی خودمان و اعتقاداتمان وفق می‌دهیم. نمی‌گویند زن اصلاً ورزش نکند، می‌گویند جلوی نامحرم نکند. من خودم هم که ورزش کرده‌ام، حجاب محدودیتی برایم ایجاد نکرده است.

● در چه رشته‌ای ورزش می‌کنید؟
○ بسکتبال. البته الان دیگر نه داوری می‌کنم و نه مربی‌گری. بیشتر کار اجرایی می‌کنم.

● خانم نظرعلی اخیراً انتقادهای زیادی به ورزش بانوان شد، نظر شما در این مورد چیست؟

○ من اعتقادی ندارم ولی خوب بعضی چیزها را هم درست می‌گفتند. من انتقاد آنها را به پارک چیتگر قبول داشتم. من خودم به عنوان یک فرد ورزشکار که تحصیل کرده ورزش هستم، به آن نوع ورزش اصلاً اعتقادی نداشتم.

● شنیده‌اید که قوه قضاییه آنجا پایگاهی با دادگاه و قاضی مستقر کرده؟

○ شنیده‌ام که آنها در پارک نیروی انتظامی دارند. اگر قرار باشد که در آنجا بدحجابی رایج شود و ورزشی داشته باشیم که یک‌سری ارزش‌ها و نظام‌های اعتقادی ما را بر هم بزنند، من خودم به عنوان یک مسئول آن ورزش را از میان ورزش‌ها حذف می‌کنم. من به محیط سالم معتقدم. حتی اگر همه زن باشند، محیط باید محیط ایزوله و خوبی باشد. این اعتقاد من است. حالا این اعتقاد اگر افراطی است، بد است، بسته است، آن دیگر نظر دیگران است.

● در تلویزیون یک‌بار صحنه‌هایی از مسابقات

● ولی عملاً چنین فضایی وجود ندارد.

○ چرا وجود دارد، مثلاً پارک چیتگر.

● در مورد پارک چیتگر هم که مسائل مختلفی ایجاد شد؟

○ ببینید، چیتگر خاص بانوان نبود. من خودم، به شخصه، توانستم قبول کنم که ورزش بانوان را آنجا راه بیندازند. افراد بیرون که می‌آمدند، تحت کنترل نبودند. بین این افراد صالح هست، ناصالح هم هست و افراد ناصالح همیشه محیط را خراب می‌کنند.

● خانم نظرعلی، در جام ریاست جمهوری، زنان سوارکار بین آقایان مسابقه دادند، تماشاچیان هم آنها را می‌دیدند، از نظر پوشش هم مشکلی نداشتند. نمی‌شود برای سایر ورزش‌ها هم لباس مناسبی طراحی کرد تا مشکلی نداشته باشند؟ یا این‌که اصلاً خود آن ورزش‌ها زیر سؤال است؟

○ حد اینها را ما نمی‌توانیم تعیین کنیم. فقها تعیین می‌کنند که کدام می‌تواند باشد و کدام نمی‌تواند. از دید من سوارکاری نسبت به دوچرخه‌سواری و ورزش‌های مشابه تحرک بدنی کمتری دارد. در سوارکاری بدن ثابت‌تر و فیکس‌تر است، مثل این‌که یک مجسمه روی اسب گذاشته شده است. نهایتاً یک خم شدن به جلو دارد ولی در دوچرخه‌سواری حرکت بدن زیاد است. زن نباید جلوی نامحرم حرکات بدنی ناموجه داشته باشد ولی این در دین ما برای مرد نیامده است. هرگونه حرکتی که بدن زن را نشان بدهد، جایز نیست. حالا بحث از اینجا فراتر می‌رود ولی من معتقدم که زن می‌تواند سمبل گناه باشد ولی مرد نه. دنیا هم به آن رسیده است.

● چرا به زن به عنوان سمبل گناه نگاه می‌کنید؟
○ خداوند زیبایی‌های خاصی به زن داده که اگر آنها را پوشیده نگه ندارد، می‌تواند منشأ گناه باشد. من با کارمندهایم هم که صحبت می‌کنم، این را می‌گویم. زن ویژگی‌هایی دارد که خودش تحسینش می‌کند ولی مرد ندارد. ببخشید آقایان چه زیبایی دارند که مثلاً کسی ببیند ناراحت بشود یا فکرش منحرف شود؟! ولی خداوند به زن این موهبت را داده است. ببینید ما در فضای خودمان و با امکانات خودمان این فعالیت‌ها را می‌کنیم. حجاب ورزش

○ وظیفه ما کلاً اشاعه ورزش در بُعد قهرمانی و همگانی است ولی ما در تهران، طی این دو - سه سال، فراتر از این کار کرده‌ایم. در بخش عمران و پژوهش و تحقیقات خود ما فعال هستیم. حتی خبرنامه‌ای که می‌دهیم، جزء وظیفه ما نیست. کارهای فرهنگی ما کارهایی است که فقط در چارچوب وظایف نمی‌گنجد. اصل کار ما ایجاد سلامتی برای جامعه زنان است. حالا چه قدر بتوانیم این را گسترش بدهیم، بستگی به امکانات و شرایط موجود دارد.

● امکانات هم که کم است.

○ امکانات را باید در کل بسنجیم. نه ماه سال ما مشکل امکانات نداریم. در واقع تنها سه ماه از سال با مشکل مواجه می‌شویم. فقط در تابستان است که دانش‌آموزان دختر بی‌کار می‌شوند و برای پرکردن اوقات فراغت آنها نیاز به مکان داریم. البته این کار را فقط ما نمی‌توانیم انجام دهیم. آموزش و پرورش که یکی از نهادهای مهم است، باید در این امر دخالت کند و با تشکیل پایگاه‌های تابستانی و غیره به این مسئله کمک کند که این‌کار برنامه‌ریزی می‌خواهد. باید فکری کرد.

● به نظر می‌رسد که آقایان این مشکل را ندارند.

○ بله. برای این‌که خانم‌ها در فضاهای باز نمی‌توانند ورزش کنند ولی آقایان می‌توانند در یک زمین که فقط چارچوبی داشته باشد، مثلاً فوتبال بازی کنند. بنابراین این کمبود امکانات بیشتر به خانم‌ها برمی‌گردد.

● می‌گویید خانم‌ها نمی‌توانند در فضای باز ورزش کنند. همه ورزش‌ها را که نمی‌توان در فضای بسته انجام داد؟

○ نگفتند که خانم‌ها در فضای باز ورزش نکنند، گفتند در معیار عمومی بازی نکنند. مثلاً در مجموعه ورزشی آزادی و یا انقلاب نیروی فنی و کاری زیادی داریم و دوربین فیلمبرداری و غیره هم داریم و می‌شود بدون حضور آقایان در فضای باز ورزش کنیم. وقتی خانم‌ها و آقایان در یک محیط اختلاط داشته باشند، معضلات زیاد می‌شود. این مشکل‌آفرین است و گرنه هیچ‌کدام از مسئولین و کسانی که در رأس کار هستند، نمی‌گویند که ما در فضای باز اصلاً ورزش نکنیم. فضای بازی که خاص خانم‌ها باشد، اشکال ندارد.

اسکی بانوان نشان داده شد که این کار مورد اعتراض قرار گرفت. این اعتراض‌ها چهقدر بر تصمیم‌گیری‌های مسئولان در مورد ورزش بانوان تأثیر می‌گذارد؟

○ البته من خیلی در جریان این مسئله نبودم. یک تیم دو - سه نفری اعزام شد. مطبوعات هم یکمقدار، به قول معروف، آب و رنگ بیش از حد اندازه‌ای به این مسئله دادند. من خودم در دیزین که پیست‌هایش جداسه، چیز خلافی ندیده‌ام. البته این برنامه را هم در تلویزیون ندیدم.

● به‌هر حال این اعزام‌ها با نظر مسئولان انجام می‌شود ولی ظاهراً اعتراضاتی از این قبیل روی تصمیم‌گیری آنها تأثیر می‌گذارد.

○ من نمی‌گویم آن جوی که درست کردند درست بوده یا غلط. اصلاً در آن حد نیستیم که در این مورد حرفی بزنم. شاید اصلاً جوی نبوده یا بوده. ولی شاید هم اعزام تیم ما در این رشته صحیح نبوده است.

● این عقب‌نشینی برای چیست؟ یعنی اگر یک چیزی از نظر اصول اسلامی ایراد ندارد، مسئولان هم تشخیص می‌دهند صحیح است، چرا شما می‌گویید درست نبوده؟ اگر درست نبوده، چرا انجام شده؟

○ بالاخره ما تابع یک‌سری از تصمیم‌گیری‌های مسئولان هستیم. مسئولان اجرایی مملکت ما چه در ورزش بانوان و چه سایر امور تابع نظریات آیات عظام هستند. اگر آیات عظام تشخیص دادند این کار امروز خوب است و فردا بد است، ما تابع هستیم. خیلی از نتو‌ها طبق شرایط روز تغییر داده شده است. هر چه شما بیشتر در این مورد بگویید یک‌سری از افراد هستند که خودشان کاسه داغ‌تر از آش هستند و شاید بخواهند جو را مغلوش کنند. ما بیست رشته ورزشی داریم. اگر دو رشته آن دچار مشکل می‌شود، نداشته‌باشیم، مسئله‌ای نیست. بقیه را که داریم!

این عقب‌نشینی نیست، شما مطمئن باشید. هدف ما ایجاد سلامتی برای بانوان است. حتی ورزش قهرمانی هدف اصلی ما نیست. شما به بعد سلامتی ورزش فکر کنید. حالا یک خانم اگر سوار اسب نشد یا اگر سوار دوچرخه نشد، ایرادی ندارد. بیاید در سالن نرمش کنند، سلامتی‌اش بیشتر تأمین می‌شود.

● من حق دارم رشته ورزشی‌ام را انتخاب کنم. ورزش‌هایی هست که با عرف ما و با فرهنگ اسلامی ما هیچ‌گونه مغایرتی ندارد. این درست است که شما بگویید بیا از حق مسلمت چشم‌پوش. تو که می‌خواهی سلامت باشی، برو در اتاق‌ت را ببند و چهل تا دراز و نشست بزن؟

○ خوب با این حق را در محیطی که فقط خانم‌ها باشند، نمی‌گیریم. برون‌مرزی برای ما هدف نیست. واقعاً نیست... برای ما مهم نیست. من اگر بتوانم در کشور خودم به ورزش جامعیت بدهم، کاری

جداگانه‌ای در نظر نمی‌گرفتند

○ اتفاقاً در خیلی جاها ما دوست نداریم امکاناتمان جدا بشود. اگر ما بیایم یک خط بکشیم و بگوییم آقایان و خانم‌ها، خیلی از مکان‌ها را آقایان می‌گیرند. الان در تهران تمام سالن‌های ما به‌طور مشترک استفاده می‌شود؛ سه روز آقایان و سه روز خانم‌ها. چون خانم‌ها بیشتر به ورزش رو می‌آورند و در مورد سلامتی‌شان یکمقدار حساس‌تر هستند و مردها به علت مشغله کاری به ورزش نمی‌رسند، کمبود در مورد زنان بیشتر نشان داده می‌شود. الان در تهران پنج مکان ورزشی مخصوص بانوان داریم

● سؤال من چیز دیگری بود. شما می‌گویید خانم‌ها در محیط‌های ویژه خودشان ورزش کنند. این حرف چهقدر پشتوانه اجرایی دارد؟ یعنی سازمان تربیت‌بدنی چهقدر بودجه دارد که برای خانم‌ها مکان‌های اختصاصی ایجاد کند؟

○ فضاهای باز را می‌گویید؟

● بله.

○ فضای باز اختصاصی را آقایان هم ندارند.

● خوب آقایان مشکلی ندارند.

○ بله، مشکلی ندارند. ما قبول داریم که امکانات نداریم. ما فقط می‌توانیم هفته‌ای یک‌بار به‌طور تفریحی جمعه‌ها زنان را جمع کنیم و در فضای باز مسابقاتی برگزار کنیم. قبول دارم ولی مگر ما چند پیست دوچرخه‌سواری در تهران بزرگ داریم؟ آقایان صد تا ندارند که ما یکی داشته باشیم!

● خانم نظر عملی این حرف درست ولی آقایان از خود طبیعت می‌توانند استفاده کنند. خانم‌ها که نمی‌توانند.

○ الان خانم حبیبی دارند برنامه‌ریزی می‌کنند که پارک طالقانی را طوری استوار کنند که مثل شهریازی بشود و امکانات ورزشی هم داشته باشد که خانم‌ها به این مجموعه بروند. دو - سه سالی است که برنامه‌ریزی می‌کنند ولی این برنامه‌ریزی‌ها نیاز به زمان و پول دارد. به هر جهت، وقتی بخواهند امکانات را تخصیص بدهند، اولویت با آقایان است ولی دیده نشده که زنان را اصلاً در نظر بگیرند. من زنان کشورهای پاکستان و سوریه را هم دیده‌ام. امکانات زنان ما خیلی بیشتر است. می‌دانید زیاد هم نباید منفی برخورد کرد. این که ما بخواهیم مساوی مساوی مردها باشیم، اصلاً هدف بدی نیست، ایده‌آل است ولی من می‌گویم این کار شروع شده است، بد قدم‌هایی هم برداشته نشده. مگر قبل از انقلاب خانم‌ها سالن اختصاصی داشتند؟ همان وقت هم باز آقایان برتری داشتند. مگر خانم‌ها مربی تیم‌هایشان بودند؟ مگر این همه زن ورزش می‌کردند؟

○ الان خانم‌ها خودشان مربی هستند، خودشان داور هستند، خودشان گرداننده هستند. ما شتابان زیاد است. من هم دوست دارم زودتر برویم جلو ولی حرکت‌هایمان بی‌بهره هم نبوده است. هم مسئولان حقمان را به ما داده‌اند و هم خانم‌ها، ماشاءالله، توانسته‌اند یک مقدار حق خودشان را بگیرند و باز

● خداوند زیبایی‌های

خاصی به زن داده که اگر آنها

را پوشیده نگه ندارد، می‌تواند منشأ

گناه باشد. ببخشید آقایان چه

زیبایی دارند که کسی ببیند ناراحت

بشود یا فکرش منحرف شود؟!

کرده‌ام. ما هنوز در تهران خودمان نتوانسته‌ایم این کار را بکنیم. برون‌مرزی هم فقط بعد تبلیغی‌اش برای ما مهم بود.

● پس اینجا هم زن و ورزش زنان یک وسیله است برای تبلیغ ولی از یک جهت دیگر؟!

○ نه، ما دینمان نیازی به تبلیغ ندارد. تبلیغ که می‌گویم، یعنی در دهان کسانی بزنیم که می‌گویند زن‌های ایرانی اصلاً وارد مسائل اجتماعی نمی‌شوند. یکی از وسایلی که می‌توانیم به وسیله آن فعالیت زنان را نشان بدهیم، ورزش است. نمایش هم دادیم، دوبار هم نمایش دادیم که بدانند ما هم داریم. خارجی‌ها که همه بلند نمی‌شوند بایند ایران ببینند ما ورزش داریم. متوجه هستید چه می‌گویم؟

● ورزش آقایان به برادر من این امکان را داده که به قهرمانی در جهان فکر کند ولی شما که یکی از مسئولان ورزش بانوان هستید، به من می‌گویید ما به ورزش در بعد جهانی‌اش کاری نداریم.

○ نه، ما هم کار داریم. پس علت تأسیس شورای همبستگی ورزش بانوان کشورهای اسلامی چه بوده؟

● آخر شما می‌گویید برون‌مرزی برای ما هدف نیست و تنها بُد تبلیغی‌اش...!

○ بله، ما می‌خواستیم مثلاً سوارکاری را به دنیا به‌عنوان یک الگو نشان بدهیم. نشان بدهیم اینها که در مورد ما می‌گویند، دروغ است. حالا شما می‌خواهید مقام بین‌المللی بیاورید و انگیزه بین‌المللی داشته باشید، شورای همبستگی بانوان الان زمینه را فراهم کرده است. ما برای زنان مسلمان مسابقاتی گذاشته‌ایم که هرچهار سال یک‌بار برگزار می‌شود. شما خودتان را آنجا نشان بدهید. مرد هم نیست و محیط کاملاً زنانه است. ما کشورهای دیگری داریم مثل عربستان که زنان‌شان را نمی‌گذارند ورزش کنند چون اعتقاد ندارند. انگیزه تأسیس این شورا این بود که زنان مسلمان در میانه‌ی که با میارهای اسلامی سازگار است، حضور یابند.

● آیا بودجه‌ای که الان به ورزش بانوان اختصاص داده می‌شود، برای ساختن مکان صرفاً زنانه و فراهم کردن امکانات ورزشی کافی است؟ چون خانم‌ها همی در مصاحبه‌ای که با ما داشتند، گفتند تا مدت‌ها برای ورزش بانوان حتی بودجه

هم نیاز داریم بیشتر از این بگیریم. اعتقاد این است که با توجه به انگیزه‌های بیشتری که خانم‌ها برای ورزش کردن دارند، بیشتر از اینها باید بگیریم. من هم قبول دارم، بودجه‌ای که به آقایان اختصاص می‌دهند، بیشتر است. امکاناتشان هم بیشتر است. این را باید تعدیل کنند.

● با توجه به وضع موجود برنامه‌های آینده هیئت‌های اسکی، دوچرخه‌سواری و سوارکاری چیست؟

○ ما داریم فعالیت خودمان را می‌کنیم. مسابقات و تمرین‌هایمان را داریم. یک مقدار ضوابط و شرایط برایشان گذاشته‌ایم چون متأسفانه ما خانم‌ها محیط‌ها را خراب می‌کنیم! شما ببینید در مجموعه ورزشی آزادی، مسابقات رالی دوچرخه‌سواری گذاشته بودند. باید می‌دیدید، اگر ده تا صالح بین زنان شرکت‌کننده بود، ده تایی دیگر با چه قیافه‌ای آمدند. اگر همه رعایت می‌کردند، شاید جای بسته نمی‌شد.

● پس به این ترتیب همیشه خشک و تر با هم می‌سوزند! چه باید کرد؟

○ بله، خوب، برنامه‌ریزی می‌خواهد. باید بگویند مجموعه ورزشی سه روز مخصوص خانم‌ها و ورود آقایان ممنوع. مگر ما می‌خواهیم از فضای باز لذت ببریم؟ مگر ما نمی‌خواهیم از ورزش لذت ببریم؟ آقایان که نباشند، بیشتر می‌توانیم لذت ببریم.

● خانم نظرعلی، راجع به این دیدگاه که رشته‌های ورزشی زنانه و مردانه هستند، چه نظری دارید؟

○ باید ببینیم که وقتی خدا یک انرژی خاص‌تری به مرد می‌دهد، توده عضلانی بیشتری به مرد داده، خوب حتماً مرد قوی‌تر است. دیگر ما نمی‌توانیم بگوییم که ما حتماً یکی هستیم. من اصلاً بر این باور نیستم که من در خانه با تردم مسوا می‌کنم. فکر نکنید می‌گویم شوهرم شصت درصد، من چهل درصد، نه! پنجاه، پنجاه انتخاب می‌کنیم. بعضی مواقع من شصت هستم، او چهل. بعضی مواقع هم عکس این است. ولی من می‌گویم خداوند از نظر ساختاری آنها را قوی‌تر آفریده است. پس ببینیم بعضی از کارها برای ما ساخته شده است و بعضی برای آنها. مثلاً موتورسواری از ورزش‌های خشن است. من حتی موتورسواری را برای مردها هم جالب نمی‌بینم، وای به حال زن‌ها! یا مثلاً کشتی یک ورزش زنانه است؟ نیست! این اعتقاد من است. شاید هم اعتقادی باشد که خیلی‌ها قبول ندارند. خیلی از ورزش‌هایی که در دنیا اجرا می‌شود را خشن می‌دانم. حتی کاراته را - با این که خودمان هم داریم - برای خانم‌ها خشن می‌بینم. به مردها ضرر می‌رساند، وای به حال زن‌ها. ما نباید هم‌ماش خودمان را با مردها مقایسه کنیم. در اسلام گفته شده مرد باید پرود کار کند و برای زن بیاورد خانه. حالا من و شما دوست داریم بیرون کار کنیم و در اجتماع باشیم ولی کدام رفاه بیشتری دارد؟ این که زن برود در اجتماع باشد و در خانه هم قشنگ خانمی کند یا مردها؟ این هم یک مشقتی است که

● باید ببینیم که

وقتی خدا انرژی خاص‌تری به
مرد می‌دهد، توده عضلانی بیشتری
به مرد داده، خوب حتماً مرد
قوی‌تر است.

● مگر ما نمی‌خواهیم از

ورزش لذت ببریم؟ آقایان که نباشند،
بیشتر می‌توانیم لذت ببریم.

خداوند به مرد داده است. شما می‌بینید مرد شما بنشیند در خانه بچه نگه دارد و شما بروید بیرون کار کنید؟ هر چیزی باید در جایگاه خودش مطرح باشد. حالا در مورد بعضی مسائل اگر بعضی‌ها تنگ‌نظر هستند، ان‌شاءالله که درست می‌شود. همان‌طور که ما رو به رشد بوده‌ایم، رو به رشد کار کرده‌ایم و هیچ‌گاه عقب‌نشینی نکرده‌ایم. شما مطمئن باشید این چیزها عقب‌نشینی نیست.

● خانم نظرعلی، ما هدفمان رسیدن به امکانات بیشتر و...

○ بیشتر می‌شود. شما ببینید از امکان ورزشی‌ای که ساخته شده، نصفش مال خانم‌هاست. در خود تهران حدود دویست مکان زده‌اند که شاید نزدیک به صدتایش را برای خانم‌ها اسم گذاشته‌اند. اصلاً نسبت به قبل قیاس کنیم، می‌بینیم خیلی فرق کرده‌ایم، خیلی. دو سال دیگر حتماً بهتر است. من این را اطمینان دارم.

● خوب، کمی در مورد المپیک آتلانتا صحبت کنیم. چه‌طور شد که تنها تیم تیراندازی ما شرکت کرد؟

○ برای ورود به المپیک آتلانتا، در هر رشته‌ای حد نصاب‌هایی وجود دارد که در واقع ورودی هر رشته محسوب می‌شود. تیم تیراندازی بانوان ما این حد نصاب را به دست آورد ولی ما هیچ شرکت‌کننده مردی در این رشته نداشتیم. شاید اگر رشته‌های دیگری هم باشد، برتر از آقایان باشیم.

● پس باید رشته‌های دیگری هم باشد که زن‌ها خودشان را نشان بدهند.

○ باید خاص خودمان باشد. دنیا خودش را با ما وفق بدهد! چرا ما باید حتماً تابع نظرات آنها باشیم؟

● با توجه به اعتقاداتان فکر نمی‌کنید تیراندازی یک ورزش مردانه است و برای زن‌ها خشن است؟

○ نه، اصلاً. تیراندازی خشن نیست. می‌گویید خشن چون اسم تیراندازی دارد. شما دارید تیراندازی را به عنوان چیزی که مثلاً بزنی یکی را بکشی، در نظر می‌گیرید و فکر می‌کنید خشن است. تیراندازی اصلاً حرکت بدنی ندارد. فقط حرکت چشم است.

● من یک سؤال دیگری هم داشتم ولی پیش از آن اگر مطلبی هست که فکر می‌کنید باید به آن اشاره شود، بفرمایید.

○ شما به مسئولان بگویید با توجه به این که خانم‌ها از نظر سلامتی مرکز خانواده هستند، به ما امکانات بیشتری بدهند. اگر همه روی این اصل - سلامتی - جلو بروند، خوب است. اصلاً به بُعد قهرمانی کار ندارم. من روی این مسئله تأکید دارم که به خانم‌ها امکانات بیشتری بدهند، حتی مسوا می‌دهند.

من اعتقاد دارم مسئولان طی سال‌های اخیر به ورزش بانوان توجه بیشتری نشان داده‌اند. آقای هاشمی طباطبائی (رئیس سازمان تربیت بدنی کل کشور) واقعاً ورزش بانوان را تقویت کرده‌اند. به‌مرحال، مشکلاتی هم که هست، مشکلات بعد از جنگ است، ان‌شاءالله حل می‌شود.

● خانم نظرعلی، شاید کمی از بحث خارج شویم ولی در مجله زنان (شماره ۲۵) گزارشی در مورد المپیاد فرهنگی - ورزشی دانشجویان سراسر کشور چاپ شده بود. به نظر می‌رسید که برخورد مسئولان در آن المپیاد با دانشجویان دختر مناسب نبود و به‌صورت‌های مختلفی، مثل گندن کارت‌های دانشجویی از مقننه بعضی دانشجویان و برخوردهای تحقیرآمیز دیگری در مراسم افتتاحیه به آنها توهین شد. آیا واقعاً این همه خشونت لازم بود؟

○ مکان برای آن المپیاد، با آن جمعیت، مکان نامناسبی بود. خیلی کوچک بود. سالن گنجایش سه تا چهار هزار نفر را نداشت، ورودی‌های سالن کوچک بود. من با چند نفر که شاید از قسمت حراست خود آن سالن بودند، دم در بودیم. آنهایی که کارشان را گرفتیم، آرایش کامل داشتند. در یک سالن ورزشی سادگی اولین حرف را می‌زند. در سالن هم پسرها شروع کردند به کف‌زدن، طبل زدن، شیپور زدن و رقصانن گرمکن‌هایشان. دخترها هم به تقلید همین کار را می‌کردند، که حرکت فرهنگی و قشنگی نبود. در دنیا هم که آلوده به همه چیز هستند، در محیط‌های ورزشی ساده می‌آیند و کوچک‌ترین آرایشی به صورتشان نیست ولی متأسفانه بعضی از خانم‌های ما رعایت نمی‌کنند. تازه برخوردی هم نکردیم. کارت‌ها به آنها برگردانده شد. تنها اسم‌ها را نوشتیم که بعداً بگیریم

این دانشگاه ده نفر از بازیکنانش مورد داشتند.

● اما ظاهراً روز افتتاحیه با کسانی هم که آرایش نداشتند، برخورد بدی شده بود.

○ حالا اگر بعضی جاها هم تذکرها بد بوده، من نمی‌دانم فشار کار بوده، خستگی بوده... ما توقع داریم یک دانشجوی پیش از این که به او بگویید، خودش رعایت کند... نه، من در سالن هم رفتار خشن ندیدم، چون خودم بودم، با این قاطعیت حرف می‌زنم. من اطمینان دارم.

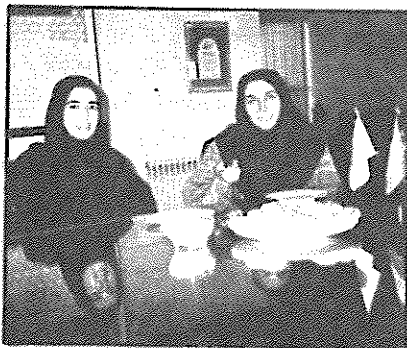
● خانم نظرعلی، من هم آنجا بودم ولی مثل این که مشاهدات من با مشاهدات شما خیلی متفاوت است... از این که به من وقت دادید، ممنون!

با مسئولان و دبیران هیئت‌های ورزشی استان تهران

بعد از گفت‌وگو با پروانه نظرعلی، مسئول اداره ورزش بانوان استان تهران، می‌رسیم به هیئت‌های ورزشی زیر نظر او. دیدیم در این مجموعه به ورزش‌هایی مثل دوچرخه‌سواری، کوهنوردی، تیراندازی و سوارکاری در قالب مقاله، گزارش و یا حتی مصاحبه پرداخته‌ایم و جای ورزش‌های پرطرفداری مانند والیبال، بسکتبال و... رشته‌های نوپایی چون هاکی، قایقرانی... و ورزش مادری مثل دوومیدانی خالی است. فکر کردم سری هم به مسئولان و دبیران هیئت‌های ورزشی استان تهران بزنیم، پای صحبت آنها بنشینیم تا شکوه‌ها و رضامندی‌هایشان را بشنویم و ببینیم برای ورزش پرقیل‌وقال بانوان چه کرده‌اند؟...

جای هیئت‌های اسکواش، آمادگی جسمانی، بدنیتون، تکواندو، تنیس، ژیمناستیک، شطرنج، کاراته، معلولین، ناشنوایان و نجات‌غریق، به دلایل مختلفی مثل کمبود جا، در دسترس نبودن مسئولان در محدوده فرصتی که داشتیم و... در این مجموعه خالی است. در این میان از مسئول هیئت گلف هم، حضوراً، وقتی برای مصاحبه گرفتیم ولی او به‌هردلیلی، بی‌اطلاع قبلی، در زمان تعیین شده در محل مصاحبه حضور نیافت. با این اوصاف، مجموعه‌ای از ۱۳ هیئت ورزشی استان تهران آماده شد. بخوانیم و ببینیم تا کی علاقه و غیرت مسئولان در رده‌های پایین‌تر می‌تواند پیش‌برنده امری به نام ورزش بانوان کل کشور باشد... ❏

اسکی تنها رشته‌ای است که بعد از انقلاب تعطیل نشد



افسانه شمشکی - مرجانه شمشکی

اصفهان الان دو سال است که با ما همکاری ندارد و تیم هم نمی‌دهد.

● اسکی زنان ما در چه سطحی است؟ تیم ملی داریم؟

○ بله، تیم ملی داریم. آسیه تیر و زهرا کلهر که در دبیرستان مشغول تحصیلند، از اعضای تیم ملی ما هستند. مسابقات ما فقط در سطح تهران و خیلی غیررسمی برگزار می‌شود. سال گذشته هم به مسابقات قهرمانی آسیا اعزام داشتیم که اولین حضور زنان اسکی‌باز ما در طول تاریخ ورزش ایران بود. مریان ژاپنی و چینی می‌گفتند با تمرینات منسجم و برنامه‌ریزی خوب می‌توانیم تیم بهتری داشته باشیم. با وجود این، حتی نسبت به آسیا هم در سطح پایینی هستیم، چه رسد به کشورهای مثل سوئیس و آلمان و اتریش که نه ماه سال برف دارند.

● مربی بین‌المللی هم داریم؟

○ بله. فروردین‌ماه اسال یک کلاس *coaching* برای آقایان برگزار شد که من و دو خانم دیگر هم در این کلاس شرکت کردیم و کارتمان چند هفته پیش رسید.

● آقایان چند نفر بودند؟

○ ۲۵ نفر.
● سه به ۱۲۵! فکر نمی‌کنید سهمیه خیلی کمی است؟
○ چرا. اعتراض هم شد. حالا قرار است بهمن‌ماه اسال کلاسی مخصوص خانم‌ها تشکیل شود.
● شما در اسکی مشکل پوشش که نداشته‌اید؟
○ نه. اسکی چون در هوای سرد و برفی انجام می‌شود، پوشش زیادی دارد: کلاه، دستکش، لباس کلفت ضدسرما و کفش. در واقع اسکی تنها رشته‌ای است که بعد از انقلاب اصلاً تعطیل نشد و

هیئت اسکی استان تهران

مسئول هیئت: افسانه شمشکی

دبیر هیئت: مرجانه شمشکی

● خانم شمشکی، این‌طور شروع کنیم که مسابقات اسکی در دنیا شامل چه رشته‌هایی است، در ایران چه رشته‌هایی را داریم و از بین این رشته‌ها خانم‌ها در چه رشته‌هایی فعالند؟
○ در دنیا اسکی شامل رشته‌های آلپاین (مارپیچ بزرگ و کوچک)، نوردیک (استقامت)، سوپرچی، پارالل، پرش‌ها و اسکی سبک آزاد است. در ایران ما آلپاین و سوپرچی و سرعت را داریم که از بین اینها خانم‌ها تنها در آلپاین فعالند. البته پیست سرعت هم خراب شده است.

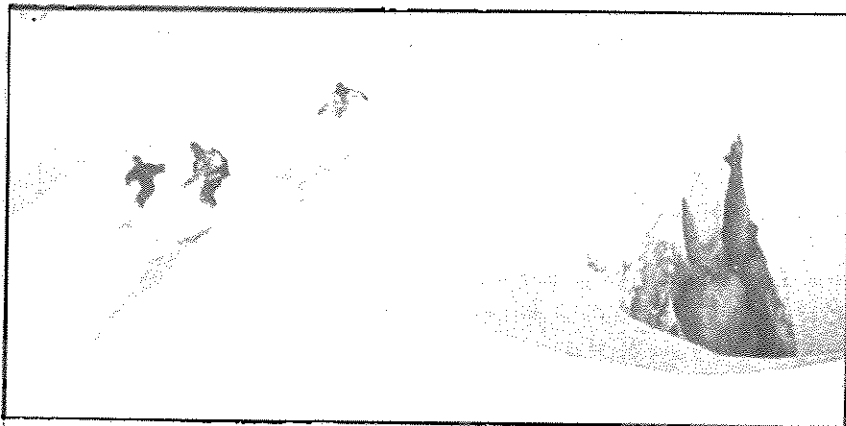
● هیئت اسکی چه مدت است که کار می‌کند و

در این مدت چه کارهایی کرده‌اید؟

○ هیئت اسکی از سال ۶۵ به‌طور رسمی در تهران شروع به‌کار کرد. ما هر سال کلاس‌های مربی‌گری و داوری برگزار می‌کنیم و به مناسبت‌های مختلف هم مسابقاتی داریم. الان، در تهران، حدود ۱۵۰ مربی داریم که در پیست‌های اسکی شمشک، دیزین، دریندر، توچال و آبعلی مشغول به‌کار هستند. در تهران، در یک روز تعطیل، حدود پنج‌هزار خانم، هم‌زمان، در پیست‌ها اسکی می‌کنند. برنامه‌ریزی برای ما کار مشکلی است چون پیست‌های اسکی و کنترل آنها در دست وزارت ارشاد است. دریندر یک پیست خصوصی است و بخشی از پیست آبعلی هم در دست بخش خصوصی است و بخش دیگر آن در اختیار سازمان تربیت‌بدنی است. پیست توچال هم دست بنیاد مستضعفان است. با این‌حال، توانستیم از بین استان‌های برف‌خیز کشور چند استان را فعال کنیم.

● کدام استان‌ها؟

○ آذربایجان شرقی و غربی، چهارمحال و بختیاری، مرکزی، تهران، زنجان و اصفهان. البته



برف هم می‌تواند خطرناک باشد. برای همین باید در انتخاب وسایل دقت کافی شود. فروشندگان لوازم اسکی خود خیره این کار هستند و بعضاً در کشورهای خارجی دوره هم دیده‌اند. کشورهای تولید کننده وسایل اسکی معمولاً جدولی را هم به همراه این وسایل ارائه می‌دهند که از روی آن دقیقاً می‌توان فهمید که مثلاً با توجه به قد و وزن و سایر فاکتورها چه وسیله‌ای را باید انتخاب کرد ■

○ اسسال قیمت‌ها برای مربی‌های درجه سه، روزانه، سه هزار تومان و برای مربیان ممتاز، روزانه، هفت هزار تومان بود. مربی‌ها می‌توانستند به یک نفر یا یک گروه آموزش بدهند.

● فکر می‌کنم خوانندگان ما بدشان نیاید نکاتی را که موقع خرید لوازم اسکی باید در نظر بگیرند، از زبان یک کارشناس بشنوند.

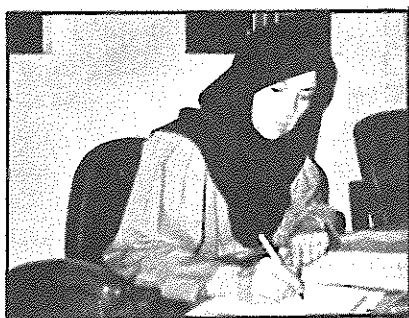
○ وسایل و لباس‌های اسکی با پیشرفت تکنولوژی خیلی تکنیکی‌تر شده است. اسکی یک ورزش مشکل و خطرناک است. خود پیست و وضعیت

با پوشش مورد تأیید وزارت ارشاد (ماتوی بلند زیر زانوی ضد آب، روسری، کلاه و عینک) برگزار می‌شود.

● امکاناتان برای پاسخ‌گویی به متقاضیان چگونه است؟

○ ما در پیست شمشک، دریند، آبعلی و دریندسر مدارس اسکی داریم. مربیان ما هم در این مدارس حضور دارند. البته چون داوطلب یادگیری زیاد است، مربیان ما کافی نیستند.

● قیمت‌ها به چه صورت است؟



نینا زرگر صالح

چون بستکبال پر تحرک است، زنان داور ما نمی‌توانند در مسابقات خارجی سوت بزنند

هیئت بستکبال استان تهران
مسئول هیئت: نینا زرگر صالح
دبیر هیئت: منیژه بهرامی مهر

● در مسابقات کشورهای اسلامی چه طور؟

○ ببینید وقتی مدرسی می‌آید، در پایان دوره باید امتحان بگیرد. موقع امتحان داور باید بلند شود، بدود و تحرک داشته باشد... ما برای داوران زنان این مشکلات را داریم ولی برای مربی‌گری نه.

● از نظر امکانات با مشکل خاصی مواجه هستید؟

○ اگر امکاناتمان بیشتر بود، مطمئناً تیم‌های بهتری داشتیم. یکی - دو تا از تیم‌های باشگاه‌های ما چون محلی برای تمرین نداشتند، آفت کردند ولی بچه‌ها برای احترام به مربی تیم را رها نکردند. ما سعی کرده‌ایم در سطح تهران این مشکل را برطرف کنیم و به جای این‌که یک تیم هفته‌ای سه جلسه تمرین داشته باشد، سه تیم هفته‌ای یک جلسه فعالیت کنند.

● بستکبال زنان ایران نسبت به سایر کشورهای اسلامی در چه سطحی است؟

○ اولین سالی که ما در مسابقات کشورهای

بگذارم و معتقدم اشخاصی که از این کلاس‌ها استفاده می‌کنند و کارت می‌گیرند، باید فعالیت کنند. مربی، خودش، باید فعال شود و تیم تشکیل دهد ولی داورها را ما باید فعال کنیم و زمینه را برای حضورشان فراهم کنیم. خود من مدرس کلاس داوری بودم و از کلاس ۳۰ نفری تنها به ۴ نفر کارت دادم. به‌خصوص در داوری باید سخت‌گیری کرد تا حق کسی ضایع نشود. بعداً از این ۴ نفر هم در مسابقات دسته سه باشگاه‌ها استفاده کردیم. ما در سطح بین‌المللی هم مربی داریم. وقتی از طرف فدراسیون بین‌المللی برای آقایان مدرس فرستاده شد، خانم‌ها هم شرکت کردند و کارت گرفتند؛ خانم نوروزیان، هادوی، فریده شجاعی و فرانک طیاری.

● داور چه طور؟

○ ما هفت داور درجه یک ملی داریم که در کلاس‌های فدراسیون بین‌المللی هم شرکت کردند ولی ما نمی‌توانیم داور زن بین‌المللی داشته باشیم چون داوری بستکبال همراه با تحرک است و داورهای زن ما نمی‌توانند در مسابقات کشورهای خارجی سوت بزنند.

● یعنی مدرک بین‌المللی دارند ولی زمینه فعالیت ندارند؟

○ اول باید زمینه فعالیت باشد تا مدرک بگیریم!

● خانم زرگر صالح، حدوداً چند نفر به صورت سازمان یافته تحت پوشش شما هستند؟

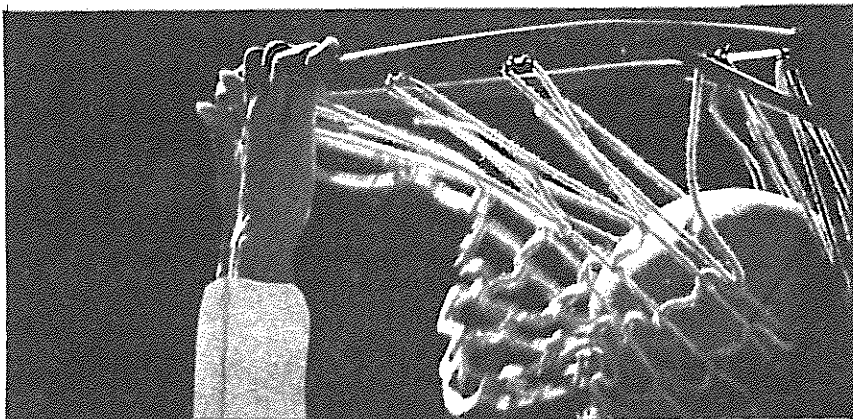
○ حدود ۶۰۰ نفر عضو تیم‌های دسته یک، دسته دو، دسته سه، جوانان، نونهالان و بزرگسالان هستند و در مسابقات شرکت می‌کنند. افراد زیادی هم هستند که بستکبال بازی می‌کنند ولی در حلی نیستند که به عضویت تیمی دربیایند.

● لظفاً در مورد مسابقاتی که برگزار می‌کنید کمی توضیح بدهید.

○ ما ابتدا از همه تیم‌ها دعوت کردیم که در یک‌سری مسابقات شرکت کنند. ده تیم اول را به‌عنوان تیم‌های دسته یک انتخاب کردیم و بقیه را به‌عنوان دسته دو. هر سال مسابقاتی بین این دو دسته برگزار می‌شود و دو تیم آخر دسته یک به دسته دو نزول می‌کنند و دو تیم اول دسته دو به دسته یک صعود می‌کنند. به این ترتیب، ما ۱۰ تیم دسته یک داریم، ۲۲ تیم دسته دو، ۲۳ تیم در رده سنی نونهالان و ۳۷ تیم در رده سنی جوانان که باز ده تیم اول دسته یک هستند و بقیه دسته دو. مهم‌ترین کار ما برگزاری لیگ در سال قبل، بین ۱۰ تیم باشگاهی، بود. نتیجه خوبی هم که گرفتیم، این بود که تیم‌ها برای آمادگی در لیگ در طول سال فعالیت کردند، آمادگی جسمانی خوبی پیدا کردند و به همین دلیل تیم ملی بزرگسالان ما و تیم‌های جوانان ما در مسابقات بین‌المللی دهه فجر مقام اول و دوم را به‌دست آوردند.

● بستکبال از نظر مربی و داور در چه وضعی است؟

○ مربی تیم ملی ما خانم منیژه نوروزیان هستند که چون ۹۹ درصد بچه‌های تیم ملی تهرانی هستند، ما مربی‌گری تیم تهران را هم به ایشان داده‌ایم. من سعی می‌کنم هر سال کلاس مربی‌گری یا داوری



از دهه فجر که از چند تیم خارجی دعوت می‌شود، در طول سال هم از تیم‌هایی دعوت شود که بایند و به صورت دوستانه و تمرینی مسابقه بدهیم تا بچه‌هایمان بتوانند برای مسابقات بین‌المللی خودشان را بسازند

می‌آوریم، بهتر هم می‌شویم.
 ● پس آینده را روشن می‌بینید؟
 ○ بله، مشروط بر این‌که مسئولان بسته عمل نکنند.
 ● یعنی چه؟
 ○ یعنی یک مقداری مسابقات را بسط بدهند و غیر

اسلامی شرکت کردیم، بین هفت تیم مقام دوم را به دست آوردیم. البته ما هنوز نسبت به آنچه در جهان در جریان است، خیلی عقب هستیم ولی من معتقدم که اگر ما در عرض سه - چهار سال به اینجا رسیدیم که در مقابل یکی - دو کشور خارجی مقام

سر پاگرد رسالت و زیرپله چینه چند میز داریم



زهرا نادری - نسرین پورسعید

هیئت تنیس روی میز استان تهران
مسئول هیئت: نسرین پورسعید
دبیر هیئت: زهرا نادری

● خانم پورسعید، هیئت تنیس روی میز تاکنون چه فعالیت‌هایی انجام داده است؟
 ○ من و خانم زهرا نادری از بهمن ماه ۷۴ این مسئولیت را قبول کردیم. در این مدت کلاس‌های مختلفی برگزار کرده‌ایم، از جمله یک کلاس یک‌روزه بدنسازی که مخصوص تنیس روی میز بود. خیلی هم نتیجه گرفتیم. در دومین ماه فعالیتمان هم کلاس بازآموزی مربی‌گری گذاشتیم.
 ● از نظر مربی الان در چه سطحی هستید؟
 ○ ما مربیان خوبی داریم ولی، خوب، تعداد کم است.

● در حال حاضر قهرمان تنیس روی میز ایران چه کسی است؟
 ○ در مسابقات رده‌بندی که اسفندماه ۷۴ در اصفهان برگزار شد، مهوش فاریابی بدون باخت به مقام اول دست یافت که در واقع نفر اول تیم ملی ما هم بود.

● شما، خودتان، مربی تنیس روی میز هستید؟
 ○ کارت مربی‌گری دارم ولی خوشبختانه الان تیم ندارم. این‌که می‌گویم خوشبختانه، برای این است که هر نظری بدهم و یا هر سخت‌گیری که بکنم، کسی نمی‌گوید به نفع تیم خودم کار کرده‌ام. البته خانم نادری الان آموزش و پرورش را خیلی خوب می‌چرخانند. شیرین قلعه‌پیک، آزاده سرافراز و صنم صدر بچه‌هایی بودند که در آموزش و پرورش از صفر شروع کردند و با زحمت خانم نادری الان از اعضای تیم ملی هستند و مهم‌تر از همه این‌که این بچه‌ها قدر مربی اولشان را می‌دانند.

● خانم پورسعید، من شما را در مسابقات والیبالی هم دیده‌ام، تخصص شما در کدام‌یک از این دو رشته است؟

○ والیبالی گروهی است و تنیس روی میز انفرادی. بسته به نیاز در مسابقات هر دو رشته حضور پیدا می‌کنم. حتی در این دوره المپیک به داوری من در والیبالی نیاز بود ولی من گفتم که چون مسئول هیئت تنیس روی میز هستم، ترجیح می‌دهم در مسابقات تنیس روی میز حضور داشته باشم؛ که اصلاً هیچ کدام را هم نرفتم!

● تنیس روی میز ایران الان در چه سطحی است؟
 ○ الان مدت زیادی است که ما در مسابقات

بین‌المللی حضور پیدا نکرده‌ایم. در مسابقات کشورهای اسلامی هم تیم نداریم. تنیس روی میز برخلاف آنچه به نظر می‌رسد، رشته تخصصی و بسیار سختی است. به قول آقای پسران، دبیر فدراسیون تنیس روی میز آقایان، این رشته دیر نتیجه می‌دهد؛ مثلاً مهوش فاریابی از ۱۲ - ۱۳ سالگی کار کرده بود ولی در ۲۲ سالگی نفر اول ایران شد. به‌رحال، باید کار بیشتری شود. در این رشته در درازمدت نتیجه خواهیم گرفت.

● معمولاً تصور می‌شود که برای این ورزش یک راکت و توپ و میز کافی است. شما مشکل امکانات که ندارید؟

○ چرا، خیلی هم مشکل داریم. تنها سالی که الان مرکزیت دارد و تعداد میزهایش هم زیاد است، همین سالن حجاب است. نمی‌دانم به این سالن رفته‌اید یا نه. از نظر نور واقعاً ضعیف است و بچه‌ها اکثراً ناراحتی چشم پیدا کرده‌اند. در تنیس روی میز نور باید از بالا بتابد اما نور این سالن را نورافکن‌های کناره زمین تأمین می‌کنند.

● این سالن را برای تنیس روی میز ساخته بودند؟
 ○ نخیر. من فکر می‌کنم ابتدا این سالن را برای تنیس خاکی ساختند ولی بعد دو زمین را اختصاص دادند به تنیس خاکی و بقیه را دادند به تنیس روی میز و در قسمت کناری هم ورزش‌های دیگری مثل تکواندو، کاراته و ژیمناستیک انجام می‌شود. در باشگاه رسالت هم در یکی از پاگردهایش، که جای بسیار تنگی است، سه میز گذاشته‌اند. در باشگاه چینه‌ر یک زیرپله را فضا سازی کرده‌اند، دو میز گذاشته‌اند و کار می‌کنند. در بقیه باشگاه‌ها هم اغلب میزها را در زمین بسکتبال یا والیبالی می‌گذارند و بعد از اتمام ساعت کلاس دوباره جمع می‌کنند. خیلی از باشگاه‌ها هم برگزاری کلاس‌های تنیس روی میز را به‌صرفه نمی‌دانند چون میز فضای زیادی اشغال می‌کند و فقط دو نفر از این فضا استفاده می‌کنند در صورتی‌که در همان فضا ۶۰ - ۷۰ نفر می‌توانند والیبالی تمرین کنند.

● برای رفع این مشکلات هیچ اقدامی نکرده‌اید؟
 ○ چرا. اواخر فروردین میزهای شکسته را جمع‌آوری و تعمیر کردیم و حدود نُه میز تهیه کرده و بین سالن‌های مختلف بخش کردیم. امسال برای بچه‌های آموزش و پرورش یک سانس مجانی گرفتیم. همان اولی کارمان هم برای تشویق بچه‌ها تصمیم گرفتیم یک ترم کامل مجانی از بچه‌ها ثبت‌نام کنیم. این‌کار برای اداره ورزش بانوان

استان تهران خیلی هزینه داشت ولی خانم نظرعلی خیلی همکاری کردند و ما این کار بی‌سابقه را انجام دادیم. یکی دیگر از اقدامات ما تعیین مسئولی بود که کار مربی‌ها و امکانات سالن‌ها را ارزیابی کند.

● در سطح توابع استان چه کارهایی انجام داده‌اید؟

○ ما سعی داریم توابع را به همکاری با خود تشویق کنیم ولی مسئولان توابع کم‌لطف هستند و همکاری نمی‌کنند. یکی از مشکلات ما با توابع تهران این است که بعضی از آنها مسئول ورزش بانوان دارند ولی برای هر رشته ورزشی به‌طور جداگانه کسی را مسئول نکرده‌اند؛ در نتیجه آن یک‌نفر راجع به همه تصمیم می‌گیرد و، خوب، بالاخره جایی کم می‌آورد. برای ایجاد انگیزه در ورزشکاران توابع تهران ما از استان تهران دو تیم می‌فرستیم: یکی تیم تهران و یکی تیم توابع تهران که در تیم توابع فقط از بچه‌های شهرستان‌های تهران استفاده می‌کنیم... ما یک کلاس مربی‌گری درجه سه گذاشتیم و از توابع هم برای شرکت در کلاس دعوت کردیم ولی شرکت نکردند. هم کم کار هستند، هم فکر می‌کنم از نظر آمد و رفت و مسکن مشکل دارند.

● نمی‌شود کلاس را در خود شهرستان‌ها تشکیل داد؟

○ چرا. اگر درخواست کنند، ما کلاس می‌گذاریم. ما یک کلاس داوری درجه دو داشتیم که طبق درخواست انجمن تنیس روی میز کل کشور آن را سراسری اعلام کردیم و خوشبختانه خوب استقبال شد.

● من نکته دیگری به نظرم نمی‌رسد. چیزی که جا بیفتاد؟

○ ... چرا. بیشتر از همه دلم می‌خواست که به برگزاری لیگ تنیس روی میز بانوان استان تهران که دوم شهریور امسال برگزار شد، اشاره کنم. خود

مسئولان استان تهران می‌گفتند که شرکت ۲۰ تیم در لیگ باشگاهی تهران و آن هم رشته تیس روی میز بی‌سابقه است. توابع تهران، ارگان‌های دولتی و دانشگاه‌ها هم شرکت کردند. به‌رحال، چون دور

اول بود، مشکل داشتیم ولی همین‌که استقبال خوب بود، برای ما کافی است. کمیته‌های ما هم خیلی همکاری کردند. ما چهار کمیته داوران، مربیان، آموزشی و فنی - انضباطی داریم. در واقع، من

هیچ‌وقت تنها تصمیم نمی‌گیرم. تمام تصمیمات در کمیته‌ها مطرح می‌شود. خلاصه ما بلا به سر این کمیته‌ها زیاد می‌آوریم! خسته نباشند! ■

جودو اصلاً خشن نیست!

هیئت جودوی استان تهران

مسئول هیئت: زهرا پورامین

دبیر هیئت: -



● خانم پورامین، جودو و کاراته و تکواندو چه تفاوت‌هایی با هم دارند؟

○ ورزش‌های رزمی شاخه‌های مختلفی دارد که عمده‌اش همین سه رشته است. کاراته و تکواندو خیلی شبیه به هم هستند و بیشتر حالت تهاجمی دارند ولی جودو بیشتر حالت تدافعی دارد. جودو اولین رشته‌ای است که به ارتش وارد شد و تنها مسابقه رزمی است که در بازی‌های المپیک انجام می‌شود.

● چند سال است که این رشته در ایران فعال شده است؟

○ این رشته قبل از انقلاب هم در ایران بود ولی از سال ۵۹ که خانم میازاکی از طریق فدراسیون جودو و سفارت ژاپن به ایران آمدند، جودوی بانوان در سالن بادی شهید شیروودی راه‌اندازی شد. البته، به‌علت حساسیت‌هایی که بود، حدود پنج - شش سال کار نکردیم.

● چه حساسیت‌هایی؟

○ این‌که کلاً ورزش‌های رزمی را برای خانم‌ها منع کرده‌بودند. به‌رحال، هیئت جودوی استان تهران فعالیت رسمی خودش را از سال ۷۳ شروع کرده است.

● در این مدت چه‌قدر از این رشته ورزشی استقبال کرده‌اند؟

○ خوشبختانه، خانم‌های ما از هر ورزشی که شناخته شود، استقبال می‌کنند. جودو چون حالت تدافعی دارد، با سیستم بنی خانم‌ها هم هماهنگ است. افراد پیش از این‌که وارد این رشته شوند، تصور می‌کنند که رشته خشنی است در صورتی‌که بعد از ورود اصلاً نمی‌توانند از این رشته دل بکنند. الان بعضی از شهرستان‌ها را هم فعال کرده‌ایم. در تهران هم اسلامشهر و شهرری فعال شدند.

● مسابقاتی هم برگزار شده است؟

○ ما در این دو سال تمام نیرویمان را صرف آموزش کرده‌ایم و ان‌شاءالله امسال در تدارک برگزاری مسابقات هستیم.

● رده‌بندی آموزشی در جودو به چه صورت است؟

○ بچه‌ها هر سه ماه یک‌بار کمربند می‌گیرند. جودو هم مثل سایر رشته‌های رزمی از «کیو ۹» شروع

می‌شود و می‌آید بالا تا برسد به «کیو ۱» و بعد می‌رسیم به «دان ۱».

● بالاترین رده چیست؟

○ بالاترین حدی که در ایران داریم، «دان ۱» است ولی در ژاپن خانم نیپوشی که از شاگردان آقای جیگاروکانو - بنیانگذار جودو - هستند، «دان ۷» دارند.

● تجهیزات و امکانات خاصی برای این رشته لازم است؟

○ برای جودو فقط تشک لازم است. تشک برای ما مثل توپ برای والیبال است. این تشک‌ها را یک مدت در ایران ساختند ولی زیاد کیفیت خوبی نداشت. هزینه‌ای که بابت وارد کردن این تشک‌ها باید بپردازیم، خیلی زیاد است. البته فدراسیون جودو در این زمینه خیلی به ما کمک می‌کند.

● الان کدام باشگاه‌ها فعال هستند؟

○ کانون بسیج شهرری و کانون بسیج نوجوانان منطقه جنوب. باشگاه حجاب را هم می‌خواهیم برای ترم پاییز فعال کنیم.

● پس بیشتر خواهران بسیجی در این رشته فعالند.

○ نخیر. بچه‌های عادی هم زیاد هستند. در اسلامشهر که بچه‌های عادی فعالند. در شهرری هم مخلوط است. یعنی ما از مکان کانون استفاده می‌کنیم چون آنها تشک دارند و ما سالنی مخصوص بانوان نداریم که تشک داشته باشد. تنها سالنی که تشک دارد، سالن حجاب است که آن هم تشک ژیمناستیک است.

● کمی در مورد تاریخچه ورزش‌های رزمی یا، به‌طور مشخص، جودو برآیمان بگویید.

○ بنیانگذار جودو آقای جیگاروکانوی ژاپنی بودند که دکترای علوم ورزشی داشتند. وی ورزش سنتی جوجیتسو را که مخصوص سامورایی‌ها بود، اصلاح کرد و آن را جودو نامید، «جو» به معنی روش و «دو» به معنی ملایمت. به این ترتیب که

به‌جای حرکات خشونت‌آمیز سامورایی‌ها حرکات جلدی را که با سیستم بدنی انسان سازگار است، اضافه کردند. جیگاروکانو با نه نفر شروع کرد و منطقی‌ترین برای این‌کار غلبه فرد ضعیف بر فرد قوی بود. یعنی، به فرض، اگر قدرت بدنی شما یک و قدرت بدنی حریف ده باشد، شما با اجرای تکنیک صحیح می‌توانید قدرتان را به یازده تبدیل کنید و حریف را شکست بدهید. همین‌جا این نکته را هم بگویم که همسر جیگاروکانو اولین زنی بود که این رشته را آموزش دید.

● مسابقات این رشته به چه صورت است؟

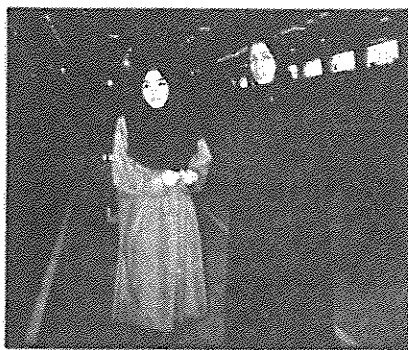
○ جودو به این صورت است که شخص از حمله دیگران به نفع خودش و برای نشان دادن تکنیک‌ها و فن‌های جودو استفاده می‌کند. البته در جودو حمله هم داریم، نمی‌شود هم‌ماش تدافعی کار کرد. ما از ابتدا رویه‌رو کار می‌کنیم چون کاتا‌ها برخلاف سایر رشته‌های رزمی دوفره است.

● کاتا یعنی چه؟

○ کاتا حرکات نمایشی یا فرضی است که در تمام رشته‌های رزمی وجود دارد. در کاراته و تکواندو کاتا‌ها را با حریف فرضی نشان می‌دهند ولی در جودو نه. ما دوفره کار می‌کنیم و حرکت‌مان شکل‌یافته است یعنی «اکه» (کسی که دفاع می‌کند) و «تُری» (کسی که حمله می‌کند)، می‌دانند که حریف چه حرکتی را انجام خواهد داد.

● خانم پورامین، در ایران اولین زنی که به این رشته ورزشی رو آورد، که بود؟

○ در ایران روی فرد خاصی کار نشد. در سال ۳۷ یا ۳۸ دو نفر جودوکار از ژاپن به ایران آمدند و دیدند تنها جایی که این رشته می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد، بین نیروهای پلیس است. خوب، آن موقع ما خانم‌های پلیس هم داشتیم و قرار شد که به آنها تعلیم دهند. ■



شمسی آقامحمدی - ناهید قناتی

اعضای تیم را

کم کرده اند تا در خوابگاه جا بشوند!

هیئت دوومیدانی استان تهران

مسئول هیئت: شمسی آقامحمدی

دبیر هیئت: ناهید قناتی

● خانم آقامحمدی، دوومیدانی شامل چه رشته‌هایی است؟

○ دوها شامل دوی سرعت، اندادی، استقامت، نیمه استقامت، با مانع و صحرانوردی؛ پرتاب‌ها شامل پرتاب وزنه، نیزه، دیسک؛ پرش‌ها شامل پرش طول و ارتفاع، پرش با نیزه و پرش سه گام، که دوتای آخر را تنها آقایان انجام می‌دهند.

● در دوومیدانی معمولاً هر فرد در یک رشته تخصص دارد و در مسابقه مربوط به همان یک رشته شرکت می‌کند ولی تا آنجا که من می‌دانم، در تیم‌های ما این مسئله رعایت نمی‌شود. چرا؟

○ این به دلیل محدودیتی است که در تعداد اعضای یک تیم برای ما گذاشته‌اند. یک تیم کامل باید ۲۵ یا ۲۶ نفره باشد ولی به ما می‌گویند باید تیم ۱۲ نفره بدهید. به همین دلیل بچه‌ها مجبور می‌شوند برای امتیاز تیمی در رشته‌های دیگری غیر از رشته تخصصی خودشان هم مسابقه بدهند.

● این محدودیت را برای چه ایجاد کرده‌اند؟

○ چون برای اسکان شرکت‌کنندگان در مسابقات مختلف با مشکل خوابگاه مواجه بودند و همچنین از نظر امکانات هم محدود هستیم.

● شما در هیئت دوومیدانی چه کارهایی انجام داده‌اید؟

○ موقعی که من به‌عنوان مسئول هیئت انتخاب شدم، دبیر نداشتم و فعالیت‌هایمان خیلی محدود بود. به‌تدریج، با برگزاری کلاس‌های آموزشی و مسابقات، فعالیت‌مان بیشتر شد و برای دبیری هم خانم ناهید قناتی را انتخاب کردیم که با ما در برگزاری کلاس‌ها و تهیه بولتن‌های علمی همکاری می‌کند.

● رشته تخصصی خودتان هم دوومیدانی است؟

○ بله، من عضو تیم ملی بودم و در پرتاب‌ها فعالیت می‌کردم. بعد از انقلاب هم به‌عنوان مربی مشغول به‌کار شدم.

● الان حدوداً چند نفر را تحت پوشش دارید؟

○ در این مکان (ورزشگاه شهیدکشوری) در یک سال حدود ۵۰۰ نفر آموزش می‌بینند.

● در سایر ورزشگاه‌ها چه‌طور؟

○ تنها پیست دوومیدانی سرپوشیده‌ای که ما داریم، همین مکان است. البته می‌توان از مدارس یا سالن بسکتبال سایر ورزشگاه‌ها هم استفاده کرد.

● پرتاب دیسک و نیزه و... را چه‌طور در سالن‌های بسکتبال انجام می‌دهید؟!

○ این سالن‌ها برای آموزش‌های ابتدایی است. برای دوها بیشتر در مدارس می‌توانیم این‌کار را بکنیم؛ یک کفش ورزشی و یک لباس راحت کافی است. تیم که انتخاب شد یا بچه‌های مستعد که شناسایی شدند، تمرین آنها و مسابقات اصلی‌شان در همین پیست شهیدکشوری انجام می‌شود.

● آیا همین یک پیست پاسخگوی متقاضیان این رشته هست؟

○ نه، اینجا ما محدودیت زمانی هم داریم. این پیست تنها هفته‌ای سه روز و هر جلسه دو ساعت در اختیار خانم‌هاست. در سایر روزها و ساعات پیست در اختیار آقایان است. اگر حداقل تعداد جلسات یا تعداد ساعات هر جلسه بیشتر بود، می‌توانستیم برنامه‌ریزی بهتری بکنیم و نرات بیشتری را جذب کنیم.

● در طی یک سال چه مسابقاتی برگزار می‌کنید؟

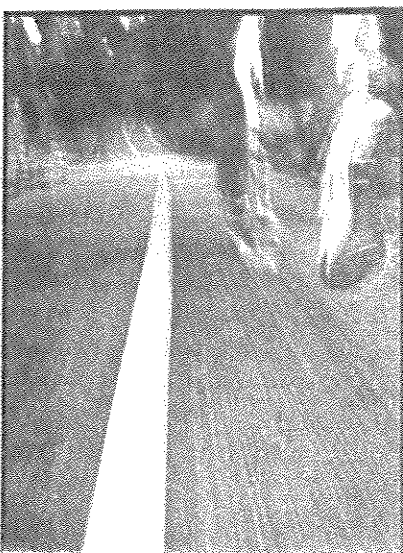
○ ما سعی کرده‌ایم از امکاناتمان حداکثر استفاده را بکنیم. مسابقات آغاز فصل داریم، مسابقات نونهالان، مسابقات انتخابی تیم تهران و مسابقاتی که به مناسبت‌های مختلف برگزار می‌شود.

● وضعیت این رشته از نظر مربی و داور به چه صورت است؟

○ مربی‌های ما - خانم صدارتی، زهرا حسینی، پرستو اصائلو و... همه از قهرمانان قدیم بوده‌اند. برای داور هم در طول سال کلاس‌هایی می‌گذاریم و آموزش می‌دهیم و سعی می‌کنیم از همه آنها در مسابقاتمان استفاده کنیم. ما در یک مسابقه رسمی دوومیدانی به ۵۰ داور احتیاج داریم ولی به علت این‌که هزینه بالا می‌رود، از تعداد کمتری داور استفاده می‌کنیم و در نتیجه سرداور پرتاب وزنه گرون‌تر هم می‌زند، استارت هم می‌دهد و ممکن است کارهای دیگری هم بکند.

● تعداد مربی‌ها چندتاست؟

○ مربی زیاد داریم ولی چون فقط یک پیست



مخصوص دوومیدانی داریم، فعالیت آنها هم محدود می‌شود. مربی‌ها در جاهای دیگر، مثل دانشگاه‌ها هم فعال هستند. در حال حاضر در این پیست، من و خانم‌هایی که گفتم، فعالیت می‌کنیم.

● در دور اول مسابقات کشورهای اسلامی تیم داشتیم؟

○ بله. مدال هم به‌دست آوردیم. در دوی استقامت و اندادی مقام سوم را آوردیم. پدیده بلوری‌زاده هم در پرش ارتفاع مقام چهارم را به‌دست آورد؛ ۱/۶۴ متر پرید که پرش خیلی خوبی بود.

● شنیده بودیم که دوومیدانی مادر ورزش‌هاست. پس چرا این قدر مورد کم‌لطفی قرار گرفته؟

○ البته مشکلات خاص دوومیدانی نیست و فکر می‌کنم رشته‌های دیگری مثل ژیمناستیک و شنا هم با کمبود امکانات مواجهند. ولی در واقع می‌توان گفت ضعف ما در سایر رشته‌ها به علت بی‌توجهی به دوومیدانی است. پس حتی برای بهتر شدن سایر رشته‌ها باید روی این رشته سرمایه‌گذاری کنیم و افراد بیشتری را هم تشویق کنیم که در این رشته کار کنند. ما از اولیا و مدارس می‌خواهیم نوجوانان را بیشتر برای تمرین بفرستند اینجا.

● خوب، این تعداد بیشتر را کجا می‌خواهید جا بدهید؟

○ همین‌جا. در همین دو ساعتی که پیست در اختیار ماست.

● تعداد زیاد باشد، کیفیت پایین نمی‌آید؟

○ نه. تعداد مربی را اضافه می‌کنیم. هر مربی می‌تواند با ۱۰ تا ۱۵ نفر کار کند.

● سالن گنجایش دارد؟

○ اگر تعداد بیشتری جذب کنیم، بچه‌ها ثبت‌نام کنند و پول به حساب ورزشگاه بریزند، می‌توانیم به‌تدریج از ساعت آمادگی جسمانی کم کنیم و پیست را برای دوومیدانی خالی کنیم.

● بچه‌های آمادگی جسمانی کجا بروند؟!

○ (می‌خندد) به‌مرحال، باید برای هیئت دوومیدانی یک بودجه‌ای در نظر بگیرند که حق مربی‌گری مربیان داده شود.

● الان مربیان پول نمی‌گیرند؟

○ حدود یک‌ساله هست که پول مربی‌گری مربیان این ورزشگاه پرداخت نشده است. اگر پول مربیان

برداشت شود، رشته تقویت می‌شود. ما چند نفر فقط به دلیل علاقه در این رشته نمانده‌ایم وگرنه هر کدام در رشته‌های دیگری هم تخصص داریم.

● هم شما گله دارید، هم بچه‌ها! موقعی که کنار بیست منظر آمدن شما بودم، اتفاق جالبی افتاد: چندتا از بچه‌های تیم تهران کنار زمین استراحت

می‌کردند. شنیدم که یکی‌شان می‌گفت: «چه فایده؟ این همه می‌دویم، زحمت می‌کشیم، مدال می‌آوریم، هیچ جا هم اسمی از ما برده نمی‌شود، بد نیست برای تشکر از این دوندۀ خسته و سایر بچه‌ها نامی از آنها ببریم.

○ اتفاقاً خیلی هم خوب است. پدیده بلوری زاده،

طناز حسینیان، نفیسه مطاعی، مهشید اراه‌چی، هانا گیتی، گلناز قدیری، مریم موسوی‌اصل، نوشین آقاجانی، سارا توانا، پانته‌آ غیائی، لینا توفیقی و معصومه حسنی بچه‌های تیم تهران هستند. ■

خیلی آگهی داده‌ایم ولی هنوز اکثر خانم‌ها نمی‌دانند می‌توانند شمشیربازی کنند

هیئت شمشیربازی استان تهران

مسئول هیئت: زهرا پورگرامی

دبیر هیئت: مریم زرنگار

● خانم پورگرامی، این ورزش چه قدر برای زنان شناخته شده است؟

○ ما از طریق روزنامه‌ها خیلی آگهی داده‌ایم و تبلیغ کرده‌ایم ولی هنوز اکثر خانم‌ها نمی‌دانند که می‌توانند در این رشته فعالیت کنند.

● تمرینات را کجا انجام می‌دهید؟

○ برای تمرینات از سالن شمشیربازی آقایان که در ضلع شمالی مجموعه ورزشی شیرودی است، استفاده می‌کنیم. سه روز در هفته - روزهای زوج - آن هم بعدازظهرها از ساعت ۱ تا ۴ آنجا تمرین داریم.

● احتمالاً خیلی از افراد درباره شمشیربازی و مقررات آن چیزی نمی‌دانند. بدنیست کمی در این مورد صحبت کنید.

○ ما از نظر تخصصی دو رشته فلوره و پاره داریم که مسابقات آنها در رده‌های سنی نوجوانان، جوانان و بزرگسالان برگزار می‌شود. تفاوت این دو رشته در نوع اسلحه، لباس و محل زدن ضربه است. امتیازدهی هم به این صورت است که در بازی‌های دوره‌ای در چهار دقیقه باید پنج ضربه زده شود و در بازی‌های حذفی هم دو نفر در سه ست سه دقیقه‌ای بازی می‌کنند که در مجموع این سه دقیقه باید ۱۵ ضربه زده شود.

● فعالیت هیئت را چه موقع شروع کردید و در این مدت چه کارهایی انجام داده‌اید؟

○ ما از سال ۷۲ شروع به کار کردیم و تعدادی از

خانم‌ها را که از قبل با این ورزش آشنا بودند، برای مربی‌گری آموزش دادیم. آموزش شمشیربازی بسیار دشوار است. این رشته یکی از پرتکنیک‌ترین رشته‌هاست و به همین دلیل مربی و شاگرد باید دایم با هم در ارتباط باشند تا مربی بتواند فن‌ها را به شاگرد منتقل کند. چهار - پنج سال طول می‌کشد تا کسی زیر نظر یک مربی خوب بتواند به سطح بالاتر ارتقا یابد. ما در این چندسال حدود ۴۰ شمشیرباز تربیت کرده‌ایم که در مقاطع مختلف کار می‌کنند.

● امکاناتی که در اختیاران هست، کافی است؟

○ بله. سالی که از آن استفاده می‌کنیم، سالن بزرگ و خوبی است؛ به طوری که تمام تمرین‌های آقایان هم در همین سالن انجام می‌شود. گویا خانم نظرعلی هم دارند در مجموعه ورزشی حجاب یک سالن شمشیربازی می‌سازند. آقای امیرحسینی، رئیس فدراسیون آقایان، و گروه‌شان هم خیلی با ما همکاری می‌کنند. خیلی از کمبودهای ما از طریق آنها رفع می‌شود چون من خودم هم نایب‌رئیس فدراسیون شمشیربازی هستم. سال آینده، ان‌شاءالله، مسابقاتی در سطح کشوری خواهیم داشت و همچنین می‌خواهیم از یکی - دو تیم خارجی هم دعوت کنیم که بیایند تا بتوانیم بچه‌های تیم ملی‌مان را محک بزینیم.

● قهرمانان کشور الان چه کسانی هستند؟

○ زهرا سلیمانی در رشته فلوره و مرجان جهان‌بخش در رشته پاره. بچه‌ها و به خصوص نوجوانان از این رشته خیلی استقبال می‌کنند. فیسهم کارگر نزدیک سه سال است که از جاده ساوه به صورت مداوم در تمرینات حاضر می‌شود. ما نوجوانانی داریم که امیدهای آینده شمشیربازی هستند. بیشتر هم ما یلیم افراد در مقاطع سنی ۱۲ تا

مریم زرنگار - زهرا پورگرامی



۱۵ سال را جذب کنیم.

● چرا این رشته برای بچه‌ها و نوجوانان جذاب است؟

○ شمشیربازی افراد جسور می‌طلبد و بیشترین عمدت‌ترین خصیصه‌ای که در این بچه‌ها دیده می‌شود، جسارت و شهامت است. شمشیربازی به شطرنج بلنی معروف است و در واقع افراد شمشیرباز باید باهوش و تندتیز باشند. خیلی از بچه‌ها هم بی‌هیچ پیش‌زمینه ذهنی وارد این رشته شدند و خوشبختانه این ورزش با روحیه آنها هماهنگی داشت و علاقه‌مند شدند.

● خیلی از پدر و مادرها فکر می‌کنند شمشیربازی ورزش خطرناکی است. واقعاً این طور است؟

○ هیچ خطری ندارد. لباس شمشیربازی از الیافی تهیه می‌شود که حالت انعطاف‌پذیری دارد. و ضویات وارده را پخش می‌کند و به این ترتیب از وارد شدن فشار اضافه به یک نقطه جلوگیری می‌شود. شمشیرها هم نوک‌تیز و خطرناک نیستند، سر آنها یک زائده فنری شکل است که بر اثر ضربه این فتر فشرده می‌شود و به بدن فرد فشاری نمی‌آید. برای پوشش سروصورت هم از ماسک توری شکلی استفاده می‌شود که از الیاف محکم فلزی ساخته شده است. خانم‌ها از محافظ سینه هم استفاده می‌کنند. خلاصه این‌که هیچ خطری ندارد، نگران نباشید! ■

برای تشکیل تیم با مدرسه بچه‌ها کلی مشکل داریم

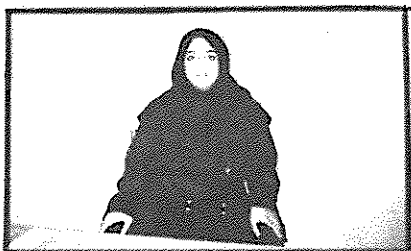
هیئت شنای استان تهران

مسئول هیئت: پرناز صدیقی

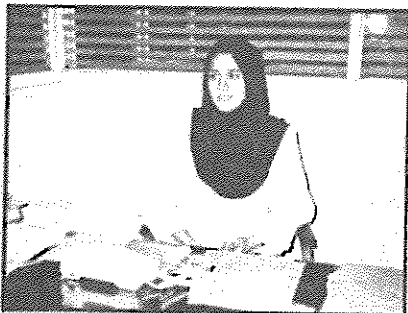
دبیر هیئت: بنفشه اخوان

● خوب، صحبت را با مدارس آماتوری شنا شروع کنیم. اصلاً مدرسه آماتوری یعنی چه؟

○ راه‌اندازی مدارس آماتوری یکی از آخرین کارهایی بوده که ما سال گذشته در هیئت شنا انجام دادیم. این مدارس فرد را از ابتدا - یعنی از زمانی



پرناز صدیقی



بنفشه اخوان

جلسه‌های داریم و فهرست اسامی مربیان و نجات‌غریق‌هایشان را چک می‌کنیم.

● برای رفع مشکلات بهداشتی استخرها چه پیشنهادی دارید؟

○ این‌که بعضی می‌گویند تعداد زیاد شناگرها مشکل بهداشتی ایجاد می‌کند، درست نیست چون به‌رحال آب تصفیه می‌شود. در استخرهای دولتی هم که کلرزدن و سایر موارد رعایت می‌شود. نکته اصلی مسئله فرهنگی است. خود افراد باید رعایت کنند. دوش گرفتن پیش از ورود به استخر لازم است. الان هیئت پزشکی بانوان استان تهران کسانی را که می‌خواهند در کلاس‌های آموزشی ما شرکت کنند، معاینه می‌کند اما این کافی نیست چون ما روی کسانی که روزانه می‌آیند و بلیط می‌خرند، کنترلی نداریم. خانم‌ها، بخصوص، خودشان باید رعایت کنند. ■

مختلف، تصمیم گرفتیم تیم دوم تهران را از میان آنها انتخاب کنیم؛ متها گفته‌اند که منطقه یک و سه هم جزء توابع تهران حساب می‌شوند و به نظر من، به این ترتیب حقی از بچه‌های شهرستانی گرفته می‌شود. من فکر نمی‌کنم کسی که خانه‌اش ونک یا میرداماد است، با بچه‌های اسلامشهر و شهرری باید در یک تیم قرار بگیرد. اشکال این کار این است که مربی روی آن چند نفر که امکانات بیشتری دارند و حضورشان در تمرین‌ها راحت‌تر است، حساب می‌کند و این درست نیست. آرزوی من این است که تیم توابع ما فقط بچه‌های شهرستانی باشند.

● شما چه قدر بر کار استخرهای خصوصی نظارت دارید؟

○ استخرها فقط از نظر کار مربی تحت‌نظر ما هستند.

● یعنی مربی‌هایی که در استخرهای خصوصی تدریس می‌کنند، کارت مربی‌گری دارند؟

○ باید این‌طور باشد. اگر در بازرسی‌هایمان ببینیم که این‌طور نیست، مورد را گزارش می‌کنیم.

● خوب، این بازرسی‌ها چند وقت یک‌بار انجام می‌شود؟

○ بیشترین باری که استخرها متحمل می‌شوند، در تابستان است که کادر بازرسی ما سعی می‌کند در این فصل به تمام استخرها سرکشی کند؛ البته تا آنجا که مقدور باشند. با مدیران استخرهای سرپوشیده هم، که در طول سال فعالند، هر سال

که از نظر شنا در حد صفر است - تحت آموزش قرار می‌دهند و آموزش‌های صحیح را تا آخرین مرحله، که مرحله قهرمانی است، به او می‌دهند. در واقع، برای قهرمان‌پروری سرمایه‌گذاری می‌کنیم. الان کلاس دوم ما هم در استخر شهید کشوردوست برگزار می‌شود و بچه‌ها، کماکان، در تمریناتشان حاضر می‌شوند.

● شرط ورود به این کلاس‌ها چیست؟

○ ما هر سال از بچه‌های بین هشت تا ۱۰ سال ثبت‌نام می‌کنیم. امسال برای گزینش بچه‌ها فاکتورهایی مثل قد و وزن، فاصله بین دو دست و... را هم در نظر گرفتیم و از بین حدود ۴۰۰ نفر، ۲۵ نفر را انتخاب کردیم.

● بابت ثبت‌نام چه قدر پول می‌گیرید؟

○ کلاس‌ها رایگان است. ما خیلی هزینه صرف این کلاس‌ها می‌کنیم و اگر بچه‌هایی که می‌آیند، ادامه ندهند، شکست زیادی را متحمل می‌شویم.

● در هیئت چه کارهای دیگری انجام داده‌اید؟

○ من از سال ۶۸ مسئول هیئت شنا هستم و مهم‌ترین هدفم باشگاهی کردن شنا بوده است. برای همین در هر باشگاه و یا استخری که مربی علاقه‌مند داشته و مدیرش هم تمایل نشان داده است، این رشته را فعال کرده و تیم تشکیل داده‌ایم.

● از نظر مربی‌گری شنا در چه سطحی هستیم؟

○ ما حدود ۳۵۰ تا ۴۰۰ مربی شنا داریم و سالی یکی - دو بار هم کلاس مربی‌گری می‌گذاریم. یک‌بار که خانمی از انگلیس برای تدریس مربی‌گری آمده بود، از کار مربیان ما خیلی راضی بود. می‌گفت فکر نکنید هر کلاسی که گذاشته می‌شود، باید چیزی از آن یاد بگیرید، بعضی کلاس‌ها برای این است که بدانید کاری که می‌کنید، درست است. البته ما از نظر *coaching* خیلی ضعیف هستیم.

● تفاوت *coaching* و مربی‌گری چیست؟

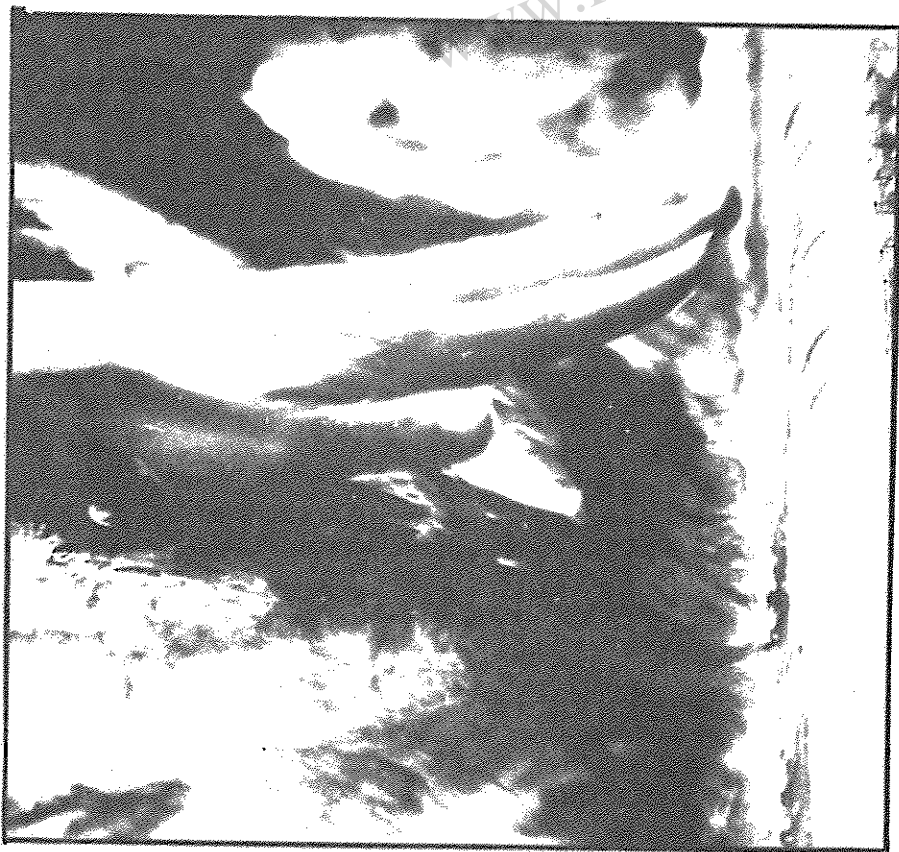
○ مربی کسی است که تنها چهار رشته شنا (قورباغه، کراول، پروانه و...) را آموزش می‌دهد ولی برای این که کسی را برای قهرمانی تمرین بدهی، باید *coach* خوب باشی. ما نباید روی مربیانمان بیشتر کار کنیم تا بتوانند تیم خوبی بسازند.

● از نظر بین‌المللی وضعیتمان چه‌طور است؟

○ ما در اولین دوره مسابقات کشورهای اسلامی اول شدیم. کلاً، با توجه به امکاناتمان، از نظر بین‌المللی در سطح خوبی هستیم، در رکوردها زیاد عقب نیستیم اما مسئله این است که در کشورهای خارجی تمرین تیمی جزئی از برنامه درسی بچه‌هاست ولی ما یک اردوی تیم ملی که می‌خواهیم تشکیل بدهیم، با مدرسه بچه‌ها کلی مشکل داریم. درس مهم است ولی هماهنگی بین درس و ورزش هم لازم است.

● خانم صدیقی، شما برای شهرستان‌های توابع تهران چه کارهایی انجام داده‌اید؟

○ ما برای این‌که در بچه‌های توابع تهران انگیزه ایجاد کنیم، علاوه بر برگزاری کلاس‌های آموزشی





اگر بدانند می شود مجانی پارو زد، همه تهران می آیند ثبت نام

هیئت قایقرانی استان تهران

مسئول هیئت: اشرف میرزا

دبیر هیئت: منیژه امامی

رسید، کلاس آموزشی تشکیل می‌دهیم. تا موقعی که کارآموز کنترل قایق و اصول اولیه پارو زدن را یاد بگیرد، در استخر کار می‌کنیم. آنجا هم قایق و پارو هست و هم سکوی ثابت برای انجام کارهای ثابت و تکنیکی. بعد از آنها دعوت می‌کنیم که بیایند دریاچه.

● شرایط ثبت نام چیست؟

○ فقط به قسمت آموزش اداره ورزش بانوان استان تهران مراجعه می‌کنند و شهریه خیلی کمی می‌پردازند. در طول کار همین یکبار است که از بچه‌ها پول گرفته می‌شود. یعنی در واقع استفاده از امکانات دریاچه رایگان است و هزینه مربی، قایق‌ها و... را خود اداره تقبل می‌کند. ما حتی برای رفت‌وآمد بچه‌ها سرویس مجانی گذاشته‌ایم. من فکر می‌کنم اگر کسی بداند که مجانی می‌شود آمد و پارو زد، همه تهران بیایند برای ثبت نام.

● با مشکل خاصی مواجه نیستید؟

○ نخیر، اصلاً. ما تمرین‌هایمان را ساعت شش تا هشت صبح برگزار می‌کنیم و آن موقع هنوز کادر مجموعه آزادی شروع به کار نکرده‌اند. تمرین بچه‌ها که تمام می‌شود، تازه کارندها و مسئولان می‌آیند. اگر هم باشند، مسئله‌ای نیست؛ برای این‌که بچه‌ها همیشه شئون‌ات اسلامی را رعایت کرده‌اند و ما حتی با حراست هم مشکلی نداشته‌ایم و این را خیلی راحت جانداخته‌ایم. از نظر امکانات هم مشکلی نداشته‌ایم. هر چه خواستیم، اداره استان

● از کجا و چه طور قایقرانی را شروع کردیم که به مقام پنجمی آسیا رسیدیم؟

○ بنا به پیشنهاد خانم طاهریان، خانم هاشمی و خانم نظرعلی از دی ماه ۷۳ هیئت قایقرانی را راه‌اندازی کردیم و در اولین کلاس آموزشی حدود ۴۵ نفر شرکت کردند. بچه‌ها پس از هفت - هشت جلسه تمرین در استخر حجاب آمادگی اولیه را پیدا کردند و از اردیبهشت ماه ۷۴ در دریاچه تمرین کردند و رکوردهایی که می‌خواستیم، به‌دست آوردند. به این ترتیب، ما یک تیم نه نفره برای بازی‌های آسیایی پکن اعزام کردیم که خوشبختانه از لحاظ تکنیک و کارایی و به‌خصوص حجاب مورد توجه قرار گرفتند. برای خارجی‌ها خیلی جالب بود که یک زن مسلمان باحجاب بتواند در رشته سنگینی مثل قایقرانی شرکت کند. ما رقبای خوبی مثل چین و ژاپن داشتیم و بچه‌ها با وجود این‌که فقط سه ماه تمرین کرده بودند، خوب خودشان را نشان دادند. خلاصه کلام این‌که ما بین ۱۲ کشور آسیایی مقام پنجم را به‌دست آوردیم.

● با این اوصاف، چرا در المپیک آتلانتا شرکت نکردیم؟ حدنصاب را کسب نکرده بودیم؟

○ البته درست نمی‌دانم به چه دلیل بود. مشکلاتی داشتیم. تمریناتمان به فصل زمستان برخورد کرد و توانستیم تمرینات لازم را داشته باشیم. برنامه‌ریزی به آن صورت هم که بخواهیم در مسابقات مطرح شویم، نداشتیم. چون در آسیا حضوری قوی داشتیم، نمی‌خواستیم در المپیک مقام پایینی بیاوریم. به‌رحال یک مقدار احتیاط کردیم.

● یعنی می‌توانستیم شرکت کنیم و نکردیم؟

○ ببینید، در یک مسابقه دیگر باید شرکت می‌کردیم ولی خوب گفتم چون تمرینات قطع شده بود، شرکت نکردیم. حالا، ان‌شاءالله، المپیک چهار سال بعد.

● این طور که من امروز، موقع تمرین شما، متوجه شدم، شکل و شمایل قایق‌هایی که دارید، متفاوت است. چند رشته در قایقرانی داریم؟

○ قایقرانی شامل دو رشته تورینگ و کایاک است. تورینگ فقط در آسیا مطرح است چون یک قایق آموزشی است. در کایاک قایق‌ها ارتفاع کمتری دارند و کثیف‌تر هستند.

● غیر از تمرینات تیم تهران، آموزش قایقرانی هم داریم؟

○ بله. بعد از ثبت نام بچه‌ها، تعداد به حد نصاب که

تهران در اختیارمان گذاشته و فکر می‌کنم ما از نظر امکانات حتی از آقایان هم جلوتر هستیم.

● چه عجب! بالاخره یک هیئت پیدا شد که امکاناتش از آقایان بیشتر باشد.

○ البته ما علناً داریم از امکانات آنها استفاده می‌کنیم و تمام امکاناتمان مال آقایان است - حتی همین اتانگی که در آن هستیم - ولی خوب ما زمستان‌ها استخر و سکوی ثابت داریم و تمریناتمان نمی‌خواهد.

● تا به حال در کلاس‌های بین‌المللی شرکت کرده‌اید؟

○ خیر. ولی خانم طاهریان تصمیم دارند یک مربی خارجی دعوت کنند.

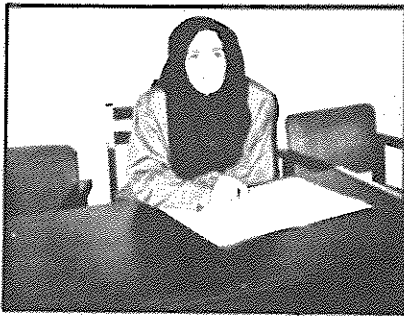
● نکته دیگری هم هست؟

○ قایقرانی ورزشی است که فعالیت برون‌مرزی هم دارد. افراد و به‌خصوص ورزشکاران سایر رشته‌ها بدانند که در این رشته راه برایشان باز است. ما با هیچ رشته‌ای به اندازه قایقرانی نمی‌توانیم تبلیغات به این خوبی داشته باشیم. افراد بیشتری را باید جذب کنیم. ما خیلی سریع شروع کردیم و خیلی سریع هم نتیجه گرفتیم ولی الان عملاً راکد مانده‌ایم



سالن ما کوه است

هیئت کوهنوردی استان تهران
مسئول هیئت: ظریفه رحیمزاده
دبیر هیئت: لیلا بهرامی



ظریفه رحیمزاده

به همین دلیل است که ما یک تیم کوهپیمایی تشکیل داده‌ایم و گزینه این‌گونه اعزامها وظیفه آن دسته از گروه‌های کوهنوردی است که ما به رسمیت شناخته‌ایم.

● یعنی افراد عادی برای کوهنوردی باید به این گروه‌ها مراجعه کنند؟

○ بله. مثلاً می‌توانند به گروه «آرش» یا «دماوند» مراجعه کنند.

● مسابقه کوهنوردی که نداریم؟

○ آنچه منظور شماست، مسابقات سنگنوردی است که یک نمونه‌اش را ما همین اواخر در قزوین داشتیم. مسابقه به این صورت است که ما مسیری را روی دیوارهای مصنوعی تعیین می‌کنیم و افراد داخل سالن تکنیک‌ها و حرکت‌ها را انجام می‌دهند. یکی ممکن است تا آخر مسیر صعود کند، دیگری ممکن است در نیمه راه بماند...

● قهرمان کوهنوردی داریم؟

○ نه. برای این‌که صعودهای ما دسته‌جمعی بوده است و هر بار ۷۰، ۸۰ نفر یا هم بالا رفته‌اند. شخص خاصی را نمی‌توان نام برد.

● این گروه‌هایی که نام بردید، زیر نظر شما فعالیت می‌کنند؟

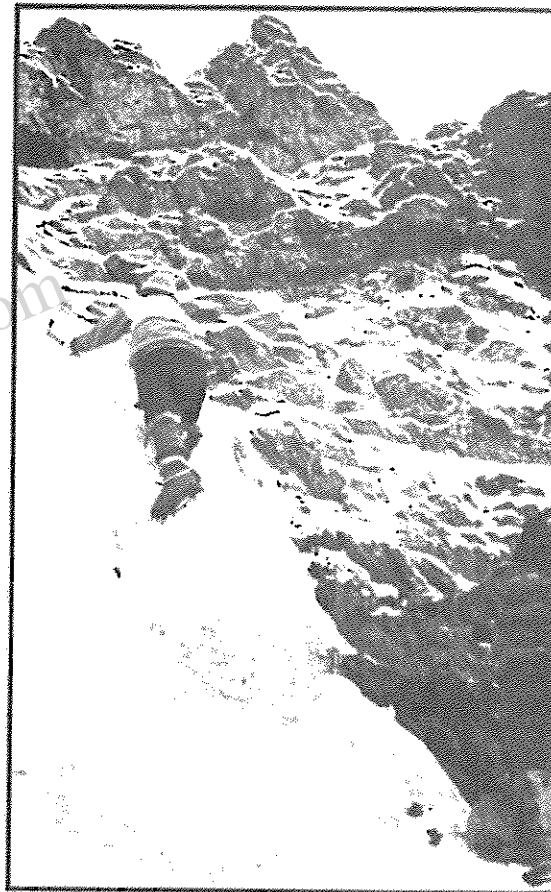
○ این گروه‌ها زیر نظر هیئت‌های هر استان هستند و از نظر آموزشی رابطه متقابلی داریم. هر ده نفر کوهنورد فعالی که دور هم جمع شوند، می‌توانند اساسنامه‌ای تنظیم کنند و برای ما بفرستند. ما بررسی می‌کنیم و آنها را به رسمیت می‌شناسیم.

● شما برای این گروه‌ها مربی می‌فرستید؟

○ خیر.

● پس از مربیان کجا استفاده می‌کنید؟

○ در کلاس‌های آموزشی، کلاس‌های کارآموزی و سنگنوردی و درجه سه. یکی از کلاس‌هایی که در تهران داشتیم، آموزش کوه‌های ایران و هیمالیا بود. در واقع کوه‌های و نقشه مسیرهای صعود را به صورت شماتیک آموزش می‌دهیم. این کلاس را به این خاطر گذاشتیم که بعضی از سازمان‌ها یا وزارتخانه‌ها از ما درخواست راهنما می‌کردند که به همراه کارمندانمان در کوهنوردی شرکت کنند.



● پس فعالیت‌هایتان در حد همین کلاس‌های آموزشی بوده است؟

○ نه. کار مهم دیگری که کردیم، صعود سراسری به قلّه دماوند بود که در هفته دولت انجام شد. برای اولین بار در کشورمان سرپرستی برنامه‌ها و کلیه کارها به عهده خود خانم‌ها بود. پیش از این همیشه آقایان برنامه صعودها را سرپرستی می‌کردند.

● امکاناتتان در چه حدی است؟

○ در کوهنوردی خوشبختانه نیازی به سالن و این قبیل چیزها نداریم. سالن ما، همان کوه است. برای ما بیشتر داشتن وسایل فنی مطرح است. بیشترین کمبودها آموزش است که در مورد آقایان هم هست.

● حالا که ورزشی مثل کوهنوردی نیاز به سالن و این‌طور تجهیزات ندارد و می‌شود از مناطق طبیعی و در دسترس استفاده کرد، فکر نمی‌کنید که خیلی بیشتر از اینها می‌توان آن را عمومی و فعال کرد؟

○ بله. برای همین می‌گویم که آموزش و تبلیغات باید بیشتر شود. خانواده‌ها باید بدانند که کوهنوردی ورزش خطرناکی نیست. محیط هم محیط سالم و خوبی است. خیلی خوب است که خانواده‌ها، یکبار هم که شده با تیمی که فرزندشان در آن است، همراه شوند و از نزدیک برنامه‌ها را ببینند.

● در مناطق پیش‌بینی‌های ایمنی هم کرده‌اید؟

○ بله. در منطقه امدادگر هست و اگر مشکل خاصی مثل بارش زیاد برف و یا خطر ریزش بهمن و ... باشد، از طریق اطلاعیه‌هایی ما را در جریان می‌گذارند. از این نظر مشکلی نداریم.

مینا فتحی



پرطرفدارترین ورزش

در حسرت یک سالن اختصاصی!

هیئت والیبالی استان تهران

مسئول هیئت: مینا فتحی

دبیر هیئت: محبوبه سلیم

پیشنهاد کردند که من مصاحبه را با شما انجام بدهم. فکر می‌کردم مصاحبه با شما - چون مربی من بوده‌اید - راحت‌تر باشد ولی می‌بینم که این‌طور نیست! از کجا شروع کنیم؟

○ دقیقاً به همین علت پاسخ‌گویی برای من هم سخت‌تر است... (می‌خندد) به‌هرحال، این‌طور شروع کنیم که والیبالی یکی از پرطرفدارترین

● خانم سلیم در مصاحبه‌ها معمولاً مسؤلان و دبیران هیئت‌ها هر دو حضور داشتند ولی متأسفانه خانم فتحی درگیر مسینار طب ورزشی بودند و



○ ما در کلاس‌های داوریان تعداد زیادی را آموزش داده‌ایم ولی با توجه به مسابقات متعددی که ممکن است هم‌زمان برگزار شود، هنوز جا برای تربیت داوران بیشتری داریم. ما «ریان خوبی داریم که بعضی از پیش‌کسوتان این رشته هستند؛ مثلاً از «ریان بین‌المللی» می‌توانم به خانم‌ها مینا فتحی، خدیجه سمنجی، پری فردی، شهره شب‌خیز، پروین یادآور، سیما صدیقی و پرستو صفی‌زاده اشاره کنم.

● خودتان را از قلم انداختید!

○ من هم کارت مربی‌گری بین‌المللی دارم البته خانم‌های دیگری هم هستند که بهتر است نامشان را از خانم نایی، «سئول انجمن» بپرسید.

● خانم سلیم، صحبت را شما شروع کردید. لطف کنید، حرفی اگر هست، خودتان هم تماش کنید.

○ تنها یک مطلب باقی ماند و آن این‌که اگر ما یک سالن مخصوص والیبالی داشته باشیم که در هر شرایطی بتوانیم روی آن حساب کنیم، می‌توانیم برای مسابقات، تمرینات تیم‌های تهران و کلاس‌های آموزشی‌مان بهتر برنامه‌ریزی کنیم.

● خیلی غم‌انگیز است که ورزشکارانی یکی از پرطرفدارترین رشته‌ها هنوز در حسرت یک سالن اختصاصی هستند! ■

صحبت کرده‌اید، متوجه شده‌اید که سالن‌ها اغلب بین ساعت یک تا پنج بعدازظهر دست‌خام‌هست. ● بله مسئولان هیئت‌های دیگر هم از کمبود امکانات خیلی گله داشتند. خوب، از مسابقات مختلف والیبالی بگویید.

○ جدا از مسابقات دسته یک، دسته دو، دسته سه، جوانان، مینی‌والیبالی و... که در تقویم ورزشی آمده است، ما به مناسبت‌های مختلف مسابقاتی برگزار می‌کنیم. از جمله کارهایی که البته به انجمن مربوط است، و کشوری است، مسابقاتی است که اخیراً ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی برگزار می‌کنند. من چون خودم در وزارت نیرو و سازمان تأمین اجتماعی تیم داشته‌ام، از نزدیک دیده‌ام که چه قدر این ورزش‌ها، تشکیل تیم‌های ورزشی و مسابقات در روحیه خانم‌های کارمند مؤثر بوده است. همین‌جا بگویم که شهرداری تهران هم اسفند کار جالبی کرد و آن تشکیل تیم‌های والیبالی در مناطق مختلف و برگزاری مسابقاتی بین آنها بود.

● در صحبت‌هایتان به مسابقات مینی‌والیبالی اشاره کردید. با توجه به این‌که بچه‌های این رده سنی، همه، به مدرسه می‌روند، چه‌طور برنامه مسابقات را طوری تنظیم کردید که درست هم‌زمان شد با بازگشایی مدارس؟! ○ اگر به تقویم ورزشی ما نگاه کنید، هیئت والیبالی تاریخ برگزاری مسابقات مینی‌والیبالی را نیمه اول شهریور ماه در نظر گرفته بود ولی به دلیل کمبود سالن و مسائل حاشیه‌ای دیگر برنامه زمانی ما مختل شد. ما از جذب «کوجولو»ها و کار با آنها لذت می‌بریم. این مسابقات، در واقع، زمینه حضور آنها را در مسابقات بعدی فراهم می‌کند.

● وضعیت مربی‌ها و داوری‌ها ما به چه صورت است؟ ○ اگر به تقویم ورزشی ما نگاه کنید، هیئت والیبالی تاریخ برگزاری مسابقات مینی‌والیبالی را نیمه اول شهریور ماه در نظر گرفته بود ولی به دلیل کمبود سالن و مسائل حاشیه‌ای دیگر برنامه زمانی ما مختل شد. ما از جذب «کوجولو»ها و کار با آنها لذت می‌بریم. این مسابقات، در واقع، زمینه حضور آنها را در مسابقات بعدی فراهم می‌کند.

● وضعیت مربی‌ها و داوری‌ها ما به چه صورت است؟ ○ وضعیت مربی‌ها و داوری‌ها ما به چه صورت است؟

رشته‌هاست. در مسابقات قهرمان‌کشوری چیزی نزدیک به ۸۰۰ والیبالیست حضور داشتند و یا در همین المپیاد ورزشی توابع تهران، رشته والیبالی بیشترین تعداد شرکت‌کنندگان را داشت. به دلیل استقبال زیاد از این رشته ما سعی کرده‌ایم از امکاناتی که در اختیارمان قرار دارد، حداکثر استفاده را بکنیم.

● ولی این امکانات چندان هم زیاد نیست. بچه‌های والیبالیست مدام از کمبودها گله دارند.

○ خوب حق هم دارند. معمولاً به نظر می‌رسد که رشته والیبالی بیشترین امکانات را - از نظر توپ و سالن - نسبت به اغلب رشته‌های ورزشی دارد ولی ما کمبودها را نسبی در نظر می‌گیریم. استقبال از این رشته به حدی است که ما به امکانات بیشتری نیاز داریم. به علت کمبود سالن برای رشته‌های دیگر، سالن‌های والیبالی معمولاً چند منظوره هستند؛ مثلاً در باشگاه چیدر یک سالن هست که برای والیبالی، بسکتبال و بدنیتون مورد استفاده قرار می‌گیرد. این‌که من گفتم ما از امکانات حداکثر استفاده را می‌کنیم، منظورم این بود که مثلاً در تابستان که برای هر کلاس آموزشی ما چیزی حدود ۶۰ - ۷۰ نفر ثبت‌نام می‌کنند چون از سالن والیبالی در ساعت‌های مختلف استفاده‌های مختلف می‌شود، ما نمی‌توانیم این تعداد را در ساعات مختلف بخش کنیم. بنابراین برای هر کلاس دو یا سه مربی در نظر می‌گیریم و به این ترتیب کلاس‌ها را اداره می‌کنیم؛ این از کلاس‌های آموزشی. اما مشکلاتی که از نظر تیمی داریم، این است که برای تمرین تیم‌ها باید سالن داشته باشیم و برای اجاره سالن باید کلی دوندگی کنیم و تازه آخر سر هم ساعات مرده را برای تمرینات تیمی زنان اختصاص می‌دهند. احتمالاً با مسئولان دیگر هم که

سالی دوبار ورزش در فضای باز!

هیئت ورزش همگانی استان تهران

مسئول هیئت: پروین رضوانی

دبیر هیئت: شهره احقری



شهره احقری - پروین رضوانی

توجه داشته‌ایم مثلاً یک اردوی یک روزه در رودهن برگزار کردیم که حدود ۱۲۰۰ شرکت‌کننده پنج تا ۷۵ ساله داشتیم. از کارهای بخش فرهنگی این اردو برگزاری نماز جماعت بود. در این اردو دوی همگانی داشتیم، بدنیتون همگانی، و...

● خانم نظرعلی، مسئول ورزش بانوان استان تهران، می‌گفتند که بیشتر به بعد همگانی ورزش اهمیت می‌دهند، پس چرا تبلیغات برای فعالیت این

پوشش قرار داده‌ایم.

● در این ایستگاه‌ها چه کارهایی می‌کنید؟ ○ آمادگی جسمانی برای گروه‌های سنی مختلف و دوهای سبک همگانی که بعد از این دوها نرمش‌های سبک انجام می‌شود.

● بیشتر با چه گروه سنی کار می‌کنید؟ ○ بیشتر با گروه سنی ۳۰ به بالا - تا ۷۰، ۸۰ سال - در تماس هستیم که همه از فعالیت در ایستگاه‌های صبحگاهی راضی هستند.

● در این ایستگاه‌ها فقط آمادگی جسمانی می‌دهید؟ ○ خیر، ما یک بعد قهرمانی کم‌رنگ هم برای ایجاد انگیزه به هدف اصلی که سلامت بود، اضافه کردیم؛ به این صورت که به مناسبت‌های مختلف مسابقاتی برای افراد شرکت‌کننده در ایستگاه‌های صبحگاهی گذاشتیم و جوایز خوبی هم برای آنها در نظر گرفتیم. ما علاوه بر بعد ورزشی به بعد فرهنگی هم

● خانم رضوانی منظور از ورزش همگانی چیست؟ ○ ورزش همگانی یعنی ورزش برای آحاد مردم، در واقع ورزش از بعد همگانی نه قهرمانی. شمار ما، سلامت، نشاط و جوانی است.

● فعالیت این هیئت به چه صورت بوده است؟ ○ من البته سه ماه است که مسئول هیئت شده‌ام و در این مدت به همراه خواهر شهره احقری، کارهایی انجام داده‌ایم که مهم‌ترین آنها ایجاد ایستگاه‌های صبحگاهی بوده. ما تعداد زیادی از زنان را در سنین مختلف و در مناطق گوناگون، حوزده‌ها، مجموعه‌ها و شهرستان‌های تابعه تحت

هیئت این قدر کم بوده است؟

○ ما برای تبلیغات کار نمی‌کنیم، برای اعتقاداتمان کار می‌کنیم.

● منظور من از تبلیغ این بود که خانم‌های مسن بدانند چنین امکاناتی برای فعالیت در اختیارشان هست.

○ ما هر موردی را از طریق روابط عمومی به اطلاع رسانه‌ها می‌رسانیم. این دیگر وظیفه رسانه‌هاست که آن را منتشر کنند و کلاً زمینه گسترش فعالیت‌ها را فراهم کنند.

● کار این هیئت شبیه کاری نیست که شهرداری

تهران در پارک‌ها انجام می‌دهد؟

○ ما در پارک‌ها کار نمی‌کنیم. پارک‌ها ارتباطی به ما ندارد.

● پس ورزش همگانی در فضای باز انجام نمی‌شود؟

○ نه، البته اردوی همگانی ما در رودهن در فضای باز بود. در بعضی حوزه‌ها هم که فضاهای باز دید ندارند، این کار را انجام می‌دهیم.

● برای ایجاد فضاهای باز بدون مشرف کاری انجام داده‌اید؟

○ بله، صد درصد. همان اردویی که خلدستان گفتیم.

● این اردوها سالی چندبار برگزار می‌شود؟

○ بستگی به شرایط مالی دارد. سالی دو تا چهار بار.

● فکر می‌کنید سالی دوبار ورزش در فضای باز کافی است؟

○ ما آرام‌آرام جلو می‌رویم. علاقه‌مندی هست، حمایت هم هست، فقط می‌ماند برنامه‌ریزی؛ برنامه‌ریزی را هم ان‌شاءالله خودم در سال آتی انجام می‌دهم که همراه یک اردو داشته باشیم.

● اکثر مسئولان در مورد ورزش زنان بُعد سلامتی را مطرح می‌کنند، به این ترتیب شما باید پشتوانه خوبی داشته باشید. امکاناتتان کافی است؟

○ ما سعی می‌کنیم با حداقل هزینه کار کنیم. هیئت

ورزش همگانی تنها هیتی است که بودجه فعال ندارد؛ یعنی نمی‌تواند از طریق خودش پول درآورد.

● از مردم پول نمی‌گیرید؟

○ نه! یکی از ویژگی‌های ورزش همگانی رایگان بودن آن است. به همین دلیل نیاز داریم که از نظر بودجه بیشتر مورد توجه قرار بگیریم. خوشبختانه خانم نظرعلی هم تاکنون از تمام برنامه‌های ما حمایت کرده‌اند. آقایان که خوب راحت‌تر هستند ولی ما با توجه به شرایط خاصی که نظام مقدس جمهوری اسلامی برای ما گذاشته، باید طوری برنامه‌ریزی کنیم که با مشکل مواجه نشویم و برای همین هم سرمایه‌گذاری باید بیشتر شود.

● در این ایستگاه‌های صبحگاهی مری هم دارید؟

○ بله. ما هر ماه کلاس‌هایی داریم که در آنها استادان دانشگاه جدیدترین متدها در ورزش آمادگی جسمانی و یک‌سری مسائل تئوری را به مربیان آموزش می‌دهند. این کلاس‌ها یک روزه است.

● شرط شرکت در این کلاس‌ها چیست؟

○ این کلاس‌ها در درجه اول به مربیان صبحگاهی که اغلب مریی درجه سه آمادگی جسمانی هستند، اختصاص دارد و در درجه دوم به بهترین و فعال‌ترین افراد در ورزش‌های صبحگاهی، خانم‌هایی هم هستند که بین ۶۰ تا ۷۰ سال سن دارند و چندین سال است در کلاس‌های ما شرکت می‌کنند؛ به اینها هم، به‌عنوان جایزه، اجازه شرکت در کلاس‌ها را داده‌ایم.

● خود شما مریی آمادگی جسمانی هستید؟

○ نه. من لیسانس تربیت بدنی هستم. از قدیمی‌ها هستیم که عشق به کار داریم. من در واقع دبیر آموزش و پرورش هستم.

● هیئت ورزش همگانی فعالیت دیگری نداشته؟

○ چاره ما یک‌سری کارهای علمی هم کرده‌ایم؛ مثل تهیه بروشوری به نام ویژگی‌های کفش خوب و یا بروشورهای دیگری برای کارمندان دولت. یکی از مهم‌ترین کارهایمان تشکیل کلاس‌های

آب‌درمانی است.

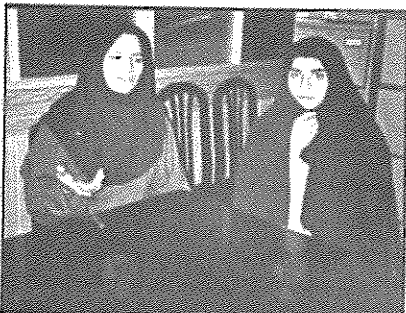
● آب‌درمانی؟

○ بله، ورزش در آب. خانم احقری بیشتر می‌توانند برایتان توضیح بدهند.

○ هر حرکتی که انسان در خشکی انجام می‌دهد، باعث می‌شود که فشاری حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ کیلوگرم بر پنج مهره کمری وارد شود. برای همین ورزش در خشکی ممکن است در مفاصل ساییدگی ایجاد کند ولی در آب چنین مسئله‌ای پیش نمی‌آید؛ یکی به دلیل کم شدن وزن و دوم به دلیل غلظت آب. یکی از خواص بسیار عالی آب فشار آن است که حالت ماساژ کلی تمام بدن را دارد و فشاری که به قفسه سینه و ریه‌ها وارد می‌کند، باعث می‌شود که تنفس خیلی بهتر و عمیق‌تر انجام شود و بنابراین حجم ریه زیاد می‌شود و در نتیجه این تنفس شدید، اکسیژن بیشتری به سلول‌های بدن می‌رسد.

● از این کلاس‌ها چه قدر نتیجه گرفته‌اید؟

○ ما این کلاس‌ها را روزهای فرد در استخر حجاب و استخر شهید کشاور دوست و روزهای زوج در استخر دادویه (شهید کشوری) برگزار می‌کنیم. ما خانم‌هایی داشتیم که روزهای اول نمی‌توانستند دستشان را بیشتر از پنج سانتی‌متر بالا بیاورند اما بعد از گذراندن دوره خیلی راحت کلیه حرکات چرخشی را به‌طور کامل انجام می‌دادند. ۹۹ درصد از شرکت‌کنندگان اذعان کرده‌اند که با شرکت در این کلاس‌ها افسردگی‌شان از بین رفته و دیگر از قرص‌های آرام‌بخش و خواب‌آور استفاده نمی‌کنند. ما در این کلاس‌ها یک سری رژیم‌های ۱۲۰۰ تا ۱۵۰۰ کالری هم برای کاهش وزن خانم‌ها تجویز می‌کنیم. یک کتاب ۴۰۰ صفحه‌ای هم با نام ورزش در آب ترجمه شده و زیر چاپ است. در این کتاب به ۸۰ - ۹۰ حرکت مؤثر در آب اشاره شده است ■



ژیلا سروش - فاطمه سلامی

هم دارد. در این مدت خیلی فعال برخورد کرده‌ایم و چند دوره کلاس توجیهی و مری‌گری درجه سه برگزار کرده‌ایم که از شهرستان‌های دیگر هم شرکت کردند و امیدواریم افرادی که تعلیم دیده‌اند، بتوانند شهرستان‌ها را هم فعال کنند. خوشبختانه فدراسیون آقایان - آقای دهخدا و همکارانشان -

فکر کردیم چرا خانم‌ها به این ورزش لذت‌بخش نپرداختند

هیئت هاکی استان تهران

مسئول هیئت: فاطمه سلامی

دبیر هیئت: ژیللا سروش

● خانم سلامی، دیدن نام هیئت هاکی در لیست هیئت‌ها خیلی برام جالب بود. هاکی زنان از چه زمانی راه افتاد؟

○ قضیه این‌طور شروع شد که بعد از انقلاب آقایان تصمیم گرفتند برای این رشته که قبلاً هم خیلی در بین مردم رایج بود، فدراسیونی تشکیل دهند. بعد از مدتی ما هم فکر کردیم که چرا

خانم‌ها به این ورزش لذت‌بخش نپرداختند. و از آنجا که تخصص من هم در دانشکده تربیت بدنی هاکی بود، موضوع را با خانم نظرعلی مطرح کردم. ایشان هم واقعاً علاقه‌مند هستند که خانم‌ها در تمام رشته‌های موجود فعالیت کنند. به‌مرحال این هیئت را حدود یک سالی هست که راه انداخته‌ایم.

● خوب، چون هاکی رشته نوپایی است. توضیحات لازم را خودتان بدهید.

○ هدف ما این است که ورزش هاکی را در کل کشور گسترش بدهیم چون ورزش هاکی علاوه بر مفرح بودنش، اکثر قابلیت‌های آمادگی جسمانی را

ولی از اول مهر دویاره تمرین‌هایمان شروع می‌شود.

● قرار بود زیاد سؤال نکنم فقط یک نکته دیگر، هاکی روی یخ که نداریم؟

○ نه. متأسفانه امکانات هاکی روی یخ را آقایان هم ندارند. ما در ایران تنها هاکی روی چمن و هاکی سالی داریم که از نظر تعداد بازیکن متفاوتند و خوب، مسلماً، ما به دلیل ضرورت پوشیدگی محیط فقط هاکی سالی داریم. ■

می‌رسد که بتوانیم اعزامش کنیم یا نه. اگر ما سالی مخصوصی هانگی داشته باشیم، می‌توانیم ساعات تمریناتمان را بیشتر کنیم و نتیجه بهتری بگیریم.

● الان تمرینات کجا انجام می‌شود؟

○ دوشنبه‌ها در سالن حجاب کار می‌کنیم و پنج‌شنبه‌ها در سالن شهید کشوری. البته تمرینات در سالن شهید کشوری دو ماهی متوقف شد.

● چرا؟

○ سالن را به بخش خصوصی اجاره داده بودند

هم با ما خیلی همکاری می‌کنند.

● در این یک سال مسابقاتی هم برگزار کرده‌اید؟

○ بله. البته در حال حاضر تنها سه دانشکده انستیتوورزش، تربیت بدنی و تربیت معلم و دانشگاه‌زاد فعال هستند که بین اینها مسابقه‌ای برگزار کردیم. تصمیم داریم برای دهه فجر هم از چند تیم خارجی دعوت کنیم. الان هم داریم تیمی را برای مسابقات کشورهای اسلامی آماده می‌کنیم. تمرینات هم شروع شده حالا تا ببینیم تیم به حدی

ما هم‌ااش وعده سرخرمن می‌دهیم!



زهرا ابراهیمی - مهشید قزایی

هیئت هندبال استان تهران

مسئول هیئت: مهشید قزایی

دبیر هیئت: زهرا ابراهیمی

● مگر ورزش بانوان یکی از معاونت‌های سازمان تربیت بدنی نیست؟

○ مستقل کار می‌کند. رؤسا باید دوندگی کنند که تازه زمان‌های خوب را هم به ما نمی‌دهند و سازمان ترجیح می‌دهد سالن‌ها را برای درآمد خودش استفاده کند. قرار است. روزهای فرد سالن در دست خانم‌ها باشد. دو روزش را که به دانشکده تربیت بدنی داده‌اند تا ساعت سه و فقط سه تا پنج به خانم‌ها می‌رسد. یکی دیگر از مشکلات ما هم اندازه سالن است. سالن هندبال خیلی بزرگ است و ما وقتی در سالن‌های دیگر تمرین می‌کنیم بچه‌ها در مسابقه بعد از ده دقیقه کم می‌آورند چون به‌بازی در زمین کوچک عادت کرده‌اند.

● آموزش هندبال هم داریم؟

○ بله ولی امکانات جوابگو نیست. در آموزش و پرورش بچه‌ها در هر ۲۰ منطقه فعالیت ولی چون در مقاطع بالاتر سازمان امکانات نمی‌دهد فعالیت می‌رسد به زیر ده درصد.

● خانم قزایی، من از بعضی مسئولان ورزشی شنیدم که می‌خواهند در این رشته ورزشی ورزشکارهای بیشتری را جذب کنند و در این زمینه گسترده‌تر کار کنند. الان وضعیت به چه صورت است؟

○ من از اول اردیبهشت ماه مسئولیت هیئت هندبال را به عهده گرفته‌ام و خیلی دلم می‌خواهد خوب کار کنیم ولی این‌طور که می‌بینم به علت کمبودهایی که داریم بچه‌ها دارند از هم دور می‌شوند. ما به اصطلاح هم‌ااش وعده سرخرمن می‌دهیم و می‌گوییم تمرینات امروز شروع می‌شود، فردا شروع می‌شود. چیزی که ما خیلی احتیاج داریم زمین است. نزدیک مسابقات دو یا سه روز زمین دست ما می‌افتد آن وقت باید ضرب‌المجل تیم انتخاب کنیم. خیلی‌ها نمی‌توانند در همان سه جلسه خودشان را نشان بدهند و حقشان خورده می‌شود. سالن‌هایی هم که هست یا مال آموزش و پرورش است و یا سازمان تربیت بدنی که اجازه کار نمی‌دهند.

● وضعیت مربی‌های ما چه‌طور است؟

○ ما مربی‌های خوبی داریم. بچه‌هایی هم که سابقاً هندبال کار می‌کرده‌اند علاقه دارند که وارد کار مربی‌گری شوند ولی خوب امکانات می‌خواهد، باشگاه‌ها الان امکانات ندارند. و برای چنین تیم‌هایی هزینه نمی‌کنند. البته برای خانم‌ها هزینه نمی‌کنند نه برای آقایان می‌گویند ورزش خانم‌ها پول‌ساز نیست.

● سازمان تربیت بدنی چرا اجازه کار نمی‌دهد؟

○ نمی‌دهد دیگر. یا از ورزش بانوان بابت سالن‌هایشان هزینه می‌خواهند یا به عنوان مختلف در آنها مسابقه است. جاهایی که می‌توانیم استفاده کنیم یکی سالن شهید کشوری است که اغلب در آن یا مسابقه است یا از بچه‌های رشته‌های دیگر ثبت‌نام می‌شود. سالن دیگر، سالن شمشیربازی استادیوم آزادی است که همیشه در اختیار بانوان است که تمرینات تیمی تمام تیم‌ها و مسابقات مختلف در این سالن برگزار می‌شود. آموزش و پرورش هم با ما همکاری ندارد.

● مربی بین‌المللی هم داریم؟

○ چند تا از خانم‌ها در کلاس‌هایی که کمیته المپیک گذاشت، شرکت کردند ولی به آنها کارت ندادند فقط گواهی شرکت دادند چون گفتند سهمیه فقط برای آقایان بوده است یکی از مشکلات دیگر ما هم همین است اگر ما از طریق آقایان اقدام نکرده باشیم به خانم‌ها سهمیه نمی‌دهند.

● خوب چرا اقدام نمی‌کنید؟ اطلاع بهستان نمی‌دهند؟

● شما گفتید سازمان تربیت بدنی در قبال دادن سالن‌هایش از ورزش بانوان هزینه می‌خواهد. مگر ورزش بانوان تشکیلات جدایی دارد؟

○ نه. من نمی‌دانم. تشکیلاتش بیشتر دست آقایان است و ورزش بانوان باید از آنها بگیرد.

○ نه. نمی‌دانم. الان قرار شده کمیته المپیک به نوبت سهمیه‌ای برای خانم‌ها و آقایان در نظر بگیرند. مسئول انجمن باید پی‌گیری کنند.

● غیر از این اقدامی برای آموزش مربی در سطح بین‌المللی نشده است؟

○ ببینید بعضی رشته‌ها مربی و داور به کشورهای دیگر می‌فرستند تا آنجا آموزش ببینند ولی من شخصاً ترجیح می‌دهم جای این که هزینه‌ای صرف من یک نفر بکنند که بروم خارج، هزینه صرف مربی بکنند که بیاید ایران و به‌جای یک نفر، چهل نفر را آموزش بدهد. در واقع از امتیازی که هست تعداد بیشتری استفاده کنند.

● شما این پیشنهادات را با مسئولان بالاتر مطرح نمی‌کنید؟

○ صحبت‌های ما همیشه با خانم شهریان مسئول انجمن هندبال است. مشکل اصلی این است که ما خودمان شخصاً با کشورهای خارجی ارتباط نداریم. آقایان دارند و برای این‌که وقت و هزینه‌شان را صرف خانم‌ها نکنند مربی مرد اعزام می‌کنند. شورای همبستگی قرار است به نوبت برای رشته‌های مختلف کارهایی بکند که هنوز نوبت به ما نرسیده.

● یعنی تنها کانال ارتباطی خانم‌ها با کشورهای خارجی شورای همبستگی است؟

○ بله. ولی آقایان خودشان ارتباط مستقیم دارند و هر کلاسی که باشد سریع مربی خودشان را اعزام می‌کنند. حتی ممکن است نیروی خانم هم بخواهند ولی به ما نمی‌گویند تا هزینه نکنند و بودجه را برای خودشان نگه دارند.

● خانم شهریان، خودشان هندبال کار می‌کنند؟

○ بله. ایشان هم مسئول انجمن هندبال هستند و

هم مسئول کل انجمن‌ها. می‌گویند چون خودم هندبالی هستم دلم می‌سوزد ولی من فکر می‌کنم بیشتر باید دل بسوزانند. من فکر می‌کنم اشکال کار بیشتر از فدراسیون آقایان است یعنی آنها دل نمی‌سوزانند. مثلاً اگر فکسی در مورد یک کلاس

آموزشی برایشان آمده باشد، ممکن است اصلاً به خانم شهریان خبر هم ندهند. علت بیشتر این است که افرادی که در فدراسیون هستند شناخت کمتری روی هندبالی‌ها دارند من و خانم ابراهیمی و خانم یوسف از قدیمی‌ها هستیم و ما را از قبل از انقلاب می‌شناسند. ولی خانم شهریان را کمتر می‌شناسند. شناخت که کمتر بود، کمتر همکاری می‌کنند. البته من هم بگویم که کم به فدراسیون رفتم. الان تابستان است و آنها درگیر مسابقات هستند. گذاشته‌ایم از مهر برویم دنبالش که سرشان خلوت‌تر است.

● پس به نظر می‌رسد خود خانم‌ها هم قدری

انفعالی برخورد کرده‌اند.

○ من به شخصه کمتر فرصت کرده‌ام به فدراسیون آقایان سرزنش. هر وقت رفتیم و حرفی زدیم به‌ظاهر نظر موافق داده‌اند ولی خوب یکی دویار که رفتیم پیش چهار، پنج ماه فاصله افتاد. اشکال این است که فدراسیون آقایان چهار به بعد کار می‌کنند. ما هم شاغلیم و هم خانه‌دار. صبح تا ظهر که کار می‌کنیم، بعد از ظهر هم خانه‌داری. من یکی دویاری که حرف زدیم بعضی که از هم‌دوره‌های دانشکده بودند خیلی خوب برخورد کردند ولی می‌گویم ما هم کم کاریم اگر ما بیشتر برویم و پیگیر کارمان باشیم بیشتر می‌توانیم امکانات بگیریم. خانم

ابراهیمی شما با فدراسیون بیشتر کار کرده‌اید. مشکلات را شما بفرمایید.

○ رشته‌های ورزشی الان علمی شده‌اند. اگر ما سری‌ها دوره نینیم و یا فیلم‌های آموزشی به دستمان نرسد در همان‌جایی که هستیم می‌مانیم. فیلم‌های جدید اصلاً به‌دست ما نمی‌رسد. من می‌روم فدراسیون و می‌پرسم فیلم جدید چه آمده، می‌بینم و مطالعه می‌کنم و گرنه از طرف انجمن یا فدراسیون برنامه مشخصی وجود ندارد و ما تغذیه نمی‌شویم

گفت‌وگو با خدیجه سپنجی

مسئول ورزش بانوان در شهرداری تهران و...

این روزها همه چیز را به ورزش

پای پرداخت عوارض، مالیات، پذیرش مسئولیت‌ها و کار و زحمت که در میان باشد، زنان همواره شهروند بوده‌اند. اما همین شهروندان گاه محروم از خدمات شهری بوده‌اند و حقوق شهروندی؛ و شهروندانی که در طرح‌ها و برنامه‌ها کمتر جایی داشته‌اند.

مادر چهار فرزند است اما هنوز پایش به یک ورزشگاه نرسیده است. معلم مدرسه است، از جوانی به ورزش علاقه‌مند بوده اما هرگز نتوانسته محلی مناسب برای ورزش بیابد. دانشجویست، تیس را دوست دارد اما هرگز محلی درخوردن مالی‌اش نیافته تا به ورزش مورد علاقه‌اش بپردازد. کارگر کارگاه است، در کارخانه و کارگاه او مکانی برای ورزش وجود ندارد تا کمی نرمش کند و سختی کار بر او هموار شود و...؛ برای زنان جایی نیست.

... و دیگرانی همواره شهروندتر بوده‌اند. زمین ورزشی، سالن ورزشی، کوچه، خیابان و...؛ همیشه جایی برای آنان وجود دارد.

چندی است «شهرداری» زنان را هم به رسمیت شناخته و امکاناتی را برای ورزش آنان ترتیب داده است. اکنون مادر ورزش را دوست دارد. جمعه‌ها صبح، همراه با خواهر، همسایه، دوست، آشنا و... در مسابقه دوی همگانی شرکت می‌کند. صبح‌ها در پارک‌ها پیاده‌روی می‌کند. نرمش می‌کند و...؛ مهم‌تر از همه این‌که حالا احساس می‌کند واقعاً شهروند شده است.

خانم سپنجی، مشاور و مسئول ورزش زنان در شهرداری تهران، در گفت‌وگو با ما نشست و از آنچه شهرداری در زمینه ورزش زنان ارائه داده، گفته است:

● چشم‌انداز ورزش بانوان را چگونه می‌بینید؟

○ شما باید این پرسش را پاسخ بدهید. سازمان تربیت‌بدنی و ارگان‌ها و نهادهای ذی‌ربط فعالیت‌های گوناگونی را در زمینه ورزش بانوان انجام داده‌اند و شما بهتر می‌توانید قضاوت کنید. اما به‌نظر من ما در ورزش بانوان تا حدودی موفق بوده‌ایم. یکی از مشکلات ورزش بانوان در گذشته کمبود نیروی انسانی متخصص بود، داور و مربی زن نداشتیم. فعالیت سازمان تربیت‌بدنی در زمینه تربیت نیروی انسانی متخصص بسیار گسترده بوده است. بعد از انقلاب داوران و مربیان بسیاری تربیت شدند و نقش مهمی را در ارتقای ورزش بانوان ایفا کردند.

اما، با وجود این، ورزش بانوان هنوز با مشکلات زیادی روبه‌روست. نیاز به امکاناتی ویژه برای ورزش از مشکلات و محدودیت‌های اساسی در زمینه ورزش بانوان است. آقایان با چنین مشکلی مواجه نیستند و می‌توانند در همه‌جا ورزش کنند.

● گفتید که توفیق ورزش به امکانات ویژه‌ای نیاز دارد. این امکانات نسبت به امکانات ورزشی آقایان و وضعیت کنونی ورزش بانوان چگونه ارزیابی می‌شود؟

○ امکانات ورزشی در رژیم گذشته بسیار کم و محدود بود. هیچ‌یک از سازمان‌ها و نهادها در امر ورزش سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اصولی نداشتند. مشکلات اوایل انقلاب و جنگ تحمیلی نیز امکان گسترش فضاهای ورزشی را کاهش داده بود. با افزایش روزافزون جمعیت و علاقه‌مندی مردم به ورزش این نیاز بیشتر جلوه کرد. با توجه به این کمبودها، گسترش و افزایش مکان‌های ورزشی در راستای کار برنامه‌ریزان ورزشی قرار گرفت. آقایان

هم با کمبود مکان‌های ورزشی روبه‌رو بوده‌اند اما آنان می‌توانند در هر شرایطی و محیط‌های باز ورزش کنند.

تفاوت ورزش بانوان با ورزش مردان نیاز به پوشیده بودن محیط است. ما باید با توجه به شرایط و امکانات ورزشی مناسب بانوان فعالیت کنیم. به همین دلیل با کمبود جا روبه‌رو هستیم.

البته احداث و راه‌اندازی سالن‌های ورزشی بانوان در استان‌های کشور آغاز شده است و می‌تواند پاسخگوی علاقه‌مندان بسیاری در کشور باشد. از سوی دیگر ارگان‌ها و سازمان‌های گوناگون مکان ویژه‌ای را برای ورزش بانوان اختصاص داده‌اند تا بدین طریق خانم‌ها بتوانند از موقعیت خود به شکل مطلوب استفاده کنند. علاوه بر این ارگان‌ها و سازمان‌های کشور یک نماینده ورزش دارند. هر ۱۵ روز یکبار این نمایندگان در جلساتی گرد می‌آیند و مشکلات ورزش بانوان را طرح و بررسی می‌کنند.

● در بخش شهرداری حکمتان را از چه کسی گرفتید؟

○ از آقای حقانی، معاون امور اجتماعی و مشاور اجرایی شهرداری تهران. من مشاور ایشان و مسئول ورزش بانوان هستم. البته شهرداری تهران چارت تشکیلاتی دقیقی را ارائه خواهد داد که براساس آن جایگاه بانوان مشخص و تعریف شده خواهد بود.

● شهرداری تهران چه سیاست‌ها و برنامه‌هایی را برای ارتقای ورزش دنبال می‌کند؟

○ ورزش در دو بُعد قهرمانی و همگانی مطرح می‌شود. سیاست شهرداری مبتنی بر همگانی کردن ورزش است و کمتر به بُعد قهرمانی توجه دارد. در زمینه ارتقای ورزش همگانی فعالیت‌های گسترده‌ای



انجام شده است. به‌طور مثال مسابقات والیبالی محلات بانوان را برگزار کرده‌ایم. هر جمعه تیم‌های والیبالی از بیست‌نقطه تهران در سالن آیت‌الله سعیدی گرد می‌آیند و با یکدیگر رقابت می‌کنند. دخترخانم ۱۵ ساله تا خانم ۶۰ ساله در ورزشگاه حضور دارند. شهرداری مراکز مختلفی را در زمینه توسعه ورزش و پاسخ به نیازهای ورزشی مردم احداث کرده است. بعضی از این مراکز اختصاصاً و بعضی سه روز در هفته در اختیار خانم‌هاست. در بخش ورزش خانم‌های کارمند شهرداری نیز به‌خوبی کار شده است. مسابقات آمادگی جسمانی و دو همگانی زنان در روزهای جمعه در پارک‌های اطراف تهران و مراکز ورزش برگزار می‌شود.

● در محیط باز؟
○ بله.

○ بله. ما به خانم‌هایی که ده - پانزده نفر هم باشند، مربی می‌دهیم.
● برنامه ورزشی خانم‌ها فقط به روزهای جمعه اختصاص دارد؟
○ نه. صبح‌های جمعه در کلیه مناطق ایستگاه‌های دو همگانی داریم. هر منطقه هم چند ایستگاه دارد. با توجه به بافت منطقه از مدارس هم استفاده می‌کنیم. در هر مدرسه‌ای، دانشگاهی و... که می‌تواند روز جمعه محیطش را در اختیار ما بگذارد، ایستگاه می‌زنیم. کلیه شرایط آن مرکز را نیز می‌پذیریم و مربی ایستگاه را نیز تأمین می‌کنیم. خانم‌های علاقه‌مند به این ایستگاه‌ها می‌آیند و با یکدیگر به رقابت می‌پردازند. ایستگاه‌های خانم‌ها یا مکانی خاص و سرپوشیده است و یا بخشی از خیابانی است که دو طرف آن بسته است و امکان

● در بخش حصارکشی شده هم با مانع ورزش می‌کنند؟
○ نه. گرمکن ورزشی می‌پوشند.
● پارک چیتگر هم زیر نظر شما اداره می‌شود؟
○ پارک چیتگر در منطقه پانزده قرار دارد و زیر نظر شهرداری منطقه پنج فعالیت می‌کند. ما هم بر بخش بانوان آن نظارت داریم.
● پارک چیتگر چه ویژگی‌ای دارد که ضابطین قوه قضاییه در آن مستقر شده‌اند؟
○ پارک خیلی بزرگ است. حتی عنوان آن نیز «پارک تفریحی - ورزشی چیتگر» است. وقتی کلمه تفریحی می‌آید، مسلماً افراد غیر ورزشی هم حضور می‌یابند.
● مگر پارک برای تفریح نیست؟
○ خوب بخش ورزشی آن به ما مربوط است.

بانوان نسبت می‌دهند

پروین لطفی



حضور یا عبور و مرور آقایان وجود ندارد. خانم‌ها با حضور مربی مسابقه می‌دهند. برای تشویق و جذب بیشتر جوایزی به دوندگان اهدا می‌کنیم. هر سه ماه یکبار نیز بین بهترین‌های مسابقات، مسابقه دو نخبگان برگزار می‌کنیم. بر طبق آمار صبح‌های جمعه بالغ بر پانزده هزار نفر خانم در تهران می‌دوند.

سایر روزها ورزش صبحگاهی، دوهمگانی، آمادگی جسمانی و... در پارک‌ها برگزار می‌شود. قبلاً خانم‌ها جمع می‌شدند و از بین آنها یک نفر به آنان نرمش می‌داد اما چون به لحاظ فنی و تکنیکی تخصص کافی نداشت، ما از خانم‌ها خواهش کردیم که هر کجا به مربی نیاز دارند، به ما اطلاع دهند تا مربی بفرستیم. اگر توجه کنید، من هم به‌خواست شهرداری و به عنوان مأمور به شهرداری رفتم. ارتباط ما با سازمان تربیت‌بدنی و معاونت ورزش بانوان و دفتر همبستگی ورزش بانوان که خانم‌هاشمی مسئولیت آن را بر عهده دارند، ارتباط نزدیکی است. به عنوان مسئول ورزش بانوان در شهرداری همین‌جا نیز اعلام می‌کنم که هر ارگان یا سازمانی در هر منطقه‌ای اگر مکانی غیرفعال دارد، می‌تواند در اختیار ما بگذارد تا به ورزش بانوان اختصاص دهیم.

علی‌رغم تلاش زیادی که در امر ورزش بانوان شده است، بسیاری از شهروندان ما از وجود ایستگاه‌های ورزشی و حرکت فعال بانوان در صبح‌های جمعه و سایر روزها اطلاعی ندارند. رسانه‌ها باید به ما کمک کنند و همه خیرهای ورزشی را فقط به آقایان اختصاص ندهند.
● خانم‌ها در پارک با مانع ورزش می‌کنند؟
○ بله.

● مشکلی نداشته‌اید؟

○ ما براساس سیاست مملکتان حرکت می‌کنیم و به همین دلیل هم از نظر شرعی و هم به لحاظ قانونی به مسئولیت خود عمل می‌کنیم. اگر پارکی یا مکانی باشد که از نظر ظاهری مشکلی نداشته باشد و خانم‌ها نیز در آن ورزش کنند، ما از ادامه فعالیت آن جلوگیری نمی‌کنیم. مانند پارک پیروزی که صبح‌ها، شش روز در هفته، ورزش خانم‌ها دایر است.

● این پارک حصار دارد؟

○ بله. قبلاً حصار نداشت اما برای راحتی خانم‌ها و به‌خواست آنان دور تا دور محدوده ورزشی خانم‌ها را دیوار کشیده‌اند. البته خانم‌ها در پارک‌های مختلفی (مانند پارک لویزان - لاله و...) ورزش می‌کنند اما فقط پارک پیروزی حصار دارد.

● خانم‌ها به پشتیبانی شهرداری برای ورزش به پارک‌ها می‌روند؟

○ متناسب با تقسیمات شهرداری بیست منطقه داریم. هر منطقه یک مسئول ورزش زنان دارد که هر مسئول برای منطقه خود با توجه به شرایط بافت منطقه برنامه‌ریزی ورزشی می‌کند و در نهایت نمایندگان بیست منطقه با من ارتباط دارند. ما روزهای دوشنبه جلساتی را برای بررسی مشکلات، کمبودها و نیازهای منطقه و دستیابی به راه‌حل‌ها بررسی می‌کنیم.

● اگر کسی در پارک‌ها مزاحم خانم‌ها شود و ورزش آنها را به هم بزند، چه می‌کنید؟

○ تاکنون پیش نیامده است. ما خودمان را موظف می‌دانیم که در صورت وجود شرایط نامناسب ظاهری از ورزش آنان جلوگیری کنیم.

● آنجا مربی هم حضور دارد؟

خانم‌ها باید در آن قسمت که ورزشی است، دوچرخه‌سواری کنند و اگر نظر، پیشنهاد و مشکلی دارند، با مدیریت پارک و ما در میان بگذارند.

بنابراین پارک عمومی است. افرادی هستند که

● علی‌رغم تلاش زیادی که

در امر ورزش بانوان

شده است، بسیاری از شهروندان

ما از وجود ایستگاه‌های ورزشی و

حرکت فعال بانوان در

صبح‌های جمعه

و سایر روزها اطلاعی ندارند.

پارک

با کاندیداتوری فائزه هاشمی برای احراز کرسی نمایندگی در مجلس شورای اسلامی، مسئله ورزش بانوان در جریان مبارزات انتخاباتی با جناح‌بندی‌های سیاسی درهم آمیخت و ابعاد گسترده‌ای به خود گرفت. چرا که پیش از آن وی از دوچرخه‌سواری بانوان حمایت کرده بود. پس از آن بحث حساس ورزش بانوان در ایران فقط با مسئله دوچرخه‌سواری زنان گره خورده و نه با نقش آنان در تیم ملی و یا فعالیت آنان در رشته‌هایی مانند والیبال، بسکتبال، سوارکاری و... و حالا چرا دوچرخه‌سواری؟ بحث دوچرخه‌سواری زنان از افتتاح پیست دوچرخه‌سواری پارک چیتگر آغاز شد. می‌رویم ببینیم در «چیتگر» چه خبر است:

وضعیت ورزش بانوان به‌ویژه در بُعد همگانی جامعه زنان هنوز مشخص نیست و سیاست مدون و پلیس‌رفته‌شده‌ای برای آن معین نشده است. اختلاف‌نظرها، برخوردها، اظهارنظرها و اعمال نظرهای متضاد در این‌باره هرازچندی به شدت مطرح می‌شود و این‌همه در زمانی رخ می‌دهد که زنان ما در بیشتر عرصه‌های فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی با سخت‌کوشی حضور خود را تثبیت می‌کنند.

انقلاب بر محرومیت‌زدایی تأکید کرد و بر سرمدی کردن فعالیت‌ها و حضور مردم در تمامی عرصه‌ها. این در ورزش به معنای گسترش ورزش همگانی است و در این میان نقش زنان، یعنی نیمی از همگان، به دلیل کمبود مکان‌های مخصوص گاه فراموش می‌شود.

در سال‌های اخیر، به‌ویژه، بر ورزش همگانی با توجه به نقش آن در سلامت جسمی و روحی مردم تأکید می‌شود و مردم نیز آگاهانه و مشتاقانه از آن استقبال می‌کنند. حضور گسترده و مشتاق زنان در بخش بانوان پارک‌ها و مکان‌های ورزشی در صبح‌های جمعه گوشه‌ای از این اشتیاق را نشان می‌دهد.

از میان برنامه‌های گسترش ورزش همگانی، دوچرخه‌سواری و دوومیدانی پایه‌های اصلی را تشکیل می‌دهند و به همین دلیل هنگامی که در پارک چیتگر پیست دوچرخه‌سواری افتتاح شد، کارشناسان ورزش همگانی و کسانی که به سلامت جامعه می‌انگیزیدند، پیست دوچرخه‌سواری پارک چیتگر را گامی مهم در راه همگانی کردن ورزش تلقی کردند. پارک چیتگر قرار بود محلی باشد برای گسترش ورزش همگانی و مردمی و گذران اوقات فراغت خانواده و نه مکانی برای ورزش حرفه‌ای. اما هنوز چند هفته‌ای از افتتاح پارک چیتگر نگذشته

کند، مشکلی به‌وجود نمی‌آید.

● آیا همه از چاقو استفاده مثبت می‌کنند؟ برای یک بی‌نماز باید در مسجد را بست؟

○ من به این مسئله اعتقاد دارم. اگر هر نوع مشکلی، چه اخلاقی و چه رفتاری، در پارک چیتگر بینم، جلوگیری می‌کنم و در چیتگر را می‌بندم.

● به هر حال در هر حرکتی عده‌ای هستند که چیزهایی را رعایت نمی‌کنند. چه باید کرد؟

○ متأسفانه این روزها همه چیز را به ورزش بانوان نسبت می‌دهند. وقتی یک زن تیرانداز ایرانی در المپیک آتلانتا شرکت می‌کند، نشان دهند تلاش و کوشش زیادی است که در این زمینه انجام شده است.

از سال ۱۳۵۹ تاکنون بسیاری از خانم‌ها از زندگی، به‌هم‌پایشان و... مایه گذاشته‌اند تا ورزش بانوان ارتقا یابد. ما در زمان جنگ تمام سالن‌های ورزشی را فعال کرده بودیم تا مردم را از نظر روحی تقویت کنیم. در پناهگاه‌ها مسئول و مربی ورزش می‌فرستادیم و... نتیجه اینها این بود که شاهد حضور تیم‌های تیراندازی، سوارکاری و... در عرصه جهانی باشیم. به نظر من نباید با دست‌گذاشتن بر مسائل دیگر از رشته اصلی که ورزش است، دور شویم. من رشته دوچرخه‌سواری را یک رشته ورزشی می‌دانم. به همین دلیل مربی این رشته را تأمین کرده‌ایم، مسابقه ورزشی گذاشته‌ایم و... پیست دوچرخه‌سواری پارک چیتگر را نیز به هیچ‌وجه تعطیل نکرده‌ایم زیرا به اعتقاد من کار صحیحی انجام می‌دهیم و تاکنون هم هیچ مشکلی به‌وجود نیامده و اگر مشکلاتی وجود داشته، در قسمت تفریحی بوده است. هنگامی که از پارک چیتگر به عنوان پارکی تفریحی - ورزشی نام می‌بریم، مسلماً با اشکالاتی هم روبه‌رو خواهیم شد زیرا بسیاری از خانواده‌ها برای تفریح به این پارک می‌آیند. من به مسائل و مشکلات موجود در بخش ورزشی می‌پردازم اما در بُعد تفریحی آن صاحب‌نظر نیستم. در زمینه سیاست‌گذاری مملکت می‌گویم که من سیاست‌گذار نیستم.

● خانم‌هایی مانند شما می‌توانند در این زمینه مشاوران خوبی باشند.

○ بیشتر فعالیت‌هایی که در زمینه ورزش بانوان انجام شده، ناشی از همین مشاوره‌هاست. ورزش بانوان در گذشته به گستردگی امروز نبود. در گذشته تعداد کمی ورزشکار زن در رشته‌های ورزشی داشتیم. اکنون ۴۰ تیم والیبال خانم در تهران ورزش می‌کنند. ما ترانسته‌ایم مسابقات کشورهای اسلامی را برگزار کنیم. همه اینها امتیازاتی است که به مرور به دست می‌آید و به زمان نیاز دارد. به اعتقاد من دوچرخه‌سواری هم ایرادی ندارد. باید زنان را به هر شکلی فعال کرد. زندگی ماشینی به حرکت نیاز دارد. مفاسد اجتماعی، کمبودها، فقر حرکتی زنان و... معلول این زندگی ماشینی است. اما همه این فعالیت‌ها را باید با شرایط ظاهری بهتری انجام داد.

ممکن است رعایت نکنند و به دلیل تفریحی بودن پارک، اگر مشکلی هم پیش بیاید، آن را به دوچرخه‌ارتباط دهند. یکی از مسائلی که اکنون مطرح می‌شود، این است که خانم‌ها نباید غیر از محدوده مشخص شده دوچرخه‌سواری کنند ولی عده‌ای رعایت نمی‌کنند و مشکلاتی به‌وجود می‌آورند.

● آیا محدوده مشخص شده برای دوچرخه‌سواری بانوان کافی است؟

○ اخیراً پیست خانم‌ها را بزرگتر کرده‌اند. در ابتدا یک پیست مشترک وجود داشت که بعد از جداسازی پیست سرعت را به خانم‌ها و پیست استقامت را به آقایان اختصاص دادند و خانم‌ها معترض بودند.

● چرا در جداسازی تناسب رعایت نشده است؟

○ از روز اول هم پیست خانم‌ها و آقایان جدا بود اما رعایت نمی‌کردند که در نهایت موجب شد چنین حالتی در پارک چیتگر به‌وجود آید. مردم باید با توجه به شرایط پارک ورزش یا تفریح کنند. ما هم چه در شهرداری و چه در تربیت‌بدنی باید با توجه به جو موجود عمل کنیم.

● آیا به لحاظ قانونی ورزش خانم‌ها در ملاءعام ممنوع است؟

○ نه قانونی در این زمینه وجود ندارد اما شرع اسلام ورزش خانم‌ها را در ملاء عام ممنوع کرده است ولی به‌مرحال چیتگر حتی یک ساعت هم تعطیل نشده بلکه به طور شبانه‌روزی نیز فعالیت می‌کند. اگر کاری اصولی باشد، اعتقاد داریم که باید انجام شود.

● درستی یا نادرستی کار را چه کسی تشخیص می‌دهد؟

○ ما بر اساس اصول عمل می‌کنیم. من با چیتگر اصلاً مسئله‌ای ندارم. به نظر من اگر در جایی به خانم‌ها اشکالی گرفته شود، حتماً اشکالی را به‌وجود آورده‌اند. زیرا اگر شرایط ظاهری را حفظ کنند و به قوانین احترام بگذارند، ممکن نیست کسی به آنها حرفی بزند.

● یعنی هر جا از خانم‌ها ایرادی گرفته می‌شود، حتماً خود آنها مسبب آن بوده‌اند؟

○ نه منظورم این است که رفتار آنها از نظر ظاهری توجیهی نداشته است. به نظر من این صحبت‌ها را شما باید با زن‌ها داشته‌باشید. من هم به‌عنوان فردی مسئول در این زمینه کار می‌کنم. شاید اگر یک‌روز هم چیتگر را تعطیل نکردیم، به دلیل همین صحبت‌ها و مشاوره‌های ما بود. هم‌اکنون گروه‌های بسیاری از مدارس، دانشگاه‌ها و... به پارک چیتگر می‌آیند. البته عده‌ای هم هستند که رعایت نمی‌کنند.

● مگر می‌شود مطمئن بود که همه، همه چیز را رعایت کنند؟

○ مملکت اسلامی است. اگر خانمی رعایت نکند، مسائلی را پشت‌سر دارد که ما اگر دو قدم به جلو رفته باشیم، ناچاریم سه قدم به عقب برگردیم.

● یعنی چه؟

○ یعنی باید شئون اسلامی رعایت شود. اگر خانم‌ها با توجه به شرایط و موقعیت کنونی عمل

چیتگر و باقی قضایا... بروین اردلان

بود که حرکت‌هایی علیه آن آغاز شد. در آغاز مخالفت با افتتاح پیست دوچرخه‌سواری چیتگر به مخالفت با شهردار تهران برمی‌گشت که خود ریشه در جناح‌بندی‌های سیاسی داشت اما به تدریج قائله دوچرخه‌سواری زنان جانشین آن شد. از سوی دیگر پارک چیتگر به دلیل پیست دوچرخه‌سواری در دو بخش «آقایان» و «خانم‌ها و کودکان» با استقبال عمومی روبه‌رو شد.

● در آغاز مخالفت با افتتاح پیست دوچرخه‌سواری چیتگر به مخالفت سیاسی و جناحی با شهردار تهران برمی‌گشت اما به تدریج قائله دوچرخه‌سواری زنان جانشین آن شد.



زنان در پیست مخصوص بانوان در پارک چیتگر

کم است چون آنها نمی‌توانند خارج از پیست دوچرخه‌سواری کنند.

اما مسئول انتظامات خواهران می‌گوید:

○ بخشی از پیست سرعت و پیست کودکان را به پیست خانم‌ها اضافه کرده‌ایم.

● از نظر وسعت پیست خانم‌ها و آقایان چه قدر تفاوت دارد؟

○ خیلی. آقایان پیست استقامت دارند اما خانم‌ها ندارند. در عوض پیست کودکان را به پیست خانم‌ها اضافه کرده‌ایم.

همین خانم می‌گوید:

○ قرار است که خانم‌ها در پیست خود و آقایان نیز در پیست خود حرکت کنند و پیست زنان با حصارکشی استوار شود.

مردی که در کنار دروازه در انتظار همسر و دختر خود ایستاده است، می‌گوید:

○ پیست خانم‌ها و آقایان از ابتدای راه‌اندازی پارک چیتگر جدا بود اما مردم رعایت نمی‌کردند.

چه‌طور می‌شود اعضای یک خانواده را جدا کرد؟ باید برای خانواده‌ها پیست خصوصی می‌ساختند.

و مسئول انتظامات پاسخ می‌دهد:

○ درست نیست. پدر و برادر یک خانواده که پدر و برادر خانواده دیگر نیستند. اگر پیست خانوادگی

وجود داشته باشد، اوضاع شلوغ‌تر می‌شود.

صبح یکی از روزهای جمعه اوایل تابستان به پارک تفریحی - ورزشی چیتگر می‌رویم. مسافتی طولانی را طی می‌کنیم تا به پیست دوچرخه‌سواری برسیم. از یک دروازه چوبی وارد پیست دوچرخه‌سواری می‌شویم. در این محدوده دفتر پارک چیتگر، دفتر ستاد احیای امر بمعروف و نهی از منکر، مرکز اورژانس شهرداری تهران، محل کرایه دوچرخه و یک رستوران وجود دارد. در کنار راه ورودی پیست بانوان، خانمی از مسئولان نیروی انتظامات پارک چیتگر به خانم‌ها توصیه می‌کند که در پیست مخصوص خانم‌ها دوچرخه‌سواری کنند: «دخترم، برگرد. خانم عزیز اگر به محوطه می‌روی، از دوچرخه بیا پایین.»

می‌پرسم:

● در اینجا اداره پیست با چه کسانی است؟

○ سه گروه خودی (اداری)، احیا و انتظامات با هم همکاری می‌کنند که مردم راحت باشند. همه راضی و خشنود هستند. مشکلی هم ندارند. می‌توانید از خودشان پرسید.

کناره‌های پیست زنان را حصارکشی کرده‌اند. یکی از خانم‌های دوچرخه‌سوار می‌گوید:

○ بیشتر پیست به آقایان اختصاص دارد. درحالی‌که آنها در خارج از پیست هم می‌توانند

دوچرخه‌سواری کنند. سهم خانم‌ها از پیست خیلی

در این پارک پیست هشت کیلومتری آقایان و پیست سه کیلومتری خانم‌ها و کودکان فضای مناسبی است برای دوچرخه‌سواری همگانی، هرچندکه بخشی از پیست سرعت دو کیلومتری این پارک و تمامی پیست استقامت به آقایان اختصاص دارد.

حدود دو سال است که خانواده‌ها و علاقه‌مندان به دوچرخه‌سواری از امکانات پیست چیتگر بهره می‌گیرند. برای کسانی که دوچرخه ندارند نیز امکان آن وجود دارد که دوچرخه‌ای کرایه کنند و ساعتی رکاب بزنند و جسم و جان تازه کنند. از همان آغاز پیست دوچرخه‌سواری خانم‌ها از پیست دوچرخه‌سواری آقایان جدا بود اما تراکم جمعیت، محدودیت فضای دوچرخه‌سواری برای خانم‌ها و گرایش طبیعی پدر و مادرها به این‌که در کنار فرزندان خود رکاب بزنند، به تدریج سبب شد که گاهی دوچرخه‌سواران مرد و زن در کنار یکدیگر حرکت کنند و از اوایل تابستان امسال طرح جداسازی اجرا شد. شش روز هفته را نیروی انتظامات پارک چیتگر بر طرح جداسازی دوچرخه‌سواران زن و مرد نظارت می‌کنند و روزهای جمعه نیروهای ستاد احیای امر بمعروف و نهی از منکر نیز نیروی انتظامات را در اجرای وظیفه خود یاری می‌دهند.



می‌پرسم:

● پیست فقط یک در ورودی دارد؟

○ خیر. ما سه غرفه داریم که به غرفه‌های صیفی، تهرانی و رالی معروفند. رالی نزدیکترین غرفه به دفتر پارک است. در غرفه تهرانی و صیفی هم بخش خانم‌ها و آقایان جدا شده است و همه را در پیست هدایت می‌کنیم. به‌عنوان مثال در غرفه تهرانی قسمت خانم‌ها و آقایان مجزا است. نیروی ما می‌گوید که خانم‌ها دست راست و آقایان دست چپ حرکت کنند. اینجا هم آقایان از این سو و خانم‌ها از آن سو حرکت می‌کنند. مسیرهای این پیست به یکدیگر مرتبط هستند و همه استار خواهند شد.

● اگر خانم‌ها خارج از پیست دوچرخه‌سواری کنند، چه کار می‌کنید؟

○ ما تذکر می‌دهیم. خانمی که به حرف‌های ما گوش می‌دهد و خود را مریم فاضلی معرفی می‌کند، می‌گوید: ○ دوچرخه‌سواری برای تمدد اعصاب خیلی خوب است و حرکت خانم‌ها در یک پیست جداگانه نیز مطلوب است اما این‌که هر لحظه به تو بگویند این طرف نرو، آن طرف نرو، این‌طور برو، آن‌طور برو، آزاردهنده است.

از مسئول انتظامات می‌پرسم:

● پیست دوچرخه‌سواری فقط روزهای پنج‌شنبه و جمعه فعال است؟

○ خیر، هر روز هفته. ما آمار داریم. تاکنون گروه‌های دانش‌آموزی بسیاری از مدارس آمده‌اند. هر ۱۵ دانش‌آموز یک مربی دارند. می‌آیند و در پارک مستقر می‌شوند. وقتی می‌خواهند دوچرخه بگیرند و از پیست استفاده کنند، زیر پوشش ما قرار می‌گیرند.

● خانم می‌شود خودتان را معرفی کنید؟

○ نه، لزومی ندارد خودم را معرفی کنم. به‌رحال من هم یک شهروندم، مانند شما. یکی از آقایان که به حرف‌های ما گوش می‌دهد، می‌گوید:

○ به‌رحال شما مسئول اینجا هستید و زیر نظر شما این برنامه اجرا می‌شود و از نظر یک مقام مسئول صحبت می‌کنید. می‌گویم:

● من به‌عنوان یکی از مسئولان این پیست از شما نام می‌برم. اگر اسمتان را بگویید، بهتر است.

○ من اصلاً دلم نمی‌خواهد که از من نامی ببرید. این یک واقعیت است چون هیچ‌گونه مسئولیت یا ابلاغی ندارم.

● پس سیمت شما در اینجا چیست؟

○ (می‌خنده.) از نیروهای انتظامی خواهران هستم. یا مسئول ستاد احیای امریه‌معروف و نهی‌ازمنکر، مستقر در دفتر ستاد پارک چیتگر، ملاقات می‌کنم. او درباره فعالیت‌های ستاد احیا در پارک چیتگر می‌گوید: «ستاد احیا برای احیای فریضه مقدس امریه‌معروف و نهی‌ازمنکر در چیتگر مستقر شده است. کار ستاد احیا کردن این فریضه

● مسئول انتظامات:

اگر پیست خانوادگی وجود داشته باشد،

اوضاع شلوغ‌تر می‌شود.

پدر و برادر یک خانواده

که پدر و برادر خانواده دیگر نیستند.

مقدس به‌وسیله نیروهای مؤمن حزب‌الله و برادران ستاد احیاست و نقش و دخالتی در مسئله دوچرخه‌سواری بانوان ندارد. شما می‌توانید سوالات خود را از مسئولین پیست دوچرخه‌سواری، به ویژه خانم تقوی، بپرسید. این ستاد با توجه به فرمان ولی‌فقیه و رهبر معظم انقلاب که فرموده‌اند دوچرخه‌سواری بانوان در ملاء عام و ملاء نامحرم ممنوع است، عمل می‌کند. سپس به برگه‌ای که در دست دارد، نگاه می‌کند و ادامه می‌دهد:

○ البته غیر از دوچرخه‌سواری، والیبال و بدمیتون خواهران هم در ملاء عام ممنوع است. به همین دلیل مجتمع چیتگر محوطه‌ای را مخصوص خواهران آماده کرده است که هنوز حصارکشی آن تمام نشده است. در اینجا شاهد تداخل زن‌ها و مردها هستیم. این تداخل مشکلاتی را به وجود می‌آورد. عده‌ای برای خسانواده‌های مستبدین مزاحمت‌هایی به وجود می‌آورند. با حصارکشی و جدا کردن پیست‌های دوچرخه‌سواری این مشکل کم خواهد شد.

در روزهای جمعه دادگاه ویژه‌ای نیز در پارک چیتگر مستقر می‌شود تا متخلفان را محاکمه کند. مسئول ستاد احیا در این باره می‌گوید:

○ ستاد می‌خواهد با ایجاد امنیت در این مکان امکان راحتی خانواده‌ها را فراهم کند و وضعیت اینجا را امن کند. دادگاه ویژه‌ای از طرف ستاد احیای امریه‌معروف و نهی‌ازمنکر تشکیل شده است تا با خاطیان برخورد قاطع کند.

● دادگاه ویژه به چه تخلفاتی رسیدگی می‌کند؟

○ کسانی که نوازهای موسیقی مبتذل پخش کنند و شئون اسلامی را رعایت نکنند، به‌حکم قاضی به ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شوند که حکم در همین محل اجرا می‌شود. برخی را به مجتمع قضایی ارجاع می‌دهیم تا آقایان قضات این مجتمع اقدامات قانونی را انجام دهند.

● این دادگاه علاوه بر آن که گفتید، به چه مواد دیگری رسیدگی می‌کند؟

○ اطلاعیه‌ای را نشانم می‌دهد، با عنوان «هشدار». در اطلاعیه آمده است:

بسمه‌تعالی

هشدار

هموطن گرامی:

حال که خداوند بر ما منت گذاشت و این طبیعت زیبا و موهبت الهی در اختیارمان قرار گرفت، جای دارد بمنظور قدردانی و شکرگزاری از حضرت حق «جل‌شأنه» مفید به اوامر و نواهی الهی

و احکام نورانی اسلام باشیم که این راه خود وسیع موفقیت و خوشبختی انسانهای مؤمن را در دنیا و آخرت فراهم می‌سازد.

در مقابل، سرپیچی از معروف‌ها و ارتکاب منکرات و جریحه‌دار نمودن عفت عمومی جامعه یکی از راههای سرنگونی انسانهای ناآگاه و مایه آبروریزی آنها را در دنیا و آخرت مهیا می‌نماید.

عزیزان:

همانگونه که مطلع هستید هر عملی که منجر به جریحه‌دار نمودن عفت جامعه گردد از قبیل: ورزش بانوان در انظار نامحرمان (دوچرخه‌سواری، والیبال، بدمیتون ...) ارتکاب اعمال خلاف شئون اسلامی توسط اعضای خانواده، پخش نوار موسیقی مبتذل و پوشش نامناسب مردان و زنان و نهایتاً هر آنچه که خداوند متعال برای یک بنده خوب نمی‌پسندد خلاف شرع و قانوناً ارتکاب جرم محسوب می‌شود. و در تشریح الهی شخص خاطی به ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شود، گذشته از عذاب آخری آن. از آنجا که دهها هزار تن از مردم خوب، متدین و وفادار نظام اسلامی حق دارند از این نعمتهای الهی در روزهای تعطیل بهره‌مند شوند. غالباً نسبت به جریحه‌دار شدن عفت عمومی حساس و نگران هستند و جهت برخورد قانونی با متخلفین کراراً درخواستهایی به مراکز دولتی ارسال کردند که با تدبیر دستگاه قضایی شعبه ویژه مستقر در پارک جنگلی چیتگر از جمعه مورخه ۷۵/۲/۲۱ آغاز بکار و به حول و قوه الهی با متخلفین برخورد قاطع خواهد نمود.

و من...التوفیق

کمیته امریه‌معروف و نهی‌ازمنکر مستقر در پارک چیتگر

● این حکم از سوی چه مرجعی صادر شده است؟

○ ستاد احیا دستورات خود را از مقام معظم رهبری و حضرت آیت‌الله جنتی می‌گیرد. اگر اطلاعات بیشتری بخواهید، می‌توانید به ستاد تشریف بیاورید.

● کسانی هم بوده‌اند که تخلف کرده باشند؟

○ بله. چه خانم و چه آقا. از طرف مرجع قضایی هم رسیدگی شده است و حکم زندان یا شلاق هم جاری شده است.

● در مورد زنانی که خارج از پیست زنان ورزش می‌کنند هم حکمی صادر شده است؟

○ برادران و خواهران نیروی انتظامی از بروز تداخل جلوگیری می‌کنند. برادران ستاد احیا نیز تذکر لسانی می‌دهند و مردم را هدایت می‌کنند.

مجتمع ورزشی پارک چیتگر پارچه‌هایی را در پارک نصب کرده است تا هر یک از خواهران و برادران در پیست خود حرکت کنند. توصیه می‌کنیم که خانم‌ها و آقایان وارد پیست یکدیگر نشوند. حصارکشی هم شروع شده است. ما تداخل را



مسائل و

مشکلات زنان سوارکار ایرانی

پس از رکودی چندساله در ورزش سوارکاری، از چندی پیش شاهد حرکت‌هایی در جهت توسعه این ورزش و برگزاری مسابقات متعدد سوارکاری هستیم. رشته سوارکاری نیز مانند سایر ورزش‌های نوپا مشکلات و کمبودهای بسیاری دارد. کمبودهای موجود در این رشته را می‌توان از دو جهت بررسی کرد: یکی مشکلاتی که به‌طور کلی بر ورزش ما - به‌خصوص ورزش‌های نوپا - سایه افکنده است و ورزشکاران مرد و زن را یکسان متأثر می‌کند و دیگری مشکلات ویژه زنان. ❏

● یکی از پیرترین مردان سوار میدان در جام سامسونگ،

ضمن چشم‌پوشی از مقام،

اسب درجه یک خود را

به یک زن سوارکار داد،

درحالی‌که بعضی از مردان معتقدند

زنان اسب را خراب می‌کنند.

● خدیجه سپنجی: نداشتن اسب

و مجموعه سوارکاری بانوان

از مشکلات اساسی در این رشته است.

با این‌همه، تاکنون چند مربی

در این رشته تربیت کرده‌ایم.

● علی‌رغم صرف مبالغی هنگفت،

اسب‌های خوبی وارد نشد

و به همین دلیل اصطبل دولت،

امروز، تقریباً خالی است.

پارک حضور دارند. مسئول ستاد احیا می‌گوید:
○ بهجه‌های بسیج آمده‌اند مانور بدهند و نماز بخوانند و بعد بروند. ما از آنها کمک خواستیم که با تذکرات لسانی ما را یاری دهند.
از مسئول ستاد احیا سراغ قاضی را می‌گیریم.

می‌گوید:

○ شخص دیگری بنام آقای اسماعیلی به‌عنوان قاضی می‌آید. با ایشان چه کار دارید؟

● می‌خواهیم در مورد احکام صادر شده درباره ورزش زنان با ایشان مصاحبه کنیم.

○ سن حرف دل قاضی را زدم. دیگر نیازی به صحبت با ایشان نیست. من نماینده تام‌الاختیار ستادم. ما حرف و حجت را تمام کردیم. چاپ کنید و یک نسخه هم برای ما بفرستید.

می‌پرسم:

● می‌خواهم از قاضی بپرسم که در مورد ورزش بانوان در انتظار عموم تا به‌حال حکمی صادر شده است؟

○ ورزش در انتظار عموم؟ ما از هفته دیگر پیست خانم‌ها را تعطیل می‌کنیم.

● تا چه زمانی؟

○ تا زمانی‌که شهرداری پیست خواهران را کاملاً حصارکشی کند. این دستور مقام قضایی و دستور ستاد است. تا حصارکشی نشود، پیست خانم‌ها تعطیل است. و این مشکل آنهاست.

● چرا؟ مگر بخش‌هایی از پیست حصارکشی نشده است؟

○ چرا اما باز هم دید دارد. حصارکشی باید کامل باشد.

● در آن صورت خانم‌ها می‌توانند با لباس ورزشی دوچرخه‌سواری کنند؟

○ خیر. باید باز هم پوشش اسلامی داشته باشند.

از مسئول انتظامات خواهران می‌پرسم:

● به گفته برادران ستاد احیا پیست خانم‌ها تعطیل می‌شود. این خبر درست است؟

○ نمی‌دانم.

چند روز بعد با خدیجه سپنجی، مسئول و مشاور ورزش بانوان در شهرداری تهران، مصاحبه می‌کنیم. می‌پرسم:

● پیست خواهران چیتگر تعطیل شد؟

با تعجب می‌گوید:

○ تصور نمی‌کنم.

برای اطمینان با دفتر پارک تماس می‌گیرم. می‌گویند:

○ نه، خبر درست نیست. پیست چیتگر در هیچ زمانی تعطیل نشده است. جوانان ما به ورزش و تفریح نیاز دارند. مدارس به‌طور گروهی از امکانات پیست استفاده می‌کنند. آمار نشان می‌دهد که تنها در یک ماه ۱۹۲۳ دختر و ۱۷۲۸ پسر از مدارس شهر تهران به‌صورت اردوهای روزانه همراه با مربیان خود از امکانات پیست استفاده کرده‌اند.

و ما همچنان بی‌گیر تعطیلی یا دایر بودن پیست خواهران طالب ورزش هستیم. ❏

محکوم و با آن برخورد قانونی می‌کنیم. اگر کسی ششونات اسلام را رعایت نکند و ارزش‌های اسلامی را زیر پا بگذارد، طبق فتوای مقام معظم رهبری برخورد می‌کنیم و حتی‌المقدور می‌کوشیم با رفتار و کردار و برخورد ارشادی آنها را هدایت کنیم. به‌طور کلی افرادی که به اینجا می‌آیند، دو دسته هستند. برخی برای مردم آزاری می‌آیند و برخی برای ورزش کردن. ما می‌خواهیم جو را سالم نگه داریم تا ورزش سالم داشته باشیم.

● آیا نیروهای احیا در پیست خواهران هم مستقر هستند؟

○ ستاد دارای گشت‌های خواهران متشکل از خانواده محترم شهداست و خواهران به خواهران تذکرات لسانی می‌دهند.

● به برخی از والدین که تمایل دارند در کنار یکدیگر، به‌خصوص در کنار فرزندان خود، دوچرخه‌سواری کنند، چه می‌گوید؟

○ این مشکلی خانواده‌هاست. دوچرخه‌سواری آن‌قدر امر واجبی نیست که مثلاً پدر بخواهد به دخترش یاد دهد یا پشت دوچرخه او را بگیرد. من خانم هفتاد ساله‌ای را دیدم که نوه هجده ساله‌اش کنارش ایستاده بود و مواظب او بود. به او گفتم دیگر ورزش از شما گذشته اما پاسخ داد مگر من چهارم است. البته ورزش برای همه مردم آزاد است.

ما نمی‌گوییم آزاد نباشد بلکه باید محدوده‌اش مشخص باشد.

نوع خلقت خدایی زن با مرد فرق دارد و اترماتیک‌وار با حرکت بدنش جذب می‌کند و این باعث می‌شود که زمینه انجام گناه فراهم شود و ما تابع مقام معظم رهبری هستیم. ولی امر مسلمین هر چه بگویند، چون مسلمان هستیم، اطاعت می‌کنیم. ایشان فرموده است در ملاء عام ممنوع است، ما هم حرام می‌کنیم.

● نشستن خانم‌ها ترک موتور همسرشان اشکالی ندارد؟

○ آنها که سوار موتور می‌شوند، در کنار محرم خود می‌نشینند و پوشش کامل اسلامی را رعایت می‌کنند نه این‌که از موتور به‌عنوان یک وسیله ورزشی استفاده کنند.

● لطفاً خودتان را معرفی کنید.

○ عفو بفرمایید. از بهجه‌های ستاد هستم.

● اسم نبرم؟

○ خیر.

● نحوه صدور حکم در مورد متخلفان چگونه است؟

○ قاضی دادگاه، از مجتمع قدوسی برای صدور حکم می‌آید.

قاضی را نیانتیم. روزهای دیگر چندین بار با مجتمع تماس گرفتیم. متأسفانه دسترسی به ایشان ممکن نشد. چند هفته بعد یک روز جمعه دوباره به پارک چیتگر می‌رویم. علاوه بر نیروهای انتظامات و ستاد، گروه‌های بسیجی و گروه‌های دیگری در





نگاهی کلی به سوارکاری حرفه‌ای زنان ایران از ابتدا تا کنون

این‌طور که بعضی سوارکاران به خاطر می‌آورند، سال ۱۳۴۹ بود که اولین زن سوارکار ایرانی، گلنار بختیار، در سن ۳۲ سالگی پا به میدان گذاشت. می‌گویند گلنار بختیار رقیب درجه یک سوارکاران مرد به حساب می‌آمد و همپای آنها از مانع دومتی می‌پرید. وی، همچنین، در مقام سردبیر حدود پنجاه شماره از مجله اسب را منتشر کرد. از دیگر پیش‌گامان سوارکاری زنان می‌توان از آتشی فیروز نام برد که دو سال پیش نیز در جام ساسونگ مقام هفدهم را بین مردان کسب کرد.

به‌طورکلی، از سال ۱۳۵۸ رکودی در ورزش سوارکاری ایجاد شد و تا سال ۱۳۶۰ هیچ مسابقه‌ای حتی برای مردان برگزار نشد و پس از احیای مجدد آن هم مسئله سوارکاری زنان تا مدت‌ها مسکوت ماند.

در سال ۱۳۷۰، برای اولین بار، تعدادی از زنان علاقه‌مند به رشته سوارکاری مسئله سوارکاری زنان را با مسئول سابق تربیت‌بدنی کل کشور مطرح کردند و مسابقه‌ای در رده سنی ده سال برای دخترتیرچه‌ها برگزار شد. پس از آن، در سمنان، مسابقه‌ای در رده سنی جوانان برگزار کردند که آتشی فیروز، تنها زن سوارکار بزرگسال شرکت‌کننده، به‌صورت نمایشی در این مسابقه حضور یافت و به دنبال آن نیز مسابقه‌ای با حضور زنان سوارکار در مجموعه نوروژآباد برگزار شد. در سال ۱۳۷۱ زنان برای اولین بار به صورت رسمی در یک مسابقه در مجموعه ورزشی آزادی حضور یافتند.

با رشد و گسترش رشته سوارکاری و طرح مسئله سوارکاری زنان، شورایی به‌عنوان مسئول رشته سوارکاری زنان شکل گرفت. خانم سپنجی در این‌باره می‌گوید: «رشته سوارکاری بانوان در سطح کشور چندان گسترده نیست. بیشترین فعالیت در زمینه اسب‌سواری بانوان نیز در تهران انجام شده است. با طرح مسئله سوارکاری بانوان به عنوان یک رشته ورزشی، مسئولیت این رشته در تهران و سایر استان‌های کشور به سن واگذار شد اما با گسترش این رشته در تهران، شورایی مسئولیت این کار را برعهده گرفت و سن علاوه بر مسئولیت رشته سوارکاری بانوان در سایر استان‌های کشور بر سوارکاری بانوان در تهران هم نظارت دارم.» با توجه به این‌که رشته تخصصی خانم سپنجی والیبال است، در مورد عهده‌داری مسئولیت رشته

● تنها زن

شرکت‌کننده در مسابقات جام

ساسونگ (۱۳۷۲) آتشی فیروز

بود که اجازه شرکت در جام را از

فدراسیون ورزش آقایان

کسب کرده بود!

زنان سوارکار

پس از انقلاب اسلامی مورد توجه قرار گرفت) تاکنون تلاش‌هایی برای پیشبرد این ورزش صورت گرفته‌است. هم‌اکنون حدود ۱۵ استان کشور - به‌ویژه تهران، اصفهان و مشهد - در زمینه اسب‌سواری بانوان فعال هستند و استان‌های کرمان، کردستان و لرستان نیز فعالیت‌های خود را آغاز کرده‌اند. در سال‌های اخیر شاهد برگزاری مسابقاتی چون جام

سوارکاری زنان می‌گوید: «آنچه در سوارکاری بانوان مطرح بود، مدیریت اجرایی بود و نه تخصصی. من قهرمان سوارکاری نیستم ولی در همه رشته‌ها، از جمله سوارکاری، در حد معقول کار کرده‌ام و البته در زمینه تخصصی، هم از خانم داودی و هم از مریان و قهرمانان اسب‌سواری، بهره می‌گیرم.» از سال ۱۳۷۰ (که سوارکاری برای اولین بار

قهرمانان گمنام

● ز خوشنویز بیرونی، محمدحسین علی‌حسینی نندی، محسن‌الله‌رمیسی، فخر کوهی خوب است آن‌ها در همین صفحه چاپ کنیم و با نگاهی استی و با هم‌نام سوارکاران در حوزه دیگری می‌نگرد.

... در نگاهی گذرا به محتوای مطالب مجله، بیشتر، زنان روشنفکر محور اساسی بحث مجله قرار گرفتند که جایگاه طبقاتی مشخص داشته و دارند. انتظار بر این است که مجله به قشر خاصی از زنان محدود نشود و دربرگیرنده مسائل امروز زنان ایران باشد. با مطالعه مطلبی در صفحه ۵۴ شماره ۲۹ مجله زنان، منی بر معرفی سوارکاری از جامعه زنان ایران، زمت و تهاقه سوارکارانه خانم بیضا وحیدی در محاورت نگاه اسب‌سواران را جلب کرد و سرا به یاد قضاقه معصوم سوارکاری از دیار محرومیت، با لباس‌های حقیرانه و رنگی، با پاهای برهنه و دمپایی بر پا و با شاخه کهنه شلخته درختی بر دست، انداخت. وی از قهرمانان سوارکاری پنجمین دوره سراسری مسابقات اسب‌سواری

عشایر استان آذربایجان شرقی است که به تاریخ ۱۴ اردیبهشت‌ماه ۷۵ در پشت سمنان در شمال‌غرب ایران برگزار شد.

... آیا جای آن نیست که دست‌اندرکاران دفاع از حقوق زنان جامعه امروز ایران، حتی شده در مقام ورزشی، به سواخ این زنان بروند و سعی پای درد دل آنها بشنوند؟ آنان که در دل کوه‌ها و دشت‌ها مسافران جاودانه این راه بوده‌اند و اینک چه مظلومانه در جلوی دوربین قرار می‌گیرند. آیا شایسته است چهره شیرزنان جامعه عشایری ایران که پلندای قامتشان بر پشت اسبان، به‌سان تایلوی مقاومت، همچنان در فرهنگ مقاومت این مرزوبوم می‌درخشند، به تصویر کشیده نشود و سخنی از آنها به میان نیاید؟ آنان که لحظه‌لحظه‌های زندگی‌شان را بر پشت اسب گذرانیده‌اند و سعی از بار حیات اجتماعی تولیدشان نگاشته‌اند و پایبندی مردان دلاور، مسئولانه، فرهنگ تلاش را معنی بخشیده‌اند. من قبول دارم که قوانین و استانداردهای سوارکاری





جام یگانگی، جام قهرمان‌کشوری و... از این نوع مسابقات است.»

وی درباره نحوه ارتباط با فدراسیون اسب‌سواری می‌گوید: «ما هم از نظر هزینه و هم به لحاظ امکانات به مساعدت‌های فدراسیون اسب‌سواری و اداره کل سوارکاری نیاز داریم. ما از مجموعه ورزشی مجزا، اسب، هزینه کافی و... برخوردار نیستیم. همه اینها در اختیار فدراسیون است. به همین دلیل در راستای سیاست‌های انجمن سوارکاری بانوان ارتباط خوب و نزدیکی با فدراسیون داریم و اگر رشدی در سوارکاری بانوان ببینید، به دلیل همکاری و هماهنگی‌های مناسب است.»

جام سامسونگ

این جام هر دو سال یکبار از طرف شرکت سامسونگ ژاپن در یک روز و زمان معین، با پارکور (موانع) تعیین شده و با معیار و ملاکی که آنها تعیین می‌کنند، در تمام کشورهای آسیای برگزار می‌شود. طراحان مسیر، در تمام کشورها، موظفند مسیر یکسانی را طراحی کنند.

اسامی شانزده نفر برتر هر کشور به فدراسیون بین‌المللی فرستاده می‌شود و پس از بررسی نتایج ارسالی، برترین سوارکاران آسیا معرفی می‌شوند. هزینه برگزاری و اعطای جوایز این جام نیز به عهده شرکت سامسونگ است.

جام سامسونگ تاکنون دو بار در ایران برگزار شده است. بار اول، شهریورماه سال ۱۳۷۲ بود که فدراسیون ورزش بانوان هیچ‌یک از زنان سوارکار را برای شرکت در این جام معرفی نکرد. تنها زن سوارکار شرکت‌کننده در این مسابقه آتسه فیروز بود که اجازه شرکت در جام را از فدراسیون ورزش آقایان کسب کرده بود. نکته عجیب این‌که به مردان اجازه تماشای مسابقه وی داده نشد و سالن را خالی کردند اما داوران شاهد این مسابقه همه مرد بودند... در این مسابقه آتسه فیروز در رده‌بندی کلی در کنار مردان مقام هفدهم را کسب کرد.

جام سامسونگ، برای دومین بار، در مهرماه ۱۳۷۴ در ایران برگزار شد و این‌بار فدراسیون ورزش بانوان رسماً خبر آن را اعلام کرد و بیتا وحدتی، سولماز مستجاب‌الدعوه، المیرا مستجاب‌الدعوه و مونا حدادوند در این مسابقه شرکت کردند. اما آن‌طور که به نظر می‌رسید، همکاری‌ها و هماهنگی‌های لازم بین زنان صورت نگرفته بود و برای این‌که مسابقه مردان عقب نیفتد، دو

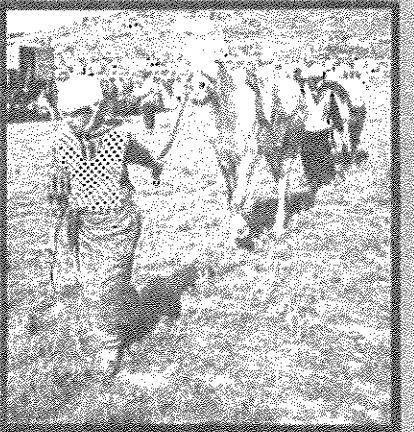
میدان می‌خواهند

آفرین شهریاری

داریم:
۱- مسابقات داخلی که برگزاری این مسابقات بر عهده انجمن است. به این نحو که یک باشگاه خصوصی یا دولتی را اجاره می‌کنیم و مسابقاتی در رده جوانان و نوجوانان و... برگزار می‌کنیم.
۲- مسابقات موجود در تقویم فدراسیون که مسابقه بین‌المللی جام سامسونگ، جام پیشرفت،

سامسونگ، مسابقات قهرمان‌کشوری و جام ریاست جمهوری برای سوارکاران زن و مرد بوده‌ایم. خانم سپینجی درباره نحوه حضور زنان سوارکار در مسابقات سوارکاری می‌گوید: «انجمن سوارکاری بانوان یک تقویم ورزشی دارد که از سه بخش مسابقه، کلاس‌های آموزشی و گردهمایی و سینار تشکیل شده است. در بخش مسابقه دو نوع مسابقه

را چه کسانی بر عهده دارند، چرا که در مراسم افتتاح مسابقات به وجود آنها پس فخر و عیاشات کرده و آنها را در ویجت دلاوران عبور مطرح کردند.



در جهان ویژگی‌های خاصی دارد و چنین ورزشی اساساً مخصوص و کلاب و کلبش و سایر مشخصه‌های سوارکاری را می‌طلبد. پس اگر چنین است، چرا مسابقه مسابقات این چنین به تصویر کشیده می‌شود و یا کدامین استانداردها باید مقایسه شود؟

... به امید آن‌که محرومیت اجتماعی‌بخاری این زنان به‌سر آید و فرزندان دشت و صحراهای مهربان که نسبتی دلبرانه را بر پشت اسبانشان لمس می‌کنند، طلبکاران قهرمان مسابقات است‌سواری باشند.

در پایان، تنها یک خواهش داریم و آن این‌که عکس مناسبه به‌صورت رنگی چاپ شود تا بینندگان بدانند که زنان قهرمان سوارکار جامعه امروز ایران با چه قیافه و زنتی و براساس کدامین استانداردها و با چه لباس‌ها و امکاناتی در مسابقات ورزشی و در جایگاه مسابقات ورزشی، در جلوی دوربین و مردم، قرار می‌گیرند و دفاع از حقوق آنها

سوارکاران خارجی

مدعو گفتند که سواری

زنان باتکنیک‌تر است و در صورت داشتن اسب‌های بهتر، نتیجه بهتری به‌دست می‌آورند.





دور مسابقه زنان پشت سرهم برگزار شد. به این ترتیب، به علت تعداد کم، نه آنها فرصت کسب تجربه از سواری مردان را یافتند و نه اسب‌ها در بین دو پرش به اندازه کافی استراحت کردند. در صورتی که مردان، علاوه بر در اختیار داشتن اسب بهتر، فرصت کسب تجربه از سواری زنان را نیز به دست آوردند.

پس از بررسی و اعلام نتایج سواری، بی‌تا وحدتی و سولماز مستجاب‌الدعوه در کنار چهل سواری مرد به ترتیب مقام‌های شانزدهم و نوزدهم را از آن خود کردند.

جالب است بدانید که یکی از پرتیرین مردان سواری میدان در جام سامسونگ، ضمن چشم‌پوشی از مقامی که می‌توانست به دست بیاورد، اسب درجه یک خود را به یک زن سواری داد در حالی که بعضی از مردان معتقدند زنان اسب را خراب می‌کنند!

مسابقات قهرمان‌های کشوری

مسابقات قهرمان‌های کشوری در پاییز ۱۳۷۲، بعد از جام سامسونگ، برگزار شد. مسئولان گفته بودند که از یک سال پیش برای این مسابقات برنامه‌ریزی شده است. با وجود این، مسابقات قهرمان‌های کشوری زنان بین سه روز مسابقات قهرمان‌های کشوری برگزار شد. یکی از زنان سواری در این زمینه می‌گوید: «پس از قرعه‌کشی من و یکی از آقایان مجبور به استفاده از یک اسب در دو نوبت شدیم. این کار نه تنها نتیجه خوبی عاید سواری نمی‌کرد بلکه اسب را هم از بین می‌برد. به همین دلیل من روز مسابقه اصلاً نیامدم. آنوقت در یکی از مطبوعات نوشتند: یکی از بهترین سواری‌ها به دلیل نامعلومی در مسابقه شرکت نکرد...»

خانم سپنجی درباره مسابقات قهرمان‌های کشوری بانوان می‌گوید: «مسابقات قهرمان‌های کشوری از مسابقات موجود در تقویم فدراسیون است. نقل و انتقال اسب از استان‌های کشور مشکلات زیادی را برای ما به وجود می‌آورد. به همین دلیل ما در زمان برگزاری مسابقات قهرمان‌های کشوری آقایان از فرصت استفاده می‌کنیم و یکی از روزها را به مسابقات بانوان اختصاص می‌دهیم و از همان اسب‌ها استفاده می‌کنیم. مسابقه بانوان در یک روزی که به استراحت آقایان اختصاص داشت، برگزار می‌شد و به همین دلیل اسب‌ها خسته بودند. برای حل این مشکل در جلساتی که با فدراسیون داشتیم، روز معین و مناسبی را به مسابقه خانم‌ها اختصاص دادند. به طور مثال در مسابقات جام پیشرفت در اصفهان یک روز اسب‌ها استراحت کردند و روز بعد مسابقات جام پیشرفت زنان برگزار شد.»

جام ریاست جمهوری

جام ریاست جمهوری دی‌ماه سال گذشته در مجموعه دوازده هزار نفری آزادی برگزار شد. به علت عدم برنامه‌ریزی صحیح برگزاری این جام با مشکلات زیادی همراه بود. بنا به اظهارات بعضی از سواری‌کاران، صبح روز مسابقه هنوز مشخص نبود

خدیجه سپنجی:

نداشتن اسب و مجموعه سواری بانوان از مشکلات اساسی

در این رشته است. با این همه،

تاکنون چند مربی

در این رشته تربیت کرده‌ایم.

کدام سواری‌کار با کدام اسب می‌برد، ارتفاع موانع چقدر است، طراحی مسابقات پارکورها به چه صورت است و خلاصه کلیه مسائلی که پیش از شروع مسابقه باید برای سواری‌کار روشن باشد، ناگفته مانده بود. از طرف دیگر، با وجود این که ساعت شروع مسابقه پنج بعد از ظهر بود، تا ساعت دوازده و چهل و پنج دقیقه بعد از ظهر اسب‌ها را قرعه‌کشی نکرده بودند و در نتیجه سواری‌کاران فرصت کمی برای تمرین و آشنایی با اسب‌ها داشتند.

دو ساعت پیش از شروع مسابقه هنوز فهرست اسامی سواری‌کاران و شماره‌های آنها برای ارائه به مراجعان آماده نبود. به همین علت از یکی از زنان سواری‌کار که تایپ لاتین می‌دانست، خواستند با همان لباس سواری‌کاری بنشیند و فهرست را برای تکثیر آماده کند.

یکی از سواری‌کاران می‌گفت: «روزی که رفتیم ریاست جمهوری، علناً اسب‌های درجه سه را به زنان اختصاص دادند. نمی‌دانم حتی اگر در همه امور فرض را بر این می‌گذارند که زن ضعیف است، چرا اسب ضعیف را هم به جنس ضعیف اختصاص دادند؟» با این همه، سواری‌کاران خارجی مدعو می‌گفتند که سواری زنان باتکنیک‌تر است و مردان برای هدایت اسب به آن سوی مانع بیشتر از زور بازو استفاده می‌کنند و اگر اسب‌های بهتری در اختیار زنان گذاشته می‌شد، آنها نتیجه بهتری به دست می‌آوردند.

خانم سپنجی در زمینه قرعه‌کشی اسب‌ها می‌گوید: «هرکسی می‌تواند از دادن اسب شخصی‌اش سرباز زند اما طبق توافق‌هایی که فدراسیون با صاحبان اسب‌ها کرده است، هر تعداد اسبی را که در اختیار بگیرید، بین مردان و زنان سواری‌کار به قید قرعه تقسیم می‌کنند. حتی سواری‌کارهای خوب ما مانند شگی، المیرا و سولماز مستجاب‌الدعوه و ... در این قرعه‌کشی شرکت می‌کنند و چنین نیست که اسب‌های درجه سه در اختیار زنان سواری‌کار قرار گیرد.»

از نکات مثبت این جام می‌توان به حضور سوزان لاجینی در کمیته فنی مسابقات، که داور مسابقه مردان و زنان هم بود، اشاره کرد.

نکاتی در مورد اسب و اسب‌سواری

از انواع مسابقات با اسب می‌توان به کورس، چوگان، کوهنوردی، دیساز و پرش از مانع اشاره کرد. نظر به این که در سواری‌کاری سنی سواری‌کار چندان اهمیتی ندارد و برای پرش از مانع نیز

امکانات بالنسبه بیشتری فراهم است، در ایران بیشتر به این رشته سواری پرداخته شده است.

این که از چه موقع می‌توان سواری‌کاری را شروع کرد، به جثه و قدرت بدنی فرد بستگی دارد. صاحب‌نظران مناسب‌ترین سن برای شروع سواری را شش - هفت سالگی دانسته و معتقدند که آموزش سواری در سنین پایین بهره بیشتری می‌دهد، ترس از سواری و پرش از مانع را به تدریج از بین می‌برد و باعث می‌شود سواری‌کار با اعتمادبه‌نفس بیشتری اسب را هدایت کند.

در این ورزش وزن سواری‌کار خیلی مهم است. وزن مناسب برای سواری‌کاران بزرگسال در ایران، با توجه به اسب‌های موجود، ۵۵ تا ۶۵ کیلوگرم است ولی برای اسب‌های اروپایی تا ۷۲ کیلوگرم هم مناسب است. طبق یک قاعده کلی، هرچه وزن سواری‌کار کمتر باشد، اسب راحت‌تر می‌برد. با این حال سبکی زیاد هم مطلوب نیست چون، به هر حال، برای هدایت اسب به آن سوی مانع قدرت بدنی هم لازم است.

در همین زمینه و برای گسترش ابعاد سواری‌کاری (پرش از مانع)، تلاش‌هایی، هرچند جرمی، برای پرورش اسب‌های مناسب صورت گرفته است. صاحب‌نظران معتقدند اسب عرب بهترین خون را دارد. این اسب ترس است، در راه‌پیمایی استقامت زیادی دارد و چشمش خوب می‌بیند. در کشورهایی مثل آلمان و فرانسه، خون اسب عرب را وارد بدن اسب‌های درشت‌جثه خود کرده و بدین ترتیب به نژاد بهتری دست یافته‌اند.

در ایران، بیشتر اسب‌هایی که در سواری‌کاری مورد استفاده قرار می‌گیرند، اسب‌های ترکمن هستند. اسب ترکمن جثه بزرگی ندارد و به اصطلاح سواری‌کاران بدذات است. برای اصلاح نژاد اسب‌های ترکمن باید از سیلیمی اروپایی (اسب نر اخته نشده)، که خون اسب عرب را وارد بدنش کرده‌اند، استفاده کرد. بدین ترتیب می‌توان نژاد اسب ترکمن را از نظر جثه و خون اصلاح کرد. در ایران برای اصلاح نژاد اسب کارهایی انجام شد که به علت عدم توانایی مالی مجریان طرح زیاد گسترش پیدا نکرد. برای این کار مادیان را از طریق روش تلقیح مصنوعی بارور می‌کردند. با این حال، علی‌رغم صرف مبالغه هنگفت، اسب‌های خوبی وارد نشد و به همین دلیل اصطبل دولت امروز تقریباً خالی است.

لباس سواری زنان

زمانی که سواری‌کاری زنان در ایران مطرح شد، تعدادی طرح بر اساس طرح بین‌المللی لباس سواری‌کاری به فدراسیون ارائه شد. ابتدا تنگی شلوارها مورد ایراد قرار گرفت. اما بالاخره فائزه هاشمی، نایب رئیس کمیته ملی المپیک، با یکی از طرح‌های ارائه شده بعدی موافقت کرد و از آن موقع سواری‌کاران به‌طور رسمی از لباس مخصوص سواری‌کاری استفاده می‌کنند.

زنان سوارکار چه می خواهند؟

مشکلات و کمبودهای موجود در رشته سوارکاری را می توان از دو جهت بررسی کرد: یکی مشکلاتی که به طور کلی بر ورزش ما - به خصوص ورزش های نوپا - سایه افکنده است و ورزشکاران مرد و زن را یکسان متأثر می کند و دیگری مشکلات ویژه زنان.

اکتون، پس از گذشت چهار سال از احیای مجدد سوارکاری زنان، پیشرفت چشمگیری در این زمینه مشاهده نمی شود و به نظر می رسد که تنها به حرکت هایی کوچک و تبلیغاتی بسنده کرده ایم. می توان با سرمایه گذاری روی بچه های محلی و با تکیه بر روحیه و بنیة قوی آنها حرکت های اساسی تری در جهت پیشبرد این ورزش انجام داد. در این چهار سال، تعداد زنان سوارکار برجسته نه تنها افزایش نیافته که به علت صدمات ناشی از امکانات نامناسب بعضی میدان را برای همیشه ترک کرده اند. از این رو، باید سوارکاران را بیمه کرد. یکی از آنان می گوید: «اسمش این است که بیمه هستیم؛ کارت داریم، با عکسی که روی آن چسبانده اند، اما، عملاً فایده ای ندارد».

حال که از وجود سوارکاران علاقه مندی بهره مند هستیم که با وجود سن زیاد هنوز میدان را ترک نکرده اند، باید مسیر را برای آنان هموارتر کرد و با برنامه ریزی صحیح و به موقع آنها را از آشننگی ها و بی نظمی های حاکم بر مسابقات رهاوند. زنان سوارکار ما به امکانات مستقلى چون اسب، مربی، مکان سوارکاری و ... نیاز دارند. آنها اجازه تعلیم گرفتن از مربیان مرد را ندارند و هیچ گونه اقدامی هم برای دعوت از یک مربی زن صورت نمی گیرد. در چنین شرایطی چه طور می توان انتظار داشت که زنان ما، در کنار کسب تجربه ورود به میدان، مهارت های خود را نیز گسترش دهند؟! یکی از سوارکاران می گوید: «هفت سال پیش که از خارج برای آقایان مربی آوردند، پیشنهاد کردم حالا که پولی خرج شده و مربی و میدان هم آماده است، ما نیز از امکانات موجود بهره مند شویم و لاقلاً از کنار میدان به مطالبی که گفته می شود، گوش کنیم ولی اجازه ندادند... الان هم اگر گاهی امکاناتی برای آقایان در نظر می گیرند و مربی می آورند، به خانم ها اجازه استفاده داده نمی شود.» خانم سپنجی می گوید: «نداشتن اسب و مجموعه سوارکاری ویژه بانوان از مشکلات اساسی در این رشته است. با وجود این و به رغم کمبود امکانات در این رشته تاکنون چند مربی زن تربیت کرده ایم. در بیشتر این مراکز و باشگاه ها، علاقه مندان به سوارکاری می توانند به صورت ترمی آموزش ببینند. شهرداری تهران نیز در این راستا فعال بوده است و مکان هایی را در پارک جنگلی واقع در منطقه دو و پارک نیاروان به پست اسب سواری اختصاص داده است. با تلاش های انجام شده، تاکنون حدود پنجاه تا شصت سوارکار زن داریم که حدود پانزده نفر آنها جوانانی هستند که می توان بر روی آنها در زمینه قهرمانی و برون مرزی سرمایه گذاری کرد».

گفت و گو با مسئولان سیمای جمهوری اسلامی ایران

رابعه رحیمی

رسانه ها بی تردید در رشد یا زوال ورزش زنان دستی پیدا و پنهان دارند. از مسئولان و دست اندرکاران رسانه ها، صداسویمایی ها را انتخاب کردیم. از میان آنها بعضی را مثل مدیران شبکه ها، بسیار جستیم و نیافتیم و بعضی خود یافت نشدند یا این که روی دنده «نه» بودند. گفت و گوی ما را با آنها که بالاخره حرفشان را ضبط و ثبت کردیم، می خوانید: █

ای داد بیداد!!



گفت و گو با سیدامیر حسینی،

مسئول ورزش شبکه یک و سه سیمای



● آقای حسینی از مجله زنان تماس می گیریم. می خواستیم با توجه به این که شبکه سه روی مسئله ورزش تمرکز دارد، صحبتی تلفنی در مورد ورزش زنان با شما داشته باشیم.

○ من فکر می کنم اگر شما با مدیر شبکه صحبت کنید، بهتر باشد.

● دفتر مدیر شبکه به هیچ عنوان به ما راه نمی دهد. ما نتوانستیم با ایشان صحبت کنیم.

○ ببینید، ما طی شش ماه گذشته یک برنامه ویژه برای ورزش بانوان تهیه و پخش کردیم. در حال حاضر هم، به انعکاس رویدادهای ورزشی خانم ها، به ویژه در زمینه خبر، می پردازیم. در رادیو که اصلاً محدودیتی برای پرداختن به ورزش بانوان نیست. در تلویزیون هم در گزارش های خبری به فعالیت ورزشی خانم ها می پردازیم و به هر حال در حد مقدرات و ضوابط پخش از ورزش بانوان حمایت می کنیم.

● این اخبار در چه برنامه هایی منعکس می شود؟

○ ما، مکرر، از کلیه برنامه های بانوان گزارش خبری داریم، در هفت پخش خبری سیمای فعالیت های ورزشی خانم ها منعکس می شود.

● منظورتان از سیمای شبکه سه است؟

○ کلاً، شبکه سه، دو و یک. همه اینها در پخش خبری شان، به ویژه در شبکه سوم، در ۱۵ دقیقه پخش خبر ساعت هفت و ۳۵ دقیقه این اخبار را منعکس می کنند. علاوه بر این، بسیاری از خانم هایی که در زمینه برنامه های ورزشی کارشناس و صاحب نظر هستند، در تولید برنامه ها با ما همکاری و مشارکت دارند و یا به عنوان صاحب نظر بحث و گفت و گو می کنند.

● این برنامه ها که می فرمایید، کی پخش شده؟

○ از شش ماه گذشته پخش شده. برنامه ویژه بانوان از سال گذشته بوده تا سه ماهه اول امسال. همین طور در برنامه «صبح با ورزش» تلویزیون.

● برنامه ورزش بانوان صبح که قطع شده!

○ نه، پنجشنبه های قطع شده ولی در پخش های مختلف الان دارند کمک می کنند. ما مطابق با ضوابط به انعکاس فعالیت های ورزشی بانوان

● چارچوب مقدرات

ضوابط پخش در

جمهوری اسلامی ایران است که

مدیران پخش شبکه

این ضوابط را اعمال می کنند.

می پردازیم.

● چارچوب مقدرات شما چیست؟

○ (می خندد) ای داد بی داد! هر چه من می گویم، شما یک سؤال دیگر می کنید. چارچوب این مقدرات ضوابط پخش در جمهوری اسلامی ایران است که مدیران پخش شبکه این ضوابط را اعمال می کنند.

● این ضوابط چیست؟

○ ضوابط این است که ما به طور گسترده نمی توانیم تصاویر فعالیت های ورزشی بانوان را پخش کنیم. ما به تشویق و تشجیع ورزش بانوان می پردازیم ولی از لحاظ انعکاس خبری، این که تصویر خانم ها را نشان بدهیم، برای ما مقدور نیست.

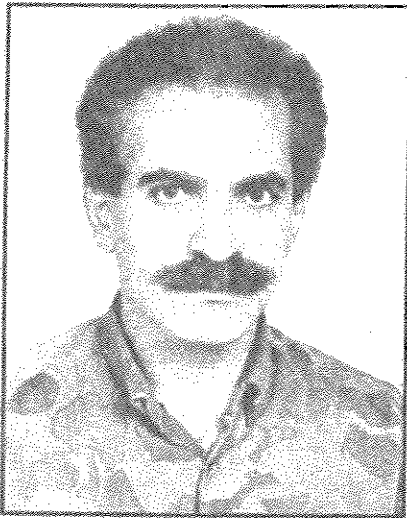
● انعکاس خبر بدون تصویر که اشکالی ندارد.

حالا می شود بگویند چه طور تشجیع می کنید؟
 ○ از طریق انعکاس اخبار و رویدادهای ورزشی بانوان.
 ● ممکن است سؤال کنیم که این ضوابط و چارچوبها چیست؟ یعنی مشخصاً چه بخشنامه‌ای به شما شده و از کجا شده؟
 ○ این ضوابط در اختیار پخش است. ما جنبه‌های تصویری ورزش بانوان را، الان، مشکل داریم. به طور کلی خدمتتان عرض کردم.
 ● چه کسی این مشکل را ایجاد کرده.
 ○ ما که نمی توانیم مثل خارج به ورزش بانوان بپردازیم.
 ● درست است اما عرض می کنم حد و سرز و

چارچوب این ویژگی ها و ضوابط را از کجا برایتان تعیین کردند و به شما چه چیزی ابلاغ کردند؟
 ○ شما لطف فرمایید با مشاور امور بانوان ریاست سازمان صحبت کنید.
 ● ایشان در ورزش تخصص دارند؟
 ○ در امور بانوان صاحب نظر هستند.
 ● پس شما نمی توانید اطلاعات بیشتری بدهید؟
 ○ در حد مقررات توانستم خدمتتان بگویم، با وجود این که جلسه داشتم.
 ● آقای حسینی منظورم این است که مگر پخش دستور می دهد که برنامه ها چه طور تولید شود؟
 ○ شورای سیاست گذاری سازمان صداوسیما تعیین می کند.

ما بر اساس سیاست های فرهنگی نظام کار می کنیم. این چیزی است که شورای فرهنگ عمومی کشور تعیین می کند. ما در چارچوب سیاست هایی که شورای فرهنگ عمومی مطرح می کند، فعالیت می کنیم و انعکاس می دهیم.
 ● ما می خواهیم صحبت شما را چاپ کنیم.
 ○ اگر منتشر نکنید، متشکر می شوم.
 ● این که نمی شود همه صحبت کنند و بعد بگویند، متشکر می شویم که پخش نشود.
 ○ خوب، ما داریم در چارچوب سیاست های فرهنگ عمومی کار می کنیم.
 ● من همین صحبت هایتان را می نویسم. متشکرم

ورزش بانوان به شکل انیمیشن کار می شود!



گفت و گو با
 بهمن بخششی زاده
 تهیه کننده برنامه تصویر زندگی

○ نه، ما یک ضوابطی در سازمان داریم که آن ضوابط اجازه نمی دهد؛ مگر این که بتوانیم روش های جدیدی را برای بیننده ابداع کنیم. البته من در برنامه صبحگاهی و بامدادی تلویزیون خردم دیدم قبل از ساعت هشت ورزش بانوان پخش می شد ولی در ساعت معمول، یعنی از هشت تا ۱۲ شب، برنامه ای نداریم. برنامه ما ۱۱ صبح و پنج بعدازظهر پخش می شود. تصور من این است که مجاز نیست چنین کاری بکنیم. یعنی در وقتی که ما برنامه داریم، مجاز نیستیم.
 ● یعنی مثلاً قبل از ساعت هشت پخش آن اشکال ندارد ولی از ساعت هشت تا پنج بعدازظهر مشکل دارد؟

○ خدمتتان عرض کردم که قبلاً قبل از ساعت هشت انجام می شد و بیننده زیادی هم نداشت خوب، به بعضی ها که علاقه مند بودند، می توانستند ببینند. البته حدود شش - هفت ماه قبل. الان اطلاع ندارم که هست یا نیست ولی تصورم این است که تا روش جدیدی ابلاغ نشود که در آن مسائل شرعی رعایت شود، مجاز نیستیم ورزش بانوان را نشان بدهیم.

● این عدم جواز پخش، ابلاغ کتبی یا رسمی دارد؟

○ نه، ما هیچ چیز کتبی برای این قضیه نداریم، خیلی چیزها را برداشت می کنیم.

● آخر چه طور ممکن است افراد از یک موضوع برداشت فردی بکنند و بگویند نمی شود؟

○ در این زمینه باید با یک مسئول بالاتر صحبت فرمایید که اختیارات بیشتری دارد. در این زمینه از بالا تصمیم می گیرند و به ما ابلاغ می کنند. من تهیه

● سلام علیکم. شما مسئول کدام برنامه هستید؟
 ○ تصویر زندگی.
 ● اسم جناب عالی.
 ○ بخششی زاده هستم.
 ● من از مجله زنان تماس می گیرم. می توانم سؤال کنم برنامه شما چه ساعتی پخش می شود؟
 ○ ۱۱ صبح و پنج بعدازظهر.
 ● در برنامه شما قبلاً ورزش و نرزش خانمها پخش می شد؟
 ○ تعطیل کردیم.
 ● می توانم این صحبت را ضبط کنم و چاپ شود؟
 ○ خواهش می کنم.
 ● چرا دیگر به ورزش بانوان نمی پردازید؟
 ○ یک مقدار محدودیت داریم در مصور کردن ورزش خانمها. ما داریم روی یک انیمیشن کار می کنیم برای سری آینده. یک بخش اختصاصی داریم که مربوط به ورزش خانمهاست و بعداً پخش می شود.
 ● چه کسی به شما اعلام کرده که مجاز نیستید و محدودیت دارید؟
 ○ خدمت شما عرض کنم که اگر تلویزیون نگاه کنید، در ساعات معمول، یعنی از هشت صبح تا ۱۲ شب، چنین چیزی نمی بینید.
 ● این پاسخ شما قانع کننده نیست. یعنی این که چون نمی بینیم، به آن نمی پردازید؟

● ما تهیه کننده ها، مقداری به مجوزهای رسمی متکی هستیم و یک مقدار هم از اوضاع و احوال کلی تلویزیون برداشت می کنیم.

کننده هستم و خیلی مجاز نیست وارد حیطه ای بشوم که در محدوده اختیارم نیست.
 ● آخر وقتی هم از بالا سؤال می کنیم، آنها هم می گویند که ما بخشنامه کتبی نفرستادیم و ابلاغ رسمی نکردیم.
 ○ شما از مدیر محترم شبکه دو سؤال فرمایید که چرا ورزش بانوان، مثلاً در برنامه تصویر زندگی که تنها برنامه تلویزیونی مخصوص خانمهاست، جایی



ندارد. ببینید، ما تهیه‌کننده‌ها مقداری به مجوزهای رسمی متکی هستیم و یک مقدار هم از شرایط اجتماعی، شرایط روز و اوضاع و احوال کلی تلویزیون برداشت می‌کنیم. این‌که بنده عرض کردم ابلاغ رسمی در این زمینه ندیده‌ام، برداشت شخصی من است و خیلی مجاز نیست وارد این حیطه بشوم. با تمام این اوصاف ما شکل انیمیشن آن را داریم کار می‌کنیم و امیدواریم خانم‌ها استفاده کنند.

● فکر نمی‌کنید به شکل انیمیشن خنده‌دار بشود؟
○ اصلاً و ابداً. به‌رحال عرض کردم ترفند جدیدی باید اندیشیده شود.

● من یادم است که ورزش بانوان با حجاب درست، یعنی مقنعه و ساتو، پخش می‌شد. فکر می‌کنید آن هم مشکلی داشت؟
○ به نظر من مشکلی نداشت. یعنی اگر ذره‌ای مشکل داشت، اجازه پخش به آن نمی‌دادند.

● به نظر آقایان مشکل داشته؟
○ بیشتر تصاویر لانگ بود و تصویر بسته خیلی نداشت. این حرکات برای انتقال به تصاویر بسته نیاز دارد چون برنامه آموزشی بود و آموزش در تصاویر لانگ خیلی منتقل نمی‌شود. تصویر باید بسته باشد تا به اصل و جزئیات پرداخته شود.

● فکر نمی‌کنید تصاویر لانگ خیلی بهتر از انیمیشن باشد؟
○ نه، من این تصور را ندارم. قطعاً انیمیشن بهتر

خواهد بود؛ به‌دلیل این‌که خیلی نزدیک به حرکاتی است که آموزش داده خواهد شد.

● پرسوناژهای انیمیشن شما زن هستند؟
○ بله، قطعاً.

● خوب، آنها هم اگر حجاب اسلامی نداشته باشند، اشکال دارد.

○ بله. ولی چون نقاشی است، قابل کنترل است.

● چه‌طور قابل کنترل است؟
○ خدمتتان عرض کردم که من به‌عنوان یک تهیه‌کننده صحبت می‌کنم.

● بله، من هم به‌عنوان یک خبرنگار صحبت می‌کنم.

○ البته من شونات خاصی ندارم و چون خودم آدم راحتی هستم، با شما صحبت می‌کنم.

● من گفتم که صحبت‌های شما ضبط می‌شود و ممکن است چاپ شود!

○ مسئله خاصی نیست. من اصلاً نمی‌دانم این مجله زنان است یا هر مجله دیگری. این مطالبی است که من حتی در مصاحبه‌های معمولی هم می‌گویم. به هر ترتیب، علت این‌که ما به ورزش بانوان نپرداخته‌ایم، مشکلاتی است که در این زمینه هنوز حل نشده و اصلاً ورزش بانوان تازه دارد راه می‌افتد.

● ببخشید این اطلاعات را شما از کجا دارید که ورزش بانوان تازه دارد راه می‌افتد؟

○ این برداشت من است از تلویزیون و تصاویر تلویزیونی.

● پس در تلویزیون تازه دارد راه می‌افتد.

○ برنامه‌ای است در سیما که حدوداً شش‌ماه است راه افتاده. پس تازه است. یعنی اصلاً طرح برنامه ورزش بانوان در تلویزیون چیز تازه‌ای است و قطعاً کار تازه مشکلات زیادی دارد و مسائل جانبی آن به‌مرور زمان باید حل شود. دیدن این تصاویر باید از نظر مردم عادی بشود تا بعد در شکل عملی آن مسئولان به آن برسند و اجرا کنند.

● شما هیچ تلاش و صحبتی برای این‌که به این موضوع بپردازید، نکردید؟
○ نمی‌خواهم تلاش کنم. ببینید، اینها یک سری سیاست‌های کلان است و ما عامل‌های اجرایی هستیم. ضمن این‌که به‌طور معمول خودمان پیشنهاد می‌دهیم ولی مجری هستیم. در این زمینه ما نباید تلاش کنیم. خود خانم‌ها باید تلاش کنند و طبعاً مسئولان هم در مورد آن فکر خواهند کرد.

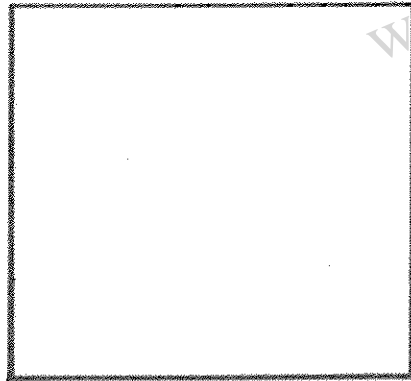
● شما در گروه خانواده تهیه‌کننده زن دارید؟
○ در گروه اجتماعی هست ولی من مسئول یک برنامه این گروه، به نام تصویر زندگی، هستم.

● پس در این زمینه‌ها تهیه‌کننده زن ندارید؟
○ در تصویر زندگی تهیه‌کننده زن نداریم ولی در تیم ما خانم هست.

● متشکرم، خداحافظ!

تادر ظرفیت رسانه و مخاطبان نگنجد، نمی‌شود بحثی داشت

گفت‌وگو با
محمد رضا جعفری جلوه
مدیر شبکه دو سیما



از دل‌زومی ندارد، و مصاحبه نمی‌کنم، شروع و به اینجا ختم شد. اما نه به این سادگی که می‌بینید. شمرديم، بیش از ۲۰ بار تماس تلفنی، کمترین تلاشی بود که برای گرفتن تأیید انتشار این مصاحبه به خرج داده شد. چک‌و‌چانه‌ها و کشمکش‌هایش بماند. اگر نبود سماجت حرفه‌ای ما، همین‌ها هم مثل بقیه سؤال، جواب‌های شیرین گفت‌وگو حذف شده بود. به‌رحال، با ملاحظه‌ها و محافظه‌کاری‌هایی که ما دیدیم، انتظار باقی ماندن همین را هم نداشتیم: ❏

اتفاق می‌افتد، پیش‌بینی برنامه‌هایی است در ارتباط با ورزش بانوان که دارد تدارک دیده می‌شود و نهایی می‌شود. در این زمینه در گذشته برنامه‌ای وجود نداشته که قطع شده باشد بلکه به دلیل اهمیت مسائل تربیت‌بدنی و ورزش بانوان برنامه‌ای در رابطه با سلامت و پرورش تن و روان در حال آماده شدن است.

● من شنیده‌ام که ظاهراً دستوری آمده است که فعلاً به ورزش بانوان نپردازند.

● من خبرنگار زنان هستم. می‌خواستم در مورد ورزش زنان صحبت تلفنی با شما داشته باشم، می‌توانم مصاحبه را ضبط کنم؟
○ اگر مسئله‌ای هست، بفرمایید. برای گفت‌وگو به این معنا شاید ضرورت نداشته باشد.

● بحث خاصی نیست، فقط می‌خواستم ببینم چرا پخش مابودی از ورزش زنان در تلویزیون قطع شده است؟
○ دلیلی نمی‌بینم که قطع شده باشد. آنچه دارد

● به‌دلیل اهمیت مسائل تربیت بدنی و ورزش بانوان، برنامه‌ای در رابطه با سلامت و پرورش تن و روان در حال آماده شدن است.

○ حالا در همان حدی که شما شنیده‌اید، شاید در حد شایعات صحت داشته باشد ولی اصلاً چنین بحثی مطرح نیست.

● شما این شایعه را شنیده‌اید و تکذیب می‌کنید؟

○ عرض کردم که چنین بحثی مانع شونده اصلاً مطرح نیست.

● ما با چند بخش از سیمای جمهوری اسلامی تماس گرفتیم. در این مورد همه گفتند که مدیر شبکه باید نظر بدهد. با یکی از تهیه‌کنندگان برنامه تصویر زندگی صحبت کردیم، گفتند نمی‌توانند جواب قاطع و صریح بدهند.

○ طرح مسائل در برنامه‌ها دورهای است؛ مثلاً یک برنامه ۱۳ قسمت است، شکل می‌گیرد و ارائه می‌شود، و برنامه‌های دیگر به‌گونه‌ای دیگر. در یک سال گذشته در این موضوع برنامه‌های نداشتیم که آن را منتفی کرده باشیم بلکه در دستور کارمان راه‌اندازی و تدارک برنامه‌هایی در این خصوص است.

● من شنیده‌ام می‌خواهند ورزش زنان را با انیمیشن نشان بدهند، این صحت دارد؟

○ ورزش بانوان ظرفیت انکاس خودش را دارد. طبیعی است که در چارچوب ظرفیت‌های یک رسانه جمعی قابل انکاس است. آنچه بتواند منعکس شود، منعکس خواهد شد و بجز این بحث‌پذیر نیست.

● چه طور بحث‌پذیر نیست؟

○ خوب، تا در ظرفیت رسانه و فرهنگ مشترک رسانه و مخاطبان ننگنجد، نمی‌شود بحثی داشت... ضمن این‌که ظاهراً سوالات شما اتمام دارد.

● صحبت در این مورد اشکالی دارد؟

○ قرار مصاحبه و گفت‌وگویی به این شکلی نبود.

● خوب وقت حضوری بگیریم از شما؟

○ دیگر چه ضرورتی دارد؟

● بالاخره در مورد این موضوع یک مسئول باید توضیح بدهد و ما فکر کردیم بهترین منبعی که می‌تواند خبر درست به ما بدهد، شما هستید.

○ از گروه آموزش و گروه فرهنگی - اجتماعی ما که الان در تدارک برنامه‌های مربوط هستند، می‌توانید از باب مطلع شدن از فعالیت‌های برنامه‌سازی درباره ورزش بانوان کسب اطلاع بکنید؛ ضمن این‌که بهترین پاسخ نتیجه عمل مجموعه است و شما می‌توانید آنرا ببینید و پی‌گیری کنید.

● صلاح نمی‌بینید در همین مورد توضیح بیشتری بدهید؟ چون ما مجموعه‌ای در مورد ورزش زنان داریم و امکان دارد مجله ما زودتر از برنامه شما پخش شود.

○ در این جهت باید اطلاعات تکمیلی دقیق‌تر باشد چون من فقط اطلاعات کلی در مورد برنامه‌های در حال تدارک را خدمت شما عرض کردم.

نگاهی به عملکرد شورای همبستگی ورزش با برگزاری بازی‌های زنان مسلمان

طرح تشکیل شورای همبستگی ورزش بانوان کشورهای اسلامی، نخستین بار، از سوی فائزه هاشمی، نایب‌رئیس کمیته ملی المپیک، مطرح شد و در دومین هیئت اجرایی کمیته ملی المپیک (بهمن ۶۹) به تصویب رسید. فائزه هاشمی در مورد انگیزه طرح شورا و برگزاری مسابقات بین زنان ورزشکار کشورهای اسلامی می‌گوید: «هدف ما توسعه ورزش همگانی در میان زنان است ولی تا ورزش فهرمانی نباشد، ورزش همگانی استمرار پیدا نمی‌کند. زنان ورزشکار ما در طول سال‌های گذشته به انتهای خط رسیده‌بودند. همیشه با خودشان مسابقه می‌دادند و وقتی به سطح فهرمانی کشور می‌رسیدند، دیگر نمی‌توانستند با تیم‌های خارجی مسابقه دهند. به همین دلیل، انگیزه آنها کاهش پیدا کرده بود و جذابیت ورزش بانوان داشت از بین می‌رفت.»

برای جلب همکاری‌های بین‌المللی و توجیه کشورهای دیگر در مورد اهداف و نحوه برگزاری این بازی‌ها اولین کنگره همبستگی ورزش بانوان کشورهای اسلامی (مهر ۷۰) با حضور نمایندگان ۱۸ کشور تشکیل شد و برگزاری این مسابقات به تصویب رسید. فائزه هاشمی در زمینه چگونگی توجیه کشورهای اسلامی می‌گوید: «ما توانستیم در اولین کنگره، انگیزه و هدف برگزاری بازی‌های بانوان کشورهای اسلامی را تبیین و در واقع کشورها را توجیه کنیم که مسلمانان یک چهارم جمعیت دنیا را تشکیل می‌دهند و این ظالمانه است که زنان مسلمان بازی‌هایی خاص خودشان نداشته باشند و این وظیفه کمیته بین‌المللی المپیک است که با توجه به فرهنگ‌های مختلف موجود در جهان شرایطی را برای ورزش آنها فراهم کند. مباحث این کنگره مورد استقبال کشورهای اسلامی قرار گرفت و آن دسته از زنان مسلمانی که به‌خاطر حفظ اعتقاداتشان حاضر به مشارکت در صحنه‌های مختلف ورزشی نبودند، از انزوا درآمدند.»

بدین ترتیب، نخستین دوره بازی‌های بانوان کشورهای اسلامی با حضور ۱۱ کشور در هشت رشته ورزشی، در ۲۴ بهمن سال ۱۳۷۱، در تهران برگزار شد. بازی‌های دور اول مسابقات شامل هشت رشته والیبال، بسکتبال، هندبال، شنا، تیس روی میز، بدمینتون، تیراندازی و دو و میدانی بود. نایب‌رئیس کمیته ملی المپیک درباره میزان استقبال

● درست است، خوب من کی می‌توانم اطلاعات تکمیلی را از شما بگیرم؟

○ من مدیر گروه آموزش شبکه را معرفی می‌کنم. برنامه‌های آموزشی و ورزشی را در واقع آنجا تدارک می‌بینند. ایشان می‌توانند در مورد برنامه‌هایی که در دستور دارند، اطلاعاتی به شما بدهند.

● من به خوانندگان مجله بگویم شما با ما مصاحبه نکردید؟

○ ذهن شما و همکاران شما به بعضی از نکات آگاه شده دیگر. به نظر می‌آید که هدف همین بود که شما بپرسید و من هم پاسخ دادم و ضرورت به انکاس به این شکل نمی‌بینم. کلاً مطلع شده باشید که ذهنیت و تسورات منی مطرح نیست.

● من می‌خواهم یک مقدار ذهن مسئولان را متوجه این مسئله کنم تا به این قضیه فکر کنند.

○ حالا بحث شما دو تا شده، یکی این بود که برسید آیا اقدام سلی دارد اتفاق می‌افتد، که چنین اقدامی وجود ندارد. نه تنها این نیست بلکه ما داریم اقدام ایجابی نیز می‌کنیم درباره ورزش بانوان. مطلب دوم شما این است که مسئولان را می‌خواهیم نسبت به این مقوله توجه بدهیم، این انگیزه دیگری است، ظاهراً ذهن‌ها درگیر این مسئله هست.

عرض کردم برنامه‌هایی در شبکه در دست است اما برنامه‌های بیشتر و مفضل‌تر ورزشی به شبکه یک و سه مربوط می‌شود. شبکه سه در واقع شبکه مشترک ورزشی است و شبکه یک به‌خاطر مخاطب عامش دربرگیرنده بیشتر برنامه‌های ورزشی می‌باشد. ما هم به ورزش بی‌توجه نیستیم اما میزان توجه ما نسبت به شبکه‌های دیگر فرق می‌کند. برخورد ما در شبکه دوی سیما با ورزش در واقع یک برخورد فرهنگی، علمی، آموزشی است و شما هم صرفاً در حد رنگ‌آمیزی خاص کارتان می‌توانید درج کنید که شبکه دو در روش کار خودش توجه و نگاه به ورزش بانوان دارد و برنامه‌هایی در مرحله تدارک هست.

● من فکر می‌کنم که همه صحبت‌هایی که شما کردید، قابل طرح باشد. اشکال دارد که اینها منتشر شود؟

○ آخر ابتدا به ساکن یک تلفن و بدون هماهنگی و آمادگی...

● من هرچه شما بفرمایید، همان کار را می‌کنم چون شما حق دارید که بخواهید مطرح بشود یا نشود. من پیشنهادی دارم. صحبت‌ها را از نوار پیاده می‌کنیم و می‌فرستیم خدمتان. اگر موافق بودید، چاپ می‌کنیم.

○ این پیشنهاد بدی نیست.

● پس همین کار را می‌کنم. خیلی از شما ممنومم.

بانوان کشورهای اسلامی از انزوا در آمدند



و نحوه حضور کشورهای اسلامی در این بازی‌ها می‌گوید: «البته کشورهای عربی دچار کمبود مربی و داور زن هستند. به همین دلیل ما تصمیم گرفتیم برای آنها شرایطی ایجاد کنیم که آنها هم بتوانند مربی و داور زن تربیت کنند. برای آنها بورسیه رایگان گذاشتیم، چون بسیاری از کشورهای مسلمان کم درآمدند و بعضی کشورهای عربی هم که ثروتمند هستند، به زنان بهای لازم را نمی‌دهند. از سوی دیگر، برای تقویت شورا از نظر علمی، در تدارک تأسیس یک دانشگاه هستیم که هم پذیرش داخلی دارد و هم از کشورهای اسلامی بورسیه می‌پذیرد. البته این دانشگاه غیرانتفاعی است و سوسیدی برای کشورهای اسلامی قائل می‌شود. مقر این دانشگاه در ایران است اما در صورت توفیق شاید بتواند در کشورهای متقاضی شعبه‌هایی دایر کند. ما مایل نیستیم که همه فعالیت‌های شورای همبستگی در ایران محصور بماند.»

پس از آن، به منظور استمرار سازماندهی و مدیریت این بازی‌ها، اساسنامه شورا در چهارمین کنفرانس (اردیبهشت ۷۳) در حضور ۲۰ کشور میهمان به تصویب رسید. در ماده ۱۰ این اساسنامه که مرکب از شش فصل و ۳۶ ماده است، مقر دایمی شورا در جمهوری اسلامی ایران ذکر شده است. در این اساسنامه، همچنین، برای اداره امور کلی شورا پنج کمیته سالی، اطلاعات و آمار، توسعه و بهبود ورزش‌ها، طب و ورزشی و کمیته قوانین در نظر گرفته شده است. اعضای این کمیته‌ها از بین نامزدهای معرفی شده از سوی کشورهای عضو به مدت چهار سال انتخاب می‌شوند. **فائزه**

هاشمی در مورد میزان فعالیت این کمیته‌ها می‌گوید: «من از کار کمیته‌های شورا چندان راضی نیستم. آنها معمولاً طرح جدیدی ارائه نمی‌دهند، در حالی که می‌توانند خیلی بهتر کار کنند. تازگی‌ها یک حرکت جدید در این بخش کرده‌ایم و آن ایجاد کمیسیون تحقیق است که البته من معتقدم نباید به مسائل علمی بپردازد. چون بهترین اطلاعات علمی را می‌توان از طریق کامپیوتر و اینترنت به دست آورد. بنابراین، بهتر است کمیسیون تحقیق صرفاً به مسائل فرهنگی زنان مسلمان و تشخیص مشکلات آنها بپردازد و در واقع علل افت و عدم رونق ورزش را در کشورهای اسلامی بررسی کند تا بتواند براساس موقعیت خاص هر یک به آنها پیشنهاد و راه‌حل بدهد. بنابراین، کمیسیون تحقیق بیشتر باید بررسی امور اجتماعی را در برنامه خود قرار دهد تا مسائل علمی را...»

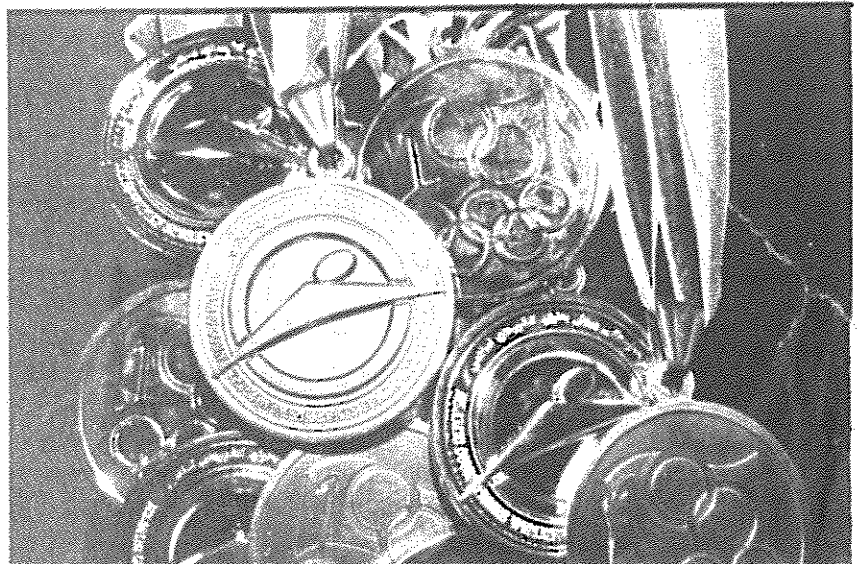
در حال حاضر در بعضی کشورهای مسلمان، به ویژه کشورهای عربی، که زنان حضور کمتری در عرصه‌های اجتماعی دارند، ورزش زنان با اقبال چندانی روبه‌رو نیست اما ظاهراً شورا امیدوار است که در دراز مدت زنان کشورهای اسلامی بیشتر به ورزش روی آورند. پیش از این، عربستان - که ریاست سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی را به عهده دارد - با حرکت شورا مخالف بود و هیچ گونه مشارکتی را در این زمینه نمی‌پذیرفت. ظاهراً علت عمده این مخالفت این بود که عربستان مقوله‌ای به نام ورزش زنان ندارد و اصولاً با فعالیت زنان در این

● فائزه هاشمی: «این ظالمانه است که زنان مسلمان بازی‌هایی خاص خودشان نداشته باشند و کمیته بین‌المللی المپیک باید با توجه به فرهنگ‌های مختلف موجود در جهان شرایطی را برای ورزش آنها فراهم کند.»

عرصه مخالف است. حتی فدراسیون همبستگی کشورهای اسلامی که خود عربستان ۱۵ سال پیش آن را بنیان نهاد، تاکنون هیچ فعالیتی در زمینه ورزش بانوان نداشته است. اخیراً، پس از چند سال تلاش، شورای همبستگی سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی شورای همبستگی را به رسمیت شناخته و آن را تحت پوشش خود قرار داده است. به هر صورت، بازی‌های دور اول اولین تجربه

بین‌المللی زنان کشورهای اسلامی در عرصه ورزش بود. دور دوم بازی‌های بانوان کشورهای اسلامی در سومین جمعه اکتبر ۱۹۹۷، در پاکستان، برگزار خواهد شد و قرار است چهار رشته ژیمناستیک، هاکی، اسکواش، و تنیس به رشته‌های قبلی افزوده شود. پاکستان به دلیل میزبانی این بازی‌ها اختیاراتی در انتخاب رشته‌های ورزشی دارد و چون در هاکی، اسکواش و تنیس تجربه زیادی دارد، در واقع، پیشنهاد برگزاری این سه رشته را داده است. شورای همبستگی ورزش بانوان کشورهای اسلامی برای تأمین داوران بین‌المللی این بازی‌ها از ۱۲ فدراسیون بین‌المللی دنیا تقاضا کرده که داوران دارای گواهی بین‌المللی خود را برای داوران به این مسابقات اعزام کنند.

با برگزاری دور دوم بازی‌های بانوان کشورهای اسلامی می‌توان به ارزیابی تلاش پنج‌ساله شورای همبستگی کشورهای اسلامی نشست



عکس: مریم آسوزگار





مگس، محمد زبیر

● من در حد قهرمانی نبودم که بخواهم پرچم دار شوم. ما ورزشکاران بسیار شایسته تری داشتیم.

● حجاب من در آنجا خیلی برای مردم جالب بود چون تنها زنی بودم که حجاب داشتم.

زیادی روی تیراندازی دارد. تیراندازی رشته بسیار ظریف و حساسی است.

● امکان داشت که برنامه طوری تنظیم شود که شما روز بعد از اجرای مراسم افتتاحیه مسابقه نداشته باشید؟

○ اصولاً باید فردای افتتاحیه مسابقه نگذارند اما با توجه به برنامه‌ای که ردیف شده بود، دیگر کاری نمی‌شد کرد. از کشورهای دیگر تیراندازها در افتتاحیه شرکت نداشتند. تنها تیراندازی که در افتتاحیه بود، من بودم و این هم به‌خاطر این بود که وظیفه پرچم‌داری به عهده من بود.

● این برنامه را کجا ریخته بودند؟

○ از طرف کمیته اجرایی المپیک برنامه‌ریزی شده بود.

● یعنی ایران در آن دخالتی نداشت؟

○ ایران در زمان مسابقات نمی‌تواند دخالت داشته باشد اما تنها کاری که می‌توانست بکند، این بود که

○ اگر در حالت اردویی باشیم، در تهران و اگر اردو نباشد، در شهر خودمان در ورزشگاه تختی یک سالن داریم که در آن تعین می‌کنیم.

● تا به حال چندبار در مسابقات شرکت کرده‌اید؟

○ از سال ۷۰ که به عضویت تیم ملی درآمدم، مسابقات قهرمانی آسیا را داشتیم در پکن، که من در قسمت نوجوانان شرکت کردم، چون ۱۹ سالم بود و ششم شدم. و بعد از آن هم مسابقات آسیایی را داشتیم، مسابقات جهانی کره را داشتیم و اخیراً هم المپیک آتلانتا را.

● می‌توانم بپرسم چرا این قدر کم امتیاز آوردید؟

○ من در مسابقات المپیک خیلی بالا بودم. اینها نمرات برگزیده جهان هستند و طبیعتاً برای مسابقات المپیک باید خیلی آمادگی داشت. من متأسفانه خیلی دیر آگاه شدم که قرار است به این مسابقات اعزام بشوم و کمتر از دوماه وقت داشتم و این برای حضور در مسابقات المپیک اصلاً کافی نیست. کسانی که در آنجا حضور داشتند، حداقل دو سال در اردو به‌سر برده بودند. دلیل دیگری امتیاز کم من این بود که مسابقه من دقیقاً فردای افتتاحیه بود. روز افتتاحیه من تا ساعت سه نیمه‌شب در استادیوم افتتاحیه سرپا بودم. خستگی و بی‌خوابی هم تأثیر

● اهل تبریز است، پس بهتر دیدیم که تلفنی با او صحبت کنیم تا هم ما مجبور نشویم یکی دو روز مهمانش باشیم و هم او به زحمت پدیرایی نیفتد. زنگ که می‌زنیم، همین را با او در میان می‌گذاریم و او با سادگی و تواضع خاص خودش می‌گوید:

○ خواهش می‌کنم، بفرمایید. مهمانمان هم بودید، ما در خدمتان بودیم.

● متشکرم. خانم فریمان یک کمی راجع به خودتان بگویید. چند سال دارید؟

○ ۲۴ ساله هستم و دیلم اقتصاد دارم.

● در چه رشته‌ای ورزش می‌کنید؟

مدال آوری من

همان اندازه می‌توانست

پرچم‌داری من!

من در افتتاحیه حضور نداشته باشم و بتوانم استراحت کنم.

● خودتان می‌دانستید که فردای افتتاحیه مسابقه دارید؟

○ بله.

● آن وقت باز هم با پرچم‌داری موافق بودید؟

○ برای من اهمیت زیادی داشت که مسابقه‌ام به نحو احسن برگزار شود اما از طرفی این وظیفه پرچم‌داری برای ایران در کل می‌توانست خیلی مهم‌تر باشد. مسابقه‌ام صرفاً برای خودم بود اما پرچم‌داری برای همه زنان کشورمان بود.

● کی مطلع شدید که پرچم دارید؟

○ حدود یک هفته قبل از سفر.

● چه طور متوجه شدید؟

○ ما داشتیم از شیر می‌رفتیم به طرف استادیوم و رادیوی ماشین هم باز بود. همان موقع اخبار ورزشی گفت که از طرف دبیر المپیک،

○ تیراندازی. ● چرا تیراندازی؟ ○ صرفاً به دلیل علاقه‌ام. ● از چه زمانی شروع کردید؟ ○ از سال ۶۸ شروع کردم اما، خوب، تمرینات ما مداوم نیست؛ یعنی در طول هفته ساعات اندکی، آن‌هم اگر امکانات باشد و هماهنگی، می‌توانیم تمرین کنیم. ● کار را از کجا شروع کردید؟ ○ از تربیت بلنی. ● تمرینات را کجا انجام می‌دهید؟

○ تیراندازی.

● چرا تیراندازی؟

○ صرفاً به دلیل علاقه‌ام.

● از چه زمانی شروع کردید؟

○ از سال ۶۸ شروع کردم اما، خوب، تمرینات ما مداوم نیست؛ یعنی در طول هفته ساعات اندکی، آن‌هم اگر امکانات باشد و هماهنگی، می‌توانیم تمرین کنیم.

● کار را از کجا شروع کردید؟

○ از تربیت بلنی.

● تمرینات را کجا انجام می‌دهید؟

گفت‌وگو با لیدا فریمان، اولین زن ایرانی شرکت‌کننده در المپیک و پرچم‌دار هشت ورزشی ایران



زنان شماره ۲۰ ۲۰





● ما می‌توانستیم
از این فرصت برای
آگاهی یافتن استفاده کنیم
و تا اختتامیه بمانیم
چون هزینه ماندنمان در
آنجا پرداخت شده بود.

که بخواهم پرچم‌دار بشوم. ما ورزشکاران بسیار شایسته‌تری داشتیم، از جمله در کشتی که واقعاً حتی آنها بود. ولی، خوب، لابد صلاح بر این بود که یک خانم این وظیفه را بر عهده بگیرد.

● با خبرنگاران خارجی هم صحبتی داشتید؟
○ در مراسم افتتاحیه فرصت صحبت با خبرنگاران نیست. البته فیلمبرداری و عکاسی زیاد بود. روز بعد از افتتاحیه هم با من زیاد صحبت کردند.

● محتوای سؤالاتی که با شما مطرح می‌شد، چه بود؟
○ بیشتر کنجکاوی داشتند که چرا ایران یک زن را برای پرچم‌داری انتخاب کرده. کلاً می‌خواستند درباره زنان ایران و ورزش آنها بدانند و این که آیا ورزش می‌کنند یا نه. حجاب من هم برای آنها خیلی جالب بود چون تنها زنی بودم که حجاب داشتم و این سؤال برای آنها مطرح بود که آیا با حجاب هم می‌توانم

تقی‌پور از تبریز. اما سهمیه ایران فقط یک نفر بود.

● خوب، خانم فریمان وقتی که شنیدید شما پرچم‌دارید، چه حسی پیدا کردید؟
○ باور نمی‌کردم. هم خوشحال بودم، هم اضطراب داشتم؛ اضطراب این که آیا واقعاً می‌توانم این کار را به نحو احسن انجام بدهم یا نه.

● ورزشکارانی که به دنبال شما حرکت می‌کردند، نظرشان چه بود؟
○ همه متفقاً نظرشان این بود که این یک مصلحت اجتماعی است که از طرف مسئولان در نظر گرفته شده. همه موافقت داشتند و مسئله را خوب می‌دیدند.

● وقتی وارد استادیوم افتتاحیه شدید، دیگران و به‌خصوص ایرانی‌ها چه برخوردی داشتند؟
○ ایرانیان که خیلی ذوق و شوق داشتند و خیلی خوب برخورد کردند.

● ما هم اینجا خیلی ذوق کردیم وقتی که شما را

آقای سجادی، پرچم‌داری بر عهده من گذاشته شده است.

● قبل از این که موافقت شما را بگیرند، اسم شما را اعلام کردند؟
○ بله.

● شما در این زمینه سؤالی را مطرح نکردید؟
○ من فکر کردم شاید این مهم‌تر باشد.

● الان نظرتان چیست؟
○ الان نظر من این است که اگر ایران می‌خواهد در المپیک‌های بعدی هم شرکت داشته باشد، یک برنامه کاملاً منسجم داشته باشد و برای ورزشکاران تمرین و اردو بگذارد.

● منظور من این است که اگر دوباره به عقب برگردید و به شما بگویند که پرچم‌داری را قبول کنید و احتمال بدهید امتیازتان کم بشود، ترجیح می‌دهید پرچم‌داری را بپذیرید؟
○ اگر رتبه من خوب می‌شد، خیلی عالی بود. یعنی

ارزشمند باشد که

سیما سماواتی

مدال آوری من همان اندازه می‌توانست ارزشمند باشد که پرچم‌داری من.

● حالا واقعاً کدامش باارزش‌تر است؟

○ به نظر من هر دوی مهم بود. البته این یک خیال است که من می‌توانستم مدال بیاورم چون تمرین من خیلی کم بود و نمی‌توانستم حتی به فینال برسم. فرات فینال رکوردهای خیلی بالایی داشتند و برای کسب این رکوردها تمرین مداوم و جدی لازم است.

● رکورد شما در ایران چه قدر بود؟

○ ۳۷۹ بود.

● در ایران نفر چندم بودید؟

○ ما برای ورود به المپیک رکورد ورودی لازم داشتیم که این رکورد ورودی را فقط دو نفر از ایران به دست آوردند. یکی من بودم و یکی هم خانم لیلا

دیدیم.

○ متشکرم. من خودم که پشت سرم را نمی‌دیدم و اصلاً متوجه اطراف نبودم. شش دانگ حواسم به این بود که این وظیفه را به خوبی انجام بدهم و نمی‌دانم واقعاً احساس مردمی که آنجا بودند، چه بود و چه عکس‌العملی داشتند.

● پرچم‌دار هیئت‌های ورزشی کشورهای دیگر چه کسانی بودند؟

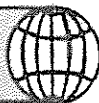
○ بهترین ورزشکارشان پرچم‌دارشان بود.

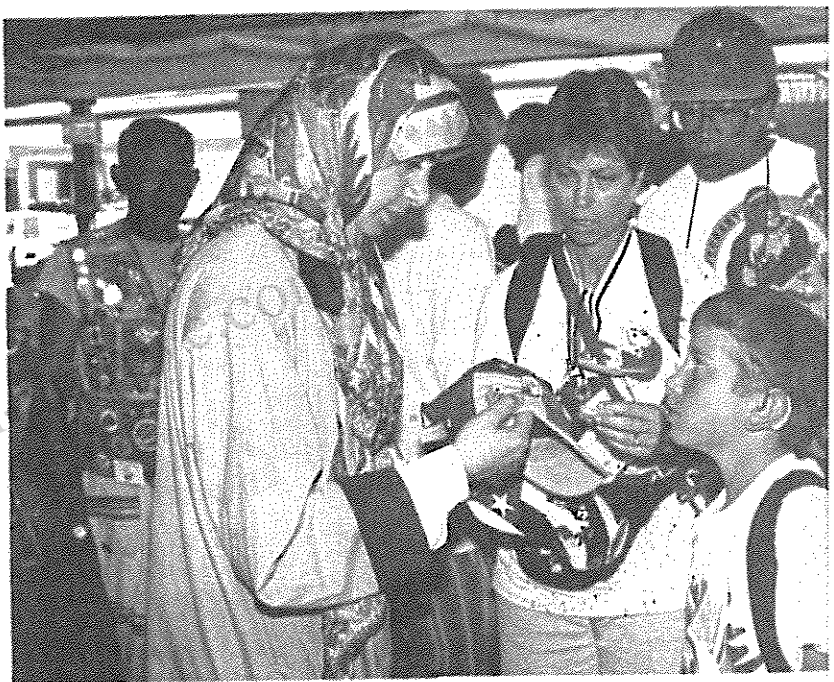
● بهترینشان یا ورزشکار پیشکوت‌شان؟

○ معمولاً مدال‌آورترین و قهرمان‌ترین ورزشکار را می‌گذارند برای پرچم‌داری. به همین دلیل هم فکر می‌کنم من لایقش نبودم. من در حد قهرمانی نبودم

● در سال ۱۹۹۲ پادگ شان (Zhang Shan) اولین زنی بود که مدال طلای مسابقات تیراندازی زنان و مردان، به صورت نوبان،

را به دست آورد. اما امسال، در مسابقات اتلانتا، زنان و مردان جداگانه مسابقه دادند.



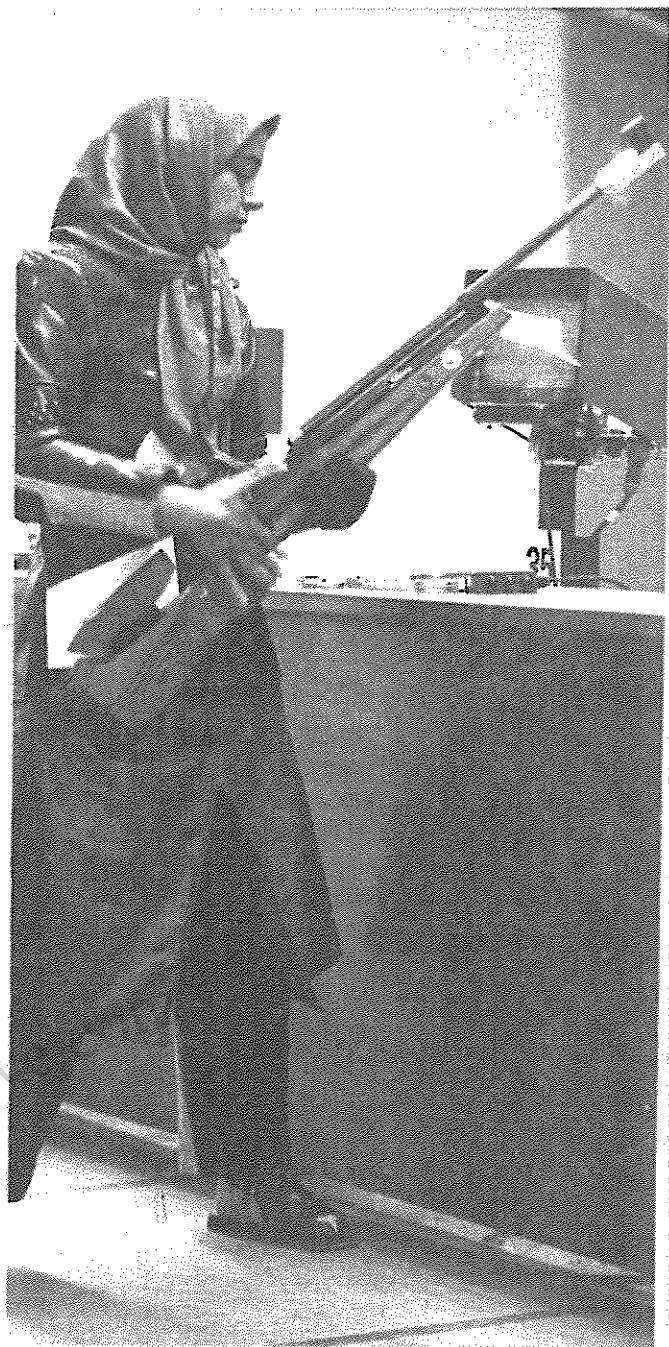


تیراندازی‌ام را به نحو احسن انجام بدهم، که جواب من مثبت بود و باز این‌که آیا در رشته‌های دیگر خانم‌ها با حجاب ورزش می‌کنند، که ما گفتیم زنان ایرانی در رشته‌هایی که با حجاب می‌شود انجام داد، می‌توانند در مسابقات بین‌المللی شرکت کنند ولی در بقیه رشته‌ها صرفاً در داخل ایران فعالیت دارند و با کشورهای مسلمان هم که می‌توانند مسابقه بدهند.

● نظرتان راجع به این‌که شما تنها زن هیئت ایرانی بودید، چیست؟

○ حتماً اگر حضور زنان ایرانی بیشتر باشد، عکس‌العملش بهتر است. این اولین حضور یک زن ایرانی در المپیک بود و برای همین زیاد مورد توجه





- بود اما، ان شاء الله، از این به بعد باید با تعداد بیشتری حضور پیدا کنیم.
- خانم فریمان کی به ایران آمدید؟
 - وقتی مسابقات تمام شد.
 - چند روز آنجا بودید؟
 - دو روز.
 - چرا این قدر زود برگشتید؟
 - خوب، این صلاحدید مسئولان ایران بود.
 - سؤال نکردید که چرا؟
 - نه.
 - همه ورزشکاران، مثل شما، وقتی مسابقاتشان تمام می‌شد، برمی‌گشتند؟
 - من اطلاع کافی ندارم ولی می‌دانم که بلیط‌های

برگشت همه ما برای یک روز بعد از اختتامیه مسابقات بود.

● ظاهراً بقیه زود برگشتند.

○ نخیر. آنها مسابقه‌شان تمام نشده بود.

● چه طور شما زودتر آمدید؟

○ نمی‌دانم. شاید صلاح این بوده.

● این موضوع اصلاً باعث کنجکاوی‌تان نشد؟

○ من فکر می‌کنم برای این که ما بتوانیم آگاهی لازم را برای آینده کسب کنیم، می‌توانستیم از این فرصت استفاده کنیم و تا اختتامیه بمانیم چون هزینه ماندنمان در آنجا پرداخت شده بود اما، خوب، شاید صلاح بوده که زودتر برگردیم.

● چرا؟ به خاطر این که یک نفر زن بودید؟

○ نه. فکر نمی‌کنم به خاطر زن بودن باشد.

● خوب فکر می‌کنید این صلاح چه بود؟

○ در این مورد نمی‌توانم صحبت کنم.

● نمی‌توانید یا نمی‌خواهید؟

○ (می‌خنده) نمی‌دانم چه بگویم. شاید یکی از مسائل این بود که نگران بودند مبادا خطری متوجه من بشود.

● مثلاً چه خطری؟

○ آنجا زیاد امن نبود. با توجه به بمب‌گذاری، این احتمال را می‌دادند که مسائل دیگری هم به وجود بیاید. من دلیل دیگری نمی‌بینم.

● خوب، بمب‌گذاری چه واکنشی بین ورزشکاران

دنیا داشت؟

○ من قبل از بمب‌گذاری به ایران برگشته بودم،

نمی‌دانم. (ا)

● خانواده شما راجع به رفتن شما و، البته، این قدر زود برگشتنتان چه نظری داشتند؟

○ خانواده من از این که من تنها ورزشکار زن ایرانی بودم، طبعاً، خیلی خوشحال بودند و تشویق می‌کردند اما در مورد زود برگشتنم، آنها خیلی نگران بودند. فکر می‌کردند شاید اتفاقی افتاده که من این قدر زود برمی‌گردم و با نگرانی منتظر بودند که مرا ببینند و از خوردم سؤال کنند که چه شده و بعد از این که دیدند من سلامت هستم و هیچ مسئله خاصی نیست، خیلی خوشحال شدند.

● مردم هم به استقبال شما آمده بودند؟

○ آشنایان بودند و دوستان. غیر از آنها فرد خاصی را ندیدم. چند نفر هم از تربیت بدنی بودند.

● از تربیت بدنی چه کسانی بودند؟

○ خانم موسوی و چند نفر از مسئولان، خانم خیری و یک نفر از داوران والیبال بودند.

● داور والیبال چرا آمده بود استقبال شما؟

○ چراش را نمی‌دانم. شاید خودشان می‌خواستند.

● خانم فریمان چند خواهر و برادر هستید؟

○ پنج خواهریم و یک برادر.

● آنها هم مثل شما ورزشکارند؟

○ به صورت حرفه‌ای نه. یعنی این که عضو تیمی

باشند و در مسابقات شرکت کنند، نخیر. برای سلامتی و پرکردن اوقات فراغتشان ورزش می‌کنند.

● وقتی که رتبه خودتان را فهمیدید، چه احساسی داشتید؟

○ من با توجه به بی‌خوابی و خستگی مفرطی که داشتم، انتظار نداشتم رتبه آنچنان خوبی بیآورم. فقط از خدا می‌خواستم که شرمند نشوم و حداقل بتوانم رکورد خودم را تکرار کنم. یعنی پایین‌تر از رکورد خودم نزنم، و وقتی همان رکورد را تکرار کردم، برایم کافی بود. یعنی حس می‌کردم با توجه به شرایطی که داشتم، همین خوب بود.

● خانم فریمان مردم تبریز حالا، بعد از این که شما بازگشتید و بیشتر شناخته شدید، چه برخوردی با شما دارند؟

○ مردم از این که یک دختر تبریزی توانسته به عنوان اولین زن ورزشکار در مسابقات المپیک شرکت کند، استقبال می‌کنند. برخوردهای مثبت زیادی می‌شود و من واقعاً شرمندۀ برخوردهای بسیار محترمانه مردم هستم.

● افرادی که، به هر حال، سستی‌تر فکر می‌کنند، برخورد بدی با شما نکردند؟

○ افرادی هم که سستی‌تر فکر می‌کنند، این را قبول کرده‌اند که دیگر زمانی نیست که خانم‌ها خواهند صرفاً در منزل باشند و همان اشتغالات پیشین را داشته باشند. امروز، زمان حرکت و ارتباط و تلاش

حضور آن پیکر آرام سپیدپوش تأثیری دیرپا بر آینده ورزش

هنوز ده ساعت از حمل پرچم در مراسم گشایش المپیک نگلخته بود که حضور در المپیک برای اولین زن ورزشکار ایرانی پایان یافت.

ساعت ده و هفت دقیقه صبح، لیدنا فریمان تنگ را زمین گذاشت، دستکش‌های تیراندازی را از دست درآورد و در فوطی قشنگش را بست. ۲۷۹ امتیاز از ۳۰۰ امتیاز، برای یکی از جوانترین و کم‌تجربه‌ترین شرکت‌کنندگان این مسابقه امتیاز بسیار آبرومندانه‌ای بود اما برای حضور در قینال کافی نبود.

او نفر چهل و هشتم شد. خودش می‌گفت که انتظار آن را داشته است و اما خستگی ناشی از حضور در مراسم افتتاحیه که پس از ساعت یک باغداد خانه یافت، مزید بر علت شده بود. از شب قبل خیلی بد خوابیده بود.

هرچند تأثیر ورزش فریمان در این مسابقات بسیار گنرا بود اما حضور آن پیکر آرام سپیدپوش که، سرفراز، هیئت اهترامی سرمدانه را به سوی استادیوم المپیک هدایت می‌کرد، تأثیری دیرپا بر آینده

ورزشی زنان در جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت.

فریمان اولین زن ورزشکاری است که از سوی جمهوری اسلامی برای شرکت در مسابقات المپیک اعزام شده است؛ اگرچه خودش از تأکید بر اهمیت این موضوع طفره می‌رود اما تصمیم هیئت منشی بر این که به گونه‌ای چشمگیر بر او حرمت گذاشته شود، حتماً می‌تواند در کالبدهای جوان پرازو روح تازه‌ای بخشد. فریمان پس از شکست در مسابقه با صلابتی خاص می‌گوید: «وفتی ورزشکارانی در یکی از رشته‌های ورزشی المپیک مسابقه بدهند، راه دیگران هم به مسابقه باز می‌شود.»

همین فرهادی زاد، مربی وی، می‌گوید: «در تیراندازی مشکلی به وجود نمی‌آید اما چون ما از سنت‌های اسلامی پیروی می‌کنیم، در ورزش‌های دیگر ناچاریم که از استادیوم‌های ویژه استفاده کنیم با زنان لباس‌های مخصوصی بپوشند.» در ورزش‌های بانوان کشورهای اسلامی

چهار سال پیش زنان فقط اجازه داشتند تماشاچی بازی‌ها باشند. ضبط گزارش تلویزیونی هم ممنوع بود. فریمان می‌گوید که این لباس مخصوص تیراندازی خیلی دست‌وپاگیرتر از روسری است: «من به این عادت کرده‌ام.»

و ادامه می‌دهد: «بمنظر من این که می‌گویند نمی‌گذارند زنان در ایران ورزش کنند، درست نیست. اگر زنان بیشتری به حفظ‌نات مناسب برای شرکت در مسابقات رسیده بودند، یقیناً تعداد بیشتری اینجا حضور داشتند. ورزش برای زنان ما امری غیرطبیعی نیست اما مهم این است که آنها بفهمند می‌توانند اینجا حضور یابند.»

فریمان هر روز با ماشین به مجموعه ورزشی تیراندازی برده می‌شود، از رقبای دیگرش جدا بود، در دهکده محل سکونتش با محافظ رفت و آمد می‌کرد، در فعالیت‌های اجتماعی مجموعه ورزشی شرکت نمی‌کرد و چندان امکانی هم برای رد و بدل کردن تجربیات با دیگر ورزشکاران نداشت. فریمان فقط پنج سال است که

ورزش هم‌بندی از ده‌ها حسی که خارج‌جا در ایران لیدنا فریمان پیش کرده.



و فعالیت است و فکر می‌کنم این را همه قبول کرده‌اند، حتی مادر بزرگها و پدر بزرگهای ما.
● مجرد هستید خانم فریمان؟
○ بله.

● برنامه آینده‌تان چیست؟

○ من با توجه به این‌که بسیار دوست دارم در زمینه هنری فعالیت داشته باشم، بزرگترین آرزویم این است که یک هنرمند خوب باشم. ورزش را هم دوست دارم اما در صورتی که ارزش‌های لازم به این فعالیت داده شود. اگر مسئولان ارزش و امکانات کافی به ورزشکار بدهند و او را از لحاظ اجتماعی و فرهنگی تأمین کنند، طبعاً تعداد کسانی که در سطح حرفه‌ای کار می‌کنند و می‌توانند در سطح بین‌المللی مطرح شوند، زیاد می‌شود و ورزشکاران در مواردی ضایع نمی‌شوند. در این صورت من سرمایه بیشتری از عمرم را می‌توانم در راه ورزش بگذارم. اما اگر این‌طور نباشد، سعی خواهم کرد که این سرمایه و وقت و تلاش را در زمینه‌ای بگذارم که بیشتر از آن بهره‌برداری کنم. اگر ورزش این پاسخ را به من ندهد، سرمایه‌گذاری من هم کمتر خواهد شد.

● فکر می‌کنید این توجه در مورد ورزش زنان کمتر است یا اصولاً به ورزش کم توجه می‌شود؟
○ من فکر می‌کنم این توجه نسبت به ورزش خانم‌ها کم است. به ورزش آقایان اهمیت کافی

داده می‌شود. وقتی ما تلویزیون را روشن می‌کنیم، می‌بینیم در مورد ورزش آقایان مثل فوتبال و غیره صحبت و تبادل نظر می‌شود و کلاً بحث در این زمینه از طرف رسانه‌های گروهی خیلی زیاد است.

● اگر به فوتبال اهمیت کافی داده می‌شود، پس چرا ما نتوانستیم تیمی را به المپیک بفرستیم؟
○ اهمیتی که به فوتبال می‌دهند، اگر به یک رشته از ورزش‌های بانوان می‌دهند، خیلی حرکت کرده بود و جلو رفته بود.

● خانم فریمان گفتید که به کار هنری هم علاقه دارید. رشته خاصی را دنبال می‌کنید؟
○ من دوست دارم در همه رشته‌های هنری فعالیت داشته باشم ولی مهم‌ترین رشته‌ای که دوست دارم، نقاشی و مجسمه‌سازی است.

● در این زمینه کار هم کرده‌اید؟
○ کار کرده‌ام اما دوست دارم خیلی بیشتر کار کنم. خیلی از شما متشکرم. اگر صحبت دیگری دارید، بفرمایید.

○ من از شما تشکر می‌کنم که حداقل ارزش کافی را به خانم‌ها می‌دهید و دوست دارید که حرف‌هایشان را بشنویید و آنها را چاپ کنید. من امیدوارم ورزش بانوان ما به‌حدی برسد که قابل ارزش دادن و فکر کردن روی آن باشد و تیم‌های دیگر روی ایران حساب کنند. یعنی صرف حضور نباشد، یک حضور موفق باشد. ■

فرم اشتراک

در صورت امکان تایپ شود یا کاملاً خوانا نوشته شود.



نام و نام خانوادگی:

سن: تحصیلات:

تاریخ شروع اشتراک: از شماره:

نشانی:

کد پستی:

تلفن:

(حتماً تلفن خود یا یکی از نزدیکانتان را بنویسید تا در صورت نیاز بتوان سریعاً با شما تماس گرفت.)



حق اشتراک برای ۱۲ شماره

- ◇ ایران ۲۴۰۰۰ ریال
- ◇ آمریکا، کانادا و خاور دور معادل ۳۰ دلار
- ◇ اروپا معادل ۵۰ مارک
- ◇ خاورمیانه معادل ۲۸ دلار

شرایط اشتراک داخل کشور

لطفاً:

۱- فرم اشتراک را پر کنید.

۲- حق اشتراک را به حساب جاری ۱۹۷۰، به نام مجله زنان، بانک ملی ایران، شعبه سمیه (قابل پرداخت در شعبه‌های سراسر کشور) واریز کنید.

۳- اصل فیش بانکی و فرم اشتراک را به نشانی تهران، صندوق پستی ۵۵۶۳ - ۱۵۸۷۵، مجله زنان پست کنید تا ترتیب اشتراک شما داده شود.

شرایط اشتراک خارج کشور

خوانندگان گرامی مقیم خارج کشور نیز می‌توانند حق اشتراک خود را به یکی از دو نشانی زیر واریز کنند و اصل فیش بانکی را همراه با فرم اشتراک به نشانی ما بفرستند.

● در آمریکا:

Bank of America
Roshangaran Publishing
01170 - 04178
Paloalto Main office 0117
530 Lytton Ave.
Paloalto, Ca. 94301
For Zanan Magazine

● در آلمان:

Konto - Nr: 5001419159
BLZ: 20220300
Verbraucher Bank
Berlin / Germany

* از خوانندگان گرامی مقیم خارج از کشور - به استثنای آمریکا و آلمان - تقاضا می‌شود که در صورت امکان حق اشتراک خود را از طریق اقوام و آشنایان‌شان در ایران به ما پرداخت نمایند زیرا مبلغ گزافی از وجه اشتراک بابت هزینه‌های بانکی صرف می‌شود.



عکس: محمد فروید

زنان ایران

تورن تواندازی می‌کند و همین امر حضور کوتاه او را در مسابقات المپیک برجسته‌تر می‌کند. او در کنار رقبای نومند حرد، والری بلنوه (Valerie Bellenoue) فرانسوی و مارینا گریگوریان (Marina Grigorieva) روسی، دختر مدرسه‌ای کوچکی به نظر می‌رسد.

فریمان پس از این‌که از مسابقه حذف شده، از کنار شاهد رقابت‌های فینال بود و حتی شاید خدا را شکر می‌کرد که به سرنوشت پشرا هورلنبر (Petra Horneber) آلمانی دچار نشده است؛ این فهرمان آلمانی تا لحظه آخر امتیاز خوبی به‌دست آورده بود اما ناگهان شلیک نهایی هنان گسپت‌ای مدال طلا را از کف او ربود و در اختیار رناتا ماولر (Renata Mawler) آلمانی گذاشت.

پشرا در پایان مسابقه در مورد احساساتش می‌گوید: «حس می‌کنم مدال نقره به دست آورده‌ام، نه این‌که مدال طلا از دست دادم.» بعد نیست روزی هم شاهدانی کسب یکی از این دو مدال نصیب فریمان شود. ■



روی اولین بار یک زن از لیون به المپیک رفته بود و دیگر نمی‌شد گرایش ورزشی در زنان، بخش خاصی نداشته باشد. سردبیر از من خواست که مطالب بخش خارجی را تلازم ببینم اما پیدا کردن منبعی که هم موق و بدون موضع باشد و هم به فردمهای یعنی برای مجله نیانجامد، مکانانی بود نگفتی: از تلفن‌های راه دور و نزدیک و فکس گرفته تا سرزدن به صدجا و تمنا از هژل کی و ایجاد مزاحمت برای دوستان دور و نزدیک. بالاخره مجموعه‌ای جیبی از مطالب مختلف را گردآوری کردم که بسیاری از آنها قابل استفاده نبود و در نهایت دستیابی به منبع مطمئنی برای ارائه نتایج شیک بی‌نتیجه ماند درحالی‌که احتمالاً در گوشه و کنار اتاق‌های اداری و غیراداری خاک می‌خورد. ترجمه‌هایی که می‌خوانید، حاصل کنار هم گذاشتن قطعات مختلف از منابع جورواجور انگلیسی است که ذکر منابع متعدد آن را ضروری ندانم. درحالی‌که زنان قهرمان در ورزش‌های پرطرفداری چون ژیمناستیک، شنا و... خالی است اما ظاهراً چون در مطبوعات این ملک همیشه بو پاشند همین ندری‌ها و ضعف‌ها می‌پرخند، از آن مجموعه همین درآمد که می‌بینید.

رزا اختاری

زنان هم‌دارند قهرمان ملی می‌شوند

باز کرده بود که چهارسال پیش، در سن چهارده‌سالگی، با کسب چهار مدال مردم آلمان را مسحور خویش کرده بود. سوزامیک امید داشت که برای نخستین بار مدال المپیک را از طریق ستاره دوی ۸۰۰ متر، زنان ماریا موتولا (Maria Motola)، به دست آورد. پرتغال، که سابقاً درخششی در المپیک‌ها نداشته، امید خود را به دوندۀ ماراتن، مانوئلا ماکادو (Manela Machado)، بسته بود. آمریکایی‌ها هم برای کسب مدال به دوندۀ سرعت، گون تورنس (Guen Torrence) چشم امید دوخته بودند و...

بالاخره زنان ورزشکار هم دارند برای مردمان به قهرمانان ملی تبدیل می‌شوند، مقامی که سابقاً فقط در اختیار مردان بود. آنان نیز آمیزه‌ای از قدرت، قابلیت و شهامت را به نمایش می‌گذارند که دل‌ها را به لرزه درمی‌آورد و چشم‌ها را به اشک شوق می‌نشانند.

و از همه مهم‌تر، نظرات این زنان قهرمان مورد توجه قرار گرفته و برنامه‌های تمرینی‌شان نه تنها مورد تقلید هم‌جنسان خودشان بلکه الگویی برای برادرانشان محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد که زنان ورزشکار بیش از مردان در خارج از مرزهای ملی خود مطرح‌اند. از آنجا که فرصت رقابت‌های قهرمانی برای زنان هنوز نسبتاً محدود است، زنان ورزشکار از برگزاری هر مسابقه‌ای که امکان‌شان پیش آید، استقبال می‌کنند. اعضای تیم فوتبال و بسکتبال زنان آمریکا در اروپا بسیار شناخته شده‌اند زیرا اروپا یکی از معدود محل‌هایی است که آنان

مطرح‌اند و برای ملل متبوعشان از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. در واقع، بسیاری از ۱۹۷ کشوری که در بیست و ششمین المپیک شرکت کردند - به‌ویژه

ایالات متحده و چین - امید پیروزی‌های بزرگ خود را به زنان ورزشکارشان بسته بودند و در برخی مواقع تنها امید پیروزی را. امید ژاپن برای دریافت مدال طلا، ریوکو تامورا (Ryoko Tamura)، قهرمان برجسته جودو زنان در جهان، بود که از زمان دریافت مدال نقره در پارسلونا تاکنون در هیچ رقابتی نیاخته بود. آلمان روی شنای فرانسیسکا ون آلمسیک (Franziska van Almsick) حساب

نتیجه مسابقه دوی ۸۰۰ متر زنان در آتلانتا هرچه که بود، همه را بیش از پیش خاطر جمع کرد که دیگر نمی‌توان به شیوه المپیک آمستردام در ۱۹۲۸، از آن حرف زد. نیویورک تایمز پس از مسابقات آن سال نوشت: «مسیر مسابقه را دوشیزگان مفلوکی پر کرده بودند که از درد به خود می‌پیچیدند.» تماشاگران آن مسابقات شاهد زنانی بودند که نفس‌نفس زنان و تلو تلو خویشان خود را به خط پایانی مسابقه می‌رساندند و حالشان چنان وخیم بود که از آن پس، برگزاری آن برای زنان ممنوع اعلام شد و ۳۲ سال طول کشید تا زنان دوباره اجازه یافتند مسیری بیش از ۲۰۰ متر را بدوند.

این موفقیت نماد پیشرفت زنان در تمامی عرصه‌هاست. دیگر وقتی زنان ورزشکار، نفس‌نفس زنان و عرق‌ریزان، به خط پایان مسابقه می‌رسند، کسی دچار دلهره و نگرانی نمی‌شود. زنان، طی دهه‌ها، پیگیرانه تلاش کردند، دویند، پریند، و رکاب زدند تا راه خود را به سوی قهرمانی بین‌المللی بکشایند. در صدمین سالگرد المپیک مدرن، جای آن دارد که بیاد آوریم زنان از شرکت در اولین مسابقات (آتن - ۱۸۹۶) محروم بودند و مسابقات تابستانی آتلانتا پذیرای بیشترین ورزشکاران زن در تاریخ المپیک بوده است: حدود سه هزار و ۷۷۹ زن ورزشکار. یعنی چهل درصد بیشتر از زنان ورزشکار در بازی‌های پارسلونای ۱۹۹۲. از آن اسیدوارکننده‌تر آن‌که کشورهای بیشتری - و کشورهای سستی بیشتری - به این مسابقه‌ها پیوستند. ایران برای اولین بار زنی را به مسابقات المپیک اعزام کرد تا در عرصه تیراندازی به رقابت پردازد. خود مسابقات هم تا حد زیادی با نیازها و استانداردهای زنان تطبیق یافته بودند. امسال چهار رشته ورزشی جدید به مسابقات افزوده شده که همه آنها، و از جمله دوچرخه‌سواری در کوهستان و والیبالی ساحلی، برای تیم‌های زنان هم تدارک دیده شده بود. دو رشته سافت‌بال و فوتبال هم منحصراً برای زنان به بازی‌ها اضافه شد.

طبق آمار، تقریباً در هر المپادی در مقایسه با دوره قبل، زنان بیشتری از کشورهای متعددی حضور یافته‌اند، پس چرا مسابقات آتلانتا به نوعی متمایز بوده است؟ زیرا زنان، نشان داده‌اند که عروسکان شکننده‌ای نیستند که دیگران فقط از روی بندنوازی آنها را تحمل کنند و فقط بگویند: «چه بانمک!» اکنون زنان، بیش از همیشه، در مسابقات



نمودار نشان می‌دهد که چند درصد از قهرمانان المپیک از سال ۱۸۹۶ تا ۱۹۹۶ زن بوده‌اند.

اولین زنانی که در المپیک مدرن حضور داشتند، ماری اهنر (Marie Ahner) و بودی (Brody) بودند که در سال ۱۹۰۰ در مسابقه گوی و حلقه شرکت کردند.



● زنان طی دهه‌ها پیگیرانه تلاش کردند، دویند، پریدند و رکاب زدند تا راه خود را به سوی قهرمانی بین‌المللی بکشایند.

و تخصص‌های گوناگونی دارند: سیکو هاشیموتو (Seiko Hashimoto)، زن قهرمان دوچرخه‌سواری ژاپن، سال گذشته به پارلمان کشورش راه یافت. دات ریچاردسن (Richardson Dot)، بازیکن زن سافتبال آمریکا، در حال حاضر رزیدنت جراحی استخوان است و... استخوان شکسته ورزشکاران جوانی را معالجه می‌کند که در رؤیای قهرمانی المپیک‌های آینده‌اند. یقیناً همه این زنان با این فکر خود را تسلی داده‌اند که تلاش بیشتر نه تنها آنان را از بین نمی‌برد بلکه قوی‌ترشان می‌کند.

بار می‌آیند. در واقع، نتیجه تحقیقات هم حاکی از آن است که دختران ورزشکار در تحصیل موفق‌ترند، زندگی سالم‌تری دارند.

همچون بسیاری از زنان عصر مدرن، زنان ورزشکاری هم که در رقابت‌های آتلانتا شرکت کرده‌اند، آسوخته‌اند که در آن واحد با نقش‌های متعددی دست و پنجه نرم کنند بسیاری از این زنان مادر هستند و فقط تعداد اندکی آن‌قدر زیردستند که می‌توانند خرج زندگی‌شان را از همان فعالیت ورزشی‌شان به دست آورند. در نتیجه، بسیاری از زنان ورزشکار در عرصه‌های دیگر اجتماعی فعالند

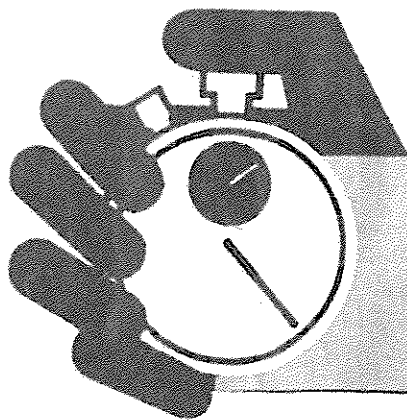
می‌توانند در آنجا مسابقات حرفه‌ای داشته باشند. بازیکن اصلی تیم بسکتبال آمریکا، لیزا لسلی (Liza Leslie)، مدت در سال در تیم ایتالیا بازی کرد. سونیا اوسولیان (Sonia O'Sullivan)، دوندۀ ایرلندی، در پنسیلوانیای آمریکا تعلیم دید و در همان دوران مدرک حسابداری خود را هم گرفت.

کشورهای اندکی هستند که همان منابع و امکانات مردان ورزشکار را با دست‌و‌دل‌بازی در اختیار زنان هم قرار می‌دهند. اینجا و آنجا حرف‌هایی از برابری امکانات زنان با مردان هست و گاهی حتی قوانینی نیز تصویب شده است اما در حال حاضر فقط در چین است که زنان شرکت‌کننده در المپیک از موقعیت یکسان با مردان - اگر نگوئیم برتر - بهره‌مند هستند. به همین دلیل نیز در مسابقات مهمی چون دوومیدانی، شنا، شیرجه و ژیمناستیک، زنان چینی رقبای بسیار سرسختی به شمار می‌روند. ورود این زنان به حوزه‌های سرمایه‌گذاری‌های مالی و دستیابی آنان به مقاطع بالای مدیریتی سبب می‌شود که موقعیت شغلی و اجتماعی آنان، همچون مردان ورزشکار، ارتقا یابد.

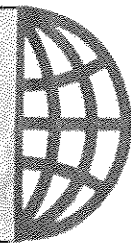
اما زنان هنوز راه درازی در پیش دارند. هنوز تعداد مردانی که در مسابقات آتلانتا شرکت داشتند، تقریباً دو برابر زنان بود. دو بارسلونا این عدم توازن جنسیتی حتی بدتر بود؛ ۳۵ کشور، فقط تیم‌های مردانه به بارسلونا اعزام کرده بودند. و برابری همچنان در جبهه‌های دیگر هم گریزناست:

تعداد زنان مربی و مدیران اجرایی زن در جهان به طرز اسفناگیزی اندک است (حتی در ایالات متحده هم ۸۰ درصد کل مدیران امور ورزشی مرد هستند).

اما جای امیدواری دارد که هر روز مردان بیشتری متقاعد می‌شوند که توانایی و رقابت با زنانگی منافاتی ندارد و سهم‌تر این‌که درمی‌یابند دختران ورزشکار انسان‌های سالم‌تر و شایسته‌تری



● قبل از جنگ جهانی دوم تصور می‌شد که کار ورزشکاری زنان پس از مادر شدن آنان خاتمه می‌یابد. اما وقتی دوندۀ سرعت، فانی بلاکوز کون (Fanny Blankers Koen)، که دو پجه داشت و چهار بار مدال طلا در دوی ۱۰۰ متر، ۲۰۰ متر، ۸۰۰ متر، ۱۰۰۰ متر، ۲۰۰۰ متر، ۵۰۰۰ متر، ۱۰۰۰۰ متر، ۱۰۰ کیلومتر و ۱۰۰ مایل در المپیک ۱۹۴۸ برد، معلوم شد که زایمان توانایی‌های زنان ورزشکار را از بین نمی‌برد. اما بدشانسی او این بود که دوره بعدی المپیک با شروع جنگ جهانی دوم مصادف شد و او فرصت درخشش دوباره پیدا نکرد. در سال ۱۹۵۲ هم چون او (Guno Irmig)، قهرمان آمریکایی، درحالی‌که تنها ۳۰ ساله و نیمه‌بازده بود، مدال برنز شیرجه را به دست آورد.



● در مسابقات دوومیدانی، رکورد جهانی زنان همیشه ۱۰ تا ۱۲ درصد کمتر از مردان بوده است. تنها مورد استثنا دو رکوردی بود که فلورانس گریفیث جویز (Florence Griffith Joyner)، دوندۀ دوی سرعت آمریکایی، بر جای گذاشت. رکورد وی با رکورد مردان تنها ۶/۵ درصد در دوی ۱۰۰ متر و ۸/۲ درصد در دوی ۲۰۰ متر فاصله داشت.



سریع ترین زن عالم

نظر دارد و در نقطه پایان دکمه ساعت را می زند و سریع می گذرد تا به وظایف دیگرش برسد. جکی روی زمین نشسته و زانویش را در بغل گرفته، نفس نفس می زند. گاهی آسم خیلی آزارش می دهد طوری که وقت دویدن جلوی چشمانش دانه های سفیدی می بیند.

جکی می گوید: «باید در زمین مسابقه سناریوی زن و شوهر بودن را کنار گذاشت. من اصولاً نمی توانم خودم را مجبور به انجام تمرین بکنم و در این موارد خیلی به باب احتیاج دارم. می دانم که اگر بخواهم در المپیک امسال برنده شوم، باید همه کارها را درست انجام دهم. نباید بگذارم گرور و تن پروری بر من چیره شود.»

باب می گوید: «برای من باعث مباهات است که مربی جکی هستم. درست مثل زمانی که با وین گرتسکی (Wayne Gretzky) یا مایکل جوردن (Michael Jordan) کار می کردم، همیشه به جکی هم گوشزد می کنم که من مثل یادگار رئیس جمهور هستم. درست است که رئیس اوست اما تصمیم گیری درباره صلاح کار او به عهده من است و اگر این طور دوست ندارد، خوب، می تواند مرا اخراج کند.»

اما آنها در زندگی خصوصی شان بسیار بهم عشق می ورزند.

جکی، سیاهپوستی زاده شرق سنت لوئیس است؛ شهری خونبار و محروم که نبرغ او را نادیده گرفت زیرا که از جنس مردان نبود. پدرش که در راه آهن کار می کرد، تمام هم و غم خود را متوجه پسر

کو این که ممکن است در این موضوع کمی اغراق شده باشد اما واقعیتش این است که وقتی در ورزشگاه هستند، باب شوهر او نیست و شاید به همین دلیل دلش می خواهد پدر شود چون آن وقت می تواند بچه ها را با خود به کنار زمین ببرد و بالاخره آنجا هم شوهر او باشد. البته یکبار در زمین مسابقه در نقش شوهر او ظاهر شده بود اما فقط برای یکدهم ثانیه! در مسابقات قهرمانی جهان، در سال ۱۹۹۱ در توکیو، جکی، طبق معمول، در دو رشته بازی های هفتگانه و پرش طول مسابقه می داد. او در پرش طولی که باعث شکست رقیب قدرش، هایکه درچسلیر (Heike Drechsler) آلمانی، شد؛ پایش در چاله ای فرورفت و به سختی آسیب دید. همان لحظه باب با شتاب به سوی جکی دوید و تسلیش داد.

جکی می گوید: «برای یکدهم ثانیه او شوهرم شده بود اما خیلی سریع یادش آمد که مربی من است و گفت: خیلی خوب، حالا بهتر شدی، برگرد به زمین.»

باب می گوید: «برای یک لحظه شوهری نگران همسرش شد که آسیب دیده بود اما من وقتی در حال تعلیم یک ورزشکار هستم، اصلاً نمی توانم هیچ شوهر نه یا حتی زنی - را در زمین مسابقه تحمل کنم. بنابراین، مجبور بودم شوهر بودن را کنار بزنم و دوباره مربی او شوم.»

تمام اوقات را به تمرین می گذرانند. درحالی که دوی ۵۰۰ متر را می دود، مربی برایش زمان می گیرد، به دقت حرکات و قدم برداشتن او را زیر

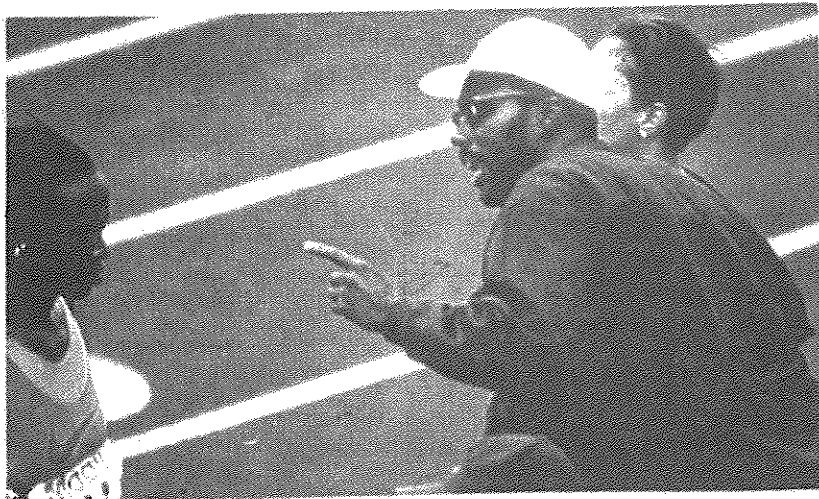
برای او که در میان نسل خود از همه بهتر بود یا شاید حتی در میان همه بهترین بود، سال ۱۹۹۵ سال طاقت فرسای بود. چندین بار آسیب دیده بود و آسمش هم وخیم شده بود. در سرایشی بود، دیگر بزرگترین نبود. حالا که پسا به ۳۴ سالگی می گذاشت، دلش می خواست زندگی گذشته را رها کند و بچه دار شود. جکی جوینر کرسی (Kersee Jackie Joyner) گفته بود: «فصد ندارم بچه ام را در زمین مسابقه بزرگ کنم.» اگر هر زمان دیگری بود جز سال برگزاری المپیک، یا هر شهر دیگری جز شهری در خود آمریکا، احتمالاً دیگر ادامه ای در کار نبود چون همسرش، باب کرسی (Kersee Bob)، که مربی اش هم بود، می گفت: «دیگر وقت آن شده که هر دوی ما کنار بکشیم و به زندگی خانوادگی مان سرسامان دهیم.»

باب به زمین مسابقه اشاره می کند: «دلیم می خواهد روزی با بچه هایم کنار خط پایانی بایستم و به آنها بگویم آنجا را خوب نگاه کنید چون من هم روزگاری مادرتان را دیدم که از این خط پیروزمندانه گذشت.»

- این حرف را به عنوان مربی او می زند یا پدر بچه ها؟

- هیچ کدام. به عنوان همسرش.

بنابراین، باید یکی را برمیگزید و این بار هم المپیک پیروز شد. باید چهار سال را در یک سالی باقی مانده جمع می کرد. پس تحت نظر همسرش تمرین را شروع کرد. تازه روز قبل از سفر ژاپن برگشته بودند. همین که هواپیما در لوس آنجلس به زمین نشست، پس از ۱۲ ساعت پرواز، شوهرش او را به زمین تمرین برد و مجبورش کرد شش بار پست ۳۰۰ متری را بدود. هرچه به زمان بازی ها نزدیکتر می شدند، اوضاع بدتر می شد: از صبح تا دم غروب تمرین، دو، پرش، پرتاب، وزنه برداری، آموزش. تازه بعد از ظهر است، باب می گوید: «۵۰۰ متر بدو و بعد سه تا ۲۰۰ متر.» هیچ وقت نمی توانست از پیش حدس بزند که باب برایش چه نقشه ای دارد و وقتی به خانه برمی گردند، دیگر نمی تواند از مربی اش چیزی پرسد چون آنجا دیگر او مربی نیست. باب می گفت: «یک دفعه داشتم لوله زیر دستشویی را تعمیر می کردم، جکی آمد و شروع کرد به صحبت کردن درباره پرش آخرش. مجبور شدم خیلی محترمانه به او بگویم که الان وقت بحث کردن راجع به آن نیست و اگر به بحث خاتمه ندهد، مجبورم اول دست هایم را بشویم و بعد یکر است بروم دادگاه که طلاقش دهم.»



اینجا زمین مسابقه است و باب کرسی می تواند در مقام مربی به او دستور دهد.

نادیا کومانچی (Nadia Comaneci) چهره مشهور رومانی، اولین زیمناست تاریخ بازی های المپیک است که امتیاز ۱۰ را کسب کرده است. او زمانی که در المپیک مونترال (۱۹۷۶) شرکت کرد، ۱۴ سال بیشتر نداشت و زمانی که از ورزش قهرمانی کنار رفت، ۲۱ مدال طلا در کلکسیون خود گرد آورده بود.

می‌گویند: این زنان قهرمان دوپینگ می‌کنند

مو هویلان، (Mo Hailan)، ژیمناست جوان و پر امید المپیک آتلانتاست اما در واقع پدرش برای قهرمانی او نقشه ریخته و جاه‌طلبی چینی‌ها برای اسلطه بر ورزش جهان تا سال ۲۰۰۰ آن را برنامه‌ریزی کرده است. پدر که در یک کارخانه



• وانگ ژونگیا شورش علیه مربی متبش تربیب داد و به‌صورت مستقل راهی آتلانتا شد.

رنگساز کار می‌کند، دخترش را از سن شش سالگی در کارخانه دیگری به‌کار گمارده است: در ورزشگاه. پدر که در دل آرزوی قهرمانی سو را می‌پرورد، او را وادار کرده است که به تمرین‌های سخت و حرفه‌ای تن دهد با این‌حال، وقتی دست‌های تاول‌زده او را پس از هشت ساعت تمرین مداوم می‌دید، دلش ریش‌هی شد. مو که در چهارده سالگی پنج مدال طلا در مسابقات آسیایی به‌دست آورد، در نامه‌ای برای پدرش نوشت: «نمی‌فهمم به چه دردم می‌خورد که ژیمناست شوم.» اما پدر بر نظر خود مصر بود: «کار سختی بیشتر.» در تلاش‌هایی که برای کسب موفقیت در آتلانتا صورت می‌گرفت، چین به موفقیت‌زانی چون مو بسیار دل بسته بود. زنان چینی در طول تاریخ مسابقات در تمام تیم‌ها - چه تیم‌های زنان و چه

دست داد، برادرش به سوش آمد تا تسلیش دهد. او که با چشم‌های اشکبار می‌خندید، برادر را مطمئن کرد که ناراحت نیست و از خوشحالی برای بُرد او گریه می‌کند. خودش می‌گفت: «شکست خیلی هم بد نیست چون باعث می‌شود آدم بداند که باید بیشتر تلاش کند.»

باب کرسی می‌داند که در وقایع‌نگار بازی‌های چندگانه - ده‌گانه، هفت‌گانه و پنج‌گانه - تا به حال کسی جز جکی جوینر کرسی سه مدال طلا در سه المپیک متوالی به‌دست نیاورده است. او می‌داند که همسرش و باب ماتیاس (Bob Mathias) و دالی تامپسون (Daley Thompson) تنها افرادی‌اند که پشت سرهم مدال طلا برده‌اند. او می‌داند که حضور جکی در آتلانتا به چه قیمتی تمام می‌شود: «سه طلای متوالی؟! بُرد در سه مسابقه متوالی که هر کدام چهارسال با هم فاصله دارند و رقابتی سخت و فشرده که تسلط بر اصول متعددی را می‌طلبد، فوق‌العاده است. واقعاً فوق‌العاده است اما بگذارید راستش را بگویم: اگر جکی دلش می‌خواهد خودش را برای سال ۲۰۰۰ هم آماده کند، مختار است و می‌تواند روی همسرش حساب کند اما حتماً باید یک مربی جدید استخدام کند.»

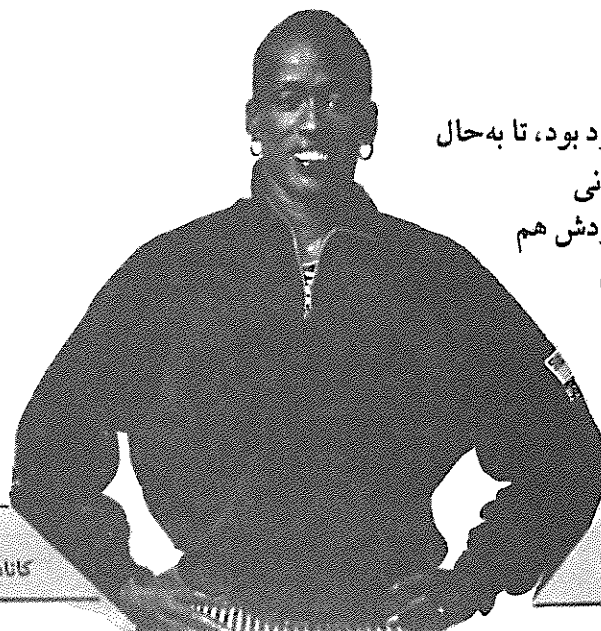
ولی به‌نظر می‌آید که تصمیم جکی هم این نیست. مسائل خانوادگی او را به خانه فراموش خواند. علاوه بر این، او بسیار به گذشته‌اش نظر دارد؛ به آن تأثیر مخرب شرق سنت‌لویس که از آن گریخت. او می‌خواهد مؤسسه‌ای برای ارائه خدمات مردمی در اواخر همین سال در آنجا تأسیس کند و حتی خانه و دفتر خود را در آنجا حفظ کند و مرتب به آنجا سرزنند. برایش مهم است که خودش در همان محله قدیمی حضور داشته باشد تا برای بچه‌های سياهوست و فقیر آنجا نمونه‌ای امیدوارکننده باشد؛ امیدی که خودش وقتی کودک بود، نداشت. بالاخره، یک روز، شوهر او با کودکانش در خط شروع شرق سنت‌لویس خواهد ایستاد و به آنها خواهد گفت: «نگاه کنید چون مادر شما هنوز به خط پایان نرسیده است.»

بزرگش، آل، کرده بود که در واقع اولین مدال طلای خانوادگی را در پرش سه‌گام، در مسابقات سال ۸۴، به‌دست آورد.

مادرش، که جکی او را می‌پرستید، در سن سی‌وهشت‌سالگی مُرد. جکی آن‌وقت هجده سال بیشتر نداشت که امیدی کورسو زد: به تیم بسکتبال دعوت شد. و حالا غالباً فراموش می‌شود که جکی جوینر کرسی قبل از آن‌که رکورد جهانی به‌دست آورد، قبل از آن‌که دو طلا و یک نقره در ورزش پنج‌گانه و یک طلا و یک نقره در پرش طول بگیرد، قبل از آن‌که جزو ده آمریکایی برگزیده در رشته‌های مختلف - از پرش طول و پرش ارتفاع گرفته تا دوی سرعت و دوی با مانع - باشد، قبل از همه اینها، او بسکتبالیستی تمام‌عیار بود. اگر جوینر کرسی مرد بود، تا به حال سرمایه‌گذاری‌های کلانی روی او شده بود و خودش هم میلیون‌ها دلار به جیب زده بود و احتمالاً دیگر نزدیک زمین مسابقه هم نمی‌شد. قدرت فیزیکی خارقالعاده او و شروتنی‌اش، شاهکارهای چشمگیر او را عادی جلوه می‌دهد. آنچه باب را سخت می‌آزارد، این است که هر گاه جکی مدال به‌دست آورد، همه خواهند گفت: «خوب، معلوم است که جکی باید هم از پشش برآید.»

از همان ابتدا که جکی را دیده بود، به استعدادش پی برده بود و می‌توانست سرنوشت او را پیش‌بینی کند. پس بر آن شد که استعدادهای او را پرورش دهد. او اولین کسی بود که متوجه شد قهرمان جوان دچار آسم است. جکی می‌گوید: «هر هفته کارم به بیمارستان می‌کشید اما نمی‌خواستم باور کنم که مشکلی در کار است.»

جکی که رقیبی سرسخت و پولادین به‌حساب می‌آید، می‌گوید که مسابقات دوومیدانی را بیشتر از بسکتبال دوست دارد: «در دوومیدانی بهتر می‌فهمم که دچار دلپهره شده‌ام یا نه چون آنجا فقط خودم هستم و خردم: ایستاده بر سر خط، آماده شنیدن صدای شلیک.» چه‌کسی می‌داند که در درون او چه خبر است. در بازی‌های ۱۹۸۴، که با اختلافی بسیار جزئی مدال طلای بازی‌های پنج‌گانه را از



• اگر جوینر کرسی مرد بود، تا به حال سرمایه‌گذاری‌های کلانی روی او شده بود و خودش هم میلیون‌ها دلار به جیب زده بود و احتمالاً دیگر نزدیک زمین مسابقه هم نمی‌شد.



تیم‌های مردان - بسیار برتر و سریع‌تر عمل کرده‌اند. آنها در سال ۱۹۹۰ توانستند ورزشکاران زن قدر کشورهای چین آلمان و روسیه را در اغلب مسابقات پر جاذبه المپیک، چون شنا و دو میدانی، شکست دهند و اکنون نیز بسیار بهتر از مردان چینی در مسابقات ظاهر می‌شوند. به قول چین شناس معروف، جیمز ریروان، چینی‌ها خودشان هم از بالندگی «بین» (روح منفعل زنانه) و پژمردگی «یانگ» (روح جسور مردانه) مبهوت مانده‌اند.

به هر حال، این ظهور ظاهرآ معجزه‌آسا رقبای چینی‌ها را دچار سوءظن کرد. آنها می‌گویند که این «سوپرزن»ها محصول اردوگاه‌های آموزشی و دوپینگ مستمر چینی‌ها هستند؛ و وقتی جواب آزمایش دوپینگ سی‌وینج ورزشکار چینی مثبت درآمد، جاروجنجال بر سر استفاده از مواد در سال ۱۹۹۴ به اوج خود رسید و پس از آن پکن، تحت فشارهای بین‌المللی، مجبور شد درهای کشور را به روی دستگاہ‌های کنترل بین‌المللی بگشاید. آزمایشگرها می‌گویند: «ورزشکاران چینی اکنون مثل ورزشکاران کشورهای دیگر پاکند.» اما چنانچه زنان چینی، به‌ویژه در شنا و دو میدانی، قدرتمند و شکست‌ناپذیر ظاهر شوند، رقبایشان یقیناً دوباره اتهام استفاده از دارو را راه می‌اندازند.

اما راز چینی‌ها چیست؟ در واقع، استفاده از دارو تنها بخشی از یک برنامه گسترده بوده است. چین از اوایل دهه ۸۰ تلاش خود را برای ایجاد شبکه‌های ورزشی به بیش از دو برابر رساند و حدود ۱۵۰ اردوگاه ورزشی حرفه‌ای تأسیس کرد یعنی هفت‌برابر تلاشی که دستگاہ ورزشی آلمان شرقی در اوج فعالیت خود برای تربیت ورزشکاران حرفه‌ای به‌کار انداخته بود. چینی‌ها نه تنها در ورزش‌های قدرتی چون شنا و وزنه‌برداری پیشرفت کردند بلکه در ورزش‌هایی که ظرافت و چالاکی می‌طلبد و دارو بر آنها چندان مؤثر نبود، بر همه پیشی گرفتند. اکنون زنان چینی در رشته‌های بسکتبال، فوتبال، سافت‌بال، شیرجه، ژیمناستیک و... رقبای قدری محسوب می‌شوند و چنین پیشرفتی برای ملتی که زنان ورزشکارش در دهه گذشته فقط در تنیس روی میز و والیبال شهره بودند، بسیار خیره‌کننده است. دلیل این پیشرفت مسلّم هم راز سر به مهری نیست: کار سخت و سازمان یافته.

در چین فاصله بین ورزشکاران زن و مرد هم شکفت‌آور و غیرقابل پیش‌بینی بوده است. مثلاً در سال ۱۹۹۴، در مسابقات قهرمانی جهان، زنان چینی ۱۲ مدال طلا از ۱۶ مدال طلای مسابقات را ربودند اما حتی یک ورزشکار مرد چینی به فینال بازی‌ها نرسید.

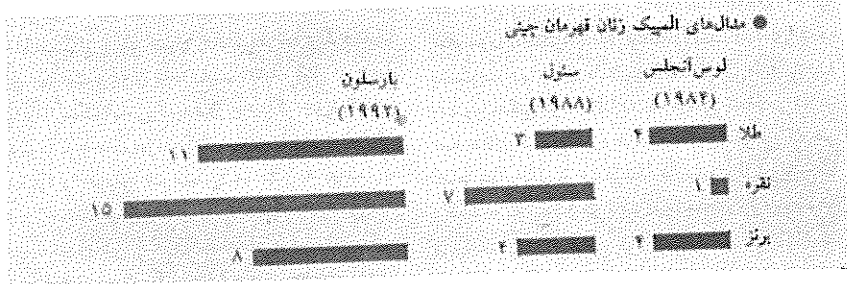
توجه دیگر شاید در شعار معروف مانو نهفته است. او می‌گفت: «نیمی از آسمان را زنان برداشته‌اند» و براساس همین دیدگاه بود که زنان چینی از اوایل دهه ۵۰ از امکانات یکسانی با مردان بهره‌مند بوده‌اند درحالی‌که زنان غربی تازه دارند برای کسب این امتیاز مبارزه می‌کنند.

بنابراین، وقتی چین، پس از ۳۲ سال غیبت خودخواسته، دوباره در المپیک ۱۹۸۴ ظاهر شد، زنانش آماده بودند تا دنیا را فتح کنند.

سوزان بران‌ول، مردم‌شناس و نویسنده کتاب تعلیم بدن در چین، می‌گوید: «در اصول اخلاقی چینی‌ها از زنان انتظار می‌رود که بیش از مردان به‌خاطر خانواده و وطن طعم تلخ دشواری‌ها را بچشند. خوب، آنها هم می‌چشند.» ما جون‌رن، (Ma Jonren)، مربی معروف چینی «ارتش»

یکی از همین روزها کارشناسی از مدرسه می‌آید و یکی از بچه‌های نه ساله را برمی‌گزیند و با خود به آموزشگاه می‌برد. اما مگر ژیمناست کوچولو که ۱۵۰۰ کیلومتر از خانه‌اش دور می‌شود، دلش برای پدر و مادرش تنگ نمی‌شود؟ کارشناس ورزشی می‌گوید: «خوب، اوایل دلشان برای آنها تنگ می‌شود اما بعدها عادت می‌کنند.»

آنها که با استعدادترند، به آتلانتا یا المپادهای بعدی می‌روند و اگر پیروز شوند مقامات چینی ادعا



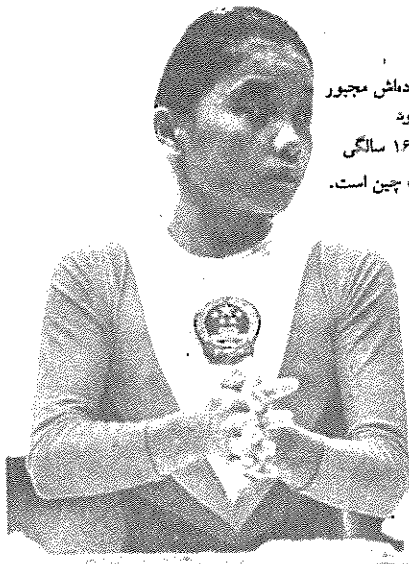
زنان چینی در دهه ۱۹۹۰ خوش درخشیدند و رکوردهای جهان و مدال‌ها را به‌ویژه در شنا و دو میدانی ربودند.

می‌کنند که روش کار آنان از دیگران بهتر است. این ورزشکاران بیش از آن‌که قهرمان ورزشی محسوب شوند، قهرمانان سوسیالیست به‌حساب می‌آیند و فقط تعداد انگشت‌شماری این سعادت را می‌یابند که کمی پول به هم بزنند و قراردادی ببندند. اما آنها که نمی‌توانند بر سکوی قهرمانی المپیک بایستند، چه می‌شوند؟ یکی از مربیان می‌گوید: «وقتی این بچه‌ها آموزشگاه‌های ورزشی را ترک می‌کنند، دیگر کاری از دستشان برنمی‌آید که انجام دهند چون هیچ حرفه‌ای بلد نیستند. گاهی کمیته‌های محلی ورزشی آنها را به کار می‌گذارند اما دست‌آخر بسیاری از آنها در کارخانه‌ها مشغول به‌کار می‌شوند.» و به بیان دیگر، برمی‌گردند به همان کار شاقی قبلی.

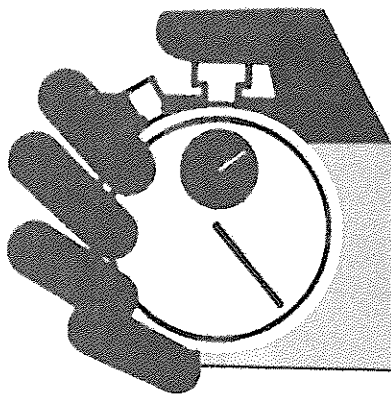
دوندگان تحت نظرش را به شیوه خودش تعلیم می‌دهد: زنان را پکراست به جهنم هدایت می‌کند. او آنها را مجبور می‌کند در اردوگاه‌های کوهستانی پرت‌افتاده هفته‌ای بیش از ۱۵۰ مایل بدوند. رژیم غذایی آنها محدود است و مجبورند غذاهایی بخورند که مثل اکسیر خون لاک‌پشت عجیب و غریب به‌نظر می‌آید و حق هم ندارند با دوستان و فامیلشان هیچ ارتباطی برقرار کنند. وقتی وانگ ژونگسیا (Wang Junxia)، رکوردهزارم جهانی را شکست و رکورد شکفت‌آور ۴۲ ثانیه را در سال ۱۹۹۳ به‌جای گذاشت، مسئولان چینی، ما را ترغیب کردند که مردان را هم مثل زنان تعلیم دهد. او موافقت کرد اما مردان نتوانستند زندگی در «ارتش» او را دوام بیاورند و همه پس از چند هفته پا به فرار گذاشتند.

ما جون‌رن، مثل اغلب مربیانی که هنوز هم ماشین ورزش چین را می‌گردانند، زنان ورزشکار گروه خود را از میان طبقه کشاورز سختی‌کشیده برمی‌گزیند چون معتقد است که آنان بسیار قابل تربیتند اما حتی او هم فهمیده است که «بین» همیشه هم منفعل نیست. همین جندی پیش، وانگ که بهترین دونده‌اوست، شورشی علیه شکنجه‌های او به راه انداخت. پزشک معالج وانگ می‌گفت: «او آن قدر دویده بود که همه ناخن‌های پایش ریخته بود.»

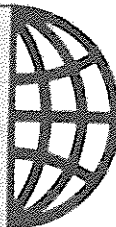
شروع ناخوشایند کار بیشتر ورزشکاران چینی که در المپیک حضور پیدا می‌کنند، از مؤسسه تعلیمات جسمانی دو هان است. آنجا عرصه ژیمناست‌های آینده است؛ بچه‌ها - که غالباً از شش سالگی تعلیمات اولیه‌شان را آغاز می‌کنند - روی تشک‌های کرباسی خیس از عرق شرم می‌خورند.



۵ مو هیولان تحت فشار خانواده‌اش مجبور شد ژیمناست شود و اکنون در سن ۱۶ سالگی بهترین ژیمناست چین است.



● در سال ۱۹۷۲ شش زن در مارتن نیویورک شرکت کردند که تنها کامیک هم یکی از آنان بود. اما وی اعتراض داشت که چرا زنان باید ده دقیقه زودتر از مردان مسابقه را شروع کنند. پس زنان حاضر در مسابقه را تریب کرد که وقتی ده دقیقه گذشت بلند شوند و هم‌زمان با مردان بدون دلیلی اتحادیه ورزشکاران آماتور آن ده دقیقه را برای زنان در پایان مسابقه ملحوظ کرد. کامیک از آنان شکایت کرد و از آن پس، شروع همزمان مسابقه جزو قوانین مسابقه شد.



غاده شعاع سوری،

خطری جدی برای جکی جوینر آمریکایی



و اگر جوینرکری هم در آن شرکت می‌کرد، باز هم برنده می‌شد.

تنها ورزشکار سوری که تاکنون در المپیک درخشیده بود، ژوزف آنته کشتی‌گیر بود و امسال شعاع با کسب نخستین مدال طلای تاریخ سوریه در المپیک، آن هم در یک رشته بسیار دشوار، هیجانی بی‌سابقه در کشورش آفرید. فردای روز قهرمانی او، روزنامه‌های سوریه عکس بزرگ او را در صفحه اول خود چاپ کردند و همه‌جا صحبت از او بود. شعاع که روز قبل از مسابقه نهایی در پنج رشته شرکت کرده بود، هنوز شش امتیاز از ناتاشا سازانوویچ روسی عقب بود اما در دوی ۸۰۰ متر نه‌تنها فاصله را پر کرد بلکه ۱۸۲ امتیاز هم جلو افتاد و سرانجام با ۶۷۸۰ امتیاز در رشته هفتگانه به قهرمانی بازی‌های المپیک ۱۹۹۶ رسید. ولی رکورد او هنوز با رکورد جهانی جکی جوینر، که در سال ۱۹۸۸ به‌جا گذاشت، فاصله دارد.

غاده شعاع قبلاً در تیم بسکتبال زنان سوریه عضویت داشت و در سال ۱۹۹۲ نیز به‌عنوان بهترین بازیگر کشورش برگزیده شد. او از سال ۱۹۹۲ به‌طور جدی وارد رشته هفتگانه شد. او که مسیحی است و پیش از انجام هر مسابقه‌ای به سینه‌اش صلیب می‌کشد و دعا می‌کند، از حمایت کامل رئیس‌جمهور و مردم کشورش - که اکثریت آنها مسلمانند - بهره‌مند است. او دربارهٔ برخورد مردم کشورش می‌گوید: «من در سوریه بسیار محبوبم چون مردم من ورزشکاران کشورشان را بسیار ارج می‌نهند.»

غاده شعاع بعد از کسب مدال طلای آتلانتا گفت که آرزو دارد پیروزی او به کشورهای منطقه، روحیه و انگیزه ببخشد.

در سوریه با غاده شعاع (Ghada Shouaa) مثل یک فرد مهم رفتار می‌شود. حافظ اسد، رئیس‌جمهور خشک و جدی این کشور، برایش نامه می‌نویسد و هدیه می‌فرستد و مردم سوریه سر راهش می‌ایستند و تشویقش می‌کنند.

غاده شعاع فقط ۱۸ سال داشت که در المپیک سال ۱۹۹۲، در رشته هفتگانه مسابقات دو میدانی شرکت کرد و همچون بسیاری از ورزشکاران آن دوره حضورش در پرتو درخشش جکی جوینرکری گم شد. اما قهرمان شش فوتی سوری بالاخره خوش درخشید و، بر خلاف انتظار تحلیل‌گران ورزشی، در بازی‌های آسیایی ۱۹۹۴، ۶۳۶۰ امتیاز به‌دست آورد و نفر اولی بازی‌های آسیایی شد و سال گذشته نیز با کسب ۶۶۵۱ امتیاز به مقام قهرمانی جهان نائل آمد. هنگام بازگشت به کشورش، بیش از دو میلیون نفر از او استقبال کردند و در طول مسافت ۲۴۰ کیلومتری دمشق تا روستای زادگاهش او را تشویق کردند. حافظ اسد نیز به او یک خانه و یک ماشین پژو جایزه داد.

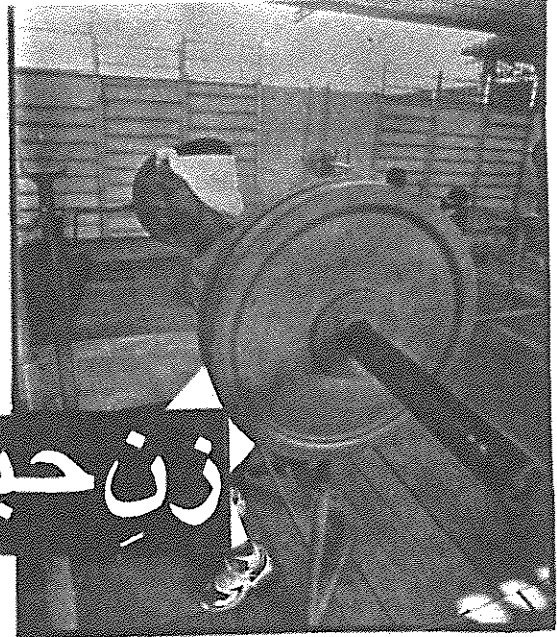
از همان موقع معلوم بود که شعاع ۲۲ ساله در مسابقات آتلانتا یک خطر جدی برای جکی جوینرکری، قهرمان آمریکایی و رکورددار رشته هفتگانه در جهان، به‌شمار می‌رود. چندماه پیش از مسابقات المپیک بود که غاده در مسابقه پرش طول امتیاز درخشان ۶۹۴۲ را به‌دست آورد که به رکورد ۷۰۴۴ جوینرکری در بارسلونا بسیار نزدیک بود. اما جوینر در آتلانتا در رشته هفتگانه شرکت نکرد و برخی تحلیل‌گران ورزشی گفته‌اند که اگر او در رقابت‌ها شرکت می‌کرد، شانس غاده برای بُرد مدال طلا بسیار کمتر می‌شد اما خود او می‌گوید که پیروزی در این مسابقات برایش چندان دشوار نبوده

● او که مسیحی است و پیش از هر مسابقه به سینه‌اش صلیب می‌کشد و دعا می‌کند، از حمایت کامل رئیس‌جمهور و مردم مسلمان کشورش بهره‌مند است.

● غاده شعاع، سوری ۲۲ ساله، در مسابقات آتلانتا یک خطر جدی برای جکی جوینرکری، قهرمان آمریکایی و رکورددار رشته هفتگانه در جهان به‌شمار می‌رفت.

● رکورد ادرد (Gartrude Ederle) اولین زنی بود که در سال ۱۹۲۶ در کانال انگلیس شنا کرد و رکورد ۱۴ ساعت و ۲۹ دقیقه و ۲۲ ثانیه را به‌جا گذاشت. او، بدین تریب، رکورد تمام مردان شناگری را که تا آن زمان کانال را طی کرده بودند، شکست. در سال ۱۹۷۸، پنی لی دین (Penny Lee Dean) آمریکایی کانال را در عرض هفت ساعت و ۲۰ دقیقه شنا کرد که هیچ فردی تا ۱۶ سال توانست رکورد او را به‌دست آورد.





زن حیرت‌انگیز

● او در حال حاضر بیش از هر زمانی مظهر زنده مقاومت در برابر مشکلات است: آنچه مردم کوبا همه‌روزه با آن دست به‌گریبانند.

● او تصمیم گرفته برای هدفی که سه سال پیش مشخص کرده بود، بچنگد: آتلانتای ۹۶؛ و تنها یک ثانیه برای رسیدن به این هدف کم دارد.

اما گذشته از اینها واقعیت این بود که حتی قادر نبود دست‌هایش را برای نوشیدن آب بالا ببرد. گذشت روزها و ملاقات‌های فیدل، که به او نیرو می‌بخشید، به‌تدریج طرز فکر او را تغییر داد. پس از یک ماه، کاردرمانی را برای بهبود قلب و عروقتش شروع کرد. به‌عنوان قدم دوم، روزانه چند ساعت در راهروهای بیمارستان قدم می‌زد. در ماه چهارم با یک تصمیم شجاعانه پزشکان را متعجب کرد: تصمیم گرفت به میدان بازگردد.

این روز برای رسانه‌های ورزشی کوبا فراموش‌نشده است. روز ۱۳ مه همان سال (۱۹۹۳) آنا فیدلیا دوباره بر میدان استادیوم خوان آبرانس هاوانا پا گذاشت. ساعت هشت شب رسید زیرا نمی‌توانست در نور زیاد ظاهر شود. نه دقیقه دوید و ایستاد. پوستش خارش زیادی داشت و درد شدیدی در بازوهایش احساس می‌کرد. کسانی که او را در آن شب دیدند، مطمئن بودند که آنا دیگر آن ورزشکار بزرگ نخواهد شد. اما شش ماه بعد او با دیگر کوبایی‌ها را شگفت‌زده کرد: برای اولین مرتبه در بازی‌های آمریکای مرکزی و کارائیب در شهر پونس، پورتوریکو دوید، جایی که باز هم مثل قبل برنده شد: مقام دوم را در ۸۰۰ متر با زمان دو دقیقه و پنج ثانیه احراز کرد. (البته قبل از آن اتفاق این مسافت را در یک دقیقه و پنجاه‌وچهار ثانیه طی کرده بود.)

کیروت از زمان حضورش در پونس تا به امروز وقتش را بین عمل‌های جراحی ترمیمی و میدانی ورزش تقسیم کرده. تصمیم گرفته است برای هدفی که سه سال پیش مشخص کرده بود، بچنگد: آتلانتای ۹۶. و تنها یک ثانیه برای رسیدن به این هدف کم دارد؛ در دو ۸۰۰ متر موفق شده‌است رکوردش را از دو دقیقه و پنج ثانیه به یک دقیقه و پنجاه‌وهشت ثانیه کاهش دهد اما برای آن‌که بتواند دوباره به تیم ورزشی کوبا وارد شود، باید فاصله را در یک دقیقه و پنجاه‌وهفت ثانیه طی کند.

امروز کسانی که ماجرای آنا فیدلیا کیروت را می‌دانند، اطمینان دارند که کاهش یک ثانیه برای او مشکل نخواهد بود. در این زمان همه کوبایی‌ها از او پشتیبانی می‌کنند زیرا او حال بیش از هر زمانی مظهر زنده مقاومت در برابر مشکلات است: آنچه مردم کوبا همه‌روزه با آن دست به‌گریبانند.

منبع: مجله سمانا، چاپ کلمبیا، ۱۹۹۵

در نیمه دوم قرن بیستم شکفتن‌های بسیاری در آمریکای لاتین، به‌طور اعم، و کناره‌های دریای کارائیب، به‌طور اخص، توجه ساکنان دهکده جهانی را به آنسو جلب کرده است. در زمینه تحرکات اجتماعی و سیاسی، در ادبیات، ورزش و... شبکه و سلیقه‌های ویژه‌ای را پی ریخته‌اند و با گوناگونی داوری‌ها و زاویه‌های بین هنجارها و ارزش‌های نوینی را ارائه داده‌اند. لابد که تمامی این رخدادها خلق‌شده در لحظه و بدون مایه و پایه نیستند و شاید به روند شکل‌گیری و به ثمر رسیدن آن کمتر توجه شده است.

انگیزه‌ام از ترجمه مطلب زیر نگاه مشخص به ورزش نیست. نوع توجه، سرمایه‌گذاری عاطفی و منلی و ارتباط ارگانیکی است که مجموعه را شکل می‌دهد و نقش آن در بارور شدن امید و ایجاد انگیزه جسمی-روانی است که قهرمان سوخته‌ای را - که باید سالها در بستر انتظار مرگ را بکشد - به میدان می‌آورد و حمایت عاطفی و امیدوارکننده و وجدانی جمعی او را می‌دواند تا بر قلعه‌های افتخار نمادی را افزاشته دارد.

فکر می‌کنم همه می‌دانند، همه شنا می‌کنند ولی فقط یک نفر است که صد متر را در فلان ثانیه می‌دود و یک نفر است که ۸۰۰ متر را در فلان ثانیه شنا می‌کند و یک نفر است که... و رسیدن به چنین جایگاهی، علاوه بر داشتن توانایی‌های خردی، جسمی و روانی، پایداری و مداومتی را طالب است که بتوان از سطح یک‌بیک ریانی گذشت و به این بلندا دست یافت. و سرانجام این‌که توانایی انسان حدومرز ندارد و زمینها و شرایط هستند که آن را محدود می‌کنند یا گسترش می‌دهند.

ترجمهٔ مرجان صاحبی

در بازگشت از شبه جزیرهٔ ایبریآ آینه‌اش سرشار بود از نقشه‌های امیدبخش که میان بازی‌های آمریکای مرکزی، پان‌آمریکن و بازی‌های قهرمانی جهانی تقسیم می‌شد. هدف اصلی او و مربی‌اش، پدرو پروز - هنوز چمندان‌هایشان را در بازگشت از المپیک باز نکرده - آتلانتای ۹۶ بود. هنگامی که آنا به بیمارستان برادران آمی خیراس هاوانا وارد شد، پزشکانی که از او مراقبت کردند، باور نمی‌کردند او زنده است: شکم، سینه، بازوها و قسمت زیادی از صورتش سوختگی درجه سه داشت. پزشکان معالچ او می‌گفتند که دیگر قادر نخواهد بود بدود.

هنگامی که از عمل جراحی اول به‌هوش آمد، اولین چیزی که دید، چهرهٔ فیدل کاسترو بود که کنار تخت او ایستاده و با نگرانی او را می‌نگریست. تنها چیزی که با دیدن کاسترو توانست بگوید، این بود که باز هم خواهد دوید. کاسترو لبخندی زد و بیرون رفت تا مربی بتواند او را ببیند. آنا در حالی که پاهایش را - یعنی تنها قسمت بدنش که از آسیب سوختگی به‌دور مانده بود - نشان می‌داد، تکرار کرد که خواهد دوید.

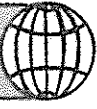
با این‌حال، عمل به این قول کمی به طول می‌انجامید. اولین باری که آنا در آینه نگاه کرد، تأیید کرد که با این ظاهر نمی‌تواند به زمین بازگردد. غرورش مانع از ظاهر شدنش در برابر جمع می‌شد

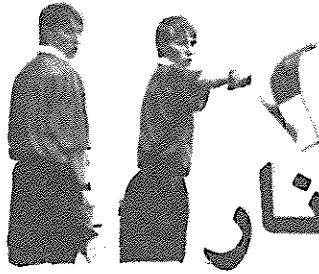
حدود ساعت دو بعدازظهر روز ۲۳ ژانویهٔ سال ۱۹۹۳، موج خبر انفجاری یک اجاق گاز در آپارتمان کوچکی در هاوانا سراسر کوبا را لرزاند. ورزشکار معروف، آنا فیدلیا کیروت، نور چشم فیدل کاسترو و افتخار آفرین‌ترین دوندهٔ جزیره، به‌شدت سوخته بود. با شنیدن خبر، کوبایی‌ها یکی از شخصیت‌های کلیدی‌شان را برای المپیک ۹۶ آتلانتا از دست دادند اما آنچه هیچ‌کس فکرش را نمی‌کرد، این بود که او دیگر بار از دل خاکستر زاده شود.

کیروت برای چندین سال محبوب‌ترین ورزشکار کشورش بود، حتی برتر از تئوفیلو استیونسون بوکسور و خاویر سوتوماپور، قهرمان جهانی پرش ارتفاع.

دوستی او با فیدل کاسترو به همان اندازه شناخته شده است که علاقهٔ کاسترو به ورزش. ورق‌های زندگی ورزشی او پشتوانهٔ صمیمیتی است که کوبایی‌ها به او دارند. در سال ۱۹۸۹ فدراسیون جهانی دو و میدانی (IAAF) او را بهترین ورزشکار زن سال شناخت. دو سال بعد، در بازی‌های پان‌آمریکن در هاوانا، رکورد ۴۰۰ و ۸۰۰ متر را بهبود بخشید و چهرهٔ فلورنس گریفیث جونیور، ستارهٔ وقت آمریکا، را کم‌رنگ کرد. در بازی‌های المپیک ۹۲ بارسلون نیز، در ۸۰۰ متر، یک مدال برنز برای جزیره‌اش بُرد.

● تمام رکوردهای جهانی شای طولانی زنان در المپیک بین ۱۲/۵ و ۸/۵ درصد کمتر از رکورد مردان در مسابقات مشابه بود. اما هرچه مسافت مسابقه طولانی‌تر است، رکورد زنان به مردان نزدیک‌تر می‌شود و عجیب آنکه تنها مسابقهٔ ششایی که در المپیک خاص مردان است و زنان در آن شرکت ندارند، طولانی‌ترین مسابقه یعنی شای هزار و پانصد متر آزاد است درحالی‌که تفاوت رکورد جهانی مردان و زنان در این مسابقه فقط ۸/۱ درصد است.





نلی، نخستین زن داور کنار

نلی در یک شرکت خصوصی منشی نیمه وقت است و برای هر داوری مسابقه مبلغ دوهزار و سیصد فرانک می‌گیرد. سی و چهار سال دارد، همسرش مهندس است و فرزند کوچکش، الودی بیست ماهه است. نلی تنها نماینده فرانسه برای داوری در مسابقات المپیک آتلانتا بود و در مقام نخستین «داور کنار» زن دنیای توپ گرد را سبوت کرد. او، بعد از سیزده سال داوری، به مهم‌ترین ورزشگاه فرانسه قدم گذاشت تا در مسابقات رده نخست فرانسه داوری بین تیم فوتبال پاری سن ژرمن و مارتیگوس را به عهده بگیرد. این مصاحبه قبل از داوری این مسابقات انجام شده است. ■

● چگونه توانستید مقام داوری مسابقات فوتبال را به دست آورید؟

○ من از دوازده سالگی تمرین فوتبال را شروع کردم و تا دروازه‌بانی بازی‌های رده نخست کشوری پیش رفتم (با قدی حدود یک متر و ۵۲ سانتی متر در حالی که حد متوسط قد مردان همکارم یک متر و ۸۰ سانتی متر بود). کسی بعد، وقتی انجمن فوتبال می‌خواست داوران فوتبال را انتخاب و معرفی کند، علی‌رغم آن‌که می‌دانستم ممکن است چنین اقدامی از نظر قانون جرم محسوب شود و مجازات شوم، خطر را به جان خریدم و خود را برای گذراندن امتحانات داوری معرفی کردم. به این طریق بود که در سال ۱۹۸۷ بازی فوتبال را کنار گذاشتم تا خود را وقف کار داوری کنم.

● پس از کنارگیری از بازی فوتبال چگونه این راه را تا رسیدن به هدفتان طی کردید؟

○ با زحمت یکی یکی پله‌های نردبان را بالا رفتم و از داوری در حد بازی‌های آماتور شروع کردم تا به بالاترین سطح آن رسیدم. در سال ۱۹۹۴ با وجود آن‌که باردار بودم، در امتحانات نظری فدراسیون شرکت کردم تا اجازه داوری مسابقات حرفه‌ای را به دست آورم اما موفق نشدم. مشکل من رسیدن به مرز محدودیت سنی بود و شانس دومی هم نداشتم. با این حال، در اول ژانویه سال ۱۹۹۵ هیئت مرکزی داوران مرا به عنوان داور کنار در مسابقات بین‌المللی بازی‌های المپیک آتلانتا انتخاب کرد. من تنها نماینده داوران از طرف کشور فرانسه بودم. اما به نظر من، آن مسابقه مشهور روز ۲۳ آوریل، در ورزشگاه پارک پیرنس فرانسه بین دو تیم پاری سن ژرمن و مارتیگوس، نقش تعیین‌کننده‌ای جهت تأیید و تثبیت موقعیت شغلی‌ام خواهد داشت. داوری چنین مسابقه‌ای برای یک داور یعنی نقطه اوج و کمال!

● داوری در بازی روز ۲۳ آوریل برای شما بسیار سرنوشت‌ساز خواهد بود. چه احساسی در

موردش دارید؟

○ راستش را بخواهید، زیاد به آن فکر نمی‌کنم. حتی سعی می‌کنم التهاب و هیجان آن را فراموش کنم. به‌رحال، اصلاً نباید در بازی خطایی مرتکب شوم.

● گمان نمی‌کنید مورد پیش‌داوری قرار بگیرید؟

○ نه، گمان نمی‌کنم. این شانس و فرصت را به من می‌دهند.

● انتصاب شما، به‌رحال، برای برخی مسئولان ناراحتی و دردمس فراهم می‌کند. در این مورد چه فکر می‌کنید؟

○ اگر آنان چنین برداشت و واکنشی دارند، به این سبب است که با کیفیت مقام داوری زنانه آشنایی ندارند و برایشان کاملاً جدید است. به عبارت دیگر آنها متوجه نیستند که قوانین برای داور زن و داور مرد یکسان است و فرقی نمی‌کند.

● آیا شما با حفظ و ابقای خودتان در چنین محیط مردانه‌ای که علناً شما را نمی‌خواهند، خود را آزار نمی‌دهید؟

○ نه، به هیچ وجه. تا حالا با سایر داوران و بازیکنان هرگز مشکلی نداشتم. آنها پیوسته مرا با روی گشاده پذیرفته‌اند، حتی مخالفین! و این شانس را هم داشتم که دوستداران و هوادارانی نیز داشتم؛ آنهایی که به من اعتقاد دارند. درست است که رسیدن به چنین درجه‌ای شاید استثنایی باشد اما استثنایی‌تر از آن برخورد نکردن با درگیری‌ها و جنجال‌هاست. قطعاً باید گفت که من آدم خوش‌شانسی هستم. به‌رحال برای یک زن، به‌خصوص در محیطی کاملاً مردانه، کسب موفقیت الزاماً کمی هم خوش‌شانسی می‌خواهد.

● کارتان را دوست دارید؟

○ به آن عشق مفرطی دارم. من از سال ۱۹۸۷ خود را وقف بازی کرده‌ام و سعی داشتم همه آنچه را که در توان دارم، ارائه دهم و در همان حال سعی کرده‌ام خصوصیات و اصالت زنانم را هم حفظ کنم.

● راستی شما را چگونه خطاب می‌کنند، خانم داور؟

○ اکثر اوقات، درست و حسابی، مرا «آقای داور» صدا می‌کنند ولی من اشتباهشان را تصحیح می‌کنم و می‌گویم که بهتر است بگویند «خانم داور» اما، در واقع، این نوع خطاب کردن زیاد هم سبب ناراحتی‌ام نمی‌شود چون حاصلی یک عادت است.

● با احراز نخستین مقام داوری زن و کار در چنین سطحی، مسلماً زندگی و رفتار زنانه شما تغییر کرده است.

○ من به زندگی و اعمال همیشگی و معمولم هیچ تغییری نداده‌ام. چون در مورد کارم خرافاتی و متعصب نیستم. من یک زن هستم و بر زن باقی

ماندن خودم هم مصر هستم. هرگز علاقه نداشتم که هیتی مردانه به خودم بگیرم یا رفتار و حرکاتی مردانه داشته باشم و برای این چیزها داور نشدم! ● اما شما هیچ وقت آرایش نمی‌کنید.

○ نه، نمی‌کنم. یک بار آرایش کردم، آن هم برای شوهرم، در روز ازدواجم بود. ترجیح می‌دهم ظاهری طبیعی داشته باشم.

● با قدی حدود یک متر و ۵۲ سانتی متر چه طور لباس یک داور مرد با اندازه متوسط را می‌پوشید؟

○ مجبورم کوچک‌ترین اندازه مردانه را برای پیراهن انتخاب کنم و شلوار را هم باید کوچک‌تر کنم. شاید هنگام برگزاری مسابقات المپیک شلوارهایی با اندازه‌های کوچک مخصوص من تهیه کنند.

● آیا حاضرید راه را برای دیگر همکاران زن هم باز کنید؟

○ مسلماً. من همیشه برای آنها توضیح می‌دهم که اعضای هیئت مرکزی داوران در را به روی ما بسته‌اند.

● در پایان، چه آرزویی برای برگزاری مسابقات پاری سن ژرمن - مارتیگوس در روز ۲۳ آوریل دارید؟

○ آرزو می‌کنم جامعه فوتبال حرفه‌ای، به‌خصوص، و نیز تماشاگران به شکل مطلوبی شگفت‌زده شوند!

دو روز چهارشنبه ۲۶ آوریل، پس از بازی بین پاری سن ژرمن و مارتیگوس، نلی زی‌نو از اولین تجربه‌اش می‌گوید: این مسابقه بهترین مسابقه دوران زندگی‌ام بود. تعداد زیادی عکاس و خبرنگار جلوی در ورزشگاه منتظر ورود من بودند. از نخستین لحظه ورودم به ورزشگاه پارک پیرنس دچار هیجان شدیدی شدم. باید به خودم مسلط می‌شدم. پس به خودم گفتم که باید رویمریت را نگاه کنی و نگذاری جریانات و رویدادهای اطراف روی اثر بگذارند. آن چنان سروصدا و هیاهویی فضای استادیوم را پر کرده بود که نمی‌گذاشت حرف‌های ناراحت‌کننده‌ای را که به من می‌زدند، بشنوم. به‌رحال، ناسزاها و فریادها با بی‌توجهی و بی‌تفاوتی من نسبت به آنها خاتمه یافت. پس از مدتی کوتاه، احساس اعتمادبنفس کامل خود را باز یافتم و تمام هوش و حواسم را به‌کار گرفتم تا مرتکب هیچ خطایی نشوم. بلافاصله بعد از اتمام بازی، هیئت مرکزی داوران از کنار من ابراز خوشنودی کردند و تمام بازیکنان تیم مارتیگوس و چندتن از اعضای تیم پاری سن ژرمن هم آمدند و تشکر کردند. ساعت سه صبح که به خانه برگشتم، شوهرم بیدار بود و انتظارم را می‌کشید. ■

منبع:

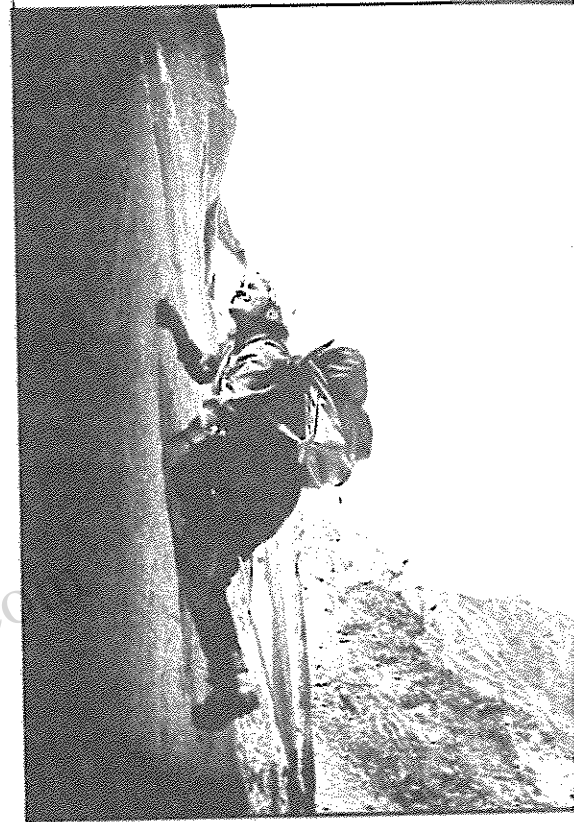
Questions de femmes / Juin 1996



زنان نام‌آور کوه‌ها

ع. جعفری

مهری زرافشان در صعود به دیواره تخت سلیمان



هارگریوز، اعجوبه‌ای که با وجود داشتن دو کودک توانست کوهنوردان پرمدعای آلپ را انگشت به دهان نگاه دارد. وی درحالی‌که شش‌ماهه باردار بود، توانست دیواره «ایگر» یکی از سخت‌ترین کوه‌های آلپ را در عرض شش ساعت «مقهور» گام‌های اراده‌مندش کند.

تاریخ کوهنوردی کشور ما نیز برخی اوقات به افرادی از این نوع برخورد است. زنانی که گرچه همپای زنان کوهنورد دنیا نیستند اما حضورشان در دامنه‌های کوه‌ها و دیواره‌های کشورمان حاکی از کشش بالقوه آنها به سمت و سوی کوهستان‌خاموش و سربلند است. از حضور زنان در کوهنوردی جدی کشورمان آنچنان خیرهایی نیست، به‌جز چند مورد، آن هم سفرهای کوهستانی نه کوهنوردی؛ که البته این نیز به وضعیت ورزش کوهنوردی کشورمان مربوط است و نه تنها زنان بلکه مردان آن نیز به دلایل گوناگون نتوانسته‌اند در عرصه‌های جهانی و قابل طرح کوهنوردی، چنان‌که شایسته است، حضور یابند.

تاریخ پنجاه سال کوه‌گردی‌ها و کوه‌پیمایی‌ها و بعضاً کوهنوردی‌های زنان حاکی از حضور و تلاش زنان کوهنورد است و تنها نام و یاد یکی از زنان همیشه درخشیده است و آن مرحوم مهری زرافشان است که در سال‌های دور و دیر، در جمع مردان و زنان کوهنورد کشورمان، توانست بالاترین امتیاز فعالیت را از آن خود کند.

اگرچه امروزه خیر صعود زنان کوهنورد فلان گروه یا دانشگاه را در جراید مشاهده می‌کنیم اما این تحرکات از همان دست فعالیت‌های فوق برنامه است که عموم دانشجویان، اعم از دختر و پسر، برای پر کردن اوقات فراغت خویش به آن دست یازیده‌اند و متأسفانه، علی‌رغم همه ادعاهای کوهنوردی زنان جامعه ما در سطح بسیار نازلی قرار گرفته است و اصلاً با کوهنوردی زنان در دیگر نقاط جهان حتی با کوهنوردی زنان جهان سوم نیز قابل مقایسه نیست. در جایی که کوهنوردان زن کشور هند و حتی نپال به‌طور مستقل برای صعود به بلندترین کوه‌های جهان به هیمالایا هجوم می‌آورند، وضعیت کوهنوردی زنان کشور ما در آن سطحی است که ذکر آن رفت؛ آن‌هم با توجه به این‌که دیگر عذرهایی از این دست که زنان استادیوم مخصوص به‌خود ندارند و مسئله حجاب مانع رسیدن زنان کشورمان به حدنصاب‌های بین‌المللی و با حداقل قاره‌ای خواهد بود، در میان نیست. به این جهت است که باید علت را در عوامل دیگری جست‌وجو کرد. آیا این عوامل به نابه‌سامانی ورزش زنان در کشور برمی‌گردد؟! ■

داراست. این قابلیت‌ها می‌تواند قابلیت‌های عقلایی و روحانی باشد یا توانمندی‌های فیزیکی. در اینجا است که خود این توانمندی‌ها ارزشمند خواهد بود نه مجریان این کنش‌ها و رفتارها.

ورزش کوهنوردی اساساً ورزشی است زمخت و سنگین و حوصله فراوان می‌خواهد و قابلیت‌های فیزیکی مخصوص. گاه می‌بایست در سرمای کشنده ارتفاعات برای صعود تلاش کرد و گاه رقص کتان در زیر سقف صخره‌ای دیواره آویزان بود و تلاش کرد تا راهی به بالا گشود؛ راهی بالاتر و فراتر از آنچه انسان دوخته‌شده به زمین همیشه آن را در ذهن داشته است. این بلندپروازی‌های روح زن و مرد نمی‌شناسد. روح سرکش و ماجراجوی زنان و مردان بسیاری تاکنون در این عرصه به نمایش گذاشته شده است.

تاریخ کوهنوردی جهان سرشار از تلاش زنانی است که همراه مردان یا تنها پای به بلندترین و سخت‌ترین کوه‌های جهان گذاشته‌اند. سال ۱۹۰۷ اولین تشکیلات کوهنوردی زنان در اروپا پایه‌گذاری شد و جالب است که بدانید سال‌های قبل از آن، یعنی در سال ۱۸۰۸، اولین زن توانسته بود به قله «من بلان»، بلندترین قله اروپا، صعود کند. شش سال بعد از پایه‌گذاری تشکیلات کوهنوردی زنان در اروپا، یعنی در سال ۱۹۱۲، خانم فانی بلاق و رکمن توانست رکورد بلندترین ارتفاع را در کوه‌های «تون کن» در هیمالایای هند به‌دست آورد. از آن زمان تاکنون زنان زیادی بر روی رفیع‌ترین و سخت‌ترین کوه‌های جهان پای نهاده‌اند که از آن جمله می‌توان به صعود خانم جونکو تابشی، اولین زنی که توانست در بهار ۱۹۷۵ به قله اورست صعود نماید، اشاره کرد. بعد از آن زنان زیادی با بر روی بلندترین کوه جهان نهادند. دنیای حرفه‌ای کوهنوردی امروز با نام‌های زنان معروفی عجیب است که هرکدام از آنان سهم خاصی در پیشبرد ورزش کوهنوردی داشته‌اند. سرآمد همه اینان خانم وندا روتکوویچ لهستانی است. او تنها زنی است که در کارنامه درخشان کوهنوردی‌اش صعود افتخارآمیز هشت قله از چهارده قله بالای هشت‌هزار متر جهان را ثبت کرده است. این زن نام‌آور کوهنورد که تلاش‌های بزرگش زبان تحسین مردان نخست کوهنوردی جهان را بازنمود، متأسفانه در آخرین صعودش بر روی سومین قله بلند جهان به ملکه برف‌ها پیوست و باد او را با خود برد. نام‌های دیگری از این دست زنان بر تارک کوهستان‌های جهان می‌درخشند: آرلن بلوم، سرپرست اولین تیم زنان به «نابورنا»، یکی از هشت‌هزارمترهای هیمالایای نپال؛ کاترین دستی ول؛ و آلیسون

زنان زیادی در تاریخ ورزش کوهنوردی درخشیده‌اند که هر یک از آنان در لحظات سخت و دشوار کوهستان ایستاده، مقاومت کرده و خود را به هدف رسانده و یا شاید نرسانده‌اند. در کوهنوردی مهم آن است که انسان تلاشمند در جدال با نیروها و خطرهای پیرامونش خویش را محک زده و توانمندی‌های خویش را بازشناخته و یا به معرض نمایش بگذارد. ■

اگرچه دیگر امروز مرزبندی میان زنان و مردان و بیان این‌که برخی کارها زنانه و برخی دیگر مردانه‌اند، طرفدار چندانی ندارد اما باز هم عده‌ای برآند تا در برخی از امور نسبت به پرننگ کردن این مرزبندی‌ها به شدت اصرار ورزند. این‌گونه بحث‌ها در زمینه‌های گوناگون اجتماعی، سیاسی، ورزشی و هنری؛ گم‌گازان وجود دارد اما در مجموع وقتی به موضوعات یاد شده اشاره می‌کنیم، با مقوله وسیع‌تری از مسئله زن و مرد و تفاوت‌هایشان سروکار خواهیم داشت و آن مقوله انسان است؛ خواه روح انسان در کالبد خشن مرد دمیده شده باشد یا در ظرافت‌های زنانه نمود پیدا کند. آنچه مهم است، قابلیت‌هایی است که هر فرد انسانی





۸۶۰۱۳۷۰
۸۶۰۱۴۵۶

زنان

راهنمای



دفتر خدمات مسافرتی و جهانگردی



صفا تور

با داشتن ۲۰ سال تجربه در سیاحت و زیارت

تورهای داخلی و خارجی و تهیه بلیط

مشهد، کیش، و تور امام زاده داوود

سوریه هوایی، عشق آباد زمینی

ورود میهمانان خارجی، ویزای دویی، شارجه

تورهای اطراف تهران در مجمعی که امکانات

استخر، اسب سواری، قایق رانی و سالن ورزشی دارد

«با مدیریت سید نورالدین دربندی»

سهروردی شمالی نبش اندیشه ۳ تلفن: ۸۵۴۰۵۵

دوشیزه و خانم محترم!

محل اقامت مناسب و برازنده شما کدام است؟
برای هر خانم با شخصیت حتی در سفر چند روزه به تهران
فقط اقامتگاهی با سرپرستی و مجاز مناسب است!

پانسیون زرین

شایسته ترین اقامتگاه

در خدمت امنیت شما و سلامت جامعه

برگزیده خانواده های فرهنگ دوست، مشکل پسند و
دوراندیش و جامعه علمی و تحصیلکرده زنان: از کنکوری و
دانشجو تا پزشک، مهندس، استاد دانشگاه، فرهنگی، محقق،
خبرنگار یا هنرمند.

تلفن پذیرش و نگهداری جا: ۸۰۰۲۷۷۳ - ۴۳۶۴۸۰ از چند روز تلچندین ماه
تهران: کارگر شمالی - خیابان ۱۶ - خیابان فجر یک جنوبی - خیابان ۲۷ - شماره ۹
تلفن گویا: ۸۰۰۷۲۳۳ - فاکس: ۸۰۰۸۰۶۹ - صندوق پستی: ۴۱۳ - ۱۳۳۹۵

ویرایش کتاب، مقاله
پایان نامه تحصیلی، تحقیق

تلفن: ۶۰۵۷۵۴۷

گیاهی ترین شامپوی گیاهی

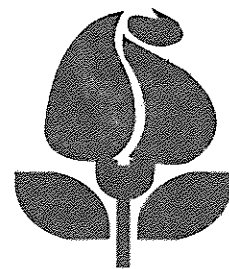
شامپو حنا

مَس

محتوی عصاره طبیعی حنا

برای تقویت و پاکیزگی مو

مخصوص موهای معمولی



دارای کلیه خواص حنا

بدون تغییر در رنگ مو

مرکز پخش: ۲ - ۸۷۴۸۷۸۱

مس، همین و بس

مشکلات حقوقی منعکس در نامه‌های رسیده به دفتر «زنان»، حکایت از کم‌اطلاعی یا بی‌اطلاعی زنان و دختران ما از حقوق قانونی خویش دارد. امیدواریم از این شماره با آغاز آموزش حقوق زن بتوانیم بخشی از نیاز آنان را پاسخگو باشیم. ■■

آموزش حقوق زن

مهرانگیز کار

خواستگاری و نامزدی

است. این گونه: «ماده ۱۰۳۴ - هر زنی را که خالی از موانع نکاح باشد، می‌توان خواستگاری نمود.» ابتدا الفاظ و مفاهیم این ماده قانونی را ساده می‌کنیم تا ضعف‌ها و قوت‌های حقوق زن در امر خواستگاری روشن شود و به‌خصوص دختران جوان نسبت به حقوق خود در مرحله خواستگاری آگاهی

است. در جامعه ما قانون و عرف، هر دو، به مرد حق می‌دهند تا از زن مورد علاقه خود خواستگاری کند. سنت خواستگاری در جریان تدوین ماده‌ای از قانون مدنی که به روابط خانوادگی اختصاص دارد، از سال ۱۳۱۳ شمسی شکل قانونی به خود گرفته

با آن‌که کلمه خواستگاری به معنای پیشنهاد ازدواج است و به‌ظاهر بار جنسیتی ندارد اما حتی طرح این پیشنهاد بر پایه سنت‌های تیرینه به مردان تفویض شده



لازم را کسب کنند. چنانچه الفاظ و معانی ماده ۱۰۳۳ قانون مدنی را بشکافیم، این نتایج حاصل می‌شود:

۱- قانونگذار از عرف و عادت تبعیت کرده و با الهام از سنت‌های کهن خواستگاری را حتی انحصاری مردان شناخته است؛ یعنی هرگاه زن مردی را شایسته همسری خود تشخیص دهد، نمی‌تواند از او خواستگاری کند. البته قانونگذار در خصوص موضوع ضمانت اجرا ایجاد نکرده و ضمانت اجرای قانون همان آداب و رسوم و سنت‌هایی است که زن را از طرح پیشنهاد ازدواج باز می‌دارد. در روابط اجتماعی، غالباً، زنی که برای ازدواج با مرد دلخواه خود پا پیش بگذارد، مورد تحقیر قرار می‌گیرد و حتی خانواده زن رفتار او را مایه سرشکستگی خود می‌دانند.

این عوامل بازدارنده با ساختار اجتماعی امروز ایران و نیازهای زمانه هماهنگ نیست. برای مثال، زن بیوه یا دختر جوانی را در نظر بگیرید که دارای امکانات نسبی رفاهی برای تشکیل خانواده است. اگر در محیط خانوادگی یا شغلی با مردی آشنا بشود و او را شایسته همسری خود بداند، به ملاحظه سنت‌ها و عوامل بازدارنده‌ای که خواستگاری را حق انحصاری مرد می‌شناسد، از طرح موضوع امتناع می‌ورزد. احتمال دارد مرد انتخابی زن هم گرایش به ایجاد پیوند زناشویی با او داشته باشد اما چون فاقد امکانات لازم، مانند مسکن مناسب و...

● قانونگذار با تبعیت از عرف و عادت و با الهام از سنت‌های کهن خواستگاری را حق

انحصاری مردان شناخته است و هرگاه زن مردی را شایسته همسری خود تشخیص دهد، نمی‌تواند از او خواستگاری کند.

● اسلام نه تنها در مورد انحصاری بودن حق خواستگاری برای مردان دستور صریحی نداده بلکه این حق را برای زنان نیز ملحوظ داشته است.

● می‌توان ماده ۱۰۳۴ قانون مدنی را مطابق با اصول بشر دوستانه، از نگاه عدالت‌جویی، طوری تفسیر کرد که بر پایه آن خواستگاری از دختران خردسال به کلی غیرقانونی و غیرممکن اعلام شود.

● دختران و زنان جوان نباید رابطه نامزدی را تضمینی برای تحقق نکاح بپندارند و به این اعتبار به خواسته‌های احتمالی نامزد پاسخ مثبت دهند.

خواستگاری زن از مرد هنگام خواندن خطبه عقد است. در تمام رساله‌های عملیه آمده است که زن باید به صورت موجب (آغازکننده پیوند زناشویی) خطبه عقد را جاری کند و مرد فقط قابل (قبول‌کننده) است. زن در خطبه می‌گوید: «انکحتک نفسی...»، یعنی خود را به نکاح تو درآوردم، با مهر معین و مرد می‌گوید: «قَبِلْتُ»، یعنی قبول کردم. پس وقتی زن می‌تواند انتخاب‌کننده و آغاز کننده باشد، به طریق اولی، خواستگار هم هست.

بنابراین، جا دارد زنان جوان حق انحصاری مردان برای خواستگاری را ناشی از سنت‌های کهنی تلقی کنند که نه تنها با مقتضیات اجتماعی امروزی تناسبی ندارد بلکه شرع انور هم بر آن صحه نمی‌گذارد. در جوامعی که درصد باسوادها افزایش می‌یابد و مردم به رفاه نسبی می‌رسند، از تأثیر سنت‌ها و رسوم مزاحم کاسته می‌شود ولی حتی در این جوامع هم جوانان باید در امر دگرگونی سنت‌های بازدارنده با نویسندگان، جامعه‌شناسان، خطیبان و، در مجموع، با روشنفکران اصلاح‌گرا

شده است. در آیه ۵۰ سوره احزاب نیز از خواستگاری زنان از شخصی حضرت محمد ص سخن به میان آمده است. بعضی از مفسران در ذیل این آیه داستان زنی را مطرح می‌کنند که برای خواستگاری از حضرت محمد ص آمد و پس از سکوت پیامبر ص به زوجیت یکی از اصحاب که داوطلب ازدواج بود، درآمد.^۱ در این آیه دو مطلب قابل تأمل و توجه است: یکی نفسی خواستگاری زنان از مردان و دیگری ازدواج بدون مهریه که بی‌شک مطلب دوم طبق تصریح همین آیه خاص حضرت محمد ص بوده است. برخی از مفسران آیه مزبور سعی کرده‌اند نفسی خواستگاری زنان از مردان را نیز خاص پیامبر اکرم ص تلقی کنند. مؤکداً یادآور می‌شویم که اسلام نه تنها در مورد انحصاری بودن حق خواستگاری مردان دستور صریحی نداده بلکه این حق را برای زنان نیز ملحوظ داشته است. در روایات هم این موضوع مطرح شده و صراحتاً از خواستگاری زنان از مردان سخن رفته است. مهم‌ترین و عملی‌ترین مصداق عدم ممنوعیت

از خواستگاری منصرف می‌شود زیرا می‌ترسد زن او را به همسری نپذیرد. در این شرایط نه تنها حقی از زن تضییع شده است بلکه زیر سلطه سنت‌های بازدارنده که خواستگاری را خاص مردان اعلام کرده، پیوند زناشویی ممکن نمی‌شود و از این بابت نه تنها زن که مرد هم زیان می‌بیند.

بنابراین، در شرایطی که زنان سهم بزرگی در اشتغال کشور و کسب درآمد دارند، تأکید بر این سنت زیانبار که مردان برای خواستگاری دارای حق انحصاری و طبیعی هستند، مصلحت وقت نیست و باید برای تجدیدنظر در سنت‌های دست‌وپاگیر چاره‌ای اندیشید. گاهی با هدف تقویت این رسوم به آن رنگ دینی هم داده می‌شود؛ حال آن‌که پژوهشگران دینی عقیده دارند این سنت فاقد ریشه‌های دینی است. اگر موضوع خواستگاری مردان از زنان در قرآن و سنت مطرح شده است، به لحاظ فضای دوران آغاز ظهور اسلام بوده که به اقتضای آن اغلب برای ازدواج مردان سراغ زنان می‌رفته‌اند. احکام فقهی نیز بر همین منوال صادر



همکاری و همفکری کنند و آنها را تنها نگذارند. در شرایط کنونی دختران و زنان جوان می‌توانند نقش‌های فرهنگی سودمندی در امر بازنگری بر سنت‌های دست‌وپاگیر ایفا کنند و زمینه‌ساز بحث‌های گسترده و سازنده در کشور شوند.

۲- ماده ۱۰۳۴ قانون مدنی، همان‌گونه که دیدیم، مقرر می‌دارد: «هر زنی را که خالی از موانع نکاح باشد، می‌توان خواستگاری نمود.» حال این پرسش طرح می‌شود که کدام دسته از زنان «خالی از موانع نکاح» هستند؟ به‌سخن دیگر، موانع نکاح کدام است؟ آنچه مسلم است، زن شوهردار خالی از موانع نکاح نیست؛ یعنی مرد نمی‌تواند از زن شوهردار خواستگاری کند. حتی اگر زن اراده کرده باشد که به‌زودی مطلقه شود، باز هم خالی از موانع نکاح نیست و نباید از او خواستگاری کرد. همچنین زنی را که در عده طلاق یا عده فوت شوهر است، نباید خواستگاری کرد چون زن بعد از طلاق یا فوت شوهر باید عده نگاه دارد و تا مدت معینی که قانون و شرع تعیین کرده است، نمی‌تواند شوهر کند. بنابراین، خواستگاری از زنی که در عده طلاق یا فوت است، صحیح نیست و این زنان هم خالی از موانع نکاح نیستند.

از زنانی که طبق شرع و قانون به علت خویشاوندی با مرد خواستگار نکاح با آنها حرام است، نمی‌توان خواستگاری کرد. ماده ۱۰۴۵ قانون مدنی مواردی را که نکاح با اقارب نسبی ممنوع است، اعلام کرده است. برای مثال، نکاح با پدر و اجداد و با مادر و جدات، نکاح با اولاد، نکاح با برادر و خواهر و اولاد آنها و نکاح با عمه‌ها و خاله‌ها و... ممنوع است. سایر مواد قانونی هم به‌شرح کلیه موارد پرداخته است. بنابراین، خواستگاری از زنانی که قانون مدنی ازدواج با آنها را به لحاظ قرابت ممنوع اعلام کرده، ممکن نیست و این دسته از زنان هم خالی از موانع نکاح نیستند.

۳- می‌توانیم ماده ۱۰۳۴ قانون مدنی را مطابق با اصول بشردوستانه، از نگاه عدالت‌جویی، طوری تفسیر کنیم که بر پایه آن خواستگاری از دختران خردسال به‌کلی غیرقانونی و غیرممکن اعلام شود. به‌نظر می‌رسد خردسال بودن دخترانی که از آنها خواستگاری می‌شود، دلیل روشنی است بر این‌که آنها خالی از موانع نکاح نیستند و خواستگاری از آنان صحیح و قانونی نیست. می‌دانیم حتی در مواردی که منظور مرد از خواستگاری، ازدواج با دختر بعد از رسیدن به سن رشد است، چنان‌که صلوات جسمی و روانی بر دختر خردسال وارد می‌شود که جبران شلنی نیست زیرا در جریان خواستگاری از دختر خردسال، وی با اموری دور از مقتضیات سنی و ذهنی خود آشنا می‌شود و از این تجربه زودرس لطمه‌ای فراموش‌نشدنی می‌خورد که آثار مخرب آن در سال‌های بعد و در زندگی مشترک با همان مرد بروز خواهد کرد.

با کمال تأسف و مادی از قانون مدنی به‌گونه‌ای تدوین شده است که اجازه نمی‌دهد تا خواستگاری

از دختران خردسال را به موجب ماده ۱۰۳۴ قانون مدنی غیرقانونی اعلام کنیم زیرا:

درست است که قانون مدنی ایران در ماده ۱۰۴۱، مصوب ۱۳۱۳ شمسی، تأکید می‌کند: «نکاح قبل از بلوغ ممنوع است» اما از طرفی تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی، مصوب ۱۳۶۰ شمسی، تصریح کرده است: «سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است.» لذا، چنان‌چه مردی، در هر سن و سال که باشد، از دختر نه ساله‌ای (به سال قمری) خواستگاری کند، مرتکب اقدام غیرقانونی نشده است. حال آن‌که این قانون بنا بر نظریات بعضی از فقهای معاصر - که سن تکلیف دختر را نه سال نمی‌دانند - قابل مناقشه است. بنابراین، بازنگری و نقد این ماده قانونی با توجه به مقتضیات زمان ضروری می‌نماید. تبصره ذیل ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی هم دستور می‌دهد: «عقد نکاح قبل از بلوغ با اجازه ولی به‌شرط رعایت مصلحت مولی علیه صحیح می‌باشد.» نظر به این‌که طبق ماده ۱۱۸۰ قانون مدنی فقط پدر و جد پدری ولی طفل شناخته می‌شوند، بنابراین پدر و جد پدری می‌توانند فرزند یا نوه خود را، چنان‌چه دختر باشد، حتی زیر سن نه سالگی به نکاح مرد بالغی درآورند و در این موارد نکاح صحیح است. البته شروع رابطه زناشویی موکول به بلوغ دختر خواهد شد.

با این ترتیب، به حکم عدالت و انصاف، خردسال بودن دختر از موانع نکاح است و در نتیجه مانع خواستگاری است اما، به‌طوری‌که گذشت، موادی از قانون مدنی آن را تحت نظارت ولی طفل اجازه می‌دهد. بنابراین، از نظر قانونی منعی برای خواستگاری از دختر بچه‌ها وجود ندارد که تأسف‌انگیز است.

آثار حقوقی ناشی از خواستگاری

خواستگاری از یک زن برای مرد خواستگار یا زنی که خواستگاری شده، ایجاد تعهد قانونی نمی‌کند. هر یک از آن دو، در صورتی که اراده کنند، می‌توانند آنچه را در مراسم خواستگاری پذیرفته‌اند، بلافاصله یا چندی بعد از مراسم بی‌اعتبار اعلام کرده و در نهایت از ازدواج خودداری کنند. بر پایه عرف و قانون، خواستگاری به این معناست که مرد پیشنهاد ازدواج را مطرح می‌کند و معمولاً پس از اعلام موافقت زن شرایط ازدواج از سوی آن دو مطرح می‌شود. در مراسم خواستگاری معمولاً شیرینی و گل مبادله می‌شود اما اگر در همان مراسم مهریه زن هم به او پرداخت شود یا هدایای دیگری به وی پیشکش کنند، اصل موضوع به‌جای خود باقی می‌ماند و آثار حقوقی خاصی بر واقعه خواستگاری بار نمی‌شود. به سخن دیگر، انجام تشریفات خواستگاری، به‌تنهایی، برای طرفین نه حقی ایجاد می‌کند و نه تکلیفی. دختران جوان گاهی به اشتباه می‌پندارند چنان‌چه خواستگار از نکاح صرف‌نظر کند، می‌توانند الزام او را برای ازدواج از دادگاه

بخواهند تا مثلاً او را مورد تعقیب قرار دهند؛ حال آن‌که خواستگاری فقط یک دعوت آیینی و تشریفاتی و سنتی به زناشویی است و از لحاظ قانونی تعهدآور نیست.

دختران جوان همچنین باید آگاه باشند که بعد از تشریفات خواستگاری، حتی اگر مهریه هم پرداخت شده باشد، برای زن و مرد حق قانونی تمتع جنسی از یکدیگر ایجاد نمی‌شود و در صورت ایجاد رابطه زن نمی‌تواند در دادگاه شاکی شده و مجازات مرد خواستگار یا الزام او را به زناشویی تقاضا کند زیرا در صورت طرح این شکایت شاکی، یعنی زن، نیز به اتهام رابطه نامشروع قابل تعقیب است و محکوم به تحمل مجازات قانونی می‌شود.

در صورتی که تمام مهریه یا قسمتی از آن در مراسم خواستگاری به زن پرداخت شد، پس از به‌هم خوردن خواستگاری باید به مرد مسترد شود چون پیش از ایجاد رابطه زناشویی زن حقی برای تصاحب مهریه ندارد. بنابراین، استرداد مهریه حق قانونی مرد است و می‌تواند بر پایه آن علیه زن دعوی طرح کند.

نامزدی

هرگاه خواستگاری مرد از زن دلخواه مورد قبول زن قرار گیرد، معمولاً ضمن مبادله هدایا گفته می‌شود که آن دو با یکدیگر نامزد شده‌اند. در این موقعیت هم نامزدها از نظر قانونی مجبور به عقد و ایجاد رابطه زناشویی با یکدیگر نبوده و مراجع قضایی مرد یا زنی را که با مبادله حلقه و هدایای نامزدی حاضر به نکاح با نامزد خود نمی‌شود، مجازات نمی‌کنند.

قانون مدنی موضوع را صریحاً روشن کرده است: «ماده ۱۰۳۵ - وعده ازدواج ایجاد علقه زوجیت نمی‌کند، گرچه تمام یا قسمتی از مهریه که بین طرفین برای موقع ازدواج مقرر گردیده، پرداخت شده باشد. بنابراین، هر یک از زن و مرد، مادام که عقد نکاح جاری نشده، می‌تواند از وصلت امتناع کند و طرف دیگر نمی‌تواند به‌هیچ‌وجه او را مجبور به ازدواج کرده و یا از جهت صرف امتناع از وصلت مطالبه خسارتی نماید.»

با مطالعه قوانین جاریه این نتیجه حاصل می‌شود که رابطه نامزدی فقط نوعی تعهد اخلاقی برای نامزدها ایجاد می‌کند. جوانان و افراد خانواده آنها نباید تصور کنند که برای تبدیل رابطه نامزدی به رابطه زناشویی تضمین‌های قانونی وجود دارد. در صورت به‌هم خوردن نامزدی نیز طرح شکایت با هدف مجازات کسی که نامزدی را به‌هم زده و همچنین مطالبه خسارت و ضرر و زیان از او بی‌وجه است و مراجع قضایی کشور به آن توجه نمی‌کنند. لذا، دختران و زنان جوان نباید رابطه نامزدی را تضمینی برای تحقق نکاح پندارند و نباید به این اعتبار به‌تمام خواسته‌های احتمالی نامزد در دوران نامزدی پاسخ مثبت بدهند زیرا چنان‌چه نامزدی توسط مرد یا خانواده او به‌هم بخورد،

مطالبه خسارات مادی و معنوی و شرافتی و طرح شکایت در مراجع قضایی بی‌فایده است. در این خصوص برای جبران زیان‌های معنوی زن پشترانه‌های قانونی مؤثری وجود ندارد و بهتر است دختران و زنان جوان با آگاهی کامل نسبت به حقوق قانونی خود دوران نامزدی را بگذرانند.

آثار حقوقی ناشی از برهم خوردن نامزدی

همان‌گونه که گذشت، برهم زدن نامزدی به سهولت میسر است و آن‌کس که نامزدی را برهم زده، مشمول مجازات قانونی یا ملزم به پرداخت خسارات مادی و معنوی نمی‌شود.

تنها موضوع قابل بحث در این موارد، تعیین تکلیف هدایایی است که مبادله شده. قانون مدنی ایران به هدایای مبادله شده در جریان نامزدی توجه نشان داده و دستور می‌دهد:

«ماده ۱۰۳۷ - هر یک از نامزدها می‌تواند، در صورت به هم خوردن وصلت منظور، هدایایی را که به طرف دیگر یا اوین او برای وصلت منظور داده است، مطالبه کند. اگر عین هدایا موجود نباشد، مستحق قیمت هدایایی خواهد بود که عادتاً نگاه داشته می‌شود؛ مگر اینکه آن هدایا بدون تقصیر طرف دیگر تلف شده باشد.»

از این قرار قانون مدنی هدایای نامزدی را به دو نوع تقسیم کرده است:

۱- اشیایی که معمولاً مصرف می‌شود و آنها را عادتاً نگهداری نمی‌کنند، مثل مواد غذایی و گل و پوشاک.

۲- اشیایی که معمولاً نگهداری می‌شود و قیمت دارد، مثل جواهر و طلا و عتیقه و فرش و سایر اشیایی که گران قیمت است.

ماده ۱۰۳۷ قانون مدنی مقرر می‌دارد که نامزدها بعد از به هم خوردن نامزدی فقط آن دسته از هدایایی را که معمولاً نگاه داشته می‌شود و قیمتی است، باید به یکدیگر پس بدهند. چنانچه این اشیا

از بین رفته باشد، از دو حال خارج نیست: اگر نامزدی که شیء قیمتی نزد او بوده، ثابت کند که هدیه بدون تقصیر او تلف شده است، مسئولیتی در قبال طرف ندارد. برای مثال اگر هدیه قیمتی به علت سیل، زلزله، آتش‌سوزی، جنگ، سرقت و... از بین رفته باشد، نه عین آن قابل مطالبه است و نه قیمت آن. مراجع قضایی به این دعوی ترتیب اثر نمی‌دهند.

اما چنانچه نامزدی که به طرح دعوی می‌پردازد، ثابت کند هدیه قیمتی به علت تقصیر نامزد او تلف شده است، آن وقت می‌تواند با استناد به ماده ۱۰۳۷ قانون مدنی قیمت آن را مطالبه کند. در این صورت، دادگاه بعد از رسیدگی و اثبات تقصیر طرف دعوی، رأی به نفع نامزدی صادر می‌کند که از عهده اثبات ادعای خود برآمده است. اثبات ادعا به طرق مختلف ممکن است: ارائه فاکتورهای خرید هدیه و معرفی شهردی که ناظر بر مبادله هدایا بوده‌اند و نظریه کارشناسی مبنی بر این‌که هدیه به علت قصور دارنده آن تلف شده است، در جهت اثبات ادعا مفید و مؤثر است.

در مواردی که در جلسه خواستگاری هدایایی مبادله شده باشد، در صورت به هم خوردن خواستگاری به همان ترتیب عمل می‌شود که ماده ۱۰۳۷ قانون مدنی، به شرحی که گذشت، مقرر کرده است.

چنانچه در دوران نامزدی تمام یا قسمتی از مهریه به زن پرداخت شده باشد، پس از به هم خوردن نامزدی باید به مرد مسترد شود. برای تصاحب مهریه پیش از واقع شدن عقد نکاح موجبات قانونی وجود ندارد.

آثار حقوقی ناشی از فوت نامزدها

چنانچه نامزدی با فوت یکی از نامزدها منحل شود، هدایا باید مسترد گردد اما اگر هدایا موجود نباشد، قیمت هدایا قابل مطالبه نیست. در این فرض فرق نمی‌کند که هدایا با تقصیر یا بدون تقصیر دارنده آن

تلف شده باشد. در فرض مزبور فقط عین هدایا، در صورتی که موجود باشد، قابل مطالبه است و نه مثل یا قیمت آن. بنابراین، در مواردی که یکی از نامزدها فوت می‌شود، آن دیگری به موجب قانون می‌تواند برای استرداد عین هدایایی که نزد وراثت متوفی است، طرح دعوی کند. اما اگر عین هدایا نزد وراثت موجود نباشد، دادگاه حکم بر پرداخت قیمت یا تهیه و تحویل مثل آن هدایا صادر نمی‌کند. قانون مدنی با الفاظ خاصی به موضوع توجه داده است: «ماده ۱۰۳۸ - مفاد ماده قبل از حیث رجوع به قیمت در موردی که وصلت منظور در اثر فوت یکی از نامزدها به هم بخورد، مجری نخواهد بود.» مثلاً اگر در جریان نامزدی انگشتری گرانبهایی به زن اهدا شده باشد، در صورت فوت زن مرد می‌تواند علیه وراثت او دعوی طرح کرده و استرداد عین انگشتری را مطالبه کند. اگر عین انگشتری به هر دلیل موجود نباشد، دادگاه وراثت دارنده انگشتری را به پرداخت قیمت یا مثل آن محکوم نمی‌کند. حتی اگر خواهان ثابت کند انگشتری به علت قصور دارنده تلف شده است، باز هم مسئولیتی متوجه وراثت دارنده انگشتری نمی‌شود. عکس این حالت هم مسکن است اتفاق بیفتد؛ یعنی وراثت نامزدی که جواهر گرانبهایی به نامزد خود اهدا کرده، می‌تواند علیه دارنده جواهر طرح دعوی کنند. اما فقط می‌توانند استرداد عین هدیه را بخواهند و چنانچه عین موجود نباشد، مثل یا قیمت هدیه قابل مطالبه نیست. تقصیر یا عدم تقصیر نامزدی که هدیه نزد او تلف شده، موضوع را عوض نمی‌کند و در همه حال انحلال نامزدی به علت فوت، فرصت‌های قانونی برای استرداد مثل یا قیمت هدایا را از نامزدی که زنده است و همچنین از وراثت نامزدی که رخت از جهان بسته است، سلب می‌کند.»

یادداشت:

۱- الجامع الاحکام القرآن، جلد ۱۴، ص ۲۰۹.



دوست بدار و وفادار بمان

عروس کاغذی

فیلمی از حجت‌الله سیفی

برنامه آینده سینماهای تهران

محصول ناهید فیلم

پس از چاپ مقاله «فئودالیزم و بامداد خمار» نامه‌های زیادی به دستمان رسید که هم به نوعی، مخالفت خود را با این نقد، مندرج در شماره ۲۹ زنان، و هم جانب‌داری‌شان را از بامداد خمار ابراز کرده بودند. از آنجایی که مجله امکان چاپ بیش از یک مطلب را در این مورد ندارد، جامع‌ترین مقاله را که به نظر ما دربرگیرنده تمام نظرهای موافق کتاب است، و به قلم استادی ارجمند به حضورتان تقدیم می‌کنیم. ❧

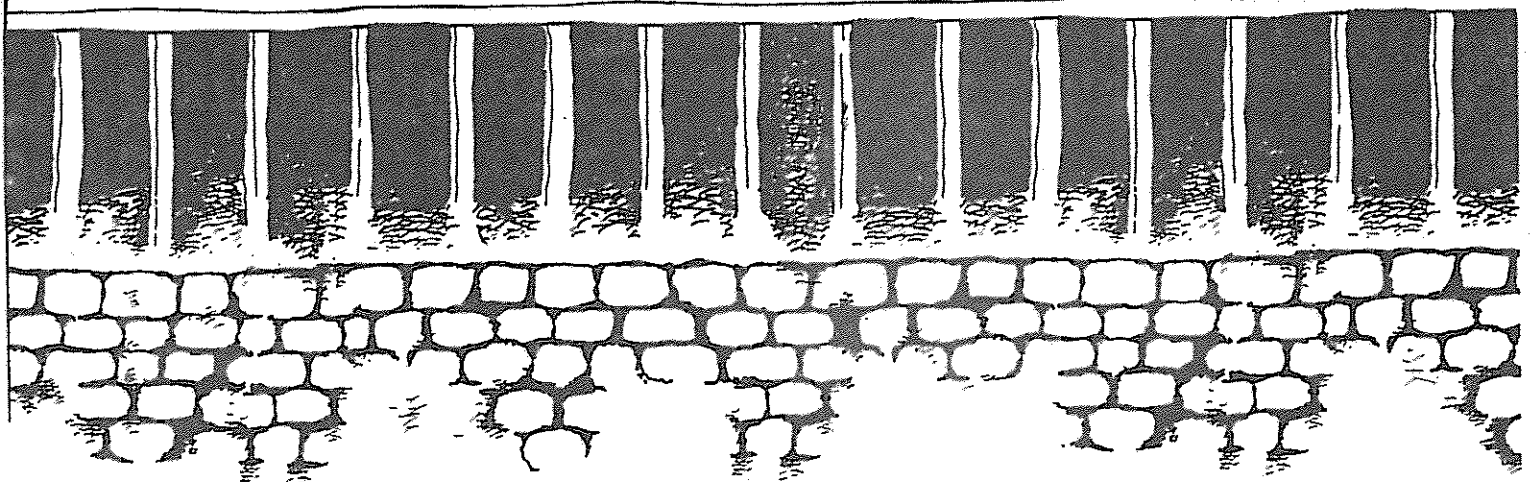
سینمایی‌تر از این که هست، نمی‌شود. به این شرح که به کارگردانی خانم نویسنده و به تهیه‌کنندگی کارگاه خیال و تخیل خواننده، فقط به صرف خواندن، این اثر در دل و درون خواننده جان می‌گیرد. یکی دیگر از نتایجی که به آن رسیدم، این بود که دیدم هنوز تعریف‌های قدیمی یا قدیمی‌نمای هنر صدق و اعتبار دارد. از جمله این که هنرمندی یعنی همدردی و دردمندی و نگاه متفاوت همدردانه داشتن. نگاه متفاوت از آن‌رو برای هنرمند ضرورت دارد که یا غیر تکراری‌ها را ببیند یا، مهم‌تر از آن، تکراری‌ها را تکراری نبیند و تکراری نگوید. همچنین به این نتیجه رسیدم که هر قدر کلمه فطرت و غریزه و طبع قدیمی و مبهم باشد ولی هنوز و همچنان هنرمندی قائم به فطرت و غریزه هنرمند است که اندکی از ذهن و بسیاری از زندگی و زمانه بگیرد و بین خودآگاه و ناخودآگاهش همکاری و هماهنگی بی‌اختیار و حتی غیرارادی برقرار شود و گرنه ذهن را به زیور اطلاعات زبانی و ادبی آراستن، و آن را فی‌المثل به این یا آن درس و کلاس و دانشگاه و دانشکده کشاندن و کتاب‌های تکنیک و ترفند خواندن، ممکن است فضل یا حتی

دور از جان، دچار نوعی گرانجانی و بیدردی است. من خود با خواندن سریع‌السير این کتاب در دو نشست - به خاطر کثرت مشغله - به چندین و چند نتیجه رسیدم. اول این که دیدم مدت‌ها بود که اثری به این تیزی و تازگی خمار ذهن و زیانم را نشکسته بود. دیدم اثری که این همه تصویری و خوش‌بیان و خوش‌تصویر باشد، سال‌هاست که در ادبیات داستانی خودمان و حتی ادبیات خارجی، که گهگاه ناخنکی به آن می‌زنم، ندیده‌ام. این همه ظریف دیدن زندگی - اعم از رنج‌ها و شادی‌ها و تلخی‌ها و شیرینی‌ها - این همه زندگی‌نوازی و زنده‌سراییی و زنده‌نویسی، این گونه غریب‌ترین گوشه و کنار روح و رفتار و آداب و اخلاق و کنش و واکنش‌های طبیعی و غیرطبیعی آدمی - و آدم‌ها - را دیدن و آن را با ظاهراً عادی‌ترین زبان و بیان تصویر و توصیف کردن، در ادبیات امروز کم‌سابقه و کم‌نظیر است. این اثر فراتر از برداشت‌های طبقاتی و ایدئولوژیک است. هر چه هست، پُر انسانی است. اگر قرار باشد برای سبکش مکتبی قابل شویم، اثری است رئالیستی، و در عین حال سرشار از عطرهای گنج‌کننده عاطفه‌های انسانی؛ بی‌آن که رمانتیک شده

بامداد خمار، نوشته خانم فتنه حاج‌سیدجوادی (پروین)، داستانی است در اندکی بیش از چهارصد صفحه به قطع رقعی که انتشار و انعکاس آن در کمتر از یک‌سال گذشته در محافل کتاب و کتابخوانی و نشر و نقد، رویدادی بی‌سابقه و کم‌نظیر بوده‌است. چاپ اول این اثر در تابستان ۱۳۷۴ از سوی انتشارات البرز در تهران، و چاپ ششم آن در مدت‌زمانی کمتر از یک‌سال در تابستان ۱۳۷۵ از سوی همان ناشر انجام گرفته است و این در زمانی است که صنعت نشر با رکود و نشر رمان با دشواری‌هایی روبه‌روست. این داستان به همه ذائقه‌ها و سلیقه‌ها خوش افتاده است و گروه سنی وسیعی، از نوجوانان ده - دوازده ساله تا پیران فرتوت، حتی از میان کسانی که کمتر کتاب می‌خوانند، خواننده این اثرند. یعنی فی‌المثل افراد سه نسل، از نوه و نتیجه‌ها گرفته تا پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌های بسیاری، در کنار همدیگر این اثر را با شور و هیجان از دست همدیگر رسوده‌اند و خوانده‌اند. سحر بیان و عفاف قلمی نویسنده این امکان را فراهم کرده است که این اثر یک اثر مقبول خانوادگی باشد. نکته قابل توجه دیگر این است که

تراژدی تب‌عشق

بهاءالدین خرمشاهی



فرهنگ بیاموزد اما هنری از این دست نمی‌آموزد. وگرنه همه فارغ‌التحصیلان دانشکده‌های ادبی باید ادیب و نویسنده و شاعر، و فارغ‌التحصیلان دانشکده‌ها و مدارس عالی هنر و هنرستان‌ها باید هنرمند، و فارغ‌التحصیلان دانشکده‌های علوم‌سیاسی باید سیاستمداران برجسته، و فارغ‌التحصیلان دانشکده‌ها و مدارس عالی زبان و

باشد. البته از رمانتیسیسم بی‌بهره نیست اما نه به افراط و نه تا حدی که به دامچاله ساتی‌مانتالیسم بیفتد.

لا بد بعضی از خوانندگان خواهند گفت، یعنی در دلشان به هنگام خواندن این داستان گفته‌اند، که خوب است این کتاب فیلم شود. اما به یک تعبیر این کار به تحصیل حاصل می‌ماند. دیگر سینماتر و

اغلب خوانندگان می‌گویند که کتاب را در یک نشست، یعنی بدون وقفه و اقطاع، خوانده‌اند. به نظر من اگر کسی بامداد خمار را به دست بگیرد و بیست - سی صفحه اول آن را بخواند و فرصت کافی هم داشته باشد و همه کتاب را در یک نشست یا با اندکی تخفیف در دو نشست بخواند - یعنی بتواند که بخواند یا نتواند که بخواند - دچار نوعی غفلت، و

ترجمه باید مترجمان عالی مقداری باشند.
هر که نامخت از گذشت روزگار

هیچ ناموزد ز هیچ آموزگار
مگر می توان این دید تیز و نگاه تازه و طنز
کمرنگ و زندگی نوازی ژرف را که نویسنده باامداد
خمار دارد، از کسی آموزش دید یا به کسی آموزش
داد؟

گاه از گوشه و کنار می شنویم منتقدانی که
فروپاشی جهانی چپ هنوز باعث راست و درست
شدن ذهنشان نشده است و شناختی از جامعه
انسانی ندارند، به این اثر ایراد جامعه شناختی
می گیرند که فی المثل نویسنده شیفته و در یاد و دریغ
جهان از دست رفته فئودال ها و اعیان و اشراف و
طبقات فرادست است و با طبقات فرودست، و
به ویژه، با طبقه شریف کارگر کینه طبقاتی دارد و
امثال این گونه تعبیرات. ان شاء الله پاسخ هایی به این
نحوه انتقادها، پس از بیان خلاصه بسیار کوتاهی از
داستان، در این نقد مطرح خواهد شد.

قهرمان اصلی این داستان دختر یا زنی است به
نام محبوبه که یکی از چهار فرزند (سه دختر و یک
پسر) بصیرالملک، رئیس یک خانواده اعیان و
اشراف، است که مشخصه زندگی آنان رفاه مادی
است (با داشتن یلک و مال و مستغلات و خلم و
حشم و لله و دایه و دده و سورچی و درشکه و آشپز
و کلفت و نوکرهای جورواجور) و دیگر فرهنگ
پیشرفته تر از سطح عادی جامعه (که مشخصه آن
انس با شعر و ادب قدیم، از جمله خمسه نظامی و
دیوان حافظ، و اهل موسیقی بودن است) و اخلاق
و آداب پیشرفته و فرهیخته (با نمونه هایی چون
با احترام حرف زدن، آهسته حرف زدن، کلمات با

تراکت به کار بردن، دروغ و دغل به کار نبردن و غیبت
و نسامی نکردن یا کمتر کردن) و واجبات و
سنت های شرعی را محترم شمردن (نماز خواندن و
اهل نذر و نیاز بودن و به قرآن و دعا و زیارت
حرمت نهادن و رعایت حجاب) و البته مختصری
فلسف ضروری بود (که سایه اش در کتاب هست) و
سرانجام به سر و وضع و ائاثیه و پوشاک و خوراک
اهمیت دادن. زمان وقوع داستان از اوایل روی کار
آغلن و قدرت یابی رضاشاه است تا تقریباً سقوط او
(حدود سال های ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ شمسی). محبوبه
کما بیش تخس است و سر و گوشش، بفهمی -
فهمی، می چنبد؛ البته بی عفتی از او مشاهده نشده اما
در مقایسه با خواهران و همالانش بی پروایی و
کله شقی خاصی دارد. لذا به قول طبقاتی اندیشان به
آرمان های طبقه خودش وفادار نمی ماند و اصلاً
آگاهی طبقاتی ندارد و خواستگاران شازده وارث،
از جمله پسر عموی خوش قدوبالایش منصور، را با
عصیان عاشقانه ای که در او پیدا شده و دل در
گروی مهر جوانی نسبتاً زیارو و شاگرد نجار بسته
است، دست به سر می کند و هشدارهای عقلش را به
خاطر شیدایی های دلش، و نیز نصیحت های پدر و
مادر و خانواده و خواهران را نادیده می گیرد.

پدر و مادر که سرانجام مستأصل می شوند، امید
از او می برند و دل از او می کنند و با دندان قروچه
اجباراً به ازدواج محبوبه و محبوبش، رحیم نجار،
تن درمی دهند و پدر یک دکان نجاری و یک خانه
کوچک هدیه عروس و داماد (و به نام دخترش)
می کند. اما جهیزیه آبرومندی به او نمی دهند و جشن

عروسی شایسته ای نمی گیرند و با قهر و طرد و حتی
نال و نفرین دختر را به خانه بخت که به زودی تبدیل
به سیاه چالی سیه روزی او می شود، می فرستند ولی
شرط محبت را نیز چنانکه گفته شد، به جای می آورند
و حتی ماهانه ای به عنوان مدد معاش برای آنان تعیین
می کنند که دایه مهربان محبوبه هر ماهه آن را با
کوله باری از خیر و خیرچینی های خانواده و نامیل
برای محبوبه می برد ولی پدر و مادر شرط می کنند که
عروس و داماد را هرگز نینند.

نویسنده آمدن خواستگاران اولیه و مراجعه
شدن های اولیه و دل داده را بسیار زنده و زیبا تصویر
می کند. محبوبه دختری است چشم و گوش بسته،
هر چند تخس و مستبد به رأی؛ یکی از نشانه های
چشم و گوش بستگی او این است: از وعده دروغین
رحیم نجار که برای خودمهم سازی می گوید به نظام
خواهد رفت و صاحب منصب خواهد شد، تا
سال ها دلخوش و حتی سرمست است. از روزهای
اولیه زندگی مشترک آن دو در خانه مستقل، آثار
سر خوردگی پیدا و پنهانی در محبوبه ظاهر می گردد
اما دل به گوشه زلف پسرک بسته است و ردیف
صدفوار دندان های او و رگ مردانه گردنش و حتی
بوی چوبی که از زنده و اراه و کاروبار او برمی خیزد.
نزاع عقل و عشق همیشه در درون او هست اما
رفتار بی محابا و لباس پوشیدن نامزدبانه رحیم
شروع می کند به زدن دل محبوبه؛ به ویژه که این گل به
سبزه هم آراسته می شود و داماد عروس را راضی



● آماج انتقاد او

فساد و فساد اخلاق است، نه فقر.
حالا اگر به زعم بعضی فقر مادی
منشأ فقر معنوی و اخلاقی باشد،
این معضلی است که نویسنده درصدد
طرح یا تأمل یا تحلیل آن نیست.

● مدت ها

بود که اثری به این
تیزی و تازگی خمار ذهن
و زبانم را نشکسته بود.

۹۶
سپتامبر ۱۳۹۶

می‌کند (و در واقع زور می‌گوید) که باید مادرش هم، یعنی مادر رحیم، که زبور بنادانداز است، با آنها و در خانه آنها زندگی کند. ظاهر این زندگی مشترک با آنها، کمک رساندن مادر باتجربه به عروس بی‌تجربه است اما باطنش چنان‌که افتد و دانی است و زیور به اصطلاح رئیس کمیسیون سلب آسایش است.

بگو - مگوهایی پیش می‌آید، هم بین عروس و داماد و هم بین عروس و مادر شوهر. مادر شوهر و شوهر دست‌به‌یکدیگر کرده‌اند که هر زوری را در گت عروس نوجوان و مبادی آداب - که حریف بدزبانی‌های آن دو نمی‌شود - فرو کنند.

زمان پیش می‌رود و محبوبه حامله می‌شود و نویسنده شرح و یار کردن‌های او و احوال آبتنی و زایمانش را با هنرمندی کم‌نظیری تصویر می‌کند. سرانجام پسری به دنیا می‌آورد که بین عروس و مادر شوهر بر سر نام‌گذاری او دعوا پیش می‌آید و آخر، مثل همیشه، مادر شوهر پیروز می‌شود و نام پدر داماد را که الماس بوده است، بر نوزاد می‌گذارد. حال آن‌که محبوبه این نام را مناسب کاکاسایه‌ها و لاله‌ها و دده‌ها می‌داند و از آن بیزار است.

رحیم که از عشق و از ادب و آداب‌مندی و آبروداری و محافظه‌کاری و ملاحظه‌کاری محبوبه مطمئن است، از آنها سوءاستفاده می‌کند و رفتار عشق لاتی‌اش را، که طبیعی و ذاتی اوست، هر روز بیشتر بروز می‌دهد. عنان اختیار و ادب و تربیت (کدام ادب و تربیت؟) بچه یکسره با مادر شوهر است که فی‌المثل به او خاک‌بازی و کوچ‌گردی و رفتن سر حوض و از مردم کوچ‌ و در و همسایه خوراکی گرفتن می‌آموزد و می‌گوید مادرش را «نه» صدا کند و محبوبه از این لقب متنفر است و همواره به بچه اصرار می‌کند که او را «خانم جان» صدا کند.

رفتار و گفتار بی‌ادبانه شوهر و مادر شوهر هر روز بیشتر پیش می‌رود تا آنجا که رحیم علاوه بر شراب خوردن و بدمستی، به ناموس دیگران هم نظر بد دارد و بی‌روشی‌های ناگفتنی از او سر می‌زند و هدیه‌های ناقابل مثل گوشواره و انگویی را که خود و مادرش سر عقد به عروس داده بودند، با آبروریزی از او پس می‌گیرد و از نظر مالی هم چشم طمع به ماهانه پدر محبوبه می‌دوزد.

تلخکامی‌های محبوبه و بدلگامی‌های رحیم روزه‌روز بیشتر می‌شود تا آنجا که گاه‌گاه به کتک‌کاری هم می‌کشد و محبوبه با آمیزه‌ای از عشق و نفرت روزگار را می‌گذراند و از ترس آبرو دم بر نمی‌آورد تا حادثه ناگواری پیش می‌آید و الماس پنج - شش ساله یا هفت - هشت ساله بر اثر غفلت و ندانم‌کاری مادر یزرگش، زیور، در حوض خانه همسایه غرق می‌شود و داغی فراموش ناشدنی و تحمل ناکردنی بر دل مادر می‌گذارد. محبوبه بر اثر سرخوردگی‌هایی که هر روز بیشتر می‌شود، مخفیانه به جنوب شهر، نزد زنی که دست‌اندرکار سقط جنین است، می‌رود و بچه دومی را در همان ماه‌های اول حاملگی می‌اندازد و بر اثر این کار برای همیشه

ظاهر داستان شاید عادی و حتی غیر هنری به نظر آید اما چیزی که این داستان به‌ظاهر ساده را به یک اثر خواندنی و ماندنی ادبی تبدیل می‌کند، کیمیای هنر خانم حاج‌سیدجواد است.

هنرمندی نویسنده و هنرمندانی اثر او در چند چیز است که فهرست‌وار برمی‌شمریم:

۱- حسن قصه‌گویی و سحر بیان و صداقت و صمیمیت هنری - اخلاقی.

۲- طبیعی بودن حادثه اصلی و حوادث فرعی این داستان تا به آنجا که حتی یک نمونه از حادثه‌سازی مصنوعی و تکلف‌آمیز در آن مشاهده نمی‌شود.

۳- داشتن دید متفاوت و انسانی.

۴- شیفتگی نسبت به اخلاق و داشتن شهادت اخلاقی که حتی ضعف‌های اخلاقی قهرمان اصلی‌اش را هم از خواننده پنهان نمی‌سازد. فی‌المثل آنجا که قهرمان - راوی نسبت به خواهرانش یا هوریش احساس حسادت می‌کند، با حسن اعتراف زیبایی آن را آشکار می‌سازد، چنان‌که اشاره شد، ضعفی بیش محبوبه را که از تصور رحیم در لباس پر زرق‌وبرق نظامی دلش ضعف می‌رود، بیان می‌کند.

۵- شیفتگی نسبت به فرهنگ و اخلاق. چنان‌که شرارت‌های مردم بی‌فرهنگ را به هیچ نوع توجیه و در واقع پرده‌پوشی و ماسک‌مالی نمی‌کند و به‌جای اجتماع و وضع و موقعیت طبقاتی، خود انسان را مسئول و مختار می‌شناسد.

۶- پرهیز از دادن شعارهای فلسفی و اجتماعی و اخلاقی و نگذاشتن حرف‌های قلمبه و کلمات قصار در دهان قهرمانان.

۷- نیفتادن در دام و دست‌انداز ایدئولوژی‌های مترقی‌نما، به‌ویژه چپ.

۸- سرانجام داشتن نثری شفاف و شیوا و به تعبیری نامرئی، که غرق در انجام وظیفه‌اش یعنی بیان داستان است؛ که کمالش در توصیف‌های تصویری فراوانی در سراسر کتاب جلوه‌گر است.

حال به پاس‌خگویی به آن شبیه می‌پردازیم که بعضی گفته یا نوشته‌اند که نویسنده هر چه خیر و خوبی است، به اعیان و اشراف نسبت می‌دهد و هر چه شر و شرارت است، به طبقه کارگر یا پیشه‌ور یا کاسب‌کار یا فقیر یا فرودست. این تراژدی یک

تراژدی فردگرایانه انسانی است. بالاخره هم شرافت و هم شرارت در هر قشر و طبقه اجتماعی وجود دارد. حالا اگر شرارتی از فی‌المثل یک پیشه‌ور یا کارگر سر زد و در ساختن یک تراژدی سهم بود، آیا نباید آن را گفت؟ نویسنده تعمیم نمی‌دهد و اصولاً طبقاتی‌اندیش نیست، چنان‌که قهرمانش هم از به‌اصطلاح طبقه‌اش فرار می‌کند. همچنین نویسنده - قهرمان داستان با فرودستان، از جمله آشپز و سورچی و لاله و دایه، با همدلی و احترام بسیار رفتار می‌کند، و از آن مهم‌تر، به خانواده هوری مادرش (عصمت خانم و پسرش، هادی و برادرش،

نازا می‌شود. و سرانجام، پس از چندین سال تحمل زجر و شکنجه و اخم‌وتخم و ضرب‌وشتم رحیم، یک روز به جان می‌آید و پس از کتک‌کاری مفصل با مادر شوهرش برای همیشه از خانه شوهر فرار می‌کند و پس از طی ماجراهایی دوباره با دل و سر شکسته به آغوش خانواده مهربان و زودآشتی پدری باز می‌گردد و با برخورداری از نفوذ پدرش زیر گوش رحیم می‌زند و از او در ازای بخشیدن مهریه‌اش و مغایزه نجاری طلاق می‌گیرد. و در تأملاتی که گاهی به او دست می‌دهد، وقتی که نفرت امروزینش از رحیم، به عشق دیروزینش به او می‌چربد، به این نتیجه می‌رسد که غلط کرده است و عجب غلطی کرده است و عشق او به رحیم هوس بوده است، و بس طور عجب لازم ایام شباب است.

در این سال‌ها منصور، پسرعمو و خواستگار قدیمی او، که از سرخوردگی عشق ناکامش به محبوبه، با زنی بسیار نیکوسیرت اما تا حدودی زشت‌صورت ازدواج کرده بوده است، با رضایت این همسرش که از شوهر پاکدل و خوش‌رفتاری چون منصور فقط سایه و اسمش را می‌خواسته است، از محبوبه پربیش‌ان‌روزگار و هنوز زیبا و جذاب خواستگاری می‌کند، و او نیز پس از تردیدهایی می‌پذیرد و دو هرو با رعایت کمال احترام طرف مقابل همزیستی مسالمت‌آمیزی پیش می‌گیرند. و محبوبه نازا عاشقانه در تربیت فرزندان منصور (هم از هوری امروزین و هم از هوری ترزرافته دیروزینش) همکاری می‌کند و سنگ‌تمام می‌گذارد. و سال‌های خوشی را در عین هورداری می‌گذراند و سرانجام درمی‌یابد که مهرش به منصور چیزی جز عشق راستین نیست و عشق دیروزین و شکست‌خورده‌اش به رحیم هوسی عصبیانی بیش نبوده است. سرانجام منصور در میان‌سالگی بر اثر ابتلا به سرطان درمی‌گذرد و محبوبه پس از درگذشت هوریش و به‌عصر رساندن بچه‌های او به نزد برادر کوچکش که حالا رجلی شده است و دختر هوری او را به زنی گرفته است، باز می‌گردد تا دعا - نفرین قبلی پدرش را تحقق بخشد که گفته بود الهی عبرت دیگران شوی، و او مایه عبرت سودابه - که رفتار و شخصیت و حتی قیافه‌اش المثنای عمه‌اش، یعنی محبوبه است - بشود. زیرا سودابه هم مانند عمه‌اش، محبوبه، عاشق جوانی شده است که به اصطلاح کفو (و به قول معروف هم‌کفو) او نیست. و سراسر داستان را محبوبه در اواخر عمرش که در منزل برادرش، منوچهر، و برادرزاده‌اش، سودابه، زندگی می‌کرده است، با ارائه یادگارهای کهنی از صندوقچه ظریف قدیمی‌اش برای سودابه نقل می‌کند، به این امید که شاید مایه عبرت او شود.

این خلاصه قلم‌اندازی از این داستان است با حذف اپیزودهایش و در مقیاس کمتر از یک‌صدم، و طبعاً وقتی این قدر تلخیص شود، جنبه هنری آن ناگفته می‌ماند یا حتی از دست می‌رود و راقم این سطور از این بابت از نویسنده پوزش می‌خواهد. به‌آه‌داد خم‌زار یک تراژدی کامل‌عیار است.

حسن‌خان) که فقیر و بسیار آبرومند هستند، احترام می‌گذارد و حتی پس از فرار از خانه شوهر به خانه آنها پناه می‌برد.

آماج انتقاد او فساد و فساد اخلاق است، نه فقر. حالا اگر، به زعم بعضی، فقر مادی منشأ فقر معنوی و اخلاقی باشد، این معضلی است که نویسنده درصدد طرح یا تأمل یا تحلیل آن نیست.

نکته مهم این است که در عصر وقوع داستان، که دهه اول و دوم قرن چهاردهم شمسی است، جامعه ایرانی دارای تنوع طبقاتی اجتماعی نبود و حتی طبقه متوسط در آن پا نگرفته بود. لذا جامعه قطبی و دو قطبی بود. در رأس هرم اعیان و اشراف و شاهزادگان و درباریان و مستوفیان و خان‌ها و فئودال‌ها و علما قرار داشتند و در قاعده آن عامه که فقیر یا مستضعف بودند. زایش و پیدایش طبقه متوسط در ایران به پنج دهه اخیر مربوط است که رشد صنعت و آموزش و پرورش و نظام اداری و ارتش و پیشرفت سرمایه‌داری و شهرنشینی و رشد بازار باعث پدید آمدن طبقه نوخاسته متوسط گردید که امروزه وسیع‌ترین طبقه اجتماعی شهری ایران است.

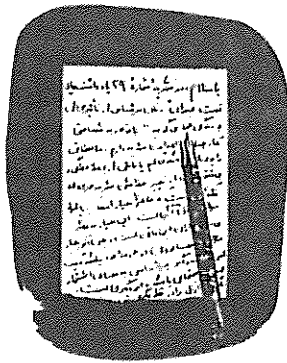
لذا نویسنده الزام و محدودیت داشته است که یک قهرمانش را از میان اعیان و طبقه فرادست برگزیند و قهرمان دیگرش را از طبقه محروم یا مستضعف یا کارگر یا پیشه‌ور یا خرده‌پا، وگرنه اگر این تضاد خاستگاه و پایگاه نبود، اصولاً تراژدی بی‌محور می‌شد و داستان پیش نمی‌رفت. چنان‌که فی‌المثل اگر مجوبه از آغاز خواستگار اولش، یعنی پسر عمویش منصور، را انتخاب می‌کرد، اصولاً اتفاقی و لذا داستانی پیش نمی‌آمد.

از سوی دیگر جز تا حدودی اخلاق و افاده اعیانی که قهرمان اصلی داستان، طبق طرح و تدبیر مورد نظر نویسنده نشان می‌دهد، هرگز خوارداشتی نسبت به فقر یا کار یا کارگر در این داستان مشاهده نمی‌شود. اتفاقاً رحیم بیشتر و پیشتر از آن‌که کارگر باشد، کارگرنماست، تهلش و بی‌عبار و بدون پشتکار و غیرت کار است و دغدغه دنبال کار رفتن و در کار پیش رفتن را مجوبه به او تزریق می‌کند، که البته دم گرمش در آهن سرد این جوان بی‌عبار و بی‌آرمان اثر نمی‌کند.

به‌جای آن‌که رحیم نجار و شاگرد نجار باشد، اگر فرضاً رعیت یا کشاورز بود یا اگر فرضاً حتی

بیکار ولی دارای ثروت پدری بود یا حتی اگر صریحاً لَمَنَن و کلاهبردار پولدارنما یا زیگولو بود هم فرقی در اساس داستان ایجاد نمی‌کرد.

سخن آخر این‌که پیام اصلی این داستان این نیست که طبقه اعیان و اشراف از طبقه شریف کارگر بهتر است بلکه این است که مهر و مهربانی عاقلانه و سنجیده بر عشق هوس‌آلود که تب تندیش بیش نیست، رجحان دارد. البته در تراژدی هنری ضرورت ندارد که دنبال پیام(های) اخلاقی بگردیم. ■



هر چه از دوست رسد...

کشور و فروش بیشتر و پارگیری بیشتر از جناح‌های لاییک می‌باشد. این کار از نشریه‌ای که ادعای اسلامی بودن و بیان خواسته‌های تمام زنان جامعه را دارد، انحرافی محسوب می‌شود که قصد دارد مسائل و دیدگاه‌های عده‌ای از زنان را به‌عنوان اکثریت جامعه مطرح کند. هرچند این امر به مذاق گرایش‌های لاییک و خارج‌نشینان خوش می‌آید اما مطمئناً این انحراف باعث خواهد شد که پایگاه خود را در میان خوانندگان زن مسلمان که اکثریت جامعه را تشکیل می‌دهند، از دست بدهد.

● مجله زنان:

دوست عزیز، از این‌که فرصت خود را به اظهارنظر درباره محتوا و کیفیت کار مجله «زنان» اختصاص داده‌اید، ممنون و مسروریم. از آنجا که به‌نظر می‌رسد ابهاماتی در زمینه اهداف و عملکرد «زنان» دارید و احتمالاً دوستان دیگری نیز این سؤالات را در ذهن دارند، چند نکته را به‌عنوان توضیح خدمتان عرض می‌کنیم.

نکته نخست را درست دریافته‌اید: معیار انتخاب افراد سرشناس بودن آنهاست؛ چرا که خواسته‌ایم علی‌رغم بعضی شایعات که مجله «زنان» را معاند با مردان قلمداد می‌کند، تأثیر آنان را در زندگی زنانی که به نوعی تاریخ‌ساز و، به‌تبع آن، سرشناس هستند، نشان دهیم و به این وسیله از مردان هم‌راهِ آنان قدردانی کنیم. بنابراین، سرشناس بودن زنان می‌تواند هم حرفه‌ای باشد و هم عمومی. و این‌که بعضی خوانندگان تصور می‌کنند که عمدتاً صیغه ادبی و هنری در انتخاب زنان مؤثر بوده و دیگر رشته‌ها به‌دست فراموشی سپرده شده، هم حق است و هم نیست؛ حق است چون خوانندگانی چون شما فقط آنها را می‌بینند که پاسخ‌نظرخواهی ما را داده‌اند و نمی‌دانند پاسخ‌نظرخواهی ما برای آنها پرسشنامه پست یا فکس کردیم و یا برایشان پیام گذاشتیم که با ما تماس بگیرند، فقط ۴۵ نفر، یعنی نیمی از افراد، پاسخ ما را دادند و از قضا نویسندگان و هنرمندان، که معمولاً بیش از سایرین حال‌وهوای نوشتن دارند، بیشترین استقبال را از پرسش ما کردند.

در اینجا از شما خواننده عزیز هم می‌خواهیم که ملاک اشتها افراد را صرف شناخت خود از آنان قرار ندهید؛ چنان‌که اتفاقاً افرادی که نام آنها را به‌عنوان مثال‌هایی برای عدم اشتها پاسخ دهندگان ذکر کرده‌اید، همگی زنان مشهور این جامعه‌اند اما از آنجا که تاریخ هم در به‌یاد نگه

امضا محفوظ



با سلام، در نشریه شماره ۲۹ یادداشت‌هایی تحت عنوان «زنان سرشناس از تأثیر مردان بر زندگی خود می‌گویند» - با توجه به شناختی که از جنابعالی و اهداف نشریه دارم - ملاحظاتی را برمی‌انگیزد که فکر می‌کنم یا ناشی از بی‌ملاحظگی و بی‌دقتی بوده و یا از تغییر خطمشی نشریه خبر می‌دهد.

نکته نخست آن است که ظاهراً معیار انتخاب افراد سرشناس بودن آنها بوده است. این معیار به‌نظر می‌رسد که دارای ابهاماتی است؛ یعنی اگر معیار سرشناسی معروف بودن در حرفه خود باشد، یک امر است و اگر سرشناسی به معنای اشتهار عمومی و اجتماعی باشد، امر دیگری است. اگر معیار اول را در نظر بگیریم، به‌نظر می‌رسد عمدتاً صیغه ادبی و هنری در انتخاب افراد تأثیر داشته و رشته‌های اجتماعی و علمی دیگر به‌دست فراموشی سپرده شده است. این شکل از انتخاب الگوسازی‌های کاذب را مطرح می‌سازد (بسیاری از نشریاتی که سابقه آنها را می‌دانیم و به‌صورت مافیایی عمل می‌کردند، افرادی را به اشتهار می‌رسانند که عمدتاً چهره‌های غیرمذهبی جامعه محسوب می‌شدند). اما اگر معیار سرشناسی را اشتهار اجتماعی بدانیم، برخی از این افراد (هرچند ممکن است در رشته خود متبحر باشند) اشتهار چندانی ندارند. فی‌المثل خانم ثمیلا امیرابراهیمی، منصوره حسینی، فرشته طائرپور، بهجت صدر، کتایون مزدپور، بیتا وحدتی و... بنابراین ملاک انتخاب چندان روشن نیست.

نکته دوم این است که به‌نظر می‌رسد در نوع انتخاب افراد مورد پرسش نوعی خط و گزینش خاص وجود دارد که نشان از تغییر خطمشی آن نشریه دارد. اکثریت زنانی که انتخاب شده‌اند، عمدتاً لاییک هستند و از چهره‌های مذهبی و شاخصی که امروز هم موفقیت علمی دارند و هم به لحاظ موقعیت اجتماعی دارای اشتهار هستند، عده بسیار کمی مورد سؤال واقع شده‌اند. نمایندگان زن مجلس شورای اسلامی، برخی از معاونان و مشاوران وزراء، مشاوران رئیس‌جمهور و قوه قضاییه در امور زنان، زنان مجتهد و مدرّس علوم دینی و... از جمله این افراد هستند. اگر این نوع گزینش را ناشی از بی‌توجهی و بی‌دقتی ندانیم - که در آن صورت صلاحیت کاری شما را زیر سؤال می‌برد - به‌نظر می‌رسد شیوه جدید شما عمدتاً برای جذب بیشتر مشتری و مشترکین در داخل و خارج از

داشتن نام زنان عادلانه عمل نمی‌کند، نام اینها از نظر بعضی چون شما پنهان مانده است.

با خواندن نکته دوم شما راستش احساس مظلومیت کردیم؛ یعنی پاسخ ندادن بعضی افراد موجب شده که ما، به ناحق، متهم به گرایش به تفکر و افراد خاصی بشویم. ما از هر حوزه‌ای چند نفر را انتخاب کردیم تا بتوانیم در همه حوزه‌ها نظر زنان فعال در آن حیطه را در مجموعه خود داشته باشیم. بنابراین، از حوزه‌هایی هم که شما نام برده‌اید، مدعوینی داشته‌ایم اما مدعوینی گاه کم‌لطف! و روا نیست که گناه این کم‌عنایتی پای ما گذارده شود.

و نکته آخر این که کارنامه «زنان» از آغاز انتشار تاکنون نشان داده که از هیچ جناح و تفکر خاصی یارگیری نمی‌کند و اساساً معتقد به ایجاد ارتباط سالم‌آمیز و گشودن عرصه‌ای برای تبادل آرای مختلف و حتی انعکاس انتقادات شدیدالحد علیه خویش است. از سوی دیگر مسائل را از آن لحاظ که به زن مربوط می‌شود، مطرح می‌کند؛ حال اگر جناح‌ها و صاحبان دیدگاه‌های خاصی کم‌کار و کم‌تحرکنند، باز این گناه ما نیست. البته عافیت‌طلبانه‌تر و آسان‌تر این است که نام همگی این عزیزان را برای خوشایند و اطمینان خاطر همه گروه‌های فکری اعلام کنیم اما شاید این شرط اخلاقی و امانت نباشد. از این رو، از این کار حذر می‌کنیم. امیدوارم شما و سایر دوستان نیز از زدن بر چسب انحراف بر مجله خودتان بپرهیزید.



محمد قاسم زاده

... موضوعی که شما در دو شماره با مردان و زنان مشهور مطرح کرده بودید، مرا وادار کرد تا چند سطر برایتان بنویسم. راستش در ابتدا، وقتی جواب آقایان را خواندم، که در پاسخ شما از زنان مؤثر در زندگی‌شان گفته بودند، تا حدی دچار یأس شدم. دیدم زیاد چنگی به دل نمی‌زند. از کنارش گذشتم. اما بعد که خانم‌ها هم به این سؤال جواب دادند و مردان مؤثر در زندگی‌شان را مطرح کردند، مصمم شدم سطروری درباره آن بنویسم.

سؤال به‌گونه‌ای آزمایش بود. در واقع پس از بررسی چند و چون کار شما و جواب‌های آمده و علت جواب ندادن‌های برخی دیگر به‌نظر می‌رسد جواب واقعی را آنهایی دادند که جواب را فرستادند. البته شاید بهتر باشد که پیش از هر چیز آن دو سطر آغازین جواب خانم دانشور را نقل کنم: «آدمیزاد به درخت می‌ماند. درخت محصول خاکی است که در آن رسته است. مروهون آب و هوا و آفتاب است و همچنین باغبانی که می‌آرایدش و می‌پیرایدش.» پس با بررسی این پاسخ‌ها، اینچنین دست و دل لرزیدن‌ها در پاسخ به عادی‌ترین سؤال زندگی، کدام را باید مقصر دانست: پاسخگو را، آب و هوا و آفتاب را، باغبان را یا همه را؟ چگونه است که به سؤال شما تنها بیست

درصد مردان و پنجاه و پنج درصد زنان پاسخ می‌گویند. بماند که در پاسخ‌ها جای پرسش‌های جدی است. کدام دلایل و مصلحتی یک شخصیت خوش‌نام و شناخته شده را وادار می‌کند که از ذکر نام بعضی زنان خودداری کند. چگونه است که تا پرسشی از پس پرده زندگی‌شان مطرح می‌شود، ناگهان یکه می‌خوریم، پاپس می‌گذاریم و پرسش را بی‌پاسخ پس می‌فرستیم یا در پاسخ‌ها به چند جمله محدود و کلیشه‌ای بسنده می‌کنیم؟ می‌توان از دو طرف پرسید که آیا زن یا مردی در زندگی شما مؤثر نبوده که زن یا مادر پدر یا شوهرتان نباشد؟ چگونه است که هرگاه از زن یا مردی، جز آنها که پیوند سببی یا نسبی دارند، سخن می‌گوییم، اول از همه ظن بر نوع روابطی می‌رود؟ آیا واقعاً آن قدر سست و ناسالمیم که بلافاصله ذهنمان بدان سو کشیده می‌شود؟ بر پایه این نوع برخورد و تفکر است که برخی از خانم‌ها و آقایان به سؤال‌هایی از این دست پاسخ نمی‌گویند و باید در این مسئله تأمل کرد.

جنبه دیگر این که تخصصی دو طرف تنوع دارد؛ به‌ویژه در میان مردان. هر چند تعداد آنها از زنان کم‌تر است.

من در اینجا بیشتر به پاسخ‌های زنان می‌پردازم. از میان چهل و چهار زنی که پاسخ گفته‌اند، هشت تن استاد دانشگاه و شش نفر نقاش و بازیگران سینما و تئاتر نیز با همین تعداد بیشتر از سایرینند. در این میان بیست و یک نفر جواب داده‌اند که مرد مؤثر زندگی‌شان پدرشان بوده و تقریباً به همین تعداد از شوهرشان نام برده‌اند. این مسئله فی‌نفسه نه قابل انکار است و نه اثبات‌شدنی. ممکن است پدری زندگی فرزندش را آگاهانه یا ناآگاهانه به‌کلی دگرگون کند و تأثیری جدی در زندگی‌اش داشته باشد. یا به همین قیاس شوهر نیز - اما وقتی به زندگی، حرفه و فعالیت اجتماعی این خانم‌های سرشناس دقیق می‌شویم، جز معدودی چندان ردپایی از پدر یا شوهر در آن نمی‌بینیم.

جواب‌های خانم قشنگ کامسکار و اعظم طالقانی آن قدر قابل قبول است که جواب‌های دیگر شک‌برانگیز. پدری موسیقی‌دان نهمین دختر که پسرانش را نیز از عشق و شور خود پر می‌کند و هم‌اکنون با هنر پدرآمخته شهرت دارند. یا مرحوم طالقانی نهمین دختر که بقیه فرزندانش را نیز با خود به راه سیاست کشاند. اما وقتی علت تأثیر یا نوع آن را بر زندگی بسیاری دیگر بررسی می‌کنیم، عمده‌تاً اشاره می‌کنند که پدری مهربان بود و دختر دوست و این‌که به ما اجازه دادند درس بخوانیم. آیا معنای تأثیر این است؟ در این میان بعضی جواب‌ها را به‌عنوان نمونه می‌توان مورد توجه بیشتری قرار داد. راستی آیا هیچ استادی یا مربی مذکری نبوده که هنوز، با وجود تحصیل در ایران و آمریکا و سال‌ها تدریس، فضای زندگی اجتماعی و علمی مثلاً یک زن جامعه‌شناس زیر تأثیر پدر باشد؟ من، به‌شخصه، جواب خانم منصوره حسینی،

ققاش مشهور، را شجاعانه می‌دانم که از پروفیسور لئونلو وتوری، منتقد و هنرشناس شهره ایتالیایی، نام می‌برد؛ استادی که حتی در برخورد اول با سردی و خشونت نقاشی‌های او را پنجاه - شصت سالی عقب‌مانده و کهنه می‌داند.

جواب دیگری که مورد توجه قرار گرفته، از آن خانم دانشور است که از دو جنبه قابل تأمل است. اول این که نام ایشان همواره در کنار آل‌احمد قرار گرفته و با توجه به گستره شهرت آل‌احمد بسیاری تصور می‌کردند و می‌کنند که هنر و اندیشه خانم دانشور ساخته آموزه‌های آل‌احمد یا متأثر از اوست. اما خانم دانشور به‌حق می‌گوید: «بیباید یکبار، برای همیشه، به این همه وابستگی زنان به مردان پایان بدهیم. هر تأثیری متقابل است. در هر تأثیر و تأثری بده و بستان فکری و عاطفی مطرح است که می‌تواند موجب چرخش یافته‌ها یا تغییر ارتعاشات روانی در هر دو طرف باشد.» اما سوازی تأثیر و تأثر خانم دانشور و آل‌احمد باید گفت که بیشتر تأثیر خانم فاطمه سیاح تعیین‌کننده مسیر بعدی ایشان است تا دیگران. کسانی که در دانشکده ادبیات درس خوانده‌اند، با تعمق در زندگی خانم دانشور بهتر پی می‌برند که اگر خانم فاطمه سیاح نبود، استادان دیگر ایشان از او محقق می‌ساختند که امروز به تصحیح متون یا به تحقیق و تبیع و شرح آن متون می‌پرداخت؛ محققانی که از اصطلاح «زیبایی‌شناسی» مثل «بمب» می‌ترسند.

جواب خانم فرزانه طاهری، مترجم و همسر آقای هوشنگ گلشیری، نیز قابل تأمل است. ایشان نیز قسمت اعظم پاسخ را به تأثیر استادی اختصاص داده‌اند که در سال‌های پنجاه، در دانشگاه تهران، نقشی جدی در توجه دانشجویان به ادبیات جدید، به‌ویژه ادبیات پس از جنگ دوم جهانی، داشت. پس از آن به تأثیر همسرش، هوشنگ گلشیری، در حجمی تا حدی قابل توجه، اندک‌تر از آنچه به استاد اختصاص داده، می‌پردازد. هر چند خانم طاهری هم آنجا که از تأثیر پدر می‌گوید، چیزی فراتر از پدری معمولی را نشان نمی‌دهد.

مطلب مورد توجه در این پاسخ‌ها، به جز معدودی که به چند مورد آن نیز اشاره شد، این است: کدام مرد بر من سلطه داشت؟ آنچه این خانم‌های سرشناس مطرح می‌کنند، تأثیر نیست، سلطه است و این بیانگر آن است که حتی زنان سرشناس که تعداد قابل ملاحظه‌ای از زنان فرهیخته و نامدار ما را نیز تشکیل می‌دهند، گرچه ممکن است از سلطه مردی نجات پیدا کرده باشند اما هنوز فرهنگ مردسالار بر ذهنشان سنگینی می‌کند و تا زنان ما خود را از این سلطه خلاص نکنند، نمی‌توان از آنها جرأت و جسارت خلق آثار شایسته و بایسته در زمینه‌های گوناگون تخصصی‌شان را داشت. بیاید به‌قول خانم دانشور: «یکبار، برای همیشه، به این همه وابستگی زنان به مردان پایان بدهیم.»



در کلاس ایراندخت

آشپزی ایرانی، فرنگی، چینی، شیرینیهای خشک و تر، تزئین کیک و شکلات سازی و نانهای فانتزی را بیاموزید.

☎ تلفن: ۸۷۹۹۴۶-۸۷۸۷۴۴۹

تدریس خصوصی زبان در کلیه پایه های تحصیلی با قیمت مناسب ترجمه متون مختلف انگلیسی

تلفن: ۵۳۱۳۴۶۳

زمان تماس بعد از ظهرها ۵ الی ۹

مرکز زیبایی آیامه

سرکلر و کلیه خدمات آرایشی زیر نظر مجربترین متخصصین

تلفن ۷۰۴۱۳۴

آرایش دائمی با نازلترین قیمت

با فرمزه پذیرفته می شود

تلفن ۸۰۸۲۶۳۶

لاغری

به وسیله دستگاههای حرارتی و ماساژی در کوتاهترین مدت به ساینز ایده آل خود برسید.

«کلیه خدمات پوستی»

۶۳۰۸۱۰

ستاره عقد را در باغچه طبیعی ببینید هزینه اندک برای آقای داماد، زیبا و به یاد ماندنی برای عروس خانم، برای کارمندان محترم بانک به ویژه بانک سبک تخفیف ویژه داده خواهد شد.

تماس از ۱۰ صبح تا ۷ بعد از ظهر

۷۶۰۳۴۶

مرکز بین المللی هنر زیبایی و گریم ایران

آموزش گریم و گریم سه بعدی و کرم سازی گیاهی و پیشرفته

ماسک، تونیک، لوسیون، مایک، پودرهای آرایشی، ریمل، صابون، شامپو، رنگ موی گیاهی، تقویت موی سر، گیاهان دارویی، طب سنتی و زیبایی سنتی، آشنایی با کاربرد گیاهان دارویی در فرمزه - فرمو - رفع التهابات پوستی بعد از لیزر و آشنایی با خطرات ناشی از کاربرد مواد آرایشی - رنگ آمیزی و روانشناسی رنگها و روانشناسی پوشش.

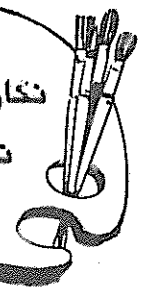
تلفن: ۲۲۳۳۳۰۰

آموزش حضوری و آنلاین

صندوق پستی: ۱۹۳۹۵/۴۴۲۸

موسسه گیاهان دارویی بهبود

نگارخانه نقش



آموزش طراحی و نقاشی و تجسمی

زیر نظر استاد با تجربه (خانم)

با تحصیلات دانشگاهی در ایران و انگلیس

برای خانمها و دخترخانمها و کودکان

قائم مقام فراهانی - ۸۸۴۵۹۶۵

کلینیک تخصصی بهداشتی روانی

درمان اضطراب، وسواس، افسردگی، افکار مزاحم، ترس از امتحان و ... مشاوره خانوادگی، روان درمانی، تست هوش، درمان ناسازگاری کودکان و نوجوانان و سایر اختلالات گفتاری تشکیل کلاسهای اعتماد به نفس و مقابله با استرسهای زندگی

تماس از ۹ صبح الی ۸ شب

تلفن ۷۴۲۵۷۵۵ - ۷۲۸۵۶۹

فرید فیلم

فیلمبرداری و عکسبرداری از مجالس

تبدیل آلبوم عکس به فیلم - آموزش

عکاسی و فیلمبرداری

تلفن - ۸۲۷۳۶۶۷



برج مینو: اتفاق بالای برج؛ منصور موسی را که برای خواستگاری بالا آمده است، آشپخ خطاب می‌کند و موسی، به اشتباه، عاشق می‌شود... زمان می‌گذرد؛ زمانی فراتر از دقایق و لحظات. این بار منصور موسی را عاشق صدا می‌کند و موسی آشپخ می‌شود... موسی هم عاشق است و هم آشپخ... و ترکیب این دو کلمه بیش از هر کس، و حتی بیش از موسی، بر قامت فیلمسازی اندازه است که از سوی تعهدش او را در پرداخت به مایه دفاع مقدس، به‌عنوان مهم‌ترین حائنه پس از انقلاب، مصرّ نگاه می‌دارد و از سوی دیگر عشقش به هر آنچه که به نوعی با جنگ در ارتباط بوده است، او را از در جا زدن تکراری در جبهه‌ها می‌رهاند و به سمت و سوی کشف نقاط کور جنگ می‌کشاند. به‌خصوص موهبت اکران همزمان دو فیلم از این فیلمساز کافی است تا این شناخت کامل شود و این گفته به سمت قله انبیا پیش رود. چنان‌که برج مینو و بوی پیراهن یوسف با تأکیدهای خاص کارگردان، همچون استفاده از بازیگرانی یکسان، به‌نوعی دنباله یکدیگر محسوب می‌شوند؛ و چه‌بسا حتی بتوانیم امتداد شیرین بوی پیراهن یوسف را در مینوی برج مینو بباییم که برای کشف خفیات برادرش تا منطقه‌های جنگی و متروکه پیش می‌رود. با تمام تفاوتی که این دو اثر از جهت فرم یا یکدیگر دارند، این امتداد معنایی و وحدت تماتیک می‌تواند در شناخت دقیق‌تر سینمای حاتمی‌کیا، و به‌تبع آن، پیشبرد این بحث مؤثر باشد.

اما از این مقدمات اجتناب‌ناپذیر که بگذریم، کلام اول برای گشودن سرفصل دشوار این بحث چه می‌تواند باشد؟ تصور می‌کنم بهترین پاسخ، اشاره‌ای است به ساختار مورد علاقه حاتمی‌کیا و قالب ملودرام، که برخلاف گفته برخی، آن را نهنها ناشی از نیاز به تطبیع تهیه‌کننده نمی‌دانم بلکه برگرفته از رقت قلبی می‌دانم که توجیه‌گرش همان صفت آشپخ عاشق است، برای فیلمسازی که در عین تعهد می‌خواهد اوج و فرودهای احساسی اثرش را پر رنگ کند و شکل مطمئن‌تری از ارتباط با تماشاگر را، پیشاپیش، تخمین زند. درست در همین نقطه و در تلاقی ملودرام با مایه جنگ است که بحث اصلی مجال نمود می‌یابد؛ آنجا که قرار است ملودرام به نمایش درآید، چه عاملی مؤثرتر از زن که با عواطف و ویژگی‌های احساسی‌اش می‌تواند متضمن اوج و فرودهای چنین ساختاری باشد؟ در فیلم‌های پیشین حاتمی‌کیا و مخصوصاً در لژ کرخه تا اولین کشف این نکته ساده‌تر می‌نماید، تا آنجا که حتی، به بیانی عامیانه‌تر، همه‌چیز پیشاپیش لو می‌رود. اما در دو فیلم اخیر مورد بحث این روند زیرکانه‌تر طی می‌شود، تا آنجا که ممکن است در تحلیل نقش زن کج‌راهه رویم. در برج مینو همه‌چیز مهبیاست تا مینو را منطبق با قواعد دراماتیک فرمان به‌عنوان پیش‌برنده داستان بباییم و

در بوی پیراهن یوسف شیرین را شخصیت اصلی تصور کنیم؛ درحالی‌که در هر دو اثر، همچنان، جنگ است که داستان را پیش می‌برد و محور اصلی محسوب می‌شود. در واقع تمام اجزا کنار هم نهاده می‌شوند تا زاویه‌های دیگر برای نگریستن به‌جنگ شکل گیرد. زنان هر دو اثر جایشان را در هندسه روابط فیلم نمی‌یابند، مگر در پیوند با مردانی که زمانی رزمنده بوده‌اند. پس، قبل از هر چیزی، کشف چگونگی ارتباط زنان آثار حاتمی‌کیا با مردان جبهه رفته می‌تواند گره معمای این بحث را بگشاید.

۲

پلاک هویت، دوربین فیلمبرداری یا عکاسی مزاحم و دست‌یابگیر، نوار کاست برای بیان احساس و عناصر دیگری از این دست، نشانه‌های ثابت آثار حاتمی‌کیا هستند که کشفشان برای تماشاگر بی‌گیر آثار او می‌تواند جذاب باشد. در ادامه همین سیاهه است که می‌توانیم پای ثابت دیگری کشف کنیم: رابطه خواهر و برادری؛ رابطه‌ای که نمونه پرداخت شده‌اش در سینمای پس از انقلاب، به‌جز در آثار حاتمی‌کیا - و یک نمونه استثنا به نام پری - کمتر یافت می‌شود. حتی مثال‌های پیش از انقلاب چنین رابطه‌ای در فیلم‌ها، با استناد به فیلم قیصر، تنها در حد خواهری نمایانه می‌شود که حس غیرت برادرش را، به‌عنوان تمهیدی داستانی، قفلک می‌دهد. حال آن‌که همین رابطه به‌ظاهر ساده، مجرای اصلی حضور زنان در دایره داستان‌های آثار حاتمی‌کیاست.

در واقع، در دو اثر مورد بحث تنها به‌واسطه همین رابطه است که مینو و شیرین با جنگ ارتباط پیدا می‌کنند. نگاه کنیم که این شکل حضور زن در سینمای جنگ چه‌قدر با فیلم‌های جنگی دیگر ایرانی متفاوت است؛ فیلم‌های جنگی دهه شصت و ابتدای دهه هفتاد مملو از مادران و همسرانی است که پسران و شوهران خود را در جنگ از دست داده‌اند و یا چشم خود را به انتظار وصله درها کرده‌اند. این درحالی است که حاتمی‌کیا نه تنها زنان این دو اثرش را از میان مادران و همسران داغ‌نیده، به‌عنوان سراسرترین شکل پیوند زن با جنگ، نمی‌یابد بلکه حتی از کنارشان به سرعت می‌گذرد؛ توجه کنیم که در برج مینو مادر مینو و منصور، به‌عنوان مادر شهید، بیش از آن‌که دغدغه پسر شهیدش را داشته باشد، در فکر خوشبختی کلیشه‌ای مینوست و به نصب تصویر منصور در اتاق خواب اعتراض می‌کند. در بوی پیراهن یوسف نیز اصلاً مادری در کار نیست؛ صدیقه مادرش را از دست داده است و درباره مادر یوسف و خسرو نیز توضیحی داده نمی‌شود. حتی زن به‌عنوان همسر رزمنده نیز در میان این دو اثر جایی ندارد؛ صدیقه همان ابتدا میدان را خالی می‌کند و می‌رود و نسرین هرچند این عنوان را یدک می‌کشد اما در لایه‌های فرعی اثر قرار می‌گیرد، و بالاخره مینو

بیش از آن‌که نقشی همسر یک رزمنده را بازی کند، خواهر یک شهید است. با این توضیحات، درمی‌یابیم که چگونه رابطه خواهر و برادر اعتباری خاص در فیلم‌های اخیر حاتمی‌کیا می‌یابد. پس، برای بررسی جایگاه زنان این دو فیلم، بررسی چنین رابطه‌ای می‌تواند راهگشا باشد.

در حرکتی خلاف جهت تاریخ، کهن‌نمونه رابطه خواهر و برادر را در رابطه اقلیما و قاپیل می‌یابیم. اقلیما در واقع هم خواهر قاپیل است و هم محبوب او. او، در مقام نخستین خواهر اسطوره‌ای، عشق و پیوند خونی را توأم آن دارد؛ عشقی که به فاجعه مرگ هابیل می‌انجامد... نمی‌گویم که چنین رابطه‌ای به شکل مستقیم در ذهنیت فیلمساز اثر گذاشته و به شخصیت‌هایش منتقل شده است؛ حرف تنها بر سر تأثیری ناخودآگاه از چنین کهن‌نمونه‌ای است که شکل تحریف و تعدیل شده آن در رابطه شیرین و مینو رخ می‌نمایاند و ارتباط این دو شخصیت را با برادرانشان چیزی فراتر از یک پیوند ساده خونی، که همراه با نوعی ارتباط مرید و مرادگونه و سرسپاری و شیفتگی معنوی نمایش می‌دهد. در برج مینو فیلمساز با حذف تمام آدم‌های فرعی، توجهش را یک‌سره معطوف به رابطه‌ای مثلثی می‌کند. هرچند یک رأس این مثلث در زمان حال فیلم غایب است و تنها در فلاش‌بک‌ها نمایانده می‌شود اما با تکیه بر ساختار پیچیده داستان، همین رأس غایب، محکم‌ترین اضلاع را با دو رأس دیگر پدید می‌آورد و در واقع متزلزل‌ترین ضلع میان مینو و موسی شکل می‌گیرد. در تطبیق با گفته‌های پیشین درمی‌یابیم که چگونه مینو در ذهن از برادرش، منصور، ابرمردی ساخته است که برای شناختش حتی به ازدواجی اجباری تن می‌دهد. ابرمردی که فیلمساز نیز او را فراتر از یک شخصیت زمینی صرف می‌نمایاند. نگاه کنیم به تمهید تصویری شهادت منصور و این‌که او چگونه به‌جای پایین افتادن، رو به نور، بالا می‌رود. به‌واسطه چنین برادری است که پای مینو به فیلمی جنگی باز می‌شود و با پیش رفتن داستان و بازگویی کاپوس‌ها و خاطرات موسی، مینو می‌پذیرد که تصویر همسر و برادرش را برهم منطبق کند. در پایان برای نخستین‌بار اتفاق بالای برج را بدون حضور منصور می‌بینیم؛ گویی منصور و موسی یکی شده‌اند و حالا است که مینو می‌تواند عشق و احساس پیوستگی غریبش را نثار موسی کند و، در هماهنگی نوظهوری، کاسه شیر را بردارد و تخته‌ها را، همچون عملی آیینی، دانه‌دانه از جای درآورد.

در بوی پیراهن یوسف نیز اگر شیرین با جنگ ارتباط می‌یابد، تنها به‌واسطه برادری مفقودالآثر است. در نگاهی گذرا به آدم‌های فرعی‌تر اثر نیز عمیق‌ترین رابطه زنان با جنگ را در قالب رابطه خواهر با برادر می‌یابیم؛ آنجا که نسرین را در انتظار یوسف می‌بینیم و یا از میان تمام اعضای خانواده، خواهر اکبر - اسیر بازآمده - را می‌بینیم که

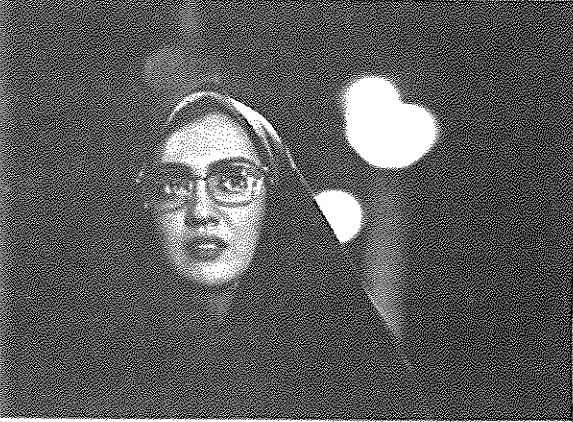
سرگشته و سرخوش برای دیدار برادرش هروله می‌کند. در تقابل این سه نفر، نگاه کنیم که چگونه زنان دیگر اثر کم‌رنگ می‌شوند. بارزترین این زنان صدیقه است که به‌عنوان یکی از قربانیان و ایثارگران دفاع مقدس، بالقوه، می‌تواند حامل داستان دیگری باشد اما با پس‌زمینه یک ازدواج غیابی و طنزآلود، به‌زودی، از داستان بیرون رانده می‌شود و با گفتن این‌که «من هم به معجزه ایمان دارم ولی به اندازه خودم»، رابطه‌اش را با یوسف و در نتیجه جنگ قطع می‌کند و، با توجه به تحلیل‌های نخستین، در فیلم حاتم‌کیا جای نمی‌یابد. در عوض شیرین از راه می‌رسد و جای خالی او را پر می‌کند. در نگاه فیلمساز پیوندی عمیق‌تر و ناگسستی‌تر از رابطه خواهر و برادر وجود ندارد؛ چنان‌که شیرین تا انتها پیش می‌آید و حتی آنجا که در پی گسستن پیوندهاست، با تمهیدی داستانی بازمی‌گردد. بد نیست همین‌جا به نام شیرین و برادرش، خسرو، اشاره کنیم و با استناد به کهن‌نمونه اقلیم، اشاره تلمیحی کنار هم نهادن این دو اسم را کشف نماییم. در این فیلم نیز، همچون بوج میتو، خسرو فراتر از یک انسان زمینی بلکه رزمنده و ارستهای نمایش داده می‌شود که سایه‌اش را بر زندگی شیرین افکنده است؛ مضافاً بر این‌که او تنها بازمانده و یادگار دنیای باصالتی است که حالا خاک گرفته است و مش‌غلام‌هایش جایشان را به مردان پرخاشجویی چون برزو داده‌اند. با این‌همه و با سابقه ذهنی تماشاگران از آثار حاتم‌کیا، همه به انتظار پایانی خوش می‌نشینند؛ در پایان، اما، به‌جای خسرو یوسف بازمی‌گردد. یوسف و خسرو، به‌عنوان دغدغه‌های ذهنی دو شخصیت اصلی، بارها در طول فیلم با یکدیگر تلاقی کرده‌اند. پس در انتها ساده است که آن دو را در روح در یک قالب تصور کنیم. در راستای چنین تحلیلی است که می‌توانیم پیشگویی کنیم شیرین جای صدیقه خواهد نشست و قایلی برادر و قایلی عاشق، هر دو، یکی خواهند شد.

۳

میتو، در میان دشتی آتشین، گویی آسمان با همه ستاره‌هایش به زمین آمده باشد، ناگهان گر می‌گیرد و فریاد می‌کشد. شیرین، در تمایی قرینه و مشابه، داخل تونل، در خلایبی بی‌انتها و تاریک، نام برادرش را با صدای بلند می‌خواند و بعد در حرکتی زارمانند التماسات درونی خود را می‌نماید و... با این‌همه و با وجود بروز لحظاتی از این دست در هر دو فیلم، نه میتو و نه شیرین، هیچ‌یک، زنان پیچیدگی نیستند؛ چنان‌که از زنان اصلی فیلم‌های فمینیستی یا شبه فمینیستی انتظار می‌رود. واقعیت اینجاست که زن و مشکلات روانی و اجتماعی او دغدغه ذهنی حاتم‌کیا نیست؛ به‌همین علت هم در هر دو اثر زنان فارغ از مشکلات اقتصادی و، به‌تبع آن، اجتماعی نمایانده شده‌اند. از سوی دیگر، هم میتو و هم شیرین، در مقام خواهر، راه را بر

بروز پیچیدگی‌ها و مشکلات شخصی یک همسر بر پرده سینما می‌بندند؛ میتو هم، چنان‌که گفته شد، بیشتر خواهر منصور است تا همسر موسی. پس همین‌جا درمی‌یابیم که زن در قالب خواهر می‌تواند چه دستمایه مناسبی برای حاتم‌کیا باشد؛ چرا که در این رابطه زن در عین پیوند با جنگ از طریق برادرش، پای مشکلات و مسائل شخصی و خصوصی خود را - همچون معضل تسرین در لایه‌های فرعی‌تر - به فیلم باز نمی‌کند و در نتیجه لزومی نیز به شخصیت‌پردازی پیچیده و عمیق او حس نمی‌شود؛ کاری که یا در توان فیلمساز مورد بحث ما نیست و یا از آن می‌گریزد تا جنگ همچنان محور اصلی باقی بماند. این گفته را به‌حساب ضعف حاتم‌کیا نگذارید؛ هرچند در برج میتو با تمام کوشش‌های فرمالیستی این ویژگی به یک نقطه ضعف بدل می‌شود. میتو در این فیلم، به‌عنوان یک شخصیت، به‌طرح ناقصی می‌ماند که چون همه نگاه‌ها معطوف به اوست، نمی‌تواند کاستی‌هایش را پنهان کند. این‌درحالی است که همین ضعف در بوی پیراهن یوسف، به یمن ماجراها و شخصیت‌های فرعی، بدل به یک خصوصیت می‌شود. نگاه کنیم که چگونه ظفره رفتن حاتم‌کیا از نفوذ به درونیات شیرین به‌عنوان یک زن و شرح تنهایی‌هایش و چگونگی زندگی‌اش در خارج از کشور، از او تصویری کودکانه و معصومانه ساخته است که به سادگی دلش را با ریسها و چراغ‌های رنگی خوش می‌کند و شعرهای کودکانه از بر می‌خواند و از پس رویه خاک گرفته میل عروسکش را می‌یابد. در ادامه همین خصوصیت و ویژگی است که شیرین در این دنیای ناامن، به‌غایت آسیب‌پذیر می‌نماید؛ چنان‌که در همان ابتدا، به‌سادگی، فریب مسافرکشی مشکوک را می‌خورد، و یا با سادگی کودکانه‌ای با دو مرد خیابانگرد همراه می‌شود. توجه کنیم که در هر دو مورد، نجات شیرین توسط دایمی غفور صورت می‌گیرد؛ کسی که به‌رحال از درجه نگاه مردانه فیلمساز، نقش تعدیل شده و مثبت یک پدر را بازی می‌کند و به صورت حامی معصومیت شیرین درمی‌آید. و درست در پی چنین تحلیلی است که فریاد شیرین را در داخل تونل بیشتر کلافگی کودکانه تعبیر می‌کنیم تا طغیانی زنانه؛ و فریادهای میتو را نیز چندان جدی نمی‌گیریم.

تنها پیچش شیرین و میتو در دو فیلم مورد بحث، استحاله و کشف مجدد هویت است؛ تمی که با تکیه بر نماد پلاک در اغلب فیلم‌های حاتم‌کیا تکرار می‌شود. اگر شخصیت‌های مرد حاتم‌کیا حضور در جبهه به اصل‌ترین هویت انسانی دست می‌یابند، زنان این دو فیلم نیز آن‌گاه هویت واقعی خود را می‌یابند که با جبهه و جنگ، هرچند به‌صورت غیرمستقیم، ارتباط پیدا کنند. ظواهر مرفه و آراسته میتو و شیرین، در ابتدای داستان‌ها، نشانگر جدا افتادگی‌شان از جنگ است درحالی‌که در پایان و با گذر از مراحل مختلف داستان هر دو



تغییر می‌کنند: میتو با لباسی سپیده، بی‌هیچ وقفه و هراسی، از پلکان برج بالا می‌رود؛ او در این هیئت تازه چنان سبک است که راه دشوار پیشین را در چشم‌برهم‌زدنی می‌پیماید و دوباره زاده می‌شود و ما باور می‌کنیم که او در این دوران تازه زندگی‌اش، به‌راستی، تجسم زنده ناسخ خواهد بود. نیز درباره شیرین، حتی اگر حدس‌های ما در باب جایگزین شدن یوسف به‌جای خسرو درست از آب درنیاید، به‌رحال می‌دانیم که ایمان دایمی غفور به او نیز منتقل شده است و رهایش نخواهد کرد.

بد نیست، به‌عنوان یک جمع‌بندی کلی، بار دیگر اشاره کنیم که چگونه حاتم‌کیا با دغدغه‌های زنان بیگانه است و از زن بیشتر به‌عنوان تمهیدی زیبایی‌شناسانه بهره می‌گیرد که فضای مردانه سینمای جنگ را تعدیل و راه را برای بروز عواطف و لطایف باز کند. به‌همین علت هم زنان حاتم‌کیا، حتی در نقش‌های اصلی، شعار نمی‌دهند، مشکلی ظالم و مظلوم ندارند و در پی استقلال و آزادی یا اسارت نیستند و به‌تبع آنها ما نیز، به‌عنوان تماشاگر، آنها را صرفاً در ارتباط با جنگ می‌پنیریم؛ بی‌آن‌که بخواهیم تصویر ذهنی ایده‌آلمان را در قامتشان بیابیم.

۴

در بخش ابتدایی بوج میتو همسر یکی از شهیدان گروه ققنوس به موسی پوزخند می‌زند که: «فکر نمی‌کردم ققنوس‌ها را بشود در همچین جایی پیدا کرد.» این گفته بیانگر حقیقت تلخ و شکاف عمیقی است که با به میان کشیده شدن مایه جنگ در میان اقشار مختلف پدید می‌آید. در چنین فضایی است که معتمد کوشش حاتم‌کیا برای تلقین جنگ به‌عنوان سرمایه‌ای ملی و همگانی ارزشمند است و بازتاب کوشش او برکردن این شکاف عمیق است میان تماشاگران و به یاد انداختن این نکته که هرکس با هر ظاهر و هر شکل زندگی، به‌نوعی با پستی‌ها و بلندی‌های جنگ درگیر بوده است؛ همین است که همان زن ابتدایی، وقتی در پایان از پله‌های برج بالا می‌آید تا بدون هیچ قضاوت و مرزبندی، صادقانه، نان و خرمایش را ارزانی این میهمانان ناخوانده کند، او را بیشتر می‌فهمیم و رابطه‌اش را با عنوان «با لطیف» ابتدایی بهتر درمی‌یابیم.



افسانه نجم‌آبادی، جامعه‌شناس و مورخی ایرانی است. او در کالج بارنارد آمریکا مطالعات زنان و تاریخ تدریس می‌کند. کوشش نجم‌آبادی به این واقعه تاریخی ناشی از آن بوده که هرچند در اوایل مشروطیت و تشکیل مجلس سروصدای زیادی به پا کرد اما اندک زمانی بعد به دست فراموشی سپرده شد و دیگر از آن یاد نشد. این کتاب حاصل جست‌وجویی است پیگیر در اسناد و مدارک دوران مشروطیت ایران تا هرچه بیشتر جنبه‌های تاریکی سرنوشت شوم این دخترکان ناگام روشن شود.



به سوی تمدن جدید
الوین تافلر و هاییدی تافلر /
محمد رضا جعفری؛ نشر
سیمرغ؛ ۱۴۰ ص رقیعی؛ ۳۸۰
تومان

الوین تافلر برای کتاب‌خوانان جدی نامی است آشنا. از او، پیش از این، کتاب‌های شوک آینده، موج سوم، جابجایی در قدرت و جنگ و ضد جنگ به فارسی ترجمه و بارها و بارها تجدید چاپ شده است. آنچه آثار تافلر را خوانندگی می‌کند، ذهن‌مشغولی همیشگی اوست با سرنوشت سیاسی انسان معاصر. تافلر معتقد است که بشر تاکنون دو

حکم کند، از زدن و کشتن و ناقص کردن، اطاعت می‌کنند. این عمارت و مبل‌ها و وجوهات و املاک در اندک‌زمان از کجا تحصیل شد؟ تمام مال رعیت بیچاره است... پارسال دخترهای قوچانی را در عوض سه ری گندم مالیات که نداشتند بدهند،



گرفته، به ترکمان‌ها و ارمنه عشق‌آباد به قیمت گزاف فروختند...» (از عریضه آقای طباطبایی به اعلیحضرت مظفرالدین‌شاه، ربیع‌الاول ۱۳۲۴ هجری قمری). گویا که این‌گونه تظلم‌خواهی‌ها برای ملت ایران پایان‌ناپذیر است.

باری، دخترهای قوچانی را در زمان حکومت آصف‌الدوله در خراسان (در بهار ۱۳۲۳ هـ ق) بردند و فروختند، و هرچند این عمل، یعنی دخترفروشی به سبب نداشتن و نپرداختن مالیات، بی‌سابقه نبود لیکن هم‌زمانی این واقعه به‌خصوص با انقلاب مشروطیت سبب شد تا به عنوان موضوعی جذاب برای مطبوعات، کتاب، شینامه‌ها، رساله‌ها و غیره درآید و در نخستین ماه‌های تشکیل مجلس اول «رسیدگی به ماجرای دختران قوچان یکی از موارد تظلم‌خواهی ملت علیه استبداد کهن و یکی از راه‌های آفرینش قدرت ملی شد.»

حمایت و در درگاه عمویش، شاه شیخ ابواسحق، بزرگ شده و دانش و ادب را تا آنجا که برای زنان مقدور بوده، آموخته. ناگفته نماند که خود خانم از استعداد فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده و طبعی بس لطیف داشته.

برای نشان دادن تأثیری که حافظ بر این شازده خانم داشته و با الهامی که بسا خواجه از او گرفته، به دو نمونه بسنده می‌کنیم:

ای دل از سرگشته‌ای از جور دوران
غم مخور ای باشد احوال جهان افتان
و خیزان غم مخور ای (یوسف
گم‌گشته باز آید به کنعان غم
مخور...)

ما تو را دلدار خود پنداشتیم | وز تو
چشم مردمی‌ها داشتیم | (ما زیاران
چشم یاری داشتیم...)

کتاب، کتاب مهمی است. نام ناشر هم احترام‌برانگیز است اما با خواندن فقط دو صفحه از آغاز کتاب چنان آهی از نهاد خواننده برمی‌آید که قطعاً استخوان‌های مرحوم اکبر زوار را در گور به لرزه در می‌آورد. چگونه ممکن است در انتشارات آن مرحوم کتابی منتشر شود که تا این حد غلط چاپی داشته باشد؟ پس آن وسواس و دقت را چه شد؟



حکایت دختران



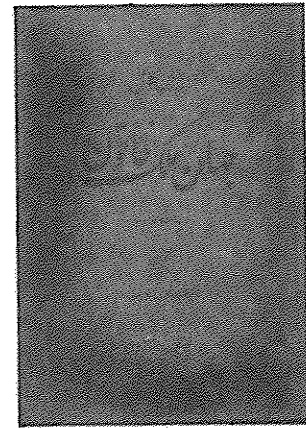
قوچان
افسانه نجم‌آبادی؛ انتشارات
روشنگران؛ ۲۹۳ ص رقیعی؛
۷۰۰ تومان؛ طرح جلد: فرزاد
حسن‌زاده

«اعلیحضرتا مملکت خراب، رعیت پریشان و گداست. تعدی حکام و مأمورین بر مال و عرض و جان رعیت دراز، ظلم حکام و مأمورین اندازه ندارد؛ از مال رعیت هر قدر میل‌شان اقتضا کند می‌برند، قوه غضب و شهوت‌شان به هرچه میل و

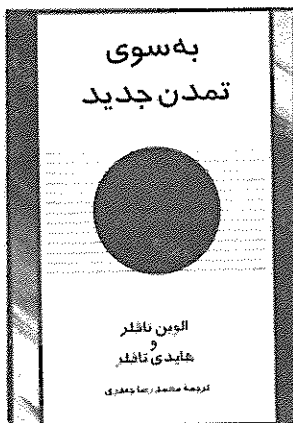


دیوان کامل جهان ملک خاتون

به کوشش دکتر پوراندخت کاشانی‌راد و دکتر کامل احمدنژاد؛ انتشارات زوار؛
۵۵۷ ص وزیری؛ ۱۸۵۰ تومان

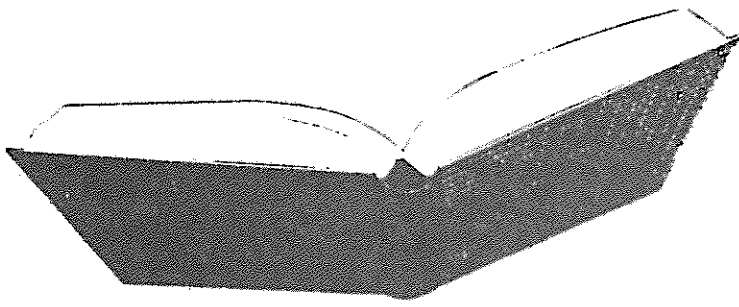


برای نخستین بار است که دیوانی کامل از این شاعره هم‌عصر حافظ منتشر می‌شود. پیش از این پروین دولت‌آبادی، که خود از سرآمدان شعر معاصر است، غزلیاتی را که جهان‌ملک خاتون با الهام از حافظ سروده بود (و یا حافظ با الهام از این بانو؛ کسی چه می‌داند)، در دفتر کوچکی گردآوری کرد که چندسال پیش با عنوان منظور خر دهند منتشر شد و با استقبال هم‌روبرو گردید. اما اکنون ما با دیوانی حجیم از غزلیاتی روی‌رو هستیم که به همت دکتر کاشانی‌راد گردآوری شده و نشان‌دهنده آن است که جهان‌ملک شاعری است حرفه‌ای و دیوان او دست‌کم از دیوان سایر شعرای کهن ما ندارد. جهان‌ملک خاتون شاهرزاده خانمی است که از طرف پدر با خاندان اینجو و از طرف مادر با خواجه رشیدالدین فضل‌الله نسبت داشته و پس از مرگ پدر تحت



موج عظیم تحول را از سر گذرانده که هر یک به مقیاس وسیعی باعث محو فرهنگ‌ها یا تمدن‌های پیشین شده، و شیوه‌هایی از زندگی را جایگزین آنها کرده است که از نظر پیشینیان به کلی محال می‌نموده. نخستین موج این تحول، انقلاب کشاورزی است که هزاران سال به طول انجامید و دومین، انقلاب





تو کویل

لری سیدنتاب / حسن کامشاد؛
۲۲۸ ص؛ ۶۲۰ تومان؛ طرح
جلد همان



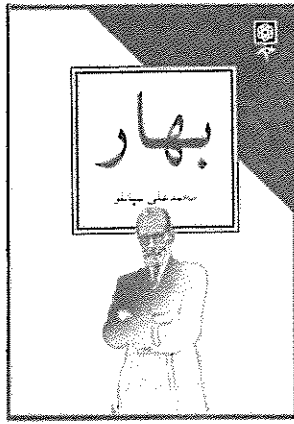
گوته

تی. جی. رید / احمد میرعلایی؛
۱۳۵ ص؛ ۳۷۰ تومان؛ طرح
جلد همان



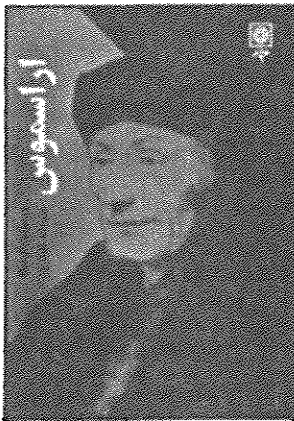
بهار

محمدعلی سپانلو؛ ۱۸۳ ص؛
۴۷۰ تومان؛ طرح جلد: محسن
محبوب



اراسموس

جیمز مک کونیکا / عبدالله
کوشتری؛ ۱۶۲ ص؛ ۴۴۰
تومان؛ طرح جلد همان



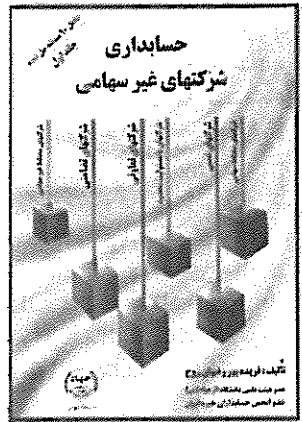
ما هم نامعلوم است)، خوشبختانه از آن حیطة محدود خارج شده و همان‌طور که در کتابخانه زنان همین شماره ملاحظه می‌فرمایید، دو زن با فرهنگ و ادب‌دوست در این زمینه فعال بوده‌اند.

مهروش طهوری با روشی علمی و پس از بررسی کتاب‌های موجود دیگر درباره فایز دشتی یا دشتستانی به این کار اقدام کرده‌است و مزیت کار وی این است که اولاً کتاب از مقدمه‌ای تفسیری و مدقن برخوردار است و دیگر آن‌که همراه با کتاب‌شناسی است.

فایز از شعرای سوخته‌دل جنوبی است که دویستی‌های اغلب آوازهای دشتستانی را تغذیه می‌کند. نه هر سرچشمه‌ای آب زلال است آن‌ه هر لالدرخی صاحب‌کمال است آن‌ه هر برگشته‌بختی هست فایز آن‌ه هر گلداسته‌خوان مثل بلال است.

حسابداری

شرکت‌های غیر سهامی
فریده پوررضوان‌روح؛ جهاد
دانشگاهی دانشگاه تهران؛ ۴۰۰
ص وزیری؛ ۱۱۰۰ تومان
«کتاب حاضر به جزئیات حسابداری شرکت‌های غیرسهامی مشتمل بر شرکت‌های تضامنی، با مسئولیت محدود، نسبی، مختلط سهامی،

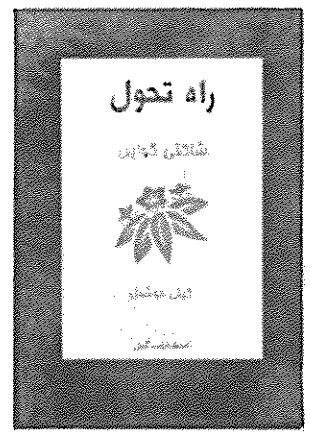


مختلط غیرسهامی و انواع شرکت‌های تعاونی به‌طور جداگانه و همچنین با در نظر گرفتن قوانین موضوعه ایران و سایر کشورها اختصاص دارد.» فریده پوررضوان‌روح، عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا و عضو انجمن حسابداران خبره ایران است.

صنعتی است که طی سیصدسال چرخه‌اش کامل شد. امروزه، با انقلاب تکنولوژی و مخابرات، بدیهی است که موج سوم تحول انسانی بسیار سریع‌تر و پُرشتاب‌تر از دو موج قبلی صورت خواهد پذیرفت و چه بسا فقط چند دهه بینجامد. کتاب موج سوم این نویسنده به تفصیل به این تحول می‌پردازد. کتاب حاضر در حقیقت تفسیری است بر کتاب موج سوم. ببینیم آقای تافلر در جام جم خود سرنوشت انسان قرن بیست‌ویکم را پس از موج سوم تحول چگونه می‌بیند.

راه تحول

شاکتی گواین / گیتی خوشدل؛
انتشارات گیل؛ ۲۱۴ ص رقیمی؛
۵۵۰ تومان



ظاهراً ترکیب گواین و گیتی و گیل ترکیب خوشی است. هرچه خانم خوشدل از خانم گواین ترجمه کرده است، با استقبال روبه‌رو بوده: تجسم خلاق و بازتاب‌های نور. و دلیلی ندارد که این کتاب از همان قاعده پیروی نکند.

خلاصه پیام کتاب این است که ما تا خودمان را متحول نکنیم، جهان اطرافمان تحول پیدا نخواهد کرد، پس بیاموزیم تا دگرگونی را از خود آغاز کنیم و در نهایت آن را تعمیم بدهیم.

ترانه‌های فایز

به‌کوشش مهروش طهوری؛
انتشارات قدیانی؛ ۲۶۳ ص
جیبی؛ ۴۰۰ تومان.
گردآوری و پژوهش در آثار شعرای کهن، که کاری بود مردانه (چرایش بر

کسانی که بانی تمام رشته‌های علوم انسانی هستند و فرهنگ انسان متمدن امروز را به‌وجود آورده‌اند اصل مجموعه از انتشارات دانشگاه آکسفورد انگلستان است اما طرح نو توانسته با افزودن نام ایرانیانی فرهیخته، متفکر و صاحب‌خرد به این مجموعه، آن را از آنچه که در اصل بوده، غنی‌تر نماید؛ کاری پس شایسته و باارزش.

چهار عنوان بالا کتاب‌های جدیدی است از مجموعه «بنیانگذاران فرهنگ امروز» که انتشارات طرح نو هم‌زمان با پربایی نمایشگاه کتاب به بازار فرستاده است. این کتاب‌ها شامل سه ترجمه و یک تألیف است. در معرفی این مجموعه پیش‌تر توضیحاتی داده‌ایم؛ مجموعه همان‌گونه که از نام آن برمی‌آید، دریچه‌ای است به شناخت



◀ امام جمعه شیراز: زنان را نباید در مقابل انقلاب قرار داد

بعضی می‌گویند زنان را در امر ورزش محدود کرده‌اند و ورزش زنان نمی‌گذارید و اگر بگذاریم می‌گویند آنها را به مردان نشان داده‌اید. کانال زنان را از کانال مردان جدا کنید و بعد هم اگر فلان مرد گفت من دیده‌ام، خوب بگویید می‌خواستی نگاه نکنی. این کانال محدود به زنان است.

حجت‌الاسلام حائری شیرازی، امام جمعه شیراز، روز ۲۳ شهریور ماه در خطبه‌های نماز جمعه این شهر، در زمینه اعمال محدودیت‌های فعلی در خصوص پخش ورزش بانوان، ضمن بیان مطالب فوق گفت: «من اعتقاد دارم که سیما یک کانال برای خواهران داشته باشد و یک کانال برای مردان، چون چیزهایی برای مردان حلال است که برای خواهران حرام است و بالعکس... باید برنامه‌های زنان و مردان نیز متفاوت باشد که آنها بتوانند نگاه کنند. بعد بگویند در آن کانال زن برهنه بود. خوب، اگر آن کانال برای زنان باشد، عیبی ندارد. مردان نباید نگاه کنند.»

وی در بخش دیگری از سخنان خود به ضرورت برنامه‌ریزی در خصوص ارتباط صحیح میان زن و مرد در جامعه اشاره کرد و گفت: «ما معتقد نیستیم که ازدواج بیفتد به ۲۵، ۴۰ سالگی. این فاصله همه چیز را خراب می‌کند. این زمان (دخترها و پسرها) با هم محرم باشند، اما تشکیل خانواده ندهند و صاحب فرزندی نشوند، نفقه دختر گردن پسر، عیب ندارد. پیوند دوستی با یکدیگر داشته باشند، پیوند شرعی دوستی، در تمام عالم از این دوستی‌ها می‌کنند بعد هم ازدواج می‌کنند، چه اشکالی دارد.»

حجت‌الاسلام حائری، در مورد چگونگی ارتباط دختران و پسران گفت: «راه شرعی نیز که ما داریم این است که با دوست مشروع خودش دوست باشد، یا او مکاتبه و تلفن کند و با او به مدرسه برود اما رسمی و علنی. همه ببینند و اینها را به هم معرفی کنند و بگویند اینها پیوند

دوستی با هم داده‌اند. با خانواده مشاوره کرده باشند که آیا این‌ها صلاح است یا هم دوست باشند؟ این دوستی علنی باشد نه قاچاقی، نه پنهانی.»

◀ برگزاری اولین المپیاد فرهنگی، ورزشی بانوان استان تهران

اولین المپیاد فرهنگی، ورزشی بانوان شهرستان‌های استان تهران در مردادماه به مدت پانزده روز در ورزشگاه آزادی تهران برگزار شد. پروانه نظرعلی، مسئول اداره ورزش بانوان استان تهران، هدف از برگزاری این جشنواره را استحکام دوستی میان ورزشکاران شهرستان‌های استان تهران دانست و گفت: «این جشنواره زمینه‌ای است برای این‌که ورزشکاران شهرستانی تشویق و ترغیب شوند و تیم دوم استان تهران برای شرکت در مسابقات قهرمان‌کشوری از میان آنها انتخاب شود.»

موارد زیر از نکات قابل توجه این جشنواره بودند:

- در این المپیاد بیش از ۹۰۰ زن ورزشکار از ۲۰ شهرستان استان تهران، در هشت رشته ورزشی حضور داشتند.

- شهرستان‌های کرج و قزوین با حضور در هر هشت رشته ورزشی بیشترین تعداد ورزشکار و شهرستان اسلامشهر با حضور در دو رشته والیبال و دوومیدانی کمترین تعداد ورزشکار را داشتند.

- جوان‌ترین ورزشکار با هشت سال سن و مسن‌ترین ورزشکار با ۶۷ سال سن، هر دو، از شهرستان کهریزک بودند.

- در رده‌بندی کلی نتایج، شهرستان قزوین مقام اول و شهرستان‌های کرج و ورامین، به ترتیب، مقام‌های دوم و سوم را کسب کردند.

◀ پرداخت کمک هزینه بارداری و افزایش مدت مرخصی زایمان

روابط عمومی سازمان تأمین

اجتماعی شرایط پرداخت کمک هزینه بارداری را اعلام کرد. مدت مرخصی زایمان نیز برای زنان مشمول قانون اجتماعی از ۸۴ روز به چهار ماه افزایش یافت.

از این پس، بیمه‌شده زن یا همسر بیمه‌شده مرد در صورتی که در طول یک سال پیش از زایمان شصت روز حق بیمه پرداخته باشد، می‌تواند به شرط عدم اشتغال در آن مدت از کمک هزینه بارداری استفاده کند.

میزان کمک هزینه بارداری معادل دو سوم آخرین مزد یا حقوق بیمه‌شده است که جمعاً برای مدت دوازده هفته (قبل و بعد از زایمان)، بدون کسر سه روز اول، پرداخت خواهد شد.

طبق قانون کنترل جمعیت، این تصمیم فرزندان سوم به بعد نمی‌شود ولی فرزندان توأم خانواده که بعد از فرزند دوم متولد می‌شوند، فرزند سوم محسوب شده و از امتیازات قانونی بهره‌مند خواهند شد.

سازمان تأمین اجتماعی این تصمیم را به منظور تطبیق خدمات بیمه‌ای با قانون ترویج تغذیه با شیر مادر گرفته است که از ۲۲ آذرماه ۷۲ اجرا می‌شود.

◀ موفقیت تعاونی‌های زنان روستایی

تعاونی زنان روستایی کشور با سازمان‌های صندوق کودکان و صندوق جمعیت ملل متحد و اسکاپ در اجرای طرح‌های تولیدی و انتقال تجربیات همکاری دارد.

دکتر پروین معروفی، مدیرکل دفتر ترویج فعالیت‌های زنان روستایی کشور، ضمن اعلام این مطلب گفت: «سازمان‌های بین‌المللی در کار انتقال تجربیات تعاونی‌های تولیدی زنان کشورهای مختلف در زمینه فراوری محصولات کشاورزی، دامی، تأمین ماشین‌آلات و تجهیزات لازم به تعاونی‌های ایرانی کمک می‌کنند.»

گفته می‌شود که تاکنون ۵۳ تعاونی تولیدی زنان در کشور تأسیس و راه‌اندازی شده که بیش از هفت‌هزار و ۵۰۰ نفر از زنان روستایی در آنها به فعالیت‌های تولیدی می‌پردازند و ۶۴، اشگاه نیز

برای فعالیت‌های جمعی، ورزشی، فرهنگی و هنری دختران روستایی تأسیس شده است.

◀ محرومیت زنان کرجی

از آموزش فنی و حرفه‌ای

اسسال به دلیل کمبود فضای آموزشی اولویت فراگیری آموزش فنی و حرفه‌ای به مردان کرج اختصاص یافت.

جان‌محمد عزیزی، مدیر اداره فنی و حرفه‌ای شهرستان کرج، ضمن بیان این مطلب گفت که سازمان فنی و حرفه‌ای این تصمیم را به دلیل مشترک بودن مکان‌های آموزشی خواهران و برادران گرفته است.

وی گفت: «هر ساله بیش از دو هزار زن در کلاس‌های خیاطی، کامپیوتر، حسابداری، نقشه‌کشی و تعمیر لوازم خانگی این سازمان شرکت می‌کردند.»

◀ فعالیت کمیسیون بانوان اسلامشهر

روزانه، ۴۰۰ زن از کلاس‌های فرهنگی، هنری کمیسیون بانوان شهرستان اسلامشهر بهره‌مند می‌شوند.

خانم گیلک، دبیر کمیسیون امور بانوان این شهرستان، اعزام زنان به اردوهای سیاحتی، زیارتی را از دیگر فعالیت‌های این مرکز ذکر کرد.

وی از مسئولان و به‌خصوص استاندار تهران خواست که با توجه به کمبود امکانات شرایط لازم برای تشکیل چنین کلاس‌هایی را فراهم کند.

شهرستان اسلامشهر ۱۶۰ هزار دانش‌آموز دارد که ۵۰ درصد آنها دختر هستند.

◀ ترک تحصیل دختران عشایری بوشهر

به دلیل نبود امکانات تحصیلی و ضعف بنیۀ مالی خانوارها، ۹۰ درصد دختران عشایری بوشهر در پایان مقطع ابتدایی مجبور به ترک تحصیل می‌شوند.



مهندس صادق نکوئیان، مدیرکل امور عشایر بوشهر، در مورد کیفیت آموزش در مناطق عشایری گفت: «پراکندگی آنها (عشایر) موجب شده که یک آموزگار عشایری پنج پایه ابتدایی را با هم تدریس کند. این مسئله یکی از عوامل افت تحصیلی در مناطق عشایری است.»

وی گفت: «سعی داریم این معضل فرهنگی را با گسترش شهرک‌های عشایری و در قالب طرح «اسکان عشایر» حل کنیم.»

شایعه اجباری شدن نوع پوشش در مدارس رد شد

حسین هراتی، معاون پرورشی وزارت آموزش و پرورش: «استفاده از چادر در مدارس دخترانه به هیچ وجه اجباری نیست.»

وی در گفت‌وگویی تلفنی با خبرنگار روزنامه اخبار گفت: «مدیران مدارس شهرهایی که در آنها پوشش بدون چادر از دید عموم بی‌حجابی محسوب می‌شود، می‌توانند با اعلام این موضوع به رئیس آموزش و پرورش منطقه یا استان و در نهایت با توافق وزارت آموزش و پرورش، استفاده از چادر را اجباری اعلام کنند.»

وی تأکید کرد که هیچ مدیر مدرسه‌ای حق ندارد خودسرانه و با اعمال سلیقه برای استفاده از پوشش چادر اجباری ایجاد کند، مگر این‌کار با رضایت اولیای دانش‌آموزان و آموزش و پرورش منطقه صورت بگیرد.

ملکه راهزن‌ها در پارلمان هند

پولان روی، مسموف به ملکه راهزن‌ها، که از طرف حزب سوسیالیست هند نامزد نمایندگی شده بود، با اختلاف ۳۷ هزار رأی، رقیب ملی‌گرایی خود را شکست داد و به پارلمان هند راه یافت.

پس از انتخابات پارلمانی، نخست‌وزیر هند وزارت کشوری را به پولان پیشنهاد کرد اما او این پیشنهاد را نپذیرفت و گفت: «چون سوادم در حدی نیست که هر روز

صدها نامه را بخوانم و پاسخ دهم، مجبور خواهم شد آنها را به‌دست افراد دیگری بسپارم که نمی‌دانم حُسن نیت دارند یا نه. وزارت باواسطه نمی‌خواهم.»

پولان ضمن ابراز وفاداری به قانون اساسی و وطنش گفت که مردم فقیر بودند که به او امکان دادند در مجلس حضور یابند و تأکید کرد که آنها را فراموش نخواهد کرد.

پولان که در مرز ۴۰ سالگی است، زندگی خود را در فقر گذرانده، او در سال ۱۹۸۱، ۲۲ مرد ثروتمند را کشت و پس از این یک ماه، مسلحانه، در کوه‌ها فراری بود، دستگیر شد. او در زندان این امکان را داشت تا با خواندن کتاب‌های مختلف معلومات عمومی خود را بالا ببرد.

قضات پس از ۱۱ سال اتهام او را رد کردند و عمل او را «دفاع از خود» خواندند.

از سرگذشت این زن هندی فیلمی با نام **ملکه راهزن‌ها** ساخته شده که او شهرت خود را میلیون آن است.

زن آهنین بنگلادش در مقام نخست‌وزیری

شیخ حسینه واجد، رهبر ۴۹ ساله حزب عوامی لیگ، پس از به راه انداختن اعتصاب‌های سراسری و مخالفت با دولت خالد ضیاء، او را وادار به استعفا و برگزاری انتخابات، مجدد کرد و با شکست او در این انتخابات خود به مقام نخست‌وزیری رسید.

در انتخابات پارلمانی اخیر بنگلادش که حساس‌ترین انتخابات پس از استقلال بنگلادش در سال ۱۹۷۱ میلادی توصیف شده است، حزب عوامی لیگ با به‌دست آوردن ۱۳۳ کرسی از ۳۰۰ کرسی مجمع قانونگذاری بنگلادش به پیروزی رسید. به این ترتیب و برای تشکیل دولت جدید، ائتلاف این حزب با حزب جاتیبا که ۲۹ کرسی در پارلمان دارد، لازم بود. رهبر حزب جاتیبا، حسین محمد ارشاد، رئیس‌جمهور مخلوع این کشور، به اتهام فساد مالی به ۱۷ سال زندان محکوم شده است و سران کنونی این

حزب حمایت خود را از ائتلاف با حسینه واجد به آزادی حسین محمد ارشاد منوط کردند.

شیخ حسینه واجد بعد از به قدرت رسیدن گفت که صدها تن از زندانیانی را که تنها به دلیل فعالیت سیاسی بر ضد دولت سابق بدون محاکمه زندانی شده‌اند، آزاد خواهد کرد. «مفسران سیاسی معتقدند این حرف چشم‌انداز آزادی ژنرال حسین محمد ارشاد را روشن‌تر کرده است.»

نخست‌وزیر جدید بنگلادش سرپرستی وزارت دفاع و چند وزارتخانه دیگر را خود به عهده گرفته و از تمام مقامات بلندپایه دفاعی این کشور خواسته است که در امور سیاسی کشور دخالت نکنند.

سان سوچی، بانوی برمه

مخالفان دولت برمه، به رهبری سان سوچی، در اجلاس سه روزه‌ای در وانگون گردهم آمدند.

قبلاً دولت نظامی برمه تهدید کرده بود که از برگزاری این اجلاس جلوگیری خواهد کرد و به همین دلیل تعداد زیادی از سیاستمداران طرفدار سوچی را دستگیر کرده بود اما، به هر ترتیب، اجلاس برگزار شد. اکنون نظامیان برمه فشار می‌آورند که سوچی باید از کشور اخراج شود. وی که «بانوی برمه» لقب دارد، در اجتماع چندصد نفری طرفداران خود، در مقابل منزل مسکونی‌اش، اعلام کرد که مبارزه را در داخل کشور دنبال خواهد کرد و از مجامع بین‌المللی خواست که با اعمال تحریم‌های تجاری و جهانگردی، دولت برمه را تحت فشار قرار دهند.

طبق قطعنامه پایانی این اجلاس، سان سوچی موظف شده است که قانون اساسی جدیدی برای برمه تألیف کند. سوچی گفته است که کار تدوین قانون اساسی را به‌زودی آغاز خواهد کرد.

تضاد میان «جنبش ملی برای دموکراسی» به رهبری سان سوچی و دولت نظامی برمه زمانی به اوج خود رسید که آنان در انتخابات سال ۹۲ بیش از نیمی از کرسی‌های نمایندگی پارلمان را به‌دست آوردند اما دولت

نظامی نتایج انتخابات را باطل اعلام کرد.

انتقام دختر پروزاک

فیلم کوتاه «انتقام دختر پروزاک، ساخته بنفشه پورزند مورد توجه محافل علمی قرار گرفته و او اینک در تدارک ساخت فیلم بلندی براساس موضوع آن است.

«پروزاک» نام یک داروی جدید ضدافسردگی است که چندی است در آمریکا و اروپا - به‌ویژه در میان جوان‌ها - رواج یافته و به‌رغم تأثیرهای مثبت آن در آغاز، به‌تدریج باعث اعتیاد می‌شود.

این فیلم نیمه مستند، با طنزی تلخ، سرگذشت دختر جوان تحصیل‌کرده‌ای را روایت می‌کند که در اثر افراط در مصرف «پروزاک»، تا مرحله خودکشی پیش می‌رود اما یکی از دوستانش نجاش می‌دهد و سرانجام ترک اعتیاد می‌کند و براساس همین تجربه، درصدد مبارزه اجتماعی گسترده‌ای با مصرف داروهای ضدافسردگی - به‌ویژه «پروزاک» - برمی‌آید.

آنتونی هیدن، منتقد هنری مطبوعات نیویورک که در نگارش فیلمنامه و ساخت فیلم با بنفشه پورزند همکاری داشته، معتقد است که وجود جنبه‌های توأمان درام و کمدی بر زمینه‌ای مستند می‌تواند باعث آگاهی‌بخشی و تأثیرگذاری عمیق فیلم در جامعه، میان مصرف‌کنندگان و پزشکان و مردم شود.

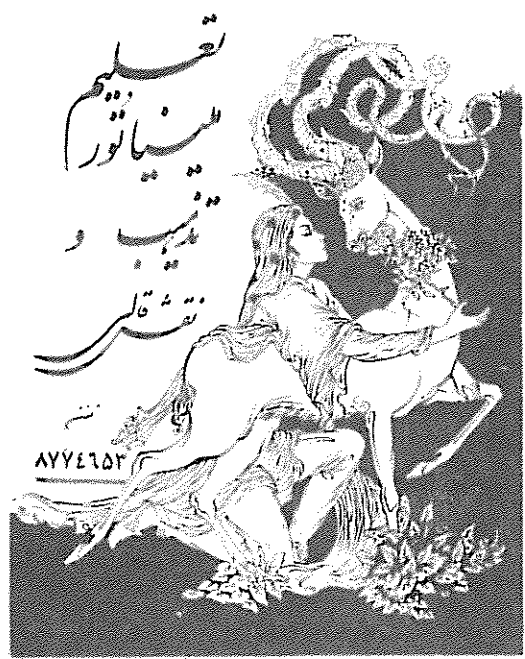
بنفشه پورزند تحصیل کرده رشته مدیریت در آمریکا است، به چهار زبان تسلط دارد و در زمینه‌های فرهنگی و مطبوعاتی و هنری نیز فعالیت داشته و در ادامه همین فعالیت‌ها با هم‌فکری و مشاوره چند تن از دانشندان، فیلمنامه **انتقام دختر پروزاک** را نوشته که حاصلش یک فیلم نیم ساعته ویدئویی است.

بنفشه پورزند همچنین درباره همسران «اردشیر درازدست» فیلمنامه‌ای با عنوان **ملکه هستی و ملکه دشتی** نوشته که روایتی متفاوت از تاریخ یک دوران است و در تلاش است تا این فیلمنامه را با جلب سرمایه‌های ایرانی به مرحله تولید برساند.





Iranian Painting



۸۷۷۴۶۵۲

داروی گیاهی آلکساندر

لاغری بدون رژیم - لاغری موضعی - چاق کننده - داروی ترک سیگار و اعتیاد - جلوگیری از ریزش مو - ماسک ضد لک و جوش صورت - داروی ضد لک و پیس - زل طبیعی - درمان دانه های سر سیاه صورت - رویاندن لثه - رفع سردردهای مزمن - رفع آرتروز - تقویت معده و باد شکم - رفع کندی کبد و ضعف اعصاب - تنظیم چربی و قند خون - صفرابر - بخور پوست صورت - گرمای صد درصد گیاهی - زخم معده و کبیر و الرزی - ناراحتیهای قلب - سنگ کلیه و مثانه - سیاتیک - روماتیزم - آسم و سرما خوردگیهای مزمن - رفع کک و مک - رفع کال و غیره ...

ساعات کار ۹ صبح الی ۱ - ۴/۵ بعد از ظهر الی ۸ شب
نارمک خیابان شهید افشاری (پدرتانی سابق) پلاک ۱۲۰
تلفن: ۷۸۱۴۲۳۸
با تعیین وقت قبلی با مدیریت خانم زویا باغداساریان


اپیلاسیون ، بند، ابرو در منزل نقاضا کننده
تلفن: ۸۰۴۸۵۰۲

○ کلینیک ترمیم ابرو و
در باقیمت های استثنایی،
ترمیم ابرو و ۹۰۰۰ تومان، خط چشم ۸۰۰۰ تومان،
خط لب ۸۰۰۰ تومان، با بهترین و بادوامترین
رنگها تحت نظر متخصص
مراجعه با تعیین وقت قبلی
جلیل زاده ۸۰۲۶۲۴۶

عجله نکنید
ما بخچال فریزر - تلویزیون رنگی - ویدئو -
استریو - لباسشویی - میلمان و سایر لوازم
منزل شما را به بهترین قیمت خریداریم
۷۵۰۲۶۷۲ - ۷۵۰۲۵۹۶
روزهای تعطیل ۲۴۵۶۴۱۷

مرکز تعمیر سشوار

تحويل در سراسر تهران و ایران
تهران: خیابان سعدی - خیابان منوچهری
چهار راه کنت، ساختمان درفشان
(جنرال استیل سابق) طبقه همکف پلاک ۱۸-۱
۳۱۱۷۸۰۱-۳۷۸۳۷۶۷

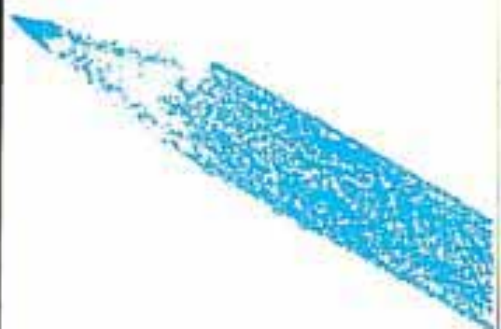


توجه توجه
با عالی ترین کادر کلیه خدمات آرایشی
(عروس) بهداشت پوست ، لاغری تضمینی ،
تنظیم سایز ، کاشت ناخن ، ترمیم ابرو و
رنگ مژه ، فر مژه با تخفیف ویژه
تلفن: ۲۲۷۵۸۶۸

تالار سرونار
آبادیه پذیرایی از مهمانان شما در فضای سبز و تالار می باشد.
اقدسیه مقابل شهر بازی مینی سیتی
۲۲۸۷۳۲۸

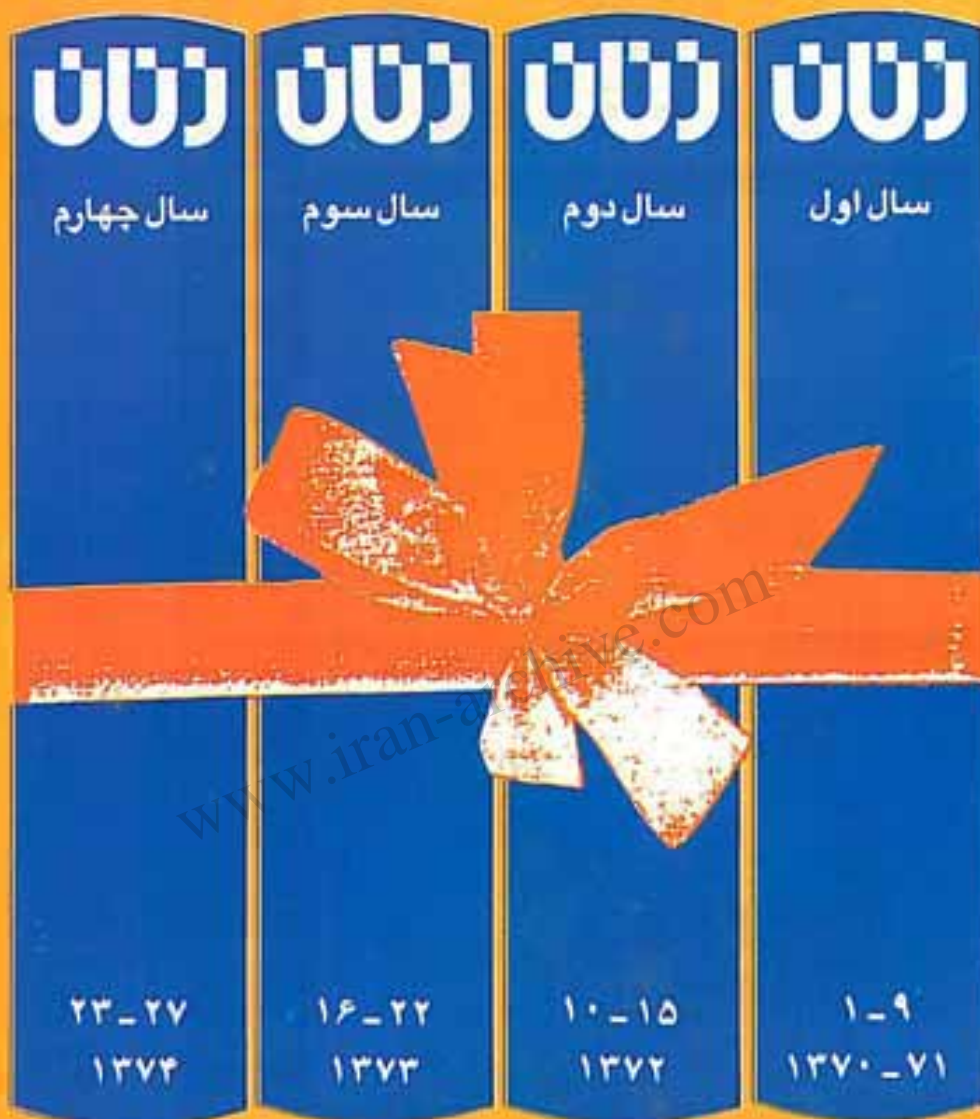
تدریس پیانو
توسط استاد خانم
تلفن: ۲۰۰۵۶۸۲

خانمها و عروس خانمها
ساز لتر از همه جا آرایش عروس کریه با متد
سینمایی ، ترمیم ابرو ، پاکسازی صورت و آموزش
کلیه موارد بالا.
۷۵۳۸۶۶۹



استدler
STAEDTLER

دوره‌های «مجله زنان» با جلد زرکوب



معاونان می‌توانند برای هر یک از دوره‌های اول و دوم و سوم و چهارم
(شماره‌های ۱ تا ۲۷) ۲۷

مبلغ ۲۰۰۰۰ ریال به حساب جاری شماره ۱۹۷۰

بانک ملی ایران شعبه سمیه به نام مجله زنان

(قابل پرداخت بر شعب بانک ملی در سراسر کشور)

واریز کرده، کپی رسید را همراه با

انرس بقیق، کپیستی و تلفن خود،

به آدرس تهران، صندوق پستی ۵۵۶۲ - ۱۵۸۷۵

ارسال فرمایند

هزینه ارسال با پست سفارشی بر عهده «زنان» است